



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

تفسیر قرآن مہر

ڈاکٹر طارق محمد طارق صاحب، اصفہان، جامعہ اسلامیہ اہل سنت، لاہور

ویسٹ جوائنٹس



جلد ۲۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	یادآوری‌ها
۱۸	درآمد
۱۸	بخش اول: سوره‌ی نبأ
۱۸	اول
۱۸	کلیات
۱۹	فضیلت
۱۹	اهداف
۱۹	مطالب
۱۹	دوم
۲۵	بخش دوم: سوره‌ی نازعات
۲۵	اول
۲۵	کلیات
۲۵	فضیلت
۲۵	اهداف
۲۵	مطالب
۲۵	دوم
۳۰	بخش سوم: سوره‌ی عبس
۳۰	اول
۳۰	کلیات
۳۱	فضیلت

۳۱	اهداف
۳۱	مطالب
۳۱	دوم
۳۵	بخش چهارم: سوره‌ی تکویر
۳۵	اول
۳۵	کلیات
۳۶	فضیلت
۳۶	اهداف
۳۶	مطالب
۳۶	دوم
۴۰	بخش پنجم: سوره‌ی انفطار
۴۰	اول
۴۰	کلیات
۴۰	فضیلت
۴۰	اهداف
۴۰	مطالب
۴۰	دوم
۴۳	بخش ششم: سوره‌ی مطففین
۴۳	اول
۴۳	کلیات
۴۳	فضیلت
۴۳	اهداف
۴۳	مطالب
۴۴	دوم

۴۸	بخش هفتم: سوره‌ی انشقاق
۴۹	اول
۴۹	کلیات
۴۹	فضیلت
۴۹	اهداف
۴۹	مطالب
۴۹	دوم
۵۲	بخش هشتم: سوره‌ی بروج
۵۳	اول
۵۳	کلیات
۵۳	فضیلت
۵۳	اهداف
۵۳	مطالب
۵۳	دوم
۵۶	بخش نهم: سوره‌ی طارق
۵۷	اول
۵۷	کلیات
۵۷	فضیلت
۵۷	اهداف
۵۷	مطالب
۵۷	دوم
۶۰	بخش دهم: سوره‌ی اعلی
۶۰	اول
۶۱	کلیات

۶۱	فضیلت
۶۱	اهداف
۶۱	مطالب
۶۱	دوم
۶۴	بخش یازدهم: سوره‌ی غاشیه
۶۴	اول
۶۴	کلیات
۶۵	فضیلت
۶۵	اهداف
۶۵	مطالب
۶۵	دوم
۶۸	بخش دوازدهم: سوره‌ی فجر
۶۸	اول
۶۸	کلیات
۶۸	فضیلت
۶۸	اهداف
۶۸	مطالب
۶۹	دوم
۷۴	بخش سیزدهم: سوره‌ی بلد
۷۴	اول
۷۴	کلیات
۷۴	فضیلت
۷۴	اهداف
۷۴	مطالب

۷۵	دوم
۷۸	بخش چهاردهم: سوره‌ی شمس
۷۸	اول
۷۸	کلیات
۷۸	فضیلت
۷۸	اهداف
۷۸	مطالب
۷۹	دوم
۸۲	بخش پانزدهم: سوره‌ی لیل
۸۲	اول
۸۲	کلیات
۸۲	فضیلت
۸۲	اهداف
۸۲	مطالب
۸۲	دوم
۸۵	بخش شانزدهم: سوره‌ی ضحی
۸۵	اول
۸۵	کلیات
۸۵	فضیلت
۸۵	ویژگی
۸۶	اهداف
۸۶	مطالب
۸۶	دوم
۸۸	بخش هفدهم: سوره‌ی انشراح

۸۸	اول
۸۸	کلیات
۸۹	فضیلت
۸۹	ویژگی
۸۹	اهداف
۸۹	مطالب
۸۹	دوم
۹۰	بخش هجدهم: سوره‌ی تین
۹۰	اول
۹۰	کلیات
۹۱	فضیلت
۹۱	اهداف
۹۱	مطالب
۹۱	دوم
۹۲	بخش نوزدهم: سوره‌ی علق
۹۲	اول
۹۲	کلیات
۹۳	فضیلت
۹۳	ویژگی
۹۳	اهداف
۹۳	مطالب
۹۳	دوم
۹۶	بخش بیستم: سوره‌ی قدر
۹۶	اول

۹۶	کلیات
۹۶	فضیلت
۹۶	اهداف
۹۶	مطالب
۹۶	دوم
۹۹	بخش بیست و یک: سوره‌ی بینه
۹۹	اول
۹۹	کلیات
۹۹	فضیلت
۹۹	اهداف
۹۹	مطالب
۹۹	دوم
۱۰۲	بخش بیست و دوم: سوره‌ی زلزال
۱۰۲	اول
۱۰۲	کلیات
۱۰۲	فضیلت
۱۰۲	اهداف
۱۰۲	مطالب
۱۰۲	دوم
۱۰۴	بخش بیست و سوم: سوره‌ی عادیات
۱۰۴	اول
۱۰۴	کلیات
۱۰۴	فضیلت
۱۰۵	اهداف

- مطالب ۱۰۵
- دوم ۱۰۵
- بخش بیست و چهارم: سوره‌ی قارعه ۱۰۷
- اول ۱۰۷
- کلیات ۱۰۷
- فضیلت ۱۰۷
- اهداف ۱۰۷
- مطالب ۱۰۷
- دوم ۱۰۷
- بخش بیست و پنجم: سوره‌ی تکاثر ۱۰۸
- اول ۱۰۹
- کلیات ۱۰۹
- فضیلت ۱۰۹
- اهداف ۱۰۹
- مطالب ۱۰۹
- دوم ۱۰۹
- سیمای سوره تکاثر ۱۱۰
- بخش بیست و ششم: سوره‌ی همزه ۱۱۳
- اول ۱۱۳
- کلیات ۱۱۳
- فضیلت ۱۱۳
- اهداف ۱۱۳
- مطالب ۱۱۳
- دوم ۱۱۳

۱۱۵	بخش بیست و هفتم: سوره‌ی فیل
۱۱۵	اول
۱۱۵	کلیات
۱۱۵	فضیلت
۱۱۵	ویژگی
۱۱۶	اهداف
۱۱۶	مطالب
۱۱۶	دوم
۱۱۷	بخش بیست و هشتم: سوره‌ی قریش
۱۱۷	اول
۱۱۷	کلیات
۱۱۸	فضیلت
۱۱۸	ویژگی
۱۱۸	اهداف
۱۱۸	مطالب
۱۱۸	دوم
۱۱۹	بخش بیست و نهم: سوره‌ی ماعون
۱۱۹	اول
۱۱۹	کلیات
۱۱۹	فضیلت
۱۱۹	اهداف
۱۱۹	مطالب
۱۱۹	دوم
۱۲۱	بخش سی ام: سوره‌ی کوثر

۱۲۱	اول
۱۲۱	کلیات
۱۲۱	فضیلت
۱۲۱	ویژگی
۱۲۱	اهداف
۱۲۱	مطالب
۱۲۲	دوم
۱۲۳	بخش سی و یکم: سوره‌ی کافرون
۱۲۳	اول
۱۲۳	کلیات
۱۲۳	فضیلت
۱۲۴	اهداف
۱۲۴	مطالب
۱۲۴	دوم
۱۲۵	بخش سی و دوم: سوره‌ی نصر
۱۲۵	اول
۱۲۵	کلیات
۱۲۵	فضیلت
۱۲۵	اهداف
۱۲۶	مطالب
۱۲۶	دوم
۱۲۷	بخش سی و سوم: سوره‌ی مسد
۱۲۷	اول
۱۲۷	کلیات

۱۲۷	فضیلت
۱۲۷	اهداف
۱۲۷	ویژگی
۱۲۸	مطالب
۱۲۸	دوم
۱۲۹	بخش سی و چهارم: سوره‌ی اخلاص
۱۲۹	اول
۱۲۹	کلیات
۱۳۰	فضیلت
۱۳۰	اهداف
۱۳۰	مطالب
۱۳۰	دوم
۱۳۲	بخش سی و پنجم: سوره‌ی فلق
۱۳۲	اول
۱۳۲	کلیات
۱۳۲	فضیلت
۱۳۲	اهداف
۱۳۳	مطالب
۱۳۳	دوم
۱۳۴	بخش سی و ششم: سوره‌ی ناس
۱۳۴	اول
۱۳۴	کلیات
۱۳۴	فضیلت
۱۳۴	اهداف

مطالب ۱۳۴

دوم ۱۳۵

منابع ۱۳۶

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۴۲

تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی اصفهانی، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر: قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳ - مشخصات ظاهری: ج. شابک: ۵۳۰۰۰ ریال ج. ۲۲ ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳۴-۴۲-۵: یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس جلد هجدهم □ ۱۳۸۸. یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت: ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴، ۱۷ □ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت: عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ج. ۲۲. سوره نبا تا ناس. عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ رده بندی کنگره: BP۹۸/۶۶ ۱۳۰۰ ای رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

یادآوری‌ها: تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکازمی و محمدرضا احمدی و ایراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق کنندگان و حامیان: حجج اسلام قمی، دکتر کلانتری، دکتر علی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن - روائی - عقلی - اجتهادی - علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵ بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد و آله الطاهرين « ۱ » وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ « ۲ » ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند.

درآمد

درآمد: قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶ قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۱» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۲» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۳» نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷ ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجة ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن پژوه و مفسر سترگ حضرت آیه الله محمد هادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظر علمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلالی محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی، نصرت الله نیکزاد و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸ معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجة الاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصرالله سلیمانی، نعمت الله صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی، اکبر جعفری و یدالله رضائزاد سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد لله رب العالمین قم - ۱/۲۳ / ۱۳۸۸ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۹

بخش اول: سوره نبأ

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «نبأ» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۴۰ آیه، ۱۷۳ کلمه و ۷۷۰ حرف است. این سوره هفتاد و

نهمین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «نازعات» و بعد از سوره‌ی «معارج» و هفتاد و هشتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «نبا»، «عم»، «تساؤل»، «مُعَصِّرَات» و «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» که در این نام‌گذاری‌ها از آیات اول، دوم و چهاردهم این سوره الهام گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی عم را بخواند خدا در روز رستاخیز از نوشیدنی خنک (بهشتی) به او می‌نوشاند. «۱» و نیز روایت شده که حفظ و قرائت این سوره موجب کوتاه شدن زمان حساب در رستاخیز می‌شود. «۲» البته روشن است که این ثواب‌ها و فواید برای کسی است که این سوره را بخواند و به مضمون آن عمل نماید.

اهداف

اهداف: محوری‌ترین هدف این سوره تبیین مسئله‌ی معاد است.

مطالب

مطالب: در این سوره مطالب زیر به چشم می‌خورد: الف) عقاید: ۱. اثبات معاد به وسیله‌ی نشانه‌های نظم و قدرت الهی (در آیات ۶-۱۶)؛ ۲. بیان نشانه‌های رستاخیز (در آیات ۱۸-۲۰)؛ ۳. بیان اوصاف دوزخ و بهشت (در آیات ۲۱-۳۸). ب) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به صفوف فرشتگان در رستاخیز (در آیه‌ی ۳۸)؛ ۲. اشاره‌ای به تجسم اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۴۰)؛ ۳. اشاره‌ای به نامه‌ی اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۲۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی نبأ قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی نبأ به خبر بزرگ رستاخیز و اختلاف کافران در مورد آن اشاره می‌کند و با هشدار در این مورد می‌فرماید: ۱-۵. عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ * الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ * كَلَّا سَيَعْلَمُونَ * ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ * از چه چیز از یک‌دیگر پرسش می‌کنند؟! * از خبر بسیار بزرگ (رستاخیز)! * (همان) چیزی که آنان در مورد آن اختلاف دارند. * هرگز چنین نیست؛ به زودی خواهند دانست. * سپس هرگز چنین نیست؛ به زودی خواهند دانست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از خبر بسیار بزرگ، «۱» روز رستاخیز است که پس از تذکرات قرآن در مورد معاد، کافران از هم‌دیگر یا از پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان می‌پرسیدند که اوصاف رستاخیز چیست و چه موقع واقع می‌شود. ۲. از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود ولایت امام علی علیه السلام یا مطلق ولایت است. «۲» و نیز روایت شده که در روز صفین مردی از شامیان وارد میدان مبارزه شد در حالی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲ که سوره‌ی نبأ را می‌خواند، امام علی علیه السلام از او پرسید: آیا می‌دانی خبر بزرگی که مردم در مورد آن اختلاف دارند چیست؟ و آن مرد شامی گفت: نمی‌دانم. حضرت فرمود: به خدا سوگند که آن خبر بزرگ من هستم که شما در مورد او اختلاف کردید و در ولایت او نزاع کردید. «۱» این گونه احادیث شاید اشاره به آن باشد که ولایت امام علی علیه السلام همانند رستاخیز، خبر بزرگی است که مردم در مورد آن اختلاف کردند و در حالی که حق بود، برخی آن را انکار نمودند. ۳. اختلاف کافران در مورد رستاخیز از چند جهت بود: برخی اصل معاد را بعید می‌شمردند و برخی معاد جسمانی را منکر بودند یا در آن تردید داشتند ولی برخی دیگر معاد را قبول داشتند. «۲» ۴. منظور عبارت «به زودی آگاه می‌شوند» که رستاخیز واقع می‌شود، چه زمانی است؟ پاسخ آن است که اولاً، در هنگام مرگ پرده‌ها کنار

می‌رود و به حقایق برزخ و معاد یقین پیدا می‌کند. ثانیاً، عمر دنیا نسبت به آخرت بسیار کوتاه است، بنابراین به زودی رستاخیز فرا می‌رسد و از آن آگاه می‌شوند. ثالثاً، هر چه علم بشر پیش‌تر پیش‌رفت می‌کند، نشانه‌ها و دلایل معاد را بیش‌تر متوجه می‌شوند به طوری که دیگر جای انکار نخواهد بود. از این رو با تأکید می‌فرماید که به زودی از رستاخیز آگاه می‌شوند. (۳) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز بسیار بزرگ است که خبر آن نیز عظیم است. ۲. کافران اختلافات عقیدتی درونی دارند. ۳. رستاخیز به زودی خواهد رسید (و اختلافات پایان می‌پذیرد). ۴. بشر هر چه پیش‌رفت می‌کند، از حقایق هستی آگاه‌تر می‌شود. *** قرآن کریم در آیات ششم تا شانزدهم سوره‌ی نبا به نشانه‌های قدرت خدا در صحنه‌ی طبیعت، زمین و آسمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶-۱۶. *أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا* وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا* وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا* وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا* وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا* وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا* وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا* وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا* وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا* لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا* وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا* آیا زمین را بستر قرار ندادیم؟! * و کوه‌ها را میخ‌هایی؟! * و شما را جفت‌هایی آفریدیم؟! * و خواب شما را (مایه‌ی) استراحت قرار دادیم؟! * و شب را پوششی قرار دادیم؟! * و روز را (وقت) زندگی قرار دادیم؟! * و بر فراز شما هفت (آسمان) سخت بنا کردیم؟! * و (خورشید را) چراغی فروزان قرار دادیم؟! * و از (ابرهای) فشرده آبی ریزان فرو فرستادیم؟! * تا به وسیله‌ی آن دانه و گیاه بیرون آوریم؟! * و باغ‌هایی (با درختان) در هم پیچیده. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از طریق برهان قدرت به اثبات معاد پرداخته شده است؛ یعنی به نشانه‌های قدرت خدا در صحنه‌ی طبیعت، آسمان و زمین اشاره شده است تا به منکران معاد نشان دهد که خدایی که می‌تواند این کارهای بزرگ را سامان دهد و زمین و آسمان با عظمت را بیافریند و با آب باران گیاهان و درختان را زنده گرداند و رشد دهد، همان خدا می‌تواند شما را مجدداً زنده و رستاخیز را بر پا سازد. این بهار نوز بعدِ برگ‌ریز هست برهان وجود رستاخیز در بهاران رازها پیدا شود هر چه خوردست این زمین رسوا شود مولوی آری؛ شبهه‌ی اصلی که موجب اختلاف در مورد معاد شده بود، مسئله‌ی امکان آن بود و از این رو منکران معاد آن را بعید می‌شمردند ولی این آیات نشان می‌دهد که خدا قدرتمند است و زنده کردن دوباره‌ی شما برای او مشکل نیست. ۲. این آیات می‌تواند از طریق برهان حکمت نیز به اثبات معاد بپردازد؛ یعنی خدای حکیم که این نظام دقیق و جالب آسمان و زمین و طبیعت را آفریده، حتماً هدفی داشته است، چون آفرینش بدون هدف این جهان با حکمت او منافات دارد؛ بنابراین هدفی بالاتر از این زندگی دنیوی در پیش است که همان معاد است. ۳. خواب و بیداری و رویش گیاهان نیز می‌تواند نمونه‌هایی از معاد باشد؛ مرگ خوابی طولانی است و انسان در معاد مجدداً بیدار می‌شود؛ زنده شدن گیاهان از خاک مرده نیز نمونه‌ای کوچک از رستاخیز بزرگ قیامت است. گل، دفتر اسرار خداوند گشوده است صحرا ورق تازه‌ای از پند گشوده است ۴. «مهاد» به معنای مکان صاف و مرتب یا بستر کودک است و زمین به مهاد تشبیه شده است؛ چون با وجود حرکت‌های وضعی و انتقالی سریع خود، هم‌چون بستری برای استراحت بشر آماده شده است. ۵. در این آیات کوه‌ها «میخ» زمین معرفی شده‌اند؛ زیرا ریشه‌های عظیمی در زمین دارند و هم‌چون زرهی پوسته‌ی زمین را در برابر فشارهای ناشی از مواد مذاب درونی و نیروی جاذبه‌ی کرات دیگر نگاه می‌دارند و جلوی طوفان‌های بزرگ را می‌گیرند. زمین از تب لرزه آمد ستوه فرو کوفت بردامنش میخ کوه (سعدی) ۶. «ازواج» گاهی به معنای جفت‌ها، (جنس نر و ماده) و گاهی به معنای اصناف و انواع است و در این جا ممکن است به هر دو معنا باشد. آری؛ جفت بودن انسان‌ها موجب تداوم نسل آنها و مایه‌ی آرامش زن و مرد است، همان‌طور که اصناف مختلف انسان‌ها و روحيات، رنگ‌ها و نژادهای متفاوت آنها همگی از نشانه‌های قدرت خداست. ۷. واژه‌ی «سُبَات» در اصل به معنای قطع کردن و نیز به معنای تعطیل کار و استراحت آمده است. آری؛ خواب موجب تعطیل شدن بخش قابل توجهی از فعالیت‌های جسمی و روحی و در نتیجه موجب تجدید قوا و نشاط و رفع خستگی می‌گردد. هر چند هنوز همه‌ی اسرار خواب کشف نشده است اما خواب نقش زیادی در سلامت انسان دارد و کمبود آن موجب ناراحتی و بیماری می‌شود. ۸. این آیات شب را پوشش و لباس و روز را وقت تلاش و زندگی معرفی کرده‌اند. آری؛ شب پوششی برای زمین و انسان است و

موجب تعطیلی یا کاهش بسیاری از فعالیت‌ها می‌شود و تاریکی شب زمینه‌ساز خوابی آرام‌بخش است. اما روشنایی روز موجب جنب و جوش موجودات و زندگی آفرین است، هر چند برخی افراد به خاطر انجام وظایف مهمی ناچارند شب‌ها بیدار بمانند و کار کنند و در روز استراحت نمایند اما این موارد استثنا است و استمرار آن موجب رنجور شدن انسان می‌شود و روش صحیح، خوابیدن در شب و کار در روز است. شب از بهر آسایش توست و روز مه روشن و مهر گیتی فروز (سعدی) ۹. مقصود این آیات از هفت چیز سخت بالای سر انسان چیست؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶ مفسران در این مورد چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود همان هفت آسمان است که کهکشان‌ها و ستارگانی که در شب می‌بینیم همگی جزء آسمان اول‌اند. «۱» ب) منظور آسمان‌ها و کرات زیادی هستند که با نظامی محکم و استوار بنا شده‌اند. «۲» ج) مقصود طبقات متعدد جو زمین‌اند که در همان حال رقیق بودن، دارای استحکام خاصی هستند که حتی شهاب‌سنگ‌ها را نابود می‌سازند و هم‌چون سقفی پولادین از زمین محافظت می‌کنند. «۳» ۱۰. خورشید هم چون چراغ فروزانی زمین را از نور و حرارت خویش بهره‌مند می‌سازد «۴» نور و حرارتی که موجب رشد گیاهان و انسان‌ها و موجب پیدایش ابرها و نزول باران می‌شود و اشعه‌های خاص آن میکرب‌کش است و غالباً به صورت متعادل به زمین می‌رسد و انسان‌ها را نه می‌سوزاند و نه در سرمای شدید نگاه می‌دارد. ۱۱. «مُعصرات» در اصل به معنای فشار است و اشاره به ابرهای باران‌زا است که خود را می‌فشارد تا باران از آن بیرون ریزد یا آماده‌ی ریزش باران است؛ «۵» بارانی که موجب رویش گیاهان و درختان می‌شود و غذای انسان را تأمین و زمین را سرسبز و هوا را لطیف می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی و زیست‌شناسی، خداشناس (و معادباور) شوید. ۲. در آرامش زمین، استواری کوه‌ها، نور و حرارت خورشید و سختی آسمان‌ها دقت کنید و درس خداشناسی بیاموزید. ۳. با دقت در زوجیت و خواب خود، نشانه‌های قدرت خدا را بنگرید. ۴. روز برای تلاش و کار و شب برای پوشش (و خواب) شماسست. ۵. از زنده شدن زمین به وسیله‌ی باران به قدرت خدا برای زنده کردن موجودات در رستاخیز پی ببرید. *** قرآن کریم در آیات هفدهم تا بیستم سوره‌ی نبأ به روز جدایی در رستاخیز و ویژگی‌ها و حوادث آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷-۲۰. إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا * يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا * وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا * وَسَيَّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا در حقیقت، روز جدایی، میعادگاه است. * روزی که در شیپور (رستاخیز) دمیده می‌شود و گروه گروه می‌آیند؛ * و آسمان گشوده شود و درهایی (پیدا) شود؛ * و کوه‌ها روان شود و سراب گردند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نام‌های رستاخیز «یوم الفصل» (روز جدایی) است. جدایی حق از باطل و مؤمنان از کافران و هر کسی از پدر و مادر و برادر خویش. ۲. «نفخ صور» به معنای دمیدن در شیپور است که نوعی اعلام است برای حرکت یا توقف لشکر. از آیات قرآن استفاده می‌شود که دو بار در شیپور دمیده می‌شود: یک بار در آستانه‌ی رستاخیز برای اعلام مرگ همه‌ی موجودات زنده و بار دیگر برای زنده شدن موجودات برای برپایی رستاخیز. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸ آیه‌ی فوق به نَفْخِ صُورِ دوم اشاره دارد که با دمیدن در شیپور، همه‌ی مردم زنده شده، گروه گروه در صحنه‌ی رستاخیز حاضر می‌شوند. چون برآید آفتاب رستاخیز برجهند از خاک خوب و زشت تیز (مولوی) ۳. چرا در این آیه بیان شده که مردم به صورت دسته جمعی و گروه گروه برای رستاخیز می‌آیند، اما در برخی دیگر از آیات قرآن بیان شده که مردم به صورت فردی وارد رستاخیز می‌شوند؟ «۱» قیامت ایستگاه‌ها و مواقف متعددی دارد که در برخی گروهی و در برخی فردی وارد می‌شوند و ممکن است به این دلیل باشد که مردم در هنگام حساب‌رسی تنها در برابر دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند و یا این که مقصود، جدا شدن از دوستان و یاوران است. ۴. منظور از درهای آسمان چیست؟ مفسران قرآن در پاسخ این پرسش چند پاسخ داده‌اند: الف) مقصود از درهای آسمان، درهای عالم غیب و شهود است، که در رستاخیز پرده‌ها کنار می‌روند و راه‌های عالم غیب نمایان می‌شوند. «۲» ب) مقصود شکافته شدن آسمان است، یعنی کرات آسمانی متلاشی می‌شوند و آنقدر شکاف‌ها ظاهر می‌شوند که گویا سرتاسر آسمان به درهایی تبدیل شده است. «۳» به عبارت دیگر، گویا در رستاخیز انسان از کره‌ی خاکی آزاد

می‌شود و درهای سفر به آسمان‌ها به روی او گشوده می‌شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹. ۵. کوه‌ها در آستانه‌ی رستاخیز از هم متلاشی می‌شوند و به حرکت در می‌آیند، سپس هم‌چون سرابی دیده می‌شوند؛ البته آغاز متلاشی شدن کوه‌ها در هنگام شیپور اول است اما پایان آن، یعنی سراب شدن آنها، در هنگام شیپور دوم است. «۱» ۶. «سراب» در اصل به معنای راه رفتن در سراشیبی است، ولی از آن جا که در بیابان هنگامی که انسان در سراشیبی راه می‌رود، در اثر شکست نور خورشید، از دور آب‌نما می‌بیند. به این پدیده سراب گفته می‌شود. ۷. حکایت شده که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آیه‌ی فوق پرسش شد و حضرت فرمودند: امت من به ده صورت در محشر حاضر می‌شوند: برخی مثل میمون و برخی مثل خوک و برخی وارونه و برخی نابینا و برخی ناشنوا و غیرعقل و برخی زبان و دست‌های خود را می‌جوند و برخی آویزان بر آتش و برخی بدبو هستند. سپس گناهان هر گروه را بر شمرد. «۲» آری؛ گناهان انسان در روز رستاخیز تجسم می‌یابد و گاهی صورت فرد گناهکار را تغییر می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز جدایی‌هاست. ۲. رستاخیز وعده‌گاه شماسست (پس خود را برای آن روز آماده سازید). ۳. رستاخیز با اعلام عمومی و حرکت گروهی مردم شروع می‌شود. ۴. حرکت کوه‌ها و گشوده شدن درهای آسمان از نشانه‌های رستاخیز است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰ قرآن کریم در آیات بیست و یکم تا سی‌ام سوره‌ی نبأ به حالات طغیان‌گران در دنیا و دوزخ و ثبت اعمال آنان و کمینگاه بودن دوزخ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱-۳۰. إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا * لِلطَّاغِيْنَ مَا بَأْسًا * لَآ يَشِيْنَ فِيهَا أَحْقَابًا * لَآ يَرُدُّوْنَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا * إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا * جَزَاءً وَفَاقًا * إِنَّهُمْ كَانُوا لَآ يَرْجُونَ حِسَابًا * وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا * وَكُلَّ شَيْءٍ أَخْضَيْنَاهُ كِتَابًا * فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا در حقیقت، جهنم کمینگاه است؛* بازگشتگاهی برای طغیان‌گران است؛* در حالی که در آن جا مدت‌های طولانی درنگ می‌کنند.* در آن جا هیچ سردی و نوشابه‌ای نمی‌چشند؛* جز آبی سوزان و چرکاب؛* (این) کيفری موافق (اعمالشان) است.* [چرا] که آنان هرگز امیدي به حساب نداشتند؛* و آیات ما را کاملاً تکذیب کردند.* و هر چیزی را در کتابی بر شمرده‌ایم؛* پس (به آنان گفته می‌شود): بچشید که جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات چند ویژگی برای دوزخ بیان شده است: الف) کمینگاهی است که در راه خلافکاران سرکش بسیار کمین می‌کند و آنان را به آتش خویش گرفتار می‌سازد. «۱» ب) محل بازگشت و قرارگاه طغیان‌گران است. ج) در دوزخ نوشیدنی خنک یافت نمی‌شود و خوراک دوزخیان آب سوزان و خوناب است. ۲. چرا در این آیات بیان شده که طغیان‌گران ده‌ها سال در آتش دوزخ می‌مانند، «۲» در حالی که در برخی دیگر از آیات قرآن به جاودان بودن عذاب دوزخیان اشاره شده است؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱ برخی مفسران در پاسخ گفته‌اند که مقصود این آیات آن است که زمان عذاب طغیان‌گران پی‌درپی می‌آید ولی تمام نمی‌شود. «۱» اما از امام باقر علیه السلام روایت شده که مقصود آیه گناهکارانی است که سرانجام از دوزخ نجات می‌یابند «۲» (نه کافرانی که همیشه در دوزخ می‌مانند). ۳. غذای دوزخیان آب سوزان و چرک و خونی است که از زخم‌ها جاری می‌شود و یا مایعات بد بو. ۴. عذاب‌های دوزخیان به خاطر اعمال و عقاید آنهاست؛ یعنی عکس‌العمل کارهای آنان، بلکه تجسم اعمالشان است و ظلمی در حق آنها نمی‌شود. نگیرد هیچ کس در دامن محشر گریبان اگر دامان خود را جمع‌سازی غنچه وار این جا ۵. در این آیات به دو عامل عذاب دوزخیان اشاره شده است: الف) آنان حساب رستاخیز را باور نداشتند و از آن روز غفلت کرده، هراسی به دل راه نمی‌دادند «۳» و از این رو دست به هر گناهی می‌زدند. ب) آنان نشانه‌های خدا و آیات او در زمینه‌ی توحید، نبوت و معاد را تکذیب می‌کردند، تا با پیروی از هوا و هوس خود، هر گناهی را مرتکب شوند. ۶. همه چیز، از جمله اعمال انسان‌ها، در کتابی شمارش و ثبت می‌شود تا در رستاخیز به حساب آنها رسیدگی و کيفر و پاداش مناسب به آنان داده شود. پس مجازات طغیان‌گران براساس علم و حساب است. ۷. در این آیات بیان شده که مرتب بر عذاب طغیان‌گران در دوزخ افزوده می‌شود. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲ این آیه شدیدترین آیه‌ای است که در قرآن درباره‌ی دوزخیان آمده است. «۱» ۸. امام خمینی رحمه الله در مورد دوزخ می‌نویسند: وجود جهنم و

عذاب الیم آن از ضروریات جمیع ادیان و واضحات برهان است و اصحاب مکاشفه و ارباب قلوب، در همین عالم نمونه‌ی آن را دیده‌اند. درست تصور کن و تدبّر کن ... اگر احتمال صحت هم بدهی، نباید مثل دیوانه‌ها سر به بیابان بگذاری؟ چه شده که ما این قدر در خواب غفلت و جهالتیم؟! ... ما را چه شده که هیچ حیا نکرده، در محضر ربوبیت، این قدر هتک حرمت و نوامیس الهی را می‌کنیم؟ «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از کمینگاه دوزخ بهر اسید. ۲. سرکشی، تکذیب‌گری و معاد ناباوری زمینه‌ساز ورود به آتش است. ۳. اگر می‌خواهید دوزخی نشوید، از روز رستاخیز حساب ببرید. ۴. دوزخیان آسایش نخواهند داشت و همواره بر عذاب آنان افزوده می‌شود. ۵. همه چیز شما ثبت می‌شود (پس مراقب اعمال خود باشید). *** قرآن کریم در آیات سی و یکم تا سی و ششم سوره‌ی نبأ به پاداش‌های پارسایان در بهشت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱-۳۶. إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأَسَاءَ دِهَاقًا لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۳ در حقیقت، برای خودنگه‌داران کام‌یابی است. * (همان) باغ‌ها و انگورها، * و (دختران) نوجوان هم‌سال، * و جامی پُر (از شراب بهشتی). * که در آن جا هیچ بیهودگی و تکذیبی نمی‌شنوند. * (این) پاداشی است از سوی پروردگارت، در حالی که بخششی حساب شده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله‌ی فرجام نیکان و بدان است. در این آیات نیز سرنوشت پارسایان در برابر سرنوشت طغیان‌گران به تصویر کشیده شده تا مردم بهتر بتوانند راه خود را انتخاب کنند. ۲. در این آیات چند نعمت بهشتی پارسایان برشمرده شده است: الف) رستگاری و پیروزی بزرگ آنان آن است که از انحرافات و دوزخ نجات یافتند و راه خیر و سلامت و سعادت را پیمودند و وارد بهشت شدند. «۱» ب) باغ‌های خرم و انگورهای متنوع است که برای پارسایان در بهشت آماده شده است. ج) حوریان نیکوی بهشتی، یعنی دوشیزگانی نوجوان و هم سن و سال که به همسری پارسایان درمی‌آیند. «۲» د) شراب طهور بهشتی که در جام‌هایی لبریز، صاف و زلال پی‌درپی برای پارسایان می‌آورند؛ «۳» شرابی که عقل آور و نشاط‌آفرین است و نوشیدن آن موجب مستی و بیهوده‌گویی و دروغ‌گویی نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۴ ه) محیط سالم بهشت که از آلودگی‌های صوتی پیرایش شده است؛ یعنی در آن جا سخنان باطل و دروغ و تکذیب به گوش نمی‌رسد. «۱» ۳. در میان میوه‌های بهشتی از انگور نام برده شده است که اهمیت این میوه را نشان می‌دهد. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده «که بهترین میوه‌ی شما انگور است.» «۲» غذاشناسان نیز بر آن اند که انگور یک غذای کامل است و خواص درمانی نیز دارد. ۴. بخشی از نعمت‌های بهشتی پاداش اعمال پارسایان است ولی بخشی دیگر از هدایای کافی و حساب شده‌ی الهی است؛ «۳» یعنی اعمال انسان‌ها آن قدر زیاد نیست که در برابر این نعمت‌های الهی قرار گیرد از این رو لطف الهی شامل حال پارسایان می‌شود. ۵. از امام علی علیه السلام روایت شده: در رستاخیز نیک‌های مؤمنان را حساب می‌کنند و در برابر هر نیک‌ی ده تا هفتصد برابر پاداش می‌دهند. سپس به آیه‌ی فوق اشاره کردند. «۴» نکوکاری از مردم نیک‌رأی یکی را به ده می‌نویسد خدای (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۵. ۶. در آیات پیشین در مورد عذاب‌های طغیان‌گران فرمود: «این‌ها کیفر مناسب اعمال آنهاست.» اما در مورد بهشتیان، علاوه بر پاداش، هدایای حساب شده می‌دهد. آری؛ خدا با گناهکاران به عدل رفتار می‌کند ولی با پارسایان به فضل. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر نعمت‌های بهشتی می‌خواهید، پارسا شوید. ۲. پارسایی و تقوا زمینه‌ساز رستگاری و کام‌یابی است. ۳. بهشت را به بها می‌دهند (نه به بهانه). ۴. در محیط بهشت آلودگی صوتی وجود ندارد. ۵. خدا به پارسایان علاوه بر پاداش اعمالشان، هدایایی حساب شده می‌دهد. *** قرآن کریم در آیات سی و هفتم و سی و هشتم سوره‌ی نبأ به ویژگی‌های رستاخیز و ضوابط سخن گفتن در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷ و ۳۸. رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (همان) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در بین آن دو است؛ (همان خدای) گسترده‌مهر؛ در حالی که از جانب او (اجازه‌ی) سخن گفتن ندارند. * روزی که روح و فرشتگان صف کشیده به پا می‌خیزند، در حالی که سخن نمی‌گویند جز کسی که (خدای) گسترده‌مهر به او رخصت دهد و مطابق واقع

بگوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخن گفتن در محضر خدا آداب و ضوابطی دارد؛ ضوابطی که فرشتگان در رستاخیز رعایت می‌کنند؛ یعنی بدون رخصت الهی سخن نمی‌گویند و هر گاه اجازه‌ی سخن گفتن یافتند سخنان درست و مطابق واقع و حق می‌گویند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۶. ۲. سخن گفتن افراد با ربوبیت و رحمت گسترده‌ی الهی ارتباط دارد؛ یعنی نطق و قدرت سخن گفتن یکی از مظاهر رحمت خداست که به وسیله‌ی آن پرورش یافته، رشد و تکامل می‌یابند. ۳. همه‌ی اهل آسمان‌ها و زمین، پارسایان و طغیانگران، در رستاخیز، حق سخن گفتن ندارند؛ زیرا از طرفی حساب الهی دقیق و عادلانه است و جای سخن و اعتراض باقی نمی‌گذارد و از طرف دیگر باید در پیشگاه الهی ادب را رعایت بکنند و بدون رخصت سخن نگویند. ۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده که در مورد آیه‌ی فوق فرمودند: به خدا سوگند! در روز رستاخیز به ما اجازه‌ی سخن گفتن داده می‌شود (سپس توضیح دادند که) ما ستایش پروردگار می‌نماییم و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود می‌فرستیم و برای پیروان خود شفاعت می‌کنیم و خدا تقاضای ما را رد نمی‌کند. «۱» ۵. مقصود از به پاخاستن فرشتگان و روح در یک صف در پیشگاه خدا، آن است که آنان آماده‌ی اجرای دستورات الهی می‌شوند و همگی ساکت و گوش به فرمان هستند. ۶. مقصود از «روح» در این آیات، فرشته‌ای برتر از همه‌ی فرشتگان است، «۲» که براساس روایات، از جبرئیل نیز برتر است و با پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام همراه بوده و در رستاخیز نیز آماده‌ی اجرای فرمان الهی است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۷. ۷. شاید این آیات به عصمت فرشتگان اشاره داشته باشند، که آنان تسلیم محض خدا هستند و بدون اجازه‌ی او سخن نمی‌گویند و سخن صواب می‌گویند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر خدا، بدون اجازه و سخنان ناصواب نگویند. ۲. سخن گفتن افراد با ربوبیت و رحمت گسترده‌ی الهی ارتباط دارد. ۳. فرشتگان آداب حضور در پیشگاه خدا را کاملاً رعایت می‌کنند. ۴. فرشتگان معصوم هستند. ***

قرآن کریم در آیات سی و نهم و چهلم سوره‌ی نبأ به آزادی انسان در انتخاب راه و حقانیت رستاخیز و تجسم اعمال و پشیمانی کافران در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹ و ۴۰: ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَاءً * إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا * آن روز حق است؛ پس هر کس بخواهد (راه) بازگشتی به سوی پروردگارش برگزیند. * درحقیقت، ما شما را به عذابی نزدیک هشدار دادیم؛ روزی که انسان به دستاورد پیشین خود می‌نگرد، و کافر می‌گوید: «ای (مردم) کاش من خاک بودم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رستاخیز حق است؛ یعنی ثابت و مطابق واقع است که تحقق می‌یابد. در آن روز حق هر کس به او داده می‌شود و حقایق و اسرار آشکار می‌شود. ۲. انسان دارای آزادی اراده است؛ یعنی با توجه به عقل و فطرت و راه‌نمایی پیامبران راه برای انسان روشن شده است و هر کس بخواهد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۸ می‌تواند راه صحیح و هدایت را در پیش گیرد و به سوی خدا بازگردد «۱» و هر کس بخواهد می‌تواند راه سرکشی و گناه و دوزخ را در پیش بگیرد. ۳. منظور از بازگشت در این آیه، بازگشت تکوینی نیست؛ زیرا فرجام همگان خواه ناخواه به سوی خداست. مقصود بازگشت به دین الهی و توبه و حرکت تکاملی به سوی خداست که در اختیار انسان است. ۴. عذاب رستاخیز نزدیک است؛ عمر دنیا هر اندازه باشد در برابر خدا و رستاخیز کوتاه است، بلکه هم اکنون دوزخ کافران را احاطه کرده است. «۲» ۵. در رستاخیز اعمال انسان به صورت‌های مناسب تجسم می‌یابد و در برابر او ظاهر می‌شود و انسان دست‌آورد خویش را می‌بیند. در این روز نیکوکاران شاد و بدکاران گرفتار پشیمانی و حسرت می‌شوند. آری؛ همان اعمال گناه‌آلود است که در رستاخیز به صورت کیفر و عذاب درمی‌آید و آنان را گرفتار می‌سازد. «۳» پیشه‌ها و خلق‌ها هم‌چون جهیز سوی خصم آیند روز رستاخیز. ۶. تعبیر «چیزی که انسان با دستانش پیش فرستاده است»، اشاره به آن است که انسان غالباً کارها را با دست خویش انجام می‌دهد، وگرنه همه‌ی کارهای دست و زبان و چشم و گوش مشمول این قانون است و انسان اعمالش را در رستاخیز می‌بیند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۹. ۷. کافران در رستاخیز پشیمان می‌شوند و آرزو می‌کنند که ای کاش خاک بودند و هرگز انسان کافر گناهکار نشده بودند که اکنون گرفتار عذاب الهی شوند. آری؛ انسانی که برترین موجودات است ممکن است کارش به

جایی برسد که آرزو کند به خاک تبدیل شود. خاک از انسان کافر بهتر است؛ زیرا منبع مواد غذایی و معادن و بستر انسان است و به دیگران ستم نمی‌کند اما گاهی افراد کافر هیچ خیری برای هم‌نوعان خود ندارند و بلکه بر اثر ستمکاری و سرکشی، جامعه‌ی بشری و جهان را به ورطه‌ی نابودی می‌کشاند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان در انتخاب راه کمال‌آفرین الهی آزاد است. ۲. رستاخیز حتماً واقع می‌شود (پس برای آن روز توشه‌ای بگیرید). ۳. عذاب رستاخیز نزدیک است (پس برای گناهان خود چاره‌ای بیندیشید). ۴. رستاخیز روز تجسم اعمال است (پس مراقب باشید که در دنیا چه می‌کنید). ۵. رستاخیز روز پشیمانی کافران است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۱

بخش دوم: سوره‌ی نازعات

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «نازعات» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۴۶ آیه، ۱۳۹ کلمه و ۷۵۳ حرف است. این سوره هشتادمین سوره در ترتیل نزول (بعد از سوره‌ی «نبأ» و قبل از سوره‌ی «انفطار») و هفتاد و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «نازعات» (از جاکندن) است و از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۲

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده: هر کس سوره‌ی نازعات را بخواند، سیراب از دنیا می‌رود و در رستاخیز سیراب می‌آید و سیراب وارد بهشت می‌شود. «۱» البته این آثار برای کسی است که این سوره را بخواند و به محتوای آن معتقد شود و در مسیر اهداف آن گام بردارد، که در این صورت از رحمت الهی سیراب خواهد شد.

اهداف

اهداف: محوری‌ترین هدف این سوره مسئله‌ی معاد و تأکید بر تحقق آن است.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. بیان مطالبی درباره‌ی معاد و مجهول بودن تاریخ وقوع آن (در آیات ۶-۴۶)؛ ۲. اشاره‌ای به حوادث وحشتناک رستاخیز (در آیات ۳۴ و ۳۶)؛ ۳. اشاره‌ای به مظاهر قدرت خدا به عنوان دلایل معاد (در آیات ۲۷-۳۳). ب) داستان: اشاره‌ای بر مبارزات موسی با فرعون و لزوم عبرت‌آموزی از آن (در آیات ۱۵-۲۲). ج) مطالب فرعی: ۱. مبارزه با نفس و پاداش آن (در آیات ۴۰ و ۴۱)؛ ۲. اشاره به شبهات منکران معاد (در آیات ۱۰-۱۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی نازعات قرآن کریم در آیات اول تا نهم سوره‌ی نازعات با سوگندهای مکرر به حقیقت رستاخیز و حوادث هولناک آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۹. وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا* وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا* وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا* فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا* فَالْمُدَبِّرَاتِ

أَمْراً* يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ* تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ* قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ* أَبْصَارُهُمْ خَاشِعَةٌ سَوْغَدٌ به بازستانان نرم گیر! سوغند به شناوران تندرو! و پیشی گیرندگان پشتاز! و تدبیر کنندگان کار [ها]! روزی که لرزاننده می‌لرزاند، در حالی که (لرزاننده‌ی) دنباله‌رو در پی آن درآید. در آن روز دل‌های مضطرب، دیدگان‌شان فروتن است، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد پنج آیه‌ی نخست این سوره سه تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) منظور این آیات فرشتگان الهی‌اند که در هنگام گرفتن جان کافران به سختی عمل می‌کنند؛ ولی روح مؤمنان را با نرمی و نشاط می‌گیرند و در اجرای فرمان الهی با سرعت عمل می‌کنند و بر یک‌دیگر پیشی می‌گیرند و امور جهان را تدبیر می‌کنند. ب) مقصود آیات، ستارگان آسمان‌اند که از افق‌ها کنده شده، به نرمی در فضا شناور می‌شوند و بربیک‌دیگر پیشی می‌گیرند و (به فرمان خدا با نور و حرارت خود) امور جهان را تدبیر می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۴ ج) منظور این آیات مجاهدان راه خدا هستند که از خانه‌های خود کنده می‌شوند و بانشاط راهی میدان نبرد می‌شوند و بربیک‌دیگر سبقت می‌گیرند و امور جنگ را تدبیر می‌کنند. «۱» البته مانعی ندارد که این آیات اشاره به هر سه تفسیر باشد؛ یعنی آیات مطلبی کلی را بیان می‌کنند که هر کدام از این‌ها یک مصداق آن است. اما تفسیر اول مناسب‌تر است؛ چون احادیث متعددی آن را تأیید می‌کنند. «۲» ۲. خدای متعال سخنانش حق است و نیازی به سوغند ندارد ولی گاهی برای تأکید بر مطلب و یا جلب توجه به امری خاص و نشان دادن اهمیت آن، سوغند یاد می‌کند؛ و در این جا به فرشتگان و کارهای آنان سوغند یاد می‌کند تا بر وقوع رستاخیز و حتمی بودن آن تأکید کند. «۳» ۳. در این آیات به دو حادثه‌ی بزرگ در آستانه‌ی رستاخیز اشاره شده است: الف) زمین‌لرزه‌ی هولناک، که اشاره به نفخ صور اول است. با دمیدن شیپور و اعلام عمومی، نظام جهان درهم می‌ریزد و همه‌ی موجودات می‌میرند. ب) حادثه‌ی بزرگ که به دنبال آن می‌آید. در این جا اشاره به نفخ صور دوم است که با دمیدن شیپور و اعلام عمومی، همه‌ی موجودات زنده شده، رستاخیز شروع می‌شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۵ از خاک برویند در این دور خلائق کین نفخه‌ی صورست که کردست صدایی ۴. در رستاخیز دل‌های خلافکاران به شدت می‌لرزد؛ چون نگران حساب و کیفر خود هستند و از این رو چشمان آنها از شدت ترس به زیر افتاده، فروتن گشته و از حرکت باز ایستاده است. آری؛ کسانی که در دنیا مردم را به وحشت می‌انداختند، امروز ترسان و لرزان می‌شوند و کسانی که سرکشی می‌کردند، امروز از ترس فروتن می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد کارهای فرشتگان الهی مطالعه کنید (تا به قدرت خدا پی ببرید و معاد شناس شوید). ۲. حرکت، نشاط، سبقت و تدبیر را از فرشتگان الهی بیاموزید. ۳. رستاخیز با حوادث هولناک پی‌درپی آغاز می‌شود. ۴. حوادث رستاخیز، بردل‌ها لرزه می‌افکند و سرکشان را فروتن می‌سازد. *** قرآن کریم در آیات دهم تا چهاردهم سوره‌ی نازعات با بیان بهانه تراشی منکران معاد، به ناگهانی بودن رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰-۱۴. يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَيَاةِ* إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَحْرَةً* قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ* فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ* فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ در حالی که می‌گویند: «آیا قطعاً، ما به حالت نخستین (زندگی) بازگردانده می‌شویم؟! آیا هنگامی که استخوان‌های پوسیده‌ای شدیم؟!» گفتند: «در آن صورت، آن (رستاخیز) بازگشتی زیانبار است!»، و [لی آن (رستاخیز) تنها یک خروش است! و ناگهان آنان بر روی زمین (رستاخیز) هستند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منکران معاد، دلیل منطقی برای انکار رستاخیز ندارند، بلکه معمولاً بهانه تراشی و شبهه‌افکنی می‌کنند و رستاخیز را بعید می‌شمارند و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۶ می‌گویند: هنگامی که ما مردیم و استخوان پوسیده و پراکنده شدیم چگونه بار دیگر ذرات بدن ما جمع‌آوری و زنده می‌شود؟! در حالی که اگر آنان به قدرت و علم بی‌کران الهی توجه می‌کردند، می‌فهمیدند که این کارها برای خدا آسان است و زنده شدن در رستاخیز بعید نیست. ۲. منکران معاد رستاخیز را روزی «زیان آور» می‌دانستند و گاهی این سخن را بر زبان می‌آوردند. «۱» این تعبیر ممکن است نوعی ریشخند نسبت به رستاخیز باشد (یعنی آنان می‌گویند: اگر رستاخیزی باشد ما گرفتار عذاب می‌شویم و برای ما سخت است!) و یا اشکالی بر رستاخیز باشد که بازگشت به زندگی، کاری تکراری و بیهوده است «۲» و چرا خدا همین زندگی را ادامه نمی‌دهد؟! «۱»

ولی آنان نمی‌دانستند که قیامت مرحله‌ی تکاملی دنیاست و برای رسیدگی به اعمال و دادن پاداش و کیفر ضروری است. در هر صورت، رستاخیز برای کافران روزی سخت و زیانبار است؛ چون به کیفر اعمال خود می‌رسند و گرفتار عذاب می‌شوند. «۳» چو بد کردی مباش ایمن ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات سپهر آینه‌ی عدل است، شاید که هر چه از تو بیند وانماید ۳. وقوع رستاخیز برای خدا مشکل نیست بلکه وقتی بانگ عظیم (نفخه‌ی صور دوم) واقع شود، ناگهان همه‌ی موجودات، زنده و در رستاخیز حاضر می‌شوند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منکران معاد، در برابر آن، شبهه‌پراکنی و بهانه‌تراشی می‌کنند (و دلیل منطقی ندارند). ۲. رستاخیز برای کافران روزی زیانبار است (پس مراقب اعمال خود باشند). ۳. رستاخیز حادثه‌ای ناگهانی است (پس خود را برای آن روز آماده سازید). ۴. برپا شدن رستاخیز برای خدا آسان است و با یک بانگ به‌پا می‌شود. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا بیستم سوره‌ی نازعات به اهداف مبارزه‌ی موسی با فرعون و شیوه‌ی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵-۲۰. هَلْ أَتَاكَ خِدْيْتُ مُوسَىٰ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِاللَّوَادِ الْمُقَدَّسِ طُورٍ * اذْهَبْ اِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُلْ هَلْ لَكَ اِلَىٰ اَنْ تَزَكَّىٰ وَاَهْدِيكَ اِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ فَارَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ آیا خبر موسی به تو رسیده است؟! * هنگامی که پروردگارش او را در سرزمین مقدس «طوی ندا داد:» (که) به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است؛ * و بگو: «آیا برای تو [میلی به سوی] پاک شدن و [رشد یافتن هست؟! * و (این که) تو را به سوی پروردگارت راه‌نمایی کنم، پس به‌راسی؟! * و (موسی) نشانه (معجزه آسای) بزرگ‌تر را به او نمایاند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل شبهات مشرکان و مخالفان اسلام در مورد معاد بیان شد، ولی این روش قرآن است که مکرر سرگذشت مخالفان پیامبران الهی را یادآور می‌شود تا هشدار برای مخالفان اسلام باشد و فرجام عذاب آلود آنان را ببینند و عبرت بگیرند. ۲. قرآن کریم در سوره‌های متعددی به سرگذشت موسی علیه السلام و مبارزات تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۸ او با فرعون اشاره کرده است. «۱» این مطلب اهمیت این ماجرا و عبرت‌آموز بودن آن را نشان می‌دهد. ۳. برنامه‌های تبلیغی موسی علیه السلام در چند مرحله تحقق یافته است: الف) رسالت و نبوت او در سرزمین مقدس طوی بین مدین و مصر، با وحی بر موسی علیه السلام شروع شد و خدا با او سخن گفت. «۲» ب) مأموریت او برای مبارزه با فرعون بود؛ زیرا او سرکشی کرده بود و وظیفه‌ی پیامبران الهی است که با طغیانگر مبارزه کنند. ج) دعوت لطیف و تشویق‌آمیز فرعون به سوی پاکی و هدایت است، به طوری که موسی علیه السلام به او نمی‌گوید می‌خواهم تورا پاک کنم، بلکه می‌گوید: آیا می‌خواهی پاک شوی و رشدیابی؟ آری؛ پیامبران الهی باید با افراد سرکشی هم‌چون فرعون نیز، در مرتبه‌ی اول با لطف و هدایت‌گرانه سخن بگویند. «۳» به نرمی چو کاری توان برد پیش درشتی مجوید ز اندازه بیش د) معجزاتی هم‌چون عصای اژدهاگونه و دست سفید خویش را به فرعون نشان داد تا با دیدن این نشانه‌ها ایمان بیاورد. ۷. برای سعادت افراد، اول باید آنان را از آلودگی‌ها پاک و سپس به کوی دوست هدایت نمود. ۸. هراس از مقام و عذاب الهی، نتیجه‌ی هدایت انسان است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۹. ۹. موسی علیه السلام نخست با برخوردی عاطفی، فرعون را به سوی فطرت پاک هدایت کرد و در مرحله‌ی بعد به هدایت منطقی و قطعی او پرداخت و نشانه‌های معجزه‌آمیز و دلایل نبوت خویش را به او نشان داد. درشتی و نرمی به هم‌در به است چو رگ‌زن که جراح و مرهم‌نه است آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرگذشت موسی علیه السلام را مطالعه کنید و از آن عبرت بیاموزید. ۲. انسان می‌تواند به مقامی برسد که خدا با او سخن بگوید. ۳. برخی از مکان‌ها در زمین، مقدس است. ۴. وظیفه‌ی رهبران الهی مبارزه با سرکشان زمین است. ۵. برای تبلیغ و هدایت مردم از برخورد عاطفی شروع کنید سپس دلیل بیاورید. ۶. مردم را به سوی پاکی، رشد و پروردگار بخوانید (نه به سوی خویشتن). ۷. نتیجه‌ی هدایت‌گری شما هراس از (عذاب) خدا باشد. ۸. تزکیه، هدایت مردم و مبارزه با طغیان‌گران از اهداف رسالت است. ۹. در هنگام دلیل آوردن در برابر طاغوت، ابتدا بزرگ‌ترین دلیل خود را ارائه کنید. *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم تا بیست و ششم سوره‌ی نازعات به واکنش منفی فرعون و ادعای خدایی او و فرجام عذاب آلود و عبرت‌آموز وی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱-۲۶. فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ

الْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ و [لی تکذیب کرد و نافرمانی نمود؛* سپس با کوشش پشت کرد؛* و (مردم را) جمع کرد و ندا داد؛* و گفت: «من پروردگار والا تر شما هستم.»* پس خدا او را به مجازات بازپسین و نخستین گرفتار ساخت.* قطعاً، در این (امور) عبرتی است برای کسی که بهراسد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات واکنش‌های منفی و متکبرانه‌ی فرعون در برابر دعوت هدایتگرانه‌ی موسی علیه السلام را چنین برمی‌شمارد: الف) دروغ انگاشتن و تکذیب کردن موسی علیه السلام؛ ب) نافرمانی در برابر خدا و پیامبر او؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۰ ج) پشت نمودن به آیین حق؛ د) تلاش برای مبارزه با موسی علیه السلام و آیین حق او؛ ه) گردآوری ساحران برای مبارزه با موسی علیه السلام و نیز دعوت مردم برای تماشای این مبارزه؛ «۱» و این که فرعون ادعای خدایی کرد. همه‌ی این امور برخاسته از روح تکبر، مقام پرستی و طغیان‌گری فرعون بود. ۲. گاهی انسان آن‌قدر غافل و متکبر می‌شود که هیچ حدّ و مرزی نمی‌شناسد و نه تنها خود را خدا، بلکه خدای والا تر، یعنی خدای خدایان می‌نامد. فرعون ادعا می‌کرد «اگر شما بت پرستید من از آنها بزرگ‌تر و قدرتمندتر هستم» و گاهی می‌گفت: «هیچ معبودی جز من نیست.» «۲» آری؛ او ادعای اولوهیت و ربوبیت می‌کرد، ولی طعم تلخ این کژراهه را چشید و گرفتار عذاب دنیا و آخرت شد. زشتی‌ات پیدا شد و رسوایی‌ات سرنگون افتادی از بالای‌ات ۳. مقصود از عذاب «۳» بازپسین و نخستین در مورد فرعون چیست؟ برخی مفسران گفته‌اند: فرعون دو بار ادعای الوهیت و ربوبیت کرد و آیه‌ی فوق اشاره به عذاب‌های دنیوی این دو سخن فرعون است، که در دنیا گرفتار انواع عذاب شد و در نهایت نیز در رود نیل غرق گشت که در این مورد احادیثی نیز حکایت شده است. «۴» اما برخی از مفسران برآن‌اند که منظور از مجازات بازپسین، عذاب اخروی و منظور از مجازات نخستین همان عذاب دنیوی فرعون است. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۱. «عبرت» به معنای عبور از ظاهر وقایع و رسیدن به ماورای آن است؛ یعنی انسان از پشت صحنه‌ی امور اطلاع یابد و پند بگیرد؛ و در این جا مقصود آن است که مردم از سرگذشت موسی علیه السلام و فرعون و فرجام عذاب آلود او درس بیاموزند و بار دیگر راه فرعون را نیمایند، که طبق قانون و سنت الهی گرفتار همان سرنوشت می‌شوند. ای خوشا چشمی که عبرت بین بود عبرت از نیک و بدش آیین بود ۵. اگر کسی در مورد آینده‌ی خود تفکر کند و از عذاب خدا اندیشناک باشد، از مطالعه‌ی تاریخ عبرت می‌آموزد، ولی کسی که اهل اندیشه و هراس از عذاب الهی نیست و در غفلت به سر می‌برد، از وقایع پندآموز تاریخ درس عبرت نمی‌گیرد. تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد؟ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان پیامبران افرادی متکبر بودند. ۲. مخالفان دین برای نابودی آن تلاش می‌کنند. ۳. ممکن است کار انسان‌های سرکش به جایی برسد که ادعای خدایی کنند. ۴. فرجام مخالفت با رهبران الهی، عذاب آلود است. ۵. سرگذشت فرعون را مطالعه کنید و عبرت بیاموزید. *** قرآن کریم در آیات بیست و هفتم تا سی و سوم سوره‌ی نازعات به نشانه‌های قدرت خدا در صحنه‌ی آسمان و زمین و طبیعت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷-۳۳. **ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا*** رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا* وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا* وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا* أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا* وَالْجِبَالُ أَرْسَاهَا* مَتَاعًا لَّكُمْ وَلَآئِنَّمَا كُمْ آيَا آفَرِينِشَ شَمَا سَخْتِ تَرَا سَتِ يَا آسْمَانَ كَه (خدا) آن را بنا کرد؟! *سقف آن را برافراشت و آن را مرتب نمود؛* و شبش را تاریک کرد و نیم‌روزش را بیرون تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۲ آورد؛* و بعد از آن، زمین را گسترش داد؛* آتش و گیاهش را از آن بیرون آورد؛* و کوه‌ها را استوار ساخت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی دهم این سوره بهانه‌جویی و شبهه افکنی کافران در مورد امکان رستاخیز مطرح شد. آنان رستاخیز را بعید می‌شمردند و در مورد قدرت خدا برای بازگرداندن انسان‌ها تشکیک می‌کردند. از این رو در آیات بعدی، نخست با یادآوری سرکشی فرعون و فرجام عذاب آلود او، به مخالفان اسلام هشدار داد که اگر سرکشی کنند گرفتار سرنوشت فرعون می‌شوند. و اینک نیز در این آیات با یادآوری نشانه‌های قدرت خدا به بهانه‌تراشی مشرکان در مورد معاد چنین پاسخ می‌دهد: خدایی که آسمان و زمین با عظمت را آفرید، قادر است بار دیگر شما را زنده گرداند. ۲. در این آیات بیان شده که آفرینش کرات آسمانی و کهکشان‌های با عظمت، سخت‌تر از آفرینش انسان‌هاست؛ این

مطلبی است که اکثر مردم از آن غافل اند «۱» و از آن جا که معرفت کافی به قدرت خدا ندارند، رستاخیز را بعید می‌شمردند. ۳. در این آیات درباره‌ی «سقف آسمان» سخن رانده شده که یا اشاره به جو زمین است و یا اشاره به فاصله‌ی زیاد کرات آسمانی از ما و مقصود از مرتب کردن آنها، همان نظم هوای اطراف زمین است که هم چون سقف محفوظی زمین را فرا گرفته و یا تنظیم فاصله‌ی کرات آسمانی از زمین، مورد نظر است. برخی مفسران نیز از این تعبیر، کروی بودن زمین را برداشت کرده‌اند؛ چون تسویه، اشاره به فاصله‌ی مساوی اجزای این سقف نسبت به مرکز اصلی، یعنی زمین است و این بدون کرویّت زمین ممکن نیست. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۶۳. در این آیات برخی از نعمت‌های الهی بیان شده است که هم قدرت الهی را به نمایش می‌گذارد و هم حس سپاس‌گزاری انسان را برمی‌انگیزد؛ خداست که شب‌های آسمان را کم نور یا تاریک قرار داد «۱» تا انسان از آرامش آن استفاده کند و روز را روشن ساخت تا انسان به زندگی و تلاش پردازد و آب و گیاه از زمین بیرون آورد «۲» تا انسان از آنها استفاده کند و نیز حیوانات از آب و گیاه آن بخورند و سپس انسان‌ها از گوشت و شیر آنها بهره ببرند و سپاس او را بگویند. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری ۵. «دحا» به دو معنای گسترده و تکان دادن آمده است، که اگر به معنای اول باشد اشاره به پیدایش خشکی‌های زمین از زیر آب دریاها و گسترش آنهاست و اگر به معنای تکان دادن باشد، اشاره به حرکت زمین است. ۶. در این آیات ویژگی ثابت بودن کوه‌ها مطرح شده است. آری؛ کوه‌ها که ریشه در زمین دارند، هم چون شبکه‌ای گسترده پوسته‌ی زمین را فرا گرفته و آن را آرام نگاه داشته‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی، خداشناس و معادشناس شوید. ۲. خدایی که آسمان با عظمت را آفرید، قدرتمند است (و می‌تواند بار دیگر شما را در رستاخیز زنده کند). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۴. آفرینش آسمان منظم و پیدایش شب و روز و گسترش زمین و پیدایش آب و گیاه و کوه‌های استوار، از نعمت‌های الهی است که برای استفاده‌ی شما آفریده شده‌اند (تا خداشناس و سپاس‌گزار شوید). ۴. طبیعت مخصوص انسان نیست، بلکه حیوانات نیز از آن سهمی دارند. *** قرآن کریم در آیات سی و سوم تا چهل و یکم سوره‌ی نازعات به بیداری انسان در رستاخیز و سرنوشت دو گروه طغیانگران و پرهیزگاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۳ - ۴۱. فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا* فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ فَإِذَا حِيَاءُ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ (این‌ها) مایه‌ی بهره‌مندی برای شما و برای دام‌های شماست. * و هنگامی که (حادثه) دهشتناک بزرگ‌تر در رسد، * (همان) روزی که انسان کوشش خود را به یاد می‌آورد، * و دوزخ برای کسی که می‌بیند ظاهر می‌گردد. * و اما کسی که طغیان کرده، * و زندگی دنیا را برگزیده، * پس، در واقع، فقط دوزخ مقصد (او) است. * و اما کسی که از مقام پروردگارش ترسیده و نفس را از هوس منع کرده، * پس در حقیقت، تنها بهشت مقصد (او) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نام‌های رستاخیز «الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ» است. این واژه در اصل به معنای پر کردن است و به هر چیزی که در حد اعلی قرار گیرد، گفته می‌شود و در این جا مقصود رستاخیز است که پر از حوادث هولناک و بزرگ است. ۲. در روز رستاخیز پرده‌ها کنار می‌رود، انسان‌ها از خواب غفلت بیدار می‌شوند و نتیجه‌ی تلاش نیک و بد خویش را می‌بینند ولی این بیداری دیر هنگام و بی‌فایده است؛ چون راه بازگشت و توبه و جبران بسته است و جز افسوس چیزی در پی ندارد. روز محشر هر نهران پیدا شود هم ز خود هر مجرمی رسوا شود ۳. در رستاخیز حجاب‌ها برداشته می‌شود و دوزخ برای مردم آشکار می‌گردد و بدکاران جایگاه خود را در دوزخ می‌بینند. البته برخی از مردم در آن روز نابینا محسوس می‌شوند «۱» و دوزخ را نمی‌بینند، ولی این در برخی از مواضع و ایستگاه‌های رستاخیز اتفاق می‌افتد. «۲» ۴. در این آیات مردم به دو گروه طغیانگران دنیاپرست و پارسایان تقسیم شده‌اند که فرجام گروه اول دوزخ و فرجام گروه دوم بهشت است. اما برخی انسان‌های باایمان، گناهکار نیز هستند که جزء هیچ کدام از این دو گروه به شمار نمی‌آیند. این افراد نیز، به یکی از دو گروه بهشتی یا دوزخی می‌پیوندند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز، روز حوادث بزرگ و

بیداری انسان از غفلت‌ها و دیدن دوزخ است. ۲. نتیجه‌ی کارهایتان را در رستاخیز می‌بینید. ۳. انسان‌ها دو مقصد دارند: گروهی به طرف دوزخ و گروهی به سوی بهشت می‌روند. ۴. دنیاپرستی و سرکشی، فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۵. از مقام (عدل و علم) خدا بهر اسید، تا بهشتی شوید. ۶. اگر طالب بهشتید، با هوای نفس خود مبارزه کنید. ۷. ترسایی و پرهیزگاری زمینه‌ساز ورود به بهشت است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۶ قرآن کریم در آیات چهل و دوم تا چهل و ششم سوره‌ی نازعات به کوتاهی عمر دنیا، هشدارگری پیامبر صلی الله علیه و آله و پرسش‌های مردم از زمان رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲-۴۶. يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنِ يَخْشَاهَا كَانَتْهُم يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا دربارهی ساعت (قیامت) از تو می‌پرسند، وقوعش چه زمانی است؟* تو از یادآوری آن چه (بهره‌ای) داری؟!* منتهای آن فقط به سوی پروردگار توست.* تو فقط هشدار دهنده‌ی کسی هستی که از آن می‌هراسد.* چنان‌که گویی آنان روزی که آن (قیامت) را می‌بینند، جز عصرگاهی یا نیم‌روز (ی در) آن (دنیا) درنگ نکرده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات و آیات دیگر قرآن آمده است که یکی از مواردی که علم آن مخصوص خداست، زمان وقوع رستاخیز است، «۱» یعنی غیر از خدا کسی از آن اطلاع ندارد. البته پنهان بودن وقت رستاخیز، برای انسان فواید تربیتی دارد؛ زیرا اگر انسان می‌دانست که زمان رستاخیز بسیار دور است گرفتار غفلت می‌شد و اگر می‌دانست بسیار نزدیک است از روی اضطراب ایمان می‌آورد و دست از گناه بر می‌داشت، و این دو راه ارزش تربیتی نخواهد داشت. ۲. این آیات زمان رستاخیز را مشخص نکرده‌اند ولی در این رابطه سه مطلب را به پیامبر اسلام یادآوری کرده‌اند: الف) اگر تو زمان دقیق رستاخیز را می‌دانستی و مکرر آن را به یاد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۷ می‌آوردی نتیجه‌ای برای تو نداشت، از این رو تو از آن مطلع نشدی. «۱» ب) تو وظیفه‌ی خود را در مورد هشدار به مردم انجام ده، و پاسخ این پرسش‌ها را مده. ج) به زودی رستاخیز فرا می‌رسد و عمر دنیا بسیار کوتاه است به طوری که در رستاخیز مردم می‌پندارند که یک عصر یا نیم‌روز در دنیا بوده‌اند. ۳. منتهای رستاخیز با خداست، یعنی علم آن مخصوص اوست و یا این که تحقق آن به دست خداست. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۴. در این آیات وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله فقط هشدارگری معرفی شده است. روشن است که پیامبر صلی الله علیه و آله وظایف دیگری هم چون بشارت و مژده دادن و اجرای عدالت نیز دارد، و حصر و اختصاص در این آیه نسبی و اضافی است؛ یعنی تو در این شرایط و به این مخاطبان فقط هشدار بده. ۵. هشدار پیامبران برای کسانی سود دارد که از رستاخیز و کیفر و حساب آن هراس دارند؛ یعنی تا روح احساس مسئولیت در انسان زنده نشود به هشدارهای دیگران توجه نمی‌کند. گو بنده را چه غم که نصیحت قبول نیست گر نامه رد کنند گناه رسول نیست. ۶. در این آیات و آیات دیگر قرآن به کوتاهی عمر دنیا و برزخ، و پُر شتاب آمدن رستاخیز اشاره شده است. «۲» البته عمر دنیا بلندست و به میلیون‌ها سال می‌رسد، اما این مدت در برابر رستاخیز جاویدان بسیار کوتاه است و هم‌چون عصرگاه یا نیم‌روزی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پرسش از زمان وقوع رستاخیز سابقه‌ای طولانی دارد. ۲. بهانه جویان (به جای آمادگی برای رستاخیز) از زمان قیامت می‌پرسند. ۳. علم به زمان رستاخیز مخصوص خداست. ۴. هشدارگری از وظایف رهبران الهی است. ۵. احساس مسئولیت در برابر قیامت و ترس از حساب و کیفر آن، زمینه‌ساز پندپذیری است. ۶. عمر دنیا کوتاه است (و رستاخیز به زودی فرا می‌رسد). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۹

بخش سوم: سوره‌ی عبس

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «عَبَسَ» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۴۲ آیه، ۱۳۳ کلمه و ۵۵۳ حرف است. این سوره بیست و سومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «نجم» و قبل از سوره‌ی «قدر») و هشتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «عَبَسَ» (چهره درهم کشیده)، «اعمی» (نا بینا) و «السَّفَر» (سفیران) که به ترتیب از آیات اول، دوم و پانزدهم سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده: هر کس سوره‌ی عَبَسَ را بخواند با صورتی خندان و شاداب وارد رستخیز می‌شود. «۱» البته این تأثیرات برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در دنیا در راستای تعالیم آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: اهداف اصلی این سوره، یادآوری توحید و معاد و اهداف فرعی آن، نشان دادن اهمیت قرآن کریم و ارزش‌های اخلاقی است.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. مطالبی درباره‌ی نشانه‌ها و نعمت‌های خدا و تحریک حس سپاس‌گزاری انسان در برابر آن (در آیات ۱۷-۳۲)؛ ۲. اشاره‌ای به حوادث رستخیز و سرنوشت گروه‌های مختلف در آن روز. ب) اخلاق: یادآوری ارزش‌های اخلاقی در برخورد با افراد نابینا و تلاشگر (در آیات ۱-۱۰). ج) مطالب فرعی: یادآوری عظمت قرآن (در آیات ۱۱-۱۶).

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی عبس قرآن کریم در آیات اول تا دهم سوره‌ی عَبَسَ به برخوردهای متفاوت با نابینایان، ثروتمندان و تلاشگران خداترس و لزوم رعایت ارزش‌های اخلاقی اشاره کرده، می‌فرماید: ۱-۱۰. عَبَسَ وَتَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي أَوْ يَذْكَرُ فَتَنْفَعَهُ الذُّكْرَى أَمَا مِنْ اسْتَيْغْنَى فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي وَأَمَا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى وَهُوَ يَخْشَى فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى

چهره درهم کشید و روی برتافت،* (به خاطر) این که نابینا به سراغ او آمد.* و چه چیز تو را آگاه می‌کند؟ شاید او رشد یابد [و پاک شود]،* یا متذکر گردد، پس یادآوری او را سود بخشد.* اما کسی که توانگری نماید،* پس تو به او روی می‌آوری،* در حالی که [پاک نشدن و] رشد نیافتن او، ایرادی بر تو نیست.* و اما کسی که با کوشش به سراغ تو می‌آید،* در حالی که او می‌هراسد،* پس تو از او (غافل می‌گردد و به دیگری) سرگرم می‌شوی. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که شخصی از بنی امیه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود در همان حال عبدالله بن ام مکتوم که نابینا بود وارد شد، آن شخص اموی خود را جمع کرد و چهره درهم کشید و صورت خود را برگرداند و آیات فوق فرود تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۲ آمد و این عمل را نقل و سرزنش کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو گروه از انسان‌ها اشاره شده است: الف) ثروتمندانی که گرفتار غرور و سرکشی‌اند؛ آنان بارها سخنان حق را می‌شنوند ولی باز هم لجاجت می‌کنند. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله مسئولیت چندانی در برابر آنان ندارد ولی با این حال آن حضرت اصرار داشتند که آنان را هدایت کنند. ب) انسان‌های تلاشگر و خداترسی که خالصانه به دنبال هدایت‌اند و می‌خواهند آیات الهی را بشنوند و بدان عمل کنند، که یکی از این افراد، عبدالله بن ام مکتوم نابینا بود. این گونه افراد زمینه‌ی بهتری برای پذیرش حق و هدایت دارند. هر چند پیامبر صلی الله علیه و آله به این گونه افراد لطف خاص

داشتند، اما گاهی بر اثر مشغول شدن به کارهای تبلیغی از یکی از آنها غافل می‌شدند. این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله یادآوری می‌کنند که سزاوار نیست تو از افراد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۳ تلاشگر و خداترس غافل شوی. ۲. این آیات فرهنگ اسلام را در برخورد با مستضعفان و مستکبران نشان می‌دهد. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و مبلغان و رهبران دینی باید اولویت را در تبلیغ رعایت کنند و به مستضعفان حق جو اهمیت بیش‌تری بدهند؛ زیرا آنان زمینه‌ی بهتری برای پذیرش هدایت دارند و همیشه حامیان مخلص اسلام هستند. برخلاف ثروتمندان بی‌درد که در برابر اسلام موضع می‌گرفتند و لجاجت می‌نمودند از این رو باید بخش کم‌تری از وقت رهبران و مبلغان دینی برای آنان گذاشته شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان دینی ثروتمندان را بر فقرا مقدم ندارند. ۲. اولویت‌های تبلیغی را رعایت کنید و برای هدایت افراد خداترس و تلاشگر بیش‌تر وقت صرف کنید. ۳. با افراد هدایت‌جو ترش‌رویی نکنید و از آنان روی برنگردانید هر چند نابینا باشند (و واکنش شما را نبینند). ۴. در برخورد با مردم ارزش‌های اخلاقی را کاملاً رعایت کنید. ۵. پاکی و رشد افراد وابسته به ثروت و بینایی ظاهری آنها نیست. ۶. در تبلیغ و هدایت، سلیقه‌ای عمل نکنید و آیات الهی را بر همه‌ی مردم بخوانید تا شاید مفید واقع شود. ۷. تلاش و هراس (از عذاب الهی)، زمینه‌ساز هدایت‌پذیری است. ۸. مبلغان دینی پس از انجام وظیفه، مسئولیتی در مورد گمراهی افراد ندارند. *** قرآن کریم در آیات یازدهم تا شانزدهم سوره‌ی عَبَسَ به بیدارگری و عظمت قرآن و آزادی انتخاب انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱-۱۶. كَلَّا إِنَّهَا تَذَكُّرَةٌ * فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ * فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ * مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ * هُرِّغُوا مِنْ حِينٍ نَّيَسْتُ (که روش تو این‌گونه باشد)؛ در حقیقت، آن (آیات) یادآوری است،* و هر کس بخواهد آن را به یاد آورد.* (در حالی که این آیات) در کتاب‌های ارجمند،* بلند مرتبه‌ی پاکیزه،* در دستان سفیران (و نویسندگان)،* ارجمندان نیکوکار (است). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات قرآن تذکر و بیدار باش است برای کسانی که بخواهند بیدار شوند و از پندهای قرآن استفاده کنند. آری؛ قرآن کتابی روشن‌گر و بیدار‌گر برای همه‌ی نسل‌ها و انسان‌هاست. صد جهان تازه در آیات اوست عصرها پیچیده در آنات اوست ۲. انسان در انتخاب راه آزاد است؛ یعنی اگر بخواهد، از قرآن پند می‌گیرد و راه صحیح را انتخاب می‌کند؛ اما اگر نخواهد بیدار شود، کسی نمی‌تواند او را به زور بیدار و هدایت کند. ۳. در این آیات چند و یژگی مهم قرآن یادآوری شده است: الف) قرآن در صحیفه‌ها و لوح‌هایی ارجمند نوشته شده است؛ یعنی قبل از نزول بر پیامبر صلی الله علیه و آله در الواح ارجمند نوشته شده بود. «۱» ب) نوشته‌های قرآن، والا و پاک‌اند و دست ناهلان و تحریف‌گران بدان‌ها نمی‌رسد. ج) نوشته‌های قرآن به دست سفیرانی گرامی و نیکوکار سپرده شده‌اند، که آن را با احترام حمل می‌کنند. ۴. مقصود از سفیران ارجمند نیکوکاری که قرآن را حمل می‌کنند، همان فرشتگان الهی و سفیران وحی یا کاتبان وحی هستند. ۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: حافظان قرآن، که بدان عمل می‌کنند، با سفیران ارجمند و نیکوکار (قرآن) همراه‌اند. «۲» از این حدیث استفاده می‌شود: دانشمندان قرآنی (حافظان و مفسرانی که از قرآن محافظت و بدان عمل می‌کنند)، کاری شبیه فرشتگان و سفیران وحی انجام می‌دهند و در ردیف آنان هستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۵. ۶. فرشتگان حامل وحی افرادی گرامی هستند، چون در پیشگاه خدا مقام بلندی دارند و نیز افرادی نیکوکار هستند، چون دستورات خدا را عمل می‌کنند و حامل وحی اویند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن بیدارباش انسان‌هاست. ۲. انسان آزاد است و با اراده‌ی خویش پند می‌گیرد. ۳. حتی صحیفه‌های قرآن با ارزش و با اهمیت است. ۴. حاملان قرآن گرامی و نیکوکارند. ۵. از تذکرات قرآن پند بگیرید. *** قرآن کریم در آیات هفدهم تا بیست و سوم سوره‌ی عَبَسَ با یادآوری نعمت‌های خدا در مراحل آفرینش انسان، به ناسپاسی و کفرپیشگی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷-۲۳. قَبِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ * مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ * مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ * ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ * ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ * ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ * كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ كَشْتَهُ بَادِ الْإِنْسَانِ؛ چقدر او کافر است! * او را از چه چیزی آفریده است؟! * او را از آب اندک سیال آفرید و (اندازه) او را معین کرد؛ * سپس راه (خروج) او را آسان کرد؛ * سپس او را میراند و وی را در قبر نهاد؛ * سپس هر گاه بخواهد او را زنده

می‌کند.* هرگز چنین نیست؛ هنوز آنچه را (خدا) به او فرمان داد به پایان نرسانده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات نعمت‌های الهی را در مراحل آفرینش انسان برشمرده‌اند تا هم با دقت در آنها به آفریدگار هستی پی ببرد و خداشناسی‌اش کامل شود و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۶ هم حس سپاس‌گزاری او برانگیخته شود و شکر خدا را به‌جا آورد و هم به هدف آفرینش توجه کند که خدا او را بیهوده و بی‌فراجم نیافریده و معادشناسی‌اش کامل گردد. ستایش خداوند بخشنده را که موجود کرد از عدم بنده را چو پاک آفریدت به هش باش و پاک که ننگست نپاک رفتن به خاک ۲. در این آیات، خدا از انسان ناسپاس انتقاد می‌کند؛ مقصود او، از این انسان چه کسی است؟ مفسران گفته‌اند که مقصود انسان‌های کافر و منافق هستند که اسباب هدایت را رها می‌سازند و نشانه‌های حق را انکار می‌کنند و ناسپاسی پیشه می‌سازند و به ظلم و گناه می‌پردازند و یا همه‌ی انسان‌ها هستند، چون هیچ انسانی حق بندگی و اطاعت خدا را به طور کامل ادا نمی‌کند و نمی‌تواند عبادتی شایسته‌ی او به‌جا آورد. «۱» بنده همان به که زتقصیر خویش عذر به درگاه خدا آورد و نه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به‌جا آورد البته در این جا معنای اول مناسب‌تر است؛ چون خدا همه‌ی انسان‌ها را نفرین نمی‌کند و بر آنها مرگ نمی‌گوید. ۳. مقصود از «کفر» در این آیات، ناسپاسی و یا بی‌ایمانی است. البته اصل واژه‌ی کفر به معنای پوشاندن است که شامل پوشاندن حق و انکار آن و بی‌ایمانی می‌شود؛ همان‌طور که شامل پوشاندن نعمت‌ها و ناسپاسی در برابر آنها نیز می‌شود. ۴. مقصود از گفتن «مرگ بر انسان ناسپاس» همان معنای کنایی آن است؛ یعنی اظهار خشم و تنفر و نفرین بر این انسان‌های کفرپیشه و ناسپاس، که این همه نعمت الهی را می‌بینند ولی شکر آن را به‌جا نمی‌آورند و به دستوراتش عمل نمی‌کنند و با لجاجت، حق را انکار می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۷. ۵. خدا انسان را از نطفه‌ای ناچیز آفریده و او را تقدیر کرده است؛ یعنی هر چیز را به اندازه، به انسان داده و ساختمان وجودی او را موزون ساخته است و یا این که خدا همه چیز را در وجود انسان آماده ساخته و نطفه‌ی انسان را توانا گردانیده است. «۱» ۶. خدا راه انسان را آسان کرد؛ یعنی راه تکامل و پرورش جنین در شکم مادر و راه انتقال او به دنیا و نیز و بعد از تولد، راه رشد و تکامل انسان و مسیر هدایت او را به وسیله‌ی عقل و فطرت آسان گرداند. ۷. تعبیر قرآن در این جا اشاره‌ای به اختیار و آزادی انسان دارد؛ چراکه نمی‌فرماید: انسان را در مورد راه خاصی مجبور کرد، بلکه می‌فرماید: «راه را برای او آسان کرد تا در صورتی که بخواهد، خودش آن راه را بپیماید.» ۸. در این آیات، مرگ انسان را از نعمت‌های الهی بر شمرده است؛ زیرا مرگ مقدمه‌ای برای آسوده شدن انسان از رنج‌های دنیا و ورود به سرای جاویدان است و نیز با مرگ هر نسل جا برای نسل آینده باز می‌شود و تکامل بشر ادامه می‌یابد. ۹. دفن انسان در زمین نیز یکی از نعمت‌های الهی است؛ اگر راهی برای دفن انسان نبود و به او تعلیم داده نمی‌شد و امکانات آن در زمین فراهم نمی‌گشت، جسد انسان بر زمین می‌ماند و متعفن و خوار می‌شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ناسپاسی و کفر انسان را سزاوار نفرین الهی می‌گرداند. ۲. برای کافران ناسپاس شعار «مرگت باد» بگوئید. ۳. با مطالعه در مراحل آفرینش خود (خداشناس شوید) و ناسپاسی نکنید. ۴. به اندازه‌گیری دقیق عناصر و اعضای بدن خود بنگرید و سپاس‌گزار باشید. ۵. مرگ، دفن و رستاخیز از نعمت‌های الهی است. ۶. با مطالعه در مورد مرگ، قبر و رستاخیز خداشناس شوید و سپاس‌گزاری کنید. ۷. انسان نتوانسته حق الهی را ادا کند و به طور کامل سپاس‌گزاری نماید.*** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۸ قرآن کریم در آیات بیست و چهارم تا سی و دوم سوره‌ی عبس با یادآوری نعمت‌های الهی در صحنه‌ی زمین و آفرینش گیاهان و میوه‌ها، انسان را به دقت در این امور فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۲۴-۳۲. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ * أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبَابًا * ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقَاقًا * فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا * وَعِنَبًا وَقَضْبًا * وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا * وَحَدَائِقَ غُلَبًا * وَفَاكِهَةً وَأَبًّا * مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ * و انسان باید به غذایش نظر کند؛* که ما آب را با بارشی فرو ریختیم؛* سپس زمین را کاملاً شکافتیم؛* و در آن دانه (ها) رویاندیم؛* و (نیز) انگور و سبزی* و زیتون و درخت خرما* و باغ‌های انبوه* و میوه و گیاهان چراگاه؛* (که این) مایه‌ی بهره‌مندی برای شما و برای دام‌های شماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از دعوت انسان برای نگاه کردن به غذای خویش چیست؟ در این مورد چند احتمال وجود دارد: الف) منظور

نگاه معمولی و تماشای غذا باشد که موجب تحریک غده‌های بزاقی دهان می‌شود و به هضم غذا کمک می‌کند. ب) مقصود نظر کردن با دقت به غذا باشد، که آیا از راه حلال به دست آمده است یا حرام؟ یعنی در جنبه‌های اخلاقی و قانونی غذا دقت کند. ج) منظور تفکر کردن در مورد ساختمان مواد غذایی و تأثیرات آنها در بدن انسان است، که موجب شناخت غذا آفرین می‌شود. د) مقصود آیه، غذاهای معنوی و علمی باشد؛ یعنی انسان در مورد دانشی که فرا می‌گیرد دقت کند که انحرافی و ناصحیح نباشد، چراکه دانش، غذای روح انسان است و اگر مسموم و ناصحیح باشد روح را بیمار می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۹ معنای چهارم از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است. «۱» البته مانعی ندارد که مقصود آیه از «نگاه»، اعم از نگاه ظاهری و فکری، و مقصود از «غذا»، اعم از غذای جسمی و روحی باشد؛ بنابراین آیه‌ی فوق می‌تواند به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد. «۲» ۲. از امام حسن علیه السلام روایت شده که تعجب می‌کنم از کسی که در غذای خود می‌اندیشد، ولی در معقول (و غذای روح) خود فکر نمی‌کند و غذای زیانبار را از شکم خود دور می‌کند اما روح خود را با مطالب هلاک کننده می‌سازد. «۳» باران نعمتی است که بر سطح زمین می‌بارد و در دل زمین ذخیره می‌گردد و در نهرها جاری می‌شود و گیاهان و حیوانات انسان‌ها را سیراب و شاداب می‌گرداند. شناخت این نعمت انسان را به سپاس‌گزاری بیش‌تر فرا می‌خواند. «۴» در این آیات به چندین نوع میوه و گیاه اشاره شده است: الف) گیاهانی که از زمین می‌رویند و دانه‌هایی هم‌چون جو و گندم می‌آورند و مواد غذایی بشر را تأمین می‌کنند. ب) انگور که سرشار از مواد غذایی است و یک غذای کامل محسوب می‌شود. ج) سبزیجات و میوه‌های بوته‌ای (مثل خیار) که از مفیدترین منابع غذایی بشرند. د) زیتون که خواص گوناگونی دارد. ه) خرما که غذایی مفید و نیروبخش است. و) باغ‌های پردرخت که از زیر درختان آن آب جاری است و منظره‌ای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۰ زیبا و پرطراوت دارد. ز) میوه‌های مختلف که از درختان و گیاهان به دست می‌آیند. ح) چراگاه‌هایی که مواد غذایی حیوانات را تأمین می‌سازد (تا انسان از گوشت آنها بخورد). آری؛ همه‌ی این‌ها مایه‌ی بهره‌مندی انسان و حیوانات است و حیوانات نیز مواد غذایی انسان را تأمین می‌کنند تا انسان استفاده کند و خداشناس و سپاس‌گزار باشد. «۵» در این آیات به «شکافته شدن زمین» به عنوان نعمت اشاره شده است. مقصود از این تعبیر، یا شکافته شدن زمین به وسیله‌ی جوانه‌ی لطیف گیاهان است که دل خاک و سنگ را می‌شکافد و بیرون می‌آید یا شکافتن زمین به وسیله‌ی شخم زدن و یا شکافته شدن زمین با آب چنان که باران سنگ‌ها را می‌شکافد و ذرات آنها را در خود حل می‌کند و به صورت توده‌های خاک در می‌آورد، که برای کشاورزی مفید است. از این رو این آیات اشاره‌ای است به یک مسئله‌ی علمی جدید در زمین‌شناسی. «۱» البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد. «۶» واژه‌ی «آب» به معنای «آمادگی»، و در این آیات به معنای گیاهان خودرو و چراگاهی است که آماده‌ی چراندن حیوانات است؛ البته به معنای میوه‌های قابل خشک کردن نیز آمده است، چون برای مصرف زمستان آماده می‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از غذاشناسی به خداشناسی برسید. ۲. در غذای (جسمی، روحی و علمی) خود کاملاً دقت کنید. ۳. با مطالعات آب‌شناسی، زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی، خداشناس شوید. ۴. از میان غذاها به انگور، زیتون، خرما و حبوبات توجه بیش‌تری کنید. ۵. به غذاهای متنوع و مفید خود بنگرید (و سپاس‌گزار باشید). ۶. غذاهای زمین مخصوص شما نیست، بلکه حیوانات نیز سهمی دارند. * * * قرآن کریم در آیات سی و سوم تا چهل و دوم سوره‌ی عبس به ویژگی‌های رستاخیز و دو گروه مؤمنان شادمان و کافران غمناک در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳-۴۲. فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاعَةُ * يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ * لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ * وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ * وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ * أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجِرَةُ * و هنگامی که صدای مهیب (رستاخیز) بیاید، * (همان) روزی که مرد از برادرش می‌گریزد، * و (نیز از) مادرش و پدرش، * و (همسر) همراهش و پسرانش؛ * در آن روز، برای هر مردی از آنان، کاری (و حالی) است که او را (از دیگران بازمی‌دارد و) دفع می‌کند. * چهره‌هایی که در آن روز درخشان است، * خندان [و] شادمان است؛ * و چهره‌هایی که در آن

روز غباری بر آن است،* سیاهی آن را می‌پوشاند؛* فقط آنان کافران [و] بدکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت نیکوکاران و بدکاران را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مردم با مطالعه‌ی حالات آنان در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۲ رستاخیز، بتوانند راه خویش را آگاهانه انتخاب کنند. در این آیات نیز «شادی مؤمنان» و «اندوه کافران خلافکار» به تصویر کشیده شده است، تا هر کس می‌خواهد راه یکی از این دو گروه را ببیند از عاقبت آن آگاه باشد. ۲. یکی از نام‌های رستاخیز «الصاخة» است. این واژه به معنای صدای شدید کرکننده است و در این جا اشاره به نفخه‌ی صور دوم است که با صدای عظیم آن، همه‌ی مردم زنده و در صحنه‌ی رستاخیز حاضر می‌شوند. ۳. رستاخیز روز بسیار هولناکی است. در آن روز هر کس از وحشت فرار می‌کند و به فکر چاره‌ی کار خود است و حتی نزدیکان خود را فراموش می‌کند و به پدر و مادر و همسر و پسران و برادران خود نیز توجه نمی‌کند؛ یعنی در آن روز محبت‌های دنیایی کارساز نیست. ۴. فرار انسان از دیگران یا به خاطر وحشت زیاد در رستاخیز است یا از ترس آن که مبادا خویشاوندان برگردن او حقی داشته باشند و بخواهند آن را مطالبه کنند و یا این که از خویشاوندان بی‌تقوا و بی‌ایمان فرار می‌کند که مبادا به سرنوشت آنان گرفتار شود. البته مانعی ندارد که هر سه مورد از عوامل فرار انسان‌ها از هم دیگر باشد. ۵. در این آیات از پنج گروه برادر، مادر، پدر، همسر و فرزند یاد شده است که انسان‌ها در رستاخیز از آنان فرار می‌کنند. ذکر این پنج گروه برای آن است که معمولاً انسان با آنها ارتباط نزدیکی دارد و آنان نقش مهم‌تری در زندگی انسان دارند، ولی این به معنای انحصار نیست، بلکه از باب ذکر مصداق‌های مهم است و انسان از افراد دیگر هم می‌گریزد. ۶. «انسان‌ها در رستاخیز آن‌قدر گرفتار وضع خویش می‌شوند که برایشان کافی است و آنها را بی‌نیاز می‌کند.»؛ یعنی آن‌قدر حوادث، هولناک است که دیگر فرصت فکر کردن و پرداختن به کار دیگران را ندارند. بکوش امروز تا گندم بپاشی که فردا بر جوی قادر نباشی تو خود بفرست برگ رفتن از پیش که خویشان را نباشد جز غم خویش ۷. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هنگام رستاخیز در سه ایستگاه میزان، صراط و هنگام دادن نامه‌ی اعمال، هیچ کسی دیگران را یاد نمی‌کند تا ببیند آیا اعمالش در میزان الهی سنگین است یا نه و آیا از صراط عبور می‌کند یا نه و آیا نامه‌ی اعمالش را به دست راستش می‌دهند یا چپش؟ (سپس به آیه‌ی فوق استشهاد کردند که هر کس به کار خود مشغول است). (۱) ۸. در رستاخیز آثار عقاید و عمل انسان در چهره‌اش نمایان می‌شود؛ انسان‌های مؤمن و نیکوکار، چهره‌ای شاد، و انسان‌های بدکار و کافر چهره‌ای اندوهناک دارند. رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ درون. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز با صدای گوش‌خراشی شروع می‌شود که مردم را به هراس می‌افکند. ۲. رستاخیز روز گریز از دیگران است و خویشاوندان سودی به حال انسان ندارند. ۳. در رستاخیز هر کس به فکر خویش است (و کسی به فریاد شما نمی‌رسد، پس از هم اکنون به فکر خویش باشید). ۴. رستاخیز روز تقسیم مردم به افراد شاد و غمناک است (پس ببینید شما از کدام گروه هستید). ۵. کفر و خلافکاری در رستاخیز موجب اندوه می‌شود. ۶. اگر می‌خواهید در رستاخیز شادمان باشید، از کفر و خلافکاری دوری گزینید. (۲) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۵

بخش چهارم: سوره‌ی تکویر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «تکویر» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۲۹ آیه، ۱۱۴ کلمه و ۵۵۳ حرف است. این سوره ششمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «لهب» و قبل از سوره‌ی «اعلی») و هشتاد و یکمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «تکویر» (درهم پیچیدن) و «کُورَت» (درهم پیچیده شد) که از آیه‌ی اول آن گرفته شده‌اند که

درهم پیچیده شدن و تاریک گشتن خورشید را به عنوان یکی از نشانه‌های رستاخیز بیان کرده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۶

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی تکویر را بخواند، خدا او را هنگامی که نامه‌ی عمل او گشوده می‌شود، از رسوایی حفظ می‌کند. «۱» البته روشن است که این تأثیرات برای کسانی است که این سوره را بخوانند و به محتوای آن پای‌بند باشند و در زندگی در راستای تعالیم آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره یادآوری معاد و دفاع از نبوت است.

مطالب

مطالب: ۱. بیان نشانه‌های رستاخیز (در آیات ۱-۱۳)؛ ۲. اشاره به تجسم اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۱۴)؛ ۳. اشاره به نامه‌ی اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۴. بیان اوصاف جبرئیل علیه السلام (در آیات ۱۹-۲۱)؛ ۵. دفع تهمت جنون از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۲۲-۲۷).

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا چهاردهم سوره‌ی تکویر به دوازده نشانه‌ی رستاخیز و بازپرسی دختران زنده به گور شده و آگاهی انسان از اعمال خویش در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۱۴. إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ * وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ * وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ * وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ * وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ * وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ * وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ * وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ * وَإِذَا الصُّحُفُ نُتِبَتْ * وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ * وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ * وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ * عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ هنگامی که خورشید در هم پیچیده شود* و هنگامی که ستارگان بی‌فروغ شوند (و سقوط کنند)* و هنگامی که کوه‌ها روان شوند* و هنگامی که شتران باردار متروک شوند* و هنگامی که حیوانات وحشی پراکنده شوند* و هنگامی که دریاها برافروخته (و پُر) شوند* و هنگامی که اشخاص (گروه) گروه شوند* و هنگامی که از دختر زنده به گور شده پرسیده شود: «به کدامین پیامد (گناه) کشته شد؟!»* و هنگامی که نامه‌ها (ی اعمال) گشوده شود* و هنگامی که پرده از حقایق آسمان برداشته شود* و هنگامی که دوزخ شعله‌ای فروزان شود* و هنگامی که بهشت نزدیک شود* (در آن روز، هر) شخصی آنچه را که حاضر کرده است، می‌داند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بر پایی رستاخیز دو مرحله دارد: در مرحله‌ی اول حوادثی دهشتناک رخ می‌دهد و نظام جهان درهم تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۸ فرو می‌ریزد که شش آیه‌ی اول به این مرحله اشاره دارند که خورشید و ستارگان خاموش می‌شوند، کوه‌ها به حرکت در می‌آیند، مردم از وحشت، حیوانات ارزشمند را بدون صاحب رها می‌کنند، و حیوانات وحشی پراکنده، و دریاها برافروخته می‌شوند. در مرحله‌ی دوم، با اعلام عمومی، همه‌ی موجودات زنده، و در صحنه‌ی رستاخیز حاضر می‌شوند و به اعمال آنان رسیدگی می‌شود. هشت آیه‌ی بعد به این مرحله اشاره دارند که بازپرسی‌ها شروع می‌شوند و نامه‌ی اعمال گشوده می‌شود و هر کس از اعمال خود و حقایق پشت پرده با خبر می‌گردد و بهشت و دوزخ آماده‌ی پذیرش افراد می‌شوند. ۲. درهم پیچیده شدن و تاریکی خورشید «۱» و نیز سقوط کردن و پراکندگی و تاریکی کرات «۲» از نشانه‌های رستاخیزند. در علم

کیهان‌شناسی نیز ثابت می‌شود که عمر خورشید روزی به پایان می‌رسد؛ چون مواد درونی در نهایت رو به اتمام است و خورشید خاموش می‌شود «۳» و در نتیجه کرات آسمانی که به دور آن می‌گردند و تحت تأثیر نیروی جاذبه و نور آن هستند، خاموش و پراکنده می‌شوند. ۳. در آیات قرآن از حرکت کوه‌ها و متلاشی شدن و غبار گونه شدن آنها در آستانه رستاخیز یاد شده است «۴» که این حوادث با زلزله‌های رستاخیز و دگرگونی نظام جهان در آن روز، ارتباط دارد. «عِشَار» به معنای «ماده شتر باردار» است که ارزش مادی زیادی دارد و یا به معنای ابرهاست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۹ پس مقصود آیه آن است که حوادث رستاخیز آن قدر دهشتناک است که مردم اموال ارزشمند خود را رها می‌کنند و یا ابرهای گرانبار «۱» (که از گازهای مختلف، یا گرد و غبار و یا ابرهای اتمی تشکیل شده است)، در آسمان ظاهر می‌شوند ولی بارشی ندارند و این یکی از نشانه‌های شروع رستاخیز است. ۴. مقصود از «حشر» حیوانات وحشی در آستانه رستاخیز، پراکنده شدن آنها در اثر وحشت از حوادث آن روز است؛ چون ظاهراً شش آیه اول سوره تکویر، از مرحله اول رستاخیز و حوادث هولناک آن سخن می‌گویند و هنوز به مرحله دوم، یعنی زنده شدن و گرد آمدن موجودات در صحنه رستاخیز، سخنی به میان نیامده است. ۵. «سَيِّجَرَت» به معنای برافروخته شدن دریاها و یا پر شدن آنها در آستانه رستاخیز است؛ یعنی آب دریاها که از اکسیژن و هیدروژن تشکیل شده است، در صورتی که تجزیه شود، می‌تواند شعله‌ور گردد؛ و نیز بر اثر زلزله‌های شدید و متلاشی شدن کوه‌ها و مانند آن، ممکن است بسیاری از دریاها پر شوند و آب، مقدار زیادی از سطح زمین را فراگیرد. «۲» ۶. در هنگام رستاخیز مردم با هم دیگر جفت می‌شوند؛ یعنی نیکوکاران با ایمان با مؤمنان نیکوکردار گرد هم می‌آیند و بدکاران کفرپیشه با کافران قرین می‌شوند و نیز افراد بهشتی با حوریان جفت می‌شوند و دوزخیان با شیاطین قرین می‌گردند. ذره ذره کاندرا این ارض و سماست جنس خود را هم چو گاه و کهرباست ۷. یکی از حوادث رستاخیز آن است که نامه‌ی اعمال افراد گشوده می‌شود و هر کس از حساب کارهای خود آگاه می‌گردد و نیز مردم نامه‌ی اعمال بدکاران را می‌بینند تا آنان رسوا شوند و نامه‌ی اعمال نیکوکاران را می‌بینند تا آنها تشویق گردند. می‌شود معلوم در پای حساب تا چه دارد هر کسی در بار خویش ۸. یکی دیگر از حوادث رستاخیز آن است که حجاب از آسمان‌ها و جهان برداشته می‌شود و حقایق هستی برای مردم آشکار می‌گردد و مردم بهشت و دوزخ و فرشتگان و حقایق دیگر را می‌بینند. ۹. یکی دیگر از حوادث رستاخیز آن است که شعله‌ی آتش دوزخ زیادتر می‌شود و بهشت به مؤمنان پارسا نزدیک می‌گردد. تعبیری که در این مورد به کار رفته است بسیار محترمانه است؛ نمی‌گوید: مؤمنان به بهشت نزدیک می‌شوند، بلکه می‌گوید: بهشت به مؤمنان پارسا نزدیک می‌شود. ۱۰. یکی دیگر از حوادث رستاخیز «تجسّم اعمال» است؛ یعنی در آن روز هر کس اعمال خویش را حاضر و مجسّم می‌بیند و از آنها اطلاع می‌یابد؛ به عبارت دیگر، اعمال انسان‌ها در دنیا نابود نمی‌شود، بلکه در رستاخیز به صورت‌های مناسب مجسّم و ظاهر می‌شود. صورتی کان بر نهادت غالب است هم بر آن تقدیر حشرت واجب است پیشه‌ها و خلق‌ها هم چون جهیز سوی خصم آیند روز رستاخیز ۱۱. در این آیات زنده به گور کردن دختران یادآوری شده است که یکی از عادات زشت اعراب جاهلی بود. برخی از قبایل عرب (مثل کِنْدَه) وجود دختران را ننگ می‌دانستند و برای جلوگیری از فقر اقتصادی، آنان را زنده به گور می‌کردند. «۱» قرآن کریم با این پدیده‌ی شوم برخورد کرد، و جایگاه زنان را در جامعه‌ی اسلامی تثبیت نمود و حقوق آنها را مشخص ساخت. البته این عادت جاهلی، در عصر ما نیز به صورت دیگری رخ نموده است و در برخی کشورها به زنان اجازه داده می‌شود که سقط جنین کنند و کودک خویش را بی‌رحمانه، قبل از تولد بکشند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۱ ۱۲. در رستاخیز از «دختران» زنده به گور شده پرسش می‌شود: «به کدامین گناه کشته شدند؟» جالب آن است که از قاتلان آنها پرسش نمی‌شود، گویا قاتلان بی‌رحم آنها، ارزش ندارند که از آنها پرسش شود و گواهی کودکان مظلوم به تنهایی کافی است. ۱۳. در تفسیر آیه‌ی فوق از امام باقر علیه السلام روایت شده که منظور کسانی هستند که در راه دوستی ما کشته می‌شوند (و از آنان پرسیده می‌شود به کدامین گناه کشته شدید؟). «۲» البته این گونه احادیث به بطن آیه نظر دارند؛ یعنی از دختران

اسلام صلی الله علیه و آله خدا را شهود باطنی کرده، یا جبرئیل را در افق روشنی مشاهده کرده است. (۱) ج) پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به امور غیبی بخیل نیست و آنچه را از وحی و دانش دریافت می‌کند سخاوتمندانه، در اختیار مردم می‌گذارد. (۲) چون حجاب هزار نور درید دیده در نور بی‌حجاب رسید گامی از بود خود فراتر شد تا خدا دیدنش میسر شد ۷. یکی از تهمت‌های مخالفان به پیامبران الهی، از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود که ایشان را دیوانه می‌خواندند؛ زیرا آنان تابع محیط فاسد و خرافات مردم نمی‌شدند و به دنبال حرکت اصلاحی و انقلابی بودند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۵ ولی سخنان حکیمانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و کارهای خردمندانه و اعجاز قرآن، پاسخ کوبنده‌ای به این تهمت‌ها بود. ۸. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چه چیزی را در افق روشن مشاهده کرد؟ مفسران در این مورد دو احتمال داده‌اند: الف) نخست آن که او جبرئیل را دو بار به صورت اصلی مشاهده کرد: یکی در آغاز بعثت در افق روشن بود و دوم در جریان معراج، که آیه‌ی فوق به مورد اول اشاره دارد. ب) منظور مشاهده‌ی خدا از طریق شهود باطنی باشد، که برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حاصل آمد.

«۱» ۹. قرآن سخن شیطان رانده شده نیست؛ چرا که این قرآن توسط جبرئیل امین و درستکار، به پیامبری فرزانه و سخاوتمند داده شده و در تمام مراحل نزول کنترل شده است؛ بنابراین شیطان نمی‌توانست در آن دخالت کند. و از طرف دیگر این کلام اعجاز‌آمیز است و خود گواهی می‌دهد که سخن غیر خدا نیست. ۱۰. از این آیات استفاده می‌شود که شیطان از درگاه الهی رانده شد؛ (۲) زیرا نسبت به دستورات الهی نافرمانی کرد و بر آدم سجده نکرد. آری؛ او دشمن انسان بوده و هست و خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کرات متحرک، آخر شب و صبحگاه، اهمیت ویژه‌ی دارند که خدا به آنها سوگند یاد می‌کند. ۲. آورنده‌ی قرآن و گیرنده‌ی آن، افرادی مطمئن بودند (و وحی سالم به دست مردم رسید). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۶. پیک وحی، فردی ارجمند، نیرومند، با منزلت، فرمانده و درستکار است. ۴. گیرنده‌ی وحی، نقطه‌ی ضعیفی نداشته است (که به وحی زیان برسد). ۵. سخن شیطان را با سخن فرشته اشتباه نکنید (و در مورد قرآن تردید روا مدارید). ۶. کرامت، نیرومندی، منزلت، فرماندهی و درستکاری از صفات فرستاده و نماینده‌ی خوب است. *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا بیست و نهم سوره‌ی تکویر با هشدار به مخالفان، به بیدارگری قرآن و آزادی انسان در انتخاب راه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶-۲۹. فَأَيِّنْ تَذْهَبُونَ * إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ * وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * پس به کجا می‌روید؟! * آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست؛ * برای کسی از شما که بخواهد به (راه) راست برود. * و (چیزی) نمی‌خواهید، مگر آن که خدایی که پروردگار جهانیان است، بخواهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات دو ویژگی قرآن بیان شده است: الف) قرآن تذکردهنده است و فطرت انسان را بیدار می‌کند و او را به تفکر فرا می‌خواند و راه صحیح را نشان می‌دهد. ب) قرآن کتابی جهانی است که تمام جهانیان را هدایت می‌کند و مخصوص قوم و ملت خاصی نیست. ۲. در این آیات، از طرفی به آزادی اراده‌ی انسان در انتخاب راه مستقیم و از طرف دیگر به توحید افعالی اشاره شده است؛ یعنی بیان شده که همه چیز تحت اراده‌ی خداست و اوست که به انسان اراده و اختیار داده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۷ اگر فقط به ظاهر آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی تکویر نظر کنیم، آزادی مطلق و «تفویض» را متوجه می‌شویم و اگر به ظاهر آیه‌ی بیست و نهم نظر کنیم «جبر» را می‌فهمیم ولی اگر به مجموع آیات نظر کنیم، حالت «امر بین امرین» را دریافت می‌کنیم؛ یعنی انسان نه آزادی مطلق دارد و نه مجبور است، بلکه هرچه دارد از ناحیه‌ی خداست و خدا به او «اراده و حق انتخاب» داده است. ۳. در آیه‌ی بیست و نهم، خواستن، هم به انسان‌ها نسبت داده شده و هم به خدا و برای خدا نام «رب» آورده شده است. یعنی اراده‌ی خدا از ربوبیت و پرورش‌دهندگی او سرچشمه می‌گیرد و در مسیر تربیت انسان است. ۴. در این آیات بیان شده که راه اصلی همان راه مستقیم است، و بقیه‌ی راه‌ها انحرافی است. راه مستقیم کوتاه‌ترین راه بین دو نقطه و همان راهی است که قرآن به انسان نشان می‌دهد و راه‌های انحرافی را نفی می‌کند، ولی با این حال انسان باز به کژراهه می‌رود؛ از این رو قرآن به منحرفان هشدار می‌دهد که «پس به کجا می‌روید؟!». ۵. این آیات تذکر می‌دهد که چراغ داشتن کافی نیست،

بلکه آمادگی و بینایی هم لازم است. قرآن بیدارگر است و راه مستقیم را نشان می‌دهد، اما خود انسان هم باید بخواند و زمینه‌ی پذیرش آن را در خود ایجاد کند؛ یعنی شرط استفاده کردن از قرآن، خواست درونی انسان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با وجود چراغ بیدارگر قرآن، به کژراهه نروید. ۲. رسالت قرآن جهانی است. ۳. شرط استفاده از تذکرات قرآن، زمینه‌سازی درونی و خواستن خود انسان است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۸. ۴. به دنبال راه راست باشید و از قرآن بهره بجویید. ۵. در نهایت همه چیز را از خدا بدانید و توحید افعالی خود را کامل کنید. ۶. خواست «خدا» و «انسان» (هر دو) در انجام کارها مؤثر است (یعنی نه آزادی مطلق است و نه جبر). ۷. خدا می‌خواهد اراده‌ی شما در مسیر ربوبیت او و پرورش خودتان قرار گیرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۹

بخش پنجم: سوره‌ی انفطار

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «انفطار» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۹ آیه، ۸۰ کلمه و ۳۲۷ حرف است. این سوره هشتاد و یکمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «نازعات» و قبل از سوره‌ی «انشقاق») و هشتاد و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره «انفطار» (شکافته شدن) و «انفطرت» (شکافته شده) است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده‌اند که از شکافته شدن آسمان در آستانه‌ی رستاخیز سخن می‌گوید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۰

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی انفطار و انشقاق را بخواند و در نماز واجب و مستحب در برابر دیدگان خود قرار دهد، هیچ حجابی او را از خدا نمی‌پوشاند و چیزی میان او و خدا حایل نمی‌شود و پیوسته (با چشم دل) به خدا می‌نگرد و خدا (با لطفش) به او نگاه می‌کند تا از حساب مردم فارغ شود! «۱» روشن است که این آثار برای کسانی است که این سوره‌ها را بخوانند و نصب العین خود قرار دهند و در راستای محتوای آنها حرکت و عمل کنند.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، رستاخیز و بیان نشانه‌ها و ویژگی‌های آن روز است.

مطالب

مطالب: ۱. بیان نشانه‌های رستاخیز (در آیات ۱-۴)؛ ۲. اشاره‌ای به فرجام انسان‌های نیک و بد در رستاخیز (در آیات ۱۳ و ۱۴)؛ ۳. ثبت اعمال انسان‌ها توسط فرشتگان (در آیات ۱۰-۱۲)؛ ۴. یادآوری نعمت‌های خدا به انسان و منع کردن غرور انسان در برابر خدا (در آیات ۵-۸). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۱

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی انفطار به نشانه‌های رستاخیز و آگاهی بخشی آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۵. إذا

السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ* وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ* وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ* وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ* عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ هنگامی که (کرات) آسمان شکافته شود،* و هنگامی که سیارات پراکنده شوند (و در هم فرو ریزند)،* و هنگامی که دریاها (به روی یکدیگر) شکافته شود (و به هم پیوندند)،* و هنگامی که قبرها زیر و رو گردد (و مردگان زنده شوند)،* (در آن روز هر) شخص، می‌داند آنچه را پیش فرستاده و واپس نهاده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات نشانه‌هایی از رستاخیز، و حوادثی که در آستانه‌ی قیامت اتفاق می‌افتد، چنین بیان شده است: الف) شکافته شدن کرات آسمانی؛ «۱» ب) پراکنده شدن و فروریختن ستارگان؛ «۲» ج) پیوند دریاها یا برافراخته شدن آنها؛ «۳» د) زیر و رو شدن قبرها. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۲ از مجموع این آیات و آیات دیگری که وضع رستاخیز را توضیح می‌دهند استفاده می‌شود که در آستانه‌ی رستاخیز، نظم فعلی جهان در هم می‌ریزد و نظم نوینی بر جهان حاکم می‌شود. ۲. «کواکب» به معنای ستارگان فروزان است؛ و شکافته شدن کرات و پراکنده شدن ستارگان، ممکن است در اثر انفجارهای عظیم و به هم خوردن تعادل نیروی جاذبه و دافعه، یا انبساط جهان، یا تحت تأثیر نیروی مرموز دیگری باشد. ۳. در رستاخیز پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق اعمال انسان و نتایج آنها آشکار می‌شود و هر کس از اعمال خود اطلاع می‌یابد؛ اعمالی که در طول عمر خود آنها را مقدم دانسته یا به تأخیر انداخته و آنچه را پیشاپیش برای رستاخیز فرستاده است و نیز اعمالی که بعد از مردن او برایش به جا آورده‌اند مثل کارهای خیر و بناها و نیز آثار علمی و سنت‌های نیکویی که از خود به جای گذارده و نتایج آنها بعد از مرگ به وی می‌رسد. «۱» می‌شود معلوم در پای حساب تا چه دارد هر کسی در بار خویش ۴. در احادیث اسلامی آمده است که پاداش چند چیز بعد از مرگ به انسان می‌رسد: الف) صدقه‌های جاری که در زندگی به جا گذاشته است (مثل بنای مسجد، بیمارستان و مدرسه)؛ ب) روش‌ها و سنت‌های نیکویی که بنیان‌گذارده است (زیرا هر کس بدان عمل کند ثوابش را برای او نیز می‌نویسند)؛ ج) فرزند شایسته‌ای که برایش طلب آموزش می‌کند. د) قرآنی که آن را تلاوت می‌کند. ه) چاهی که حفر کرده، یا درختی که کاشته است. و) دانشی که در میان مردم باقی گذارده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آستانه‌ی رستاخیز نظام جهانی تغییر می‌کند (و نظم نوینی بر جهان حاکم می‌شود). ۲. رستاخیز آگاهی‌بخش است. ۳. شما از نتایج کارهای زودرس و دیررس خود در رستاخیز آگاه می‌شوید (پس مراقب کردار خود باشید). ** قرآن کریم در آیات ششم تا دوازدهم سوره‌ی انفطار با یادآوری آفرینش انسان و تحت نظر بودن او، در مورد غرور و سرکشی به وی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶-۱۲. يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ* الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ* فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ* كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّنِّ* وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ* كِرَامًا كَاتِبِينَ* يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ* أَيُّهَا الْإِنْسَانُ! چه چیز تو را به پروردگار ارجمندت مغرور ساخته است؟! * (همان) کسی که تو را آفرید و مرتب نمود و تو را معتدل ساخت،* به هر صورتی بخواهد، تو را ترکیب می‌کند.* هرگز چنین نیست؛ بلکه شما (روز) جزا را دروغ می‌انگارید.* و قطعاً، برای شما نگاهبانانی است،* که ارجمند [و] نویسنده‌اند،* در حالی که آنچه را انجام می‌دهید می‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال، انسان را با لطف خود پرورش داد و با کرامت به او نعمت‌های فراوان بخشید. در مرحله‌ی اول، انسان را آفرید و نعمت وجود به او داد؛ در مرحله‌ی دوم، پیکر او را تنظیم کرد و هر کدام از اعضای او را در جای مناسب قرار داد؛ و در مرحله‌ی سوم، او را تعدیل کرد و رابطه‌ی بین اعضا و قوای او را هماهنگ کرد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۴ به طوری که دست و پا و چشم و استخوان‌بندی، با اعصاب و عضلات او هماهنگ عمل می‌کند و هم‌دیگر را تکمیل می‌کنند و انسان را راست قامت می‌نمایند. «۱» و در مرحله‌ی چهارم، انسان را صورت‌بندی کرد و او را به بهترین صورت آفرید، به طوری که در بین حیوانات، چهره‌ی زیبا دارد. ۲. انسان با وجود برخوردار بودن از نعمت‌های فراوان، باز هم ناسپاسی می‌کند و در برابر خدا مغرور و سرکش است!! آیا سزاوار است که انسان در برابر چنین پرورش دهنده‌ی با کرامتی که او را به بهترین صورت آفریده و چهره‌پردازی کرده است غافل شود و در انجام دستورات او کوتاهی کند؟! دریغ که مشغول باطل شدیم ز حق دور ماندیم و غافل شدیم ۳. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هنگام

خواندن این آیات می‌فرمود: نادانی انسان او را مغرور ساخته است. ۴. «غرور» به معنای غفلت در هنگام بیداری است؛ یعنی غفلت در جایی که نباید انسان غافل باشد و از آن جا که گاهی غفلت سرچشمه‌ی جسارت و خود برتر بینی می‌شود، در این معانی نیز به کار رفته است. ۵. یکی از صفات خدای متعال، «کریم» است؛ او با کرامت و ارجمند است، بخشنده‌ای که در پی کسب سود و دفع زیان نیست، کسی که عمل کم را می‌پذیرد و بهای زیاد می‌پردازد و آن چه را بر او لازم نیست می‌بخشد. ۶. ریشه‌ی غرور و سرکشی انسان همان تکذیب رستاخیز است. آری؛ کسی که قیامت را باور نداشته باشد، مست و مغرور، دست به هر کار می‌زند ولی کسی که روز جزا را باور دارد، فروتن و قانون‌پذیر می‌شود و از خدا اطاعت می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۵

۷. واژه‌ی «دین» در معانی متعددی به کار می‌رود که در این جا به معنای جزا، یا دین اسلام است، البته معنای اول با آیات قبل و بعد سازگارتر است. ۸. افرادی ارجمند و با کرامت، مأمور محافظت انسان و نوشتن اعمال اویند، آنان فرشتگان الهی‌اند که شاهد و ناظر اعمال ما هستند. البته خدا، پیامبران، اعضای بدن، فرشتگان دیگر و حتی زمان و مکان، شاهد اعمال انسان هستند، «۱» اما خدا افراد خاصی از فرشتگان را مأمور ثبت اعمال انسان کرده است، تا انسان‌ها بیش‌تر مراقب اعمال خود باشند و از نافرمانی او بیش‌تر ناراحت شوند. البته این فرشتگان هم اعمال انسان را می‌نویسند و هم انسان را از شیاطین و آفات بسیار حفظ می‌کنند. «۲» ۹. از معصومین علیهم السلام روایت شده که فرشتگان مأمورند کارهای نیک انسان را ده برابر بنویسند و هر «نیت خوب» را «یک نیک» ثبت می‌کنند و اما زمانی که انسان تصمیم بر گناه می‌گیرد، تا زمانی که عمل نکرده، چیزی بر او نمی‌نویسند و بعد از عمل فقط یک گناه ثبت می‌کنند. «۳» و نیز روایت شده که فرشته، در مورد نوشتن گناهان، تا هفت ساعت صبر می‌کند تا شاید کار نیک انجام دهد که گناهان او را بپوشاند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در مراحل آفرینش خویش، خداشناس شوید. ۲. شما مخلوق خدایید، پس در برابر خدا مغرور نشوید. ۳. سزاوار نیست در برابر پرورشگری با کرامت، مغرور و سرکش شوید. ۴. سرچشمه‌ی سرکشی انسان، دروغ‌انگاری رستاخیز است. ۵. شما تحت نظر هستید و اعمال شما آگاهانه ثبت و ضبط می‌شود. ۶. فرشتگان مأمور ثبت اعمال، افرادی با کرامت و ارجمندند (و با لطف با شما برخورد می‌کنند). ۷. هر انسانی محافظانی آگاه دارد (و تحت حمایت الهی است). *** قرآن کریم در آیات سیزدهم تا نوزدهم سوره‌ی انفطار به عظمت رستاخیز و فرجام نیکوی نیکان و فرجام عذاب آلود خلافکاران در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳-۱۹. إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ * يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ * وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ * ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ * يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ قَطْعًا، نیکان در نعمتی فراوان‌اند،* و مسلماً، بدکاران در دوزخ‌اند،* که روز جزا وارد آن می‌شوند (و می‌سوزند)،* و آنان از آن (دوزخ) غایب نمی‌شوند.* و چه چیز تو را آگاه کرد که روز جزا چیست؟! * سپس چه چیز تو را آگاه کرد که روز جزا چیست؟! * روزی که هیچ شخصی چیزی برای شخص (دیگر) مالک نیست، در حالی که آن روز کار [ها] از آن خداست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ابرار»، به معنای افراد نیکوکار است، افرادی که عقاید و رفتار نیک تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۷ دارند و به دیگران امداد می‌رسانند. «۱» فرجام این افراد بهشت پر نعمت و بادوام الهی است. «۲» ۲. «فُجَّار»، در اصل به معنای شکافتن وسیع است و به کسی که پرده‌ی عفاف و تقوا را می‌شکافد و در راه گناه قدم می‌گذارد، فاجر گفته می‌شود. فرجام چنین فردی آتش فروزان دوزخ است. «۳» ۳. در این آیات بیان شده که «نیکوکاران در بهشت و بدکاران در دوزخ‌اند»، مفسران قرآن این تعبیر را دو گونه تفسیر کرده‌اند: الف) هم اکنون نیکوکاران در بهشت اعمال خود مسرورند و بدکاران در دوزخ اعمال خویش در عذاب‌اند. بهشت و دوزخ با توست در پوست چرا بیرون ز خود می‌جویی ای دوست ب) این تعبیرات به آینده‌ی حتمی نیکان و بدکاران اشاره دارد که در رستاخیز داخل بهشت و دوزخ می‌شوند. «۴» البته مانعی ندارد که آیات فوق به هر دو معنا اشاره داشته باشند؛ یعنی در دنیا به نوع اول عذاب و در آخرت به نوع دوم گرفتار می‌شوند، همان‌طور که در آیات بعد نیز بدان اشاره شده است. ۴. یکی از نام‌های رستاخیز «یوم الدین» (روز جزا) است؛ روزی که بسیار با عظمت و بزرگ

است، با حوادثی غیر قابل وصف که ما از آن آگاهی کافی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۸ نداریم، و حتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز آگاهی وسیعی از آن ندارد. ۵. در روز رستاخیز، بدکاران را داخل دوزخ می‌برند و در آتش می‌سوزانند و آنان هیچ‌گاه نمی‌توانند از دوزخ غایب شوند؛ یعنی به طور دائم در آن معذب‌اند. مقصود از بدکاران در این آیات، همان کافران هستند که به طور جاودان در آتش خواهند ماند! ۶. در روز رستاخیز هیچ کس مالک چیزی نیست و کارها به دست خداست؛ البته در این دنیا نیز چنین است، اما در دنیا انسان، مالکیت و حاکمیت ظاهری و اعتباری دارد ولی در رستاخیز همین مالکیت و حاکمیت اعتباری نیز نخواهد بود و آشکار خواهد شد که خدا صاحب اختیار همه چیز است و اوست که به هر کس بخواهد اجازه‌ی شفاعت می‌دهد یا می‌بخشد یا عذاب می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر بهشت پر نعمت می‌خواهید، نیکوکار شوید. ۲. بدکاری، زمینه‌ساز ورود به دوزخ است. ۳. رستاخیز روز عذاب دائمی بدکاران است. ۴. رستاخیز، روز با عظمتی است که درک حقایق آن برای شما مشکل است. ۵. در رستاخیز، مالکیت‌ها و حاکمیت‌های اعتباری بی‌اعتبار می‌شوند و همه‌ی کارها به دست خداست. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۹

بخش ششم: سوره‌ی مطففین

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مطففین» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده (احتمالاً بخش اول سوره در مدینه نازل شده است). و دارای ۳۶ آیه، ۱۷۷ کلمه و ۸۳۰ حرف است. این سوره هشتاد و پنجمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «عنکبوت» و قبل از سوره‌ی «بقره») و هشتاد و سومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره «مطففین» (کم فروشان) و «تطفیف» (کم فروشی) است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده، که کم فروشان و فسادگران اقتصادی را نکوهش کرده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «مطففین» را بخواند، خدا روز رستاخیز، او را از شراب ظهور خالص مَهر شده (و دست نخورده) سیراب می‌کند. «۱» البته روشن است که این پاداش‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و طبق محتوای آن عمل کنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره یادآوری رستاخیز و عذاب‌ها و نعمت‌های آن روز است.

مطالب

مطالب: ۱. هشدار به کم‌فروشان (در آیات ۱-۳)؛ ۲. یادآوری رابطه‌ی ایمان به معاد، با ترک گناهان بزرگ (در آیات ۴-۶)؛ ۳. بیان سرنوشت بدکاران در رستاخیز (در آیات ۷-۱۷)؛ ۴. بیان نعمت‌های بزرگ نیکوکاران در بهشت (در آیات ۲۲-۲۸)؛ ۵. ریشخند مؤمنان نسبت به کافران در رستاخیز، که این عکس‌العمل ریشخند کافران در دنیا است (در آیات ۲۸-۳۴)؛ ۶. اشاره به

نامه‌ی اعمال در رستاخیز (در آیات ۷ و ۱۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۱

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا ششم سوره‌ی مطففین با یاد آوری رستاخیز به اخلال گران اقتصادی هشدار داده، می‌فرماید: ۱- ۶. وَئِلَ لِلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَابُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُواهُمْ أَوْ وَزَنُواهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ وای بر کم فروشان! * (همان) کسانی که وقتی از مردم پیمانانه می‌گیرند، به طور کامل می‌گیرند؛ * و [لی‌هنگامی که برای آنان پیمانانه می‌کنند یا برای آنان وزن می‌کنند، (می‌کاهند و) خسارت می‌زنند. * آیا آنان نمی‌دانند که آنان برانگیخته می‌شوند، * در روزی بزرگ؟! * روزی که مردم برای پروردگار جهانیان به پا می‌خیزند؟! شان نزول: حکایت شده که در زمان ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، مردم آن سامان، که بسیاری از آنها تاجرپیشه بودند، کم فروشی می‌کردند، آن گاه این آیات فرود آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم مدینه خواندند، و آنان از کم فروشی دست برداشتند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مطففین» در اصل به معنای کناره‌های چیزی است و به هر چیز کمی (مثل پیمانانه‌ای که پُر نباشد) گفته می‌شود. تعبیر مطففین، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۲ کم‌فروشی و کم دادن حق مردم به هر شکل و هر صورت را شامل می‌شود؛ یعنی هر چند در آیه، به کم دادن پیمانانه و وزن اشاره شده، ولی آیه مفهوم وسیعی دارد که شامل کم دادن چیزهای دیگر نیز می‌شود. برخی مفسران احتمال داده‌اند که آیه کم گذاشتن خدمات در هنگام کارگری و کارمندی را نیز شامل می‌شود. «۱» بترس از گناهان خویش این نفس که روز قیامت نترسی ز کس ۲. این آیات به افرادی نظر دارد که حق خود را به طور کامل از مردم می‌گیرند ولی حق مردم را به طور کامل نمی‌دهند. برخی مفسران حکایت کرده‌اند که در مدینه شخصی به نام ابوجهینه، دو پیمانانه‌ی بزرگ و کوچک داشت که به هنگام خرید از پیمانانه‌ی بزرگ و به هنگام فروش از پیمانانه‌ی کوچک استفاده می‌کرد. آیه‌ی فوق فرود آمد و به امثال او هشدار داد. «۲» ۳. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که بعد از نزول آیه‌ی فوق فرمودند: هیچ گروهی کم‌فروشی نکردند، مگر آن که زراعت آنان از بین رفت و گرفتار قحطی شدند. «۳» و نیز حکایت شده که امام علی علیه السلام در بازار می‌گشت و به تجار یادآوری می‌کرد که پیمانانه و وزن را به طور کامل بدهند. و نیز از آن حضرت روایت شده که به بازرگانان سفارش می‌کرد که اول، احکام فقهی تجارت را به خوبی بیاموزید و سپس تجارت کنید. «۴» ۴. در این آیات برای خرید از پیمانانه یاد شده، اما برای فروش به پیمانانه و وزن اشاره شده است؛ زیرا در زمان‌های گذشته برای خرید اجناس عمده، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۳ بیش‌تر از پیمانانه استفاده می‌کردند، چون ترازوهای بزرگ وجود نداشت اما برای خرده‌فروشی از دو روش پیمانانه و وزن استفاده می‌کردند. علاوه بر آن، استفاده از ترازو برای کم‌فروشی، آسان‌تر و امکان‌تقلّب در آن بیش‌تر است. ۵. در این آیات به رابطه‌ی معادباوری با ترک گناهان اشاره شده و به کم‌فروشان یادآوری شده که اگر یقین به رستاخیز داشتند، کم‌فروشی نمی‌کردند. «۱» گویا باور نمی‌دارند روز داوری کاین همه کار دغل در کار داور می‌کنند ۶. «ویل» به معنای شرّ، اندوه، هلاکت یا عذاب دردناک یا وادی سوزان و سختی در دوزخ است و برای نفرین و بیان زشتی چیزی به کار می‌رود و در فارسی، تعبیر «وای بر کم فروشان» تا حدودی گویای معنای آن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کم‌فروشی نکنید که گناهی عذاب‌آور است. ۲. همان گونه که حق خود را به طور کامل از مردم می‌گیرید، حق مردم را نیز کامل بپردازید. ۳. اگر به رستاخیز ایمان دارید، از کار و مال مردم کم نگذارید (و وظیفه‌ی خود را انجام دهید). ۴. عقیده به معاد در ترک گناهان بزرگ تأثیر مستقیم دارد. ۵. در هنگام تجارت به یاد رستاخیز و دادگاه عدل الهی باشید و کم‌فروشی نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۴ قرآن کریم در آیات هفتم تا نهم سوره‌ی مطففین به ویژگی‌های منکران معاد در دنیا و رستاخیز و نامه‌ی اعمال آنان و فرجام عذاب آلودشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷- ۱۷. كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سِجِّينٍ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ *

کِتَابٍ مَرْقُومٍ* وَبِئْسَ لِلْمُكَدِّبِينَ* الذِّينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ* وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ* إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ* كَلَّا يَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ* كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ* ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصِيَ الْأَوجِمِ* ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ هرگز چنین نیست، قطعاً، نامه (ی اعمال) بدکاران در زندان (دوزخ) است.* و چه چیز تو را آگاه کرد که زندان (دوزخ) چیست؟!*(آن) نامه‌ای است که نوشته شده است.* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان!*(همان) کسانی که روز جزا را دروغ می‌انگارند؛* در حالی که جز، هر تجاوزکار گنه‌پیشه آن را تکذیب نمی‌کند.* هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: «(این‌ها) افسانه‌های پیشینیان است.»* هرگز چنین نیست، بلکه آنچه را به دست می‌آوردند بر دل‌هایشان (غلبه کرد) و زنگار افکند.* هرگز چنین نیست، قطعاً، در آن روز، آنان از (ملاقات) پروردگارشان منع شده‌اند؛* سپس قطعاً آنان وارد دوزخ می‌شوند (و می‌سوزند)؛* سپس (به آنان) گفته می‌شود: «این چیزی است که آن را دروغ می‌انگاشدید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «سَجِّين» در اصل به معنای «زندان» است و به معنای «محلّی در قعر جهنّم» و نیز «آتش دوزخ» می‌آید. «۱» در مورد «سَجِّين» و «نامه‌ی رقم زده شده» که در این آیات آمده دو تفسیر وجود دارد: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۵ الف) مقصود همان نامه‌ی اعمال عمومی بدکاران است، که همه‌ی کارهای آنان در آن ضبط شده و آن کتاب جامعی است که در دوزخ سقوط کرده و زندانی شده است یعنی جایگاه نهایی آن دوزخ است. ب) مقصود از این تعبیرات، همان دوزخ است که سرنوشت رقم زده شده‌ی بدکاران خواهد بود. البته مانعی ندارد که هر دو تفسیر مقصود آیه باشد؛ چون نامه‌ی اعمال بدکاران عامل سقوط آنان در دوزخ است. ۲. مفسران برای انسان سه نوع نامه‌ی عمل برشمرده‌اند: الف) نامه‌ی اعمال شخصی که در رستخیز به دست راست انسان می‌دهند؛ ب) نامه‌ی اعمال هر امت؛ ج) نامه‌ی اعمال عمومی بدکاران یا نیکوکاران، که همان دیوان کل است و در قعر دوزخ جای دارد یا سبب سقوط افراد به دوزخ و زندانی شدن آنها در آن جا می‌شود و واژه‌ی «سَجِّين» به این نامه‌ی اعمال عمومی اشاره دارد. نامه‌ی آید به دست بنده‌ای سرسیه از جرم و فسق آکنده‌ای ۳. این آیات، تجاوزگری و گناهکاری از عوامل انکار و تکذیب رستخیز بر شمرده شده‌اند: آری؛ انسان‌های متجاوز و گنه‌پیشه برای این که بتوانند به خلافکاری‌های خود ادامه دهند، منکر رستخیز می‌شوند؛ یعنی اعمال خلاف آنان در مواضع عقیدتی آنها تأثیر منفی می‌گذارد. ۴. در قرآن کریم مکرر بیان شده که مخالفان آیات الهی آنها را افسانه‌های پیشینیان می‌خوانند. «۱» این در حالی است که قرآن کریم معجزه‌ی الهی است و مخالفان را به هماوردی و آوردن مثل یک سوره دعوت کرده و همواره مخالفانش عاجز تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۶ بوده‌اند؛ و شاید همین عجز و ناتوانی مخالفان موجب می‌شود که سخنان غیرمنطقی بگویند و دست به تهمت بزنند و قرآن را اسطوره و افسانه بنامند. تا قیامت می‌زند قرآن ندا کای گروهی جهل را گشته فدا مر مرا افسانه می‌پنداشتید تخم طعن و کافری می‌کاشتید خود بدیدید ای خسان طعنه‌زن که شما بودید افسانه، نه من ۵. برخی مفسران گفته‌اند که این آیات در مورد نصر بن حارث نازل شده است که از سران کفر بود و آیات الهی را افسانه‌های نخستین می‌خواند، «۱» ولی آیات شامل همه‌ی افراد هم‌چون او می‌شود. ۶. یکی از عوامل تکذیب معاد و افسانه خواندن قرآن آن است که اعمال بد خلاف کاران هم‌چون پرده‌ای بردل و عقل آنان افتاده است، «۲» به طوری که حقایق روشن را درک نمی‌کنند و دست به تکذیب معاد و آیات الهی می‌زنند. ۷. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که گناه زیاد موجب فاسد شدن دل است. «۳» هنگامی که بنده گناه می‌کند، نقطه‌ی سیاهی در دل او پیدا می‌شود و اگر توبه نماید و دست از گناه بردارد و استغفار کند دلش صفا می‌یابد و اگر باز هم گناه کند، سیاهی افزون می‌شود تا این که تمام دلش را فرا می‌گیرد و این همان زنگاری است که در آیه‌ی فوق گفته شد. «۴» کسی روز محشر نگردد خجل که شب‌ها به درگه برد سوز دل تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۷ ۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: به هم‌دیگر تذکر دهید و با یک‌دیگر ملاقات نمایید و سخن بگویید که حدیث (پیشوایان دین) مایه‌ی جلای دل‌هاست و دل‌ها زنگار می‌گیرند همان طور که شمشیر زنگار می‌گیرد؛ و صیقل آنها حدیث است. «۱» ۹. این آیات چند کیفر خلاف کاران تکذیب‌گر را چنین بیان می‌کند: الف)

کیفر معنوی، که همان محرومیت از دیدار پروردگار در رستاخیز است. آنان همان طور که در این دنیا حق را نمی‌بینند در رستاخیز نیز از دیدار حق محروم‌اند؛ زیرا قلب‌شان در حجاب است و صفا و نورانیت دل ندارند. ب) کیفر جسمانی، که همان وارد شدن و همراهی با آتش دوزخ است؛ این آتش نتیجه‌ی محرومیت از دیدار حق است. ج) کیفر روانی، که همان سرزنش و توبیخ خلاف کاران در رستاخیز است. به آنان گفته می‌شود: این همان دوزخی است که همواره آن را انکار می‌کردید. ۱۰. یکی از عذاب‌های خلاف کاران، محرومیت از دیدار حق است که محرومیت از رحمت و احسان و کرامت و ثواب خدا را به دنبال دارد. آری؛ برخی از مؤمنان در دنیا و آخرت از فیض دیدار حق بهره می‌برند؛ چنان‌که امام علی علیه السلام در دعای کمیل خطاب به پروردگار می‌فرماید: گیرم که بر عذاب دردناک تو صبر کنم، چگونه بردوری و فراق تو صبر کنم! «۲» ولی برخی کوردلان، حتی در رستاخیز هم که پرده‌ها کنار می‌رود، از این فیض بی‌بهره‌اند. جمال یار ندارد حجاب و پرده ولی غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بدکاران نامه‌ی اعمال بدی برای خود رقم زده‌اند. ۲. نامه‌ی اعمال بدکاران، آنان را در قعر دوزخ زندانی می‌کند. ۳. منکران معاد منتظر سرنوشت عذاب آلودی باشند. ۴. تجاوزگری و گناهکاری، زمینه‌ساز انکار معاد است. ۵. رستاخیز، روز جزا و کیفر شماست (پس این واقعیت را بپذیرید و دست از گناه و تجاوز بردارید). ۶. اعمال بد، زنگاری بردل می‌نشانند (که مانع درک حقایق می‌شود). ۷. مخالفان اسلام در برابر قرآن حرف منطقی ندارند و آن را افسانه می‌خوانند. ۸. مخالفان قرآن، منکران معاد و خلافکاران از دیدار پروردگار محروم‌اند. ۹. خلاف کاری، انکار معاد و تهمت زدن به قرآن، سرنوشتی عذاب آلود دارد. ۱۰. منکران معاد، منتظر روزی باشند که عذاب رستاخیز را بچشند، تا حقیقت آن را درک کنند. ۱۱. محرومیت از دیدار خدا و سرزنش روانی، کیفری در ردیف عذاب دوزخ به شمار می‌آید. *** قرآن کریم در آیات هیجدهم تا بیست و هشتم سوره‌ی مطففین به نامه‌ی اعمال و فرجام نیکو و نعمت‌های بهشتی نیکان و مقربان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸-۲۸. کَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيْنَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُونَ * كِتَابٌ مَرْقُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ * إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ * تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ * يُسَبِّحُونَ مِنْ رَحِيْقٍ مَخْتُومٍ * خِتَائِمُهُ مِسْكَ * وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * وَمِزَاجُهُمْ مِنْ تَسْنِيمٍ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۹ هرگز چنین نیست، قطعاً، نامه‌ی (اعمال) نیکان در مراتب عالی است. * و چه چیز تو را آگاه کرد که مراتب عالی چیست؟! * (آن) نامه‌ای است که نوشته شده است، * [و] مقربان آن را گواهی می‌دهند. * قطعاً، نیکان در نعمتی فراوان‌اند؛ * در حالی که بر تخت‌ها (تکیه زده و) می‌نگرند؛ * در چهره‌هایشان شادابی فراوانی نعمت را می‌شناسی؛ * از شراب خالص مَهر نهاده شده نوشانده می‌شوند. * مَهر آن مُشک است؛ و در مورد این (شراب‌ها)، پس مشتاقان باید (بزرگوارانه بر یک‌دیگر پیشی گیرند و) اشتیاق ورزند. * و آمیزه‌اش از شراب برتر (چشمه‌ی بهشتی) است، * چشمه‌ساری که مقربان از آن می‌نوشند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت نیکان و بدان را در برابر هم‌دیگر به تصویر می‌کشد تا مخاطبان بتوانند راه خود را آگاهانه انتخاب کنند. در این آیات سرنوشت نیکان و نعمت‌های بهشتی آنان بیان شده است و در آیات پیشین سرنوشت خلاف کاران تکذیب‌گر و کیفرهای آنان بیان شده بود. ۲. «علیین» به معنای مکان‌های بالا- یا اشخاص بالانشین است و در این جا به برترین مکان‌های بهشت تفسیر شده است. در مورد «علیین» و «کتاب رقم زده شده‌ی نیکان»، دو تفسیر ارائه شده است: الف) مقصود نامه‌ی اعمال نیکان است که همه‌ی کارهای آنان در آن ثبت است و این دیوانی بلندمرتبه است که در بهشت قرار دارد. ب) منظور سرنوشت نهایی نیکان است که به سوی درجات عالی بهشت رقم زده شده است. البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق به هر دو تفسیر اشاره داشته باشد «۱» چون نامه‌ی اعمال نیکان عامل صعود آنان به درجات عالی بهشت است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۰. ۳. نامه‌ی اعمال نیکان را مقربان درگاه الهی مشاهده می‌کنند و بر آن گواهی می‌دهند. مقربان، همان فرشتگان ناظر اعمال یا گروهی برگزیده از مؤمنان هستند که مقامی بس والا دارند. در برخی آیات قرآن نیز اشاره شده که هر امتی گواهی دارد و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، گواه بر آنهاست. «۱» ۴.

در این آیات، برای نیکان پاداش‌های متعددی برشمرده شده است: الف) در نعمت‌های فراوان بهشتی هستند، نعمت‌های بزرگ و فراوان مادی و معنوی که نمی‌توان آنها را وصف کرد. «۲» ب) بر تخت‌ها و ارگ‌های زیبای بهشتی تکیه می‌زنند «۳» و به مناظر زیبا می‌نگرند و لذت می‌برند. ج) چهره‌های شاداب دارند و از نعمت‌های الهی مسرورند. د) از شراب زلال مهرزده و دست نخورده می‌نوشند؛ شرابی که پاک و پاک‌کننده است و هم‌چون شراب‌های زیان‌آور، بدبو و دست‌خورده‌ی دنیا نیست؛ شرابی که در بسته است، ولی در آن را با ماده‌ی مُشک خوشبو بسته‌اند که هرگاه دست بر مُهرش می‌نهند، بوی عطر مشک فضا را پر می‌کند؛ همان شرابی که تسنیم مزوج است. آن شراب حق، ختامش مشکِ ناب باده، را ختمش بود، گند و عذاب ۵. در این آیات چند ویژگی برای شراب‌های بهشتی نیکان بیان شده است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۱ الف) شرابی زلال و خالص است، که آلودگی و ناخالصی در آن نیست. ب) در ظرف‌های در بسته و دست نخورده است، که این نشانه‌ی احترام به میهمان است. ج) در ظرف‌های شراب بهشتی را با ماده‌ای پوشانده‌اند که بوی مُشک می‌دهد و هرگاه در آن را باز کنند، بوی آن فضا را عطر آگین می‌کند. د) این شراب با برترین نوع شراب بهشتی، یعنی تسنیم مخلوط شده است و طعم آن را می‌دهد. همه‌ی این‌ها برای نیکان است. ه) در بهشت به نیکان از این شراب می‌نوشانند؛ یعنی آنان برای نوشیدن شراب زحمت نمی‌کشند و با کمال احترام از آنان پذیرایی می‌شود. ۶. «تسنیم» به معنای چشمه‌ای است که از بالا به پایین فرو می‌ریزد و طعم خاصی دارد که مخصوص مقربان درگاه الهی است. در بهشت شراب‌های مختلفی است: برخی در نهرها جاری است، «۱» برخی در ظرف‌های در بسته است، و برخی از طبقات بالای بهشت فرو می‌ریزد، که از همه عالی‌تر است و نشئه‌ی روحانی غیر قابل وصفی دارد؛ البته همه‌ی این تعبیرات اشاره به حقایق برتر بهشتی و شبیحی از آنهاست. ۷. مقربان درگاه الهی در بهشت از چشمه‌ای می‌نوشند که تسنیم از آن جاری است. از این آیات استفاده می‌شود که مقام مقربان از مقام نیکان برتر است؛ نیکان کسانی هستند که روحی بلند و وسیع و همتی بلند در اعتقاد و عمل دارند؛ ولی مقربان کسانی هستند که در پیشگاه الهی مقامی خاص دارند. ۸. از امام حسن علیه السلام روایت شده: به خدا سوگند هر جا در قرآن از نیکان یاد شده است، جز علی و فاطمه و من و حسین علیهم السلام اراده نشده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۲ البته روشن است که این گونه احادیث، مصداق‌های کامل و روشن ابرار و نیکان را بیان می‌کنند و این مانع عمومیت و شمول آیات نمی‌شود. ۹. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: هر کس شراب دنیوی را برای خدا ترک کند، خدا از شراب زلال دست نخورده‌ی بهشتی او را سیراب می‌کند. «۱» و از امام سجاد علیه السلام روایت شده: هر کس مؤمن تشنه‌ای را سیراب کند، خدا او را از شراب زلال دست نخورده‌ی بهشتی سیراب می‌کند. و نیز در مورد کسی که در روز گرم تابستان روزه بگیرد همین پاداش ذکر شده است. «۳» ۱۰. نعمت‌های بهشتی نیکان آنقدر ارزشمند است که باید انسان‌ها برای رسیدن به این نعمت‌ها مسابقه دهند و بزرگوارانه و در رقابتی سالم، برای رسیدن به آن مقام تلاش کنند و این جز در سایه‌ی نیکوکاری به دست نمی‌آید. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۳. ۱. نیکان نامه‌ی اعمال خوبی برای خود رقم زده‌اند. ۲. نامه‌ی اعمال نیکان آنان را به مرتبه‌ی والایی از بهشت سوق می‌دهد. ۳. مقربان درگاه الهی از نامه‌ی اعمال شما آگاه‌اند و به آن گواهی می‌دهند. ۴. اگر نعمت‌های فراوان بهشت و شراب‌های نیکوی آن را می‌طلبید از نیکان شوید. ۵. نیکوکاران در آخرت شاد و سیراب از شراب زلال هستند. ۶. بهشت نیکان، پر نعمت و خوش منظره است. ۷. برای رسیدن به مقامات بهشتی نیکان، از هم‌دیگر پیشی بگیرید و بزرگوارانه در نیکوکاری مسابقه دهید. ۸. مقربان درگاه الهی از شراب ویژه‌ای می‌نوشند (و مقامشان از نیکان بالاتر است). ۹. اگر شراب تسنیم می‌خواهید، به درگاه الهی نزدیک شوید. *** قرآن کریم در آیات بیست و نهم تا سی و ششم سوره‌ی مطففین به ریشخند مؤمنان توسط کافران در دنیا و عکس‌العمل آن در آخرت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹-۳۶. إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ * وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ * وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ * وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ * وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ * فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ * عَلَى الْأَرَائِكِ

يَنْظُرُونَ* هَيْلٌ تُؤْتِي الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ در واقع، کسانی که خلافکاری کردند، به کسانی که ایمان آوردند، می‌خندیدند* و هنگامی که بر آنان می‌گذشتند، با اشاره ریشخند می‌کردند.* و هنگامی که به سوی خانواده‌شان بازمی‌گشتند، شادمانانه برمی‌گشتند.* و هنگامی که آنان را می‌دیدند، می‌گفتند: «قطعاً، اینان گمراهان‌اند.»* در حالی که بر آنان نگاهبانانی فرستاده نشده بود.* پس امروز کسانی که ایمان آوردند، به کافران می‌خندند.* در حالی که بر تخت‌ها (تکیه‌زده و) می‌نگرند.* آیا کافران آنچه را انجام می‌دادند پاداش داده شدند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۴ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که روزی علی علیه السلام با گروهی از مؤمنان از کنار جمعی از کافران مکه عبور می‌کردند. آنان به علی علیه السلام و مؤمنان خندیدند و آنها را ریشخند کردند. آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و عکس‌العمل آن را در رستاخیز روشن ساخت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به قانون عمل و عکس‌العمل اشاره شده است؛ قانونی که در دنیا و آخرت جاری است و هر کس عکس‌العمل متناسب با کارش را می‌بیند. آری؛ کسی که در دنیا مؤمنان را ریشخند کند، در آخرت کیفری متناسب می‌بیند و ریشخند می‌شود؛ زیرا آخرت محل اجرای عدالت و بازتاب اعمال است. چون ترازوی تو کژ بود و دغا راست چون جویی ترازوی جزا ۲. در این آیات به اعمال زشت خلاف کاران در دنیا نسبت به مؤمنان اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) کافران به مؤمنان می‌خندیدند، خنده‌ای مستانه و تمسخرآمیز که نشانه‌ی روح غرور و غفلت و سرکشی و سبک‌سری آنان بود. ب) کافران با اشاره‌ی چشم و ابرو و دست، مؤمنان در حال عبور را نشان می‌دادند و به آنان ایراد می‌گرفتند که این‌ها فقیرانی هستند که ادعای توحید و رستاخیز دارند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۵ ج) کافران نه تنها مؤمنان را در میان اجتماع ریشخند می‌کردند، بلکه در جلسات خصوصی و در میان خانواده و دوستان نزدیک نیز چنین می‌کردند «۱» و در میان آنان خوشحالی می‌کردند، چنان که گویی پیروزی نصیب آنان شده است. د) یکی دیگر از رفتارهای ناشایست کافران با مؤمنان آن بود که هر گاه مؤمنان را می‌دیدند، می‌گفتند: قطعاً اینان گمراه‌اند چون آیین بت‌پرستی را رها کرده و راه توحید و آخرت را در پیش گرفته‌اند. البته مرحله‌ی شدید برخورد کافران وقتی به وجود می‌آمد که کار از ریشخند می‌گذشت و گاهی به نبردهای مسلحانه کشیده می‌شد. ۳. در این آیات خدای متعال به کافران پاسخی دندان شکن داده، از آنان سلب مسئولیت می‌کند و می‌فرماید: ما شمارا نگهبان امور مؤمنان قرار ندادیم که حق داشته باشید بر آنان خرده بگیرید. این کارها مربوط به شما نبود. ۴. عکس‌العمل کردار کافران در رستاخیز آن است که در آن روز مؤمنان به کافران می‌خندند و آنان را ریشخند می‌کنند؛ کافرانی که در دنیا با غرور و مستانه می‌خندیدند، اکنون گرفتار آتش شده‌اند و راه گریز ندارند. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که در رستاخیز در بهشت را به روی کافران می‌گشایند، ولی وقتی آنان به نزدیکی بهشت می‌رسند در را می‌بندند و این کار چند بار تکرار می‌شود و مؤمنان که شاهد این صحنه هستند می‌خندند. «۲» ۵. در آخرین آیه‌ی سوره‌ی مطففین، خدا یا فرشتگان یا مؤمنان، «۳» به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۶ نوعی کافران را ریشخند و سرزنش می‌کنند و می‌گویند: آیا کافران ثواب اعمالشان را گرفتند؟! در این آیه، به جای آن که از واژه‌ی «کیفر» استفاده کند، واژه‌ی «ثواب» به کار برده است، که برای ریشخند کافرانی است که گرفتار عذاب شده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از حربه‌های تبلیغی دشمنان دین، ریشخند و طعن به مؤمنان است. ۲. یکی از حربه‌های تبلیغی دشمنان، تهمت‌زنی است و مؤمنان را گمراه می‌خوانند. ۳. کافران دگرآزارند و از ریشخند و آزار مؤمنان لذت می‌برند. ۴. مؤمنان نیازمند محافظت و خرده‌گیری کافران نیستند. ۵. در رستاخیز قانون عکس‌العمل حاکم است و کافران به سزای ریشخندشان، استهزا می‌شوند. ۶. مؤمنان در رستاخیز از موضع بالا با کافران برخورد می‌کنند. ۷. رستاخیز روز جزای اعمال و ریشخند کافران است. ۸. خلافکاری و تبلیغات ریشخندآمیز، از شیوه‌های کافران (لجوج) است. ۹. اگر می‌خواهید در رستاخیز مورد ریشخند واقع نشوید در دنیا مؤمنان را ریشخند نکنید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۷

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «انشقاق» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۵ آیه، ۱۰۹ کلمه و ۴۳۰ حرف است. این سوره هشتاد و دومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «انفطار» و قبل از سوره‌ی «روم») و هشتاد و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «انشقاق» (شکافتن) و «انشقت» (شکافت) که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۸

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی انشقاق را بخواند، خدا او را در امان می‌دارد از این که در قیامت نامه‌ی اعمالش از پشت سرش داده شود. «۱» البته این آثار برای کسانی است که این سوره را بخوانند و به محتوای آن معتقد و پای‌بند باشند.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، معاد و نشانه‌های رستاخیز و فرجام مؤمنان و کافران در آن روز است و به اهمیت قرائت قرآن نیز اشاره دارد.

مطالب

مطالب: ۱. بیان نشانه‌های رستاخیز (در آیات ۱-۵)؛ ۲. یادآوری برنامه‌ی اعمال اصحاب یمین و اصحاب شمال و فرجام آنان (در آیات ۷-۱۵)؛ ۳. اشاره‌ای به تلاش انسان در راه ملاقات پروردگار (در آیه‌ی ۶)؛ ۴. اشاره‌ای به عظمت و اهمیت قرائت قرآن (در آیه‌ی ۲۱)؛ ۵. بیان کیفر تکذیبگران قرآن (در آیات ۲۲-۲۴)؛ ۶. اشاره‌ای به پاداش مؤمنان نیکوکردار (در آیه‌ی ۲۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۹

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی انشقاق نشانه‌های رستاخیز را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱-۵. إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ * وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ * وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ * وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ * وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ * هُنَّ كَمَا كُنَّ (کرات) آسمان شکافته شود،* و به (فرمان) پروردگارش گوش فرا دهد و شایسته شود،* و هنگامی که زمین گسترانده شود،* و آنچه در آن است (بیرون) افکند و خالی شود،* و به (فرمان) پروردگارش گوش فرا دهد و شایسته شود، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آستانه‌ی رستاخیز نظام جهان درهم فرو می‌ریزد و آسمان‌ها شکافته و زمین گسترده و کشیده می‌شوند و نظم نوینی بر جهان حاکم می‌شود. ۲. در تفسیر آیه‌ی فوق از امام علی علیه السلام روایت شده که آسمان‌ها از کهکشان‌ها جدا می‌شوند. «۱» برخی از مفسران، این حدیث را از معجزات علمی امام علی علیه السلام دانسته‌اند که در آن عصر «از جدایی کرات آسمانی از کهکشان‌ها» سخن گفته است. ۳. در این آیات می‌خوانیم که آسمان و زمین، تسلیم پروردگار هستند و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۰ کم‌ترین مقاومتی در برابر

فرمان او ندارند؛ زیرا هر لحظه از او فیض وجود می‌گیرند و اگر یک لحظه رها شوند نابود می‌شوند؛ پس سزاوار و حق این است که گوش به فرمان او باشند. «۱» خداوندی که خَلَقَ الْوُجُودَ است و وجودش تا ابد فیاض جود است ۴. مقصود از گسترده شدن و کشیده شدن زمین این است که در آن روز، کوه‌ها متلاشی می‌شوند و پستی و بلندی‌های زمین از بین می‌روند و صحنه‌ی زمین صاف و گسترده می‌شود؛ یعنی در رستاخیز زمین بسیار گسترده‌تر از امروز می‌شود، تا آماده‌ی حضور مردم در آن پهنه شود. ۵. مقصود از تخلیه‌ی زمین در این آیات چیست؟ مفسران در پاسخ این پرسش احتمالات متعددی داده‌اند، از جمله این که معادن و گنج یا مواد مذاب درون زمین بیرون می‌ریزد؛ و یا این که انسان‌های آرمیده در قبرها خارج می‌شوند. البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق، اشاره به همه‌ی این معانی باشد و در آستانه‌ی رستاخیز همه‌ی این اتفاقات بیفتد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز با حوادث هولناکی شروع می‌شود و نظم فعلی جهان برهم می‌خورد (پس برای حضور در آن صحنه آماده شوید). ۲. آسمان و زمین، به شایستگی گوش به فرمان خدا هستند (شما چطور؟! ...*** قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی انشقاق به تلاش انسان‌ها در راه ملاقات پروردگار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْ قِيَاهُ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ! در حقیقت، تو به سوی پروردگارت کاملاً تلاش می‌کنی (و رنج می‌کشی) و او را ملاقات می‌کنی. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یک اصل اساسی در حیات انسان این است که زندگی‌اش همواره با تلاش و زحمت آمیخته است «۱» و انسان در راه اهداف دنیوی و یا اخروی خویش تلاش می‌کند و در نهایت به ملاقات پروردگار و پاداش و کیفر او در رستاخیز می‌رسد و آرام می‌گیرد. ز کوشش بجو شادی و خرمی که این است سرمایه‌ی آدمی ۲. از امام سجاد علیه السلام روایت شده که راحتی و آسایش، تنها در بهشت و برای اهل آن است. رنج و زحمت در دنیا آفریده شده و برای اهل دنیاست، هر کس پیمان‌های آن به دست آورد دو برابر حریص می‌شود و کسانی که از دنیا بیش‌تر دارند فقیرترند ... دوستان خدا در دنیا برای دنیا زحمت نمی‌کشند، بلکه زحمت آنان در دنیا برای آخرت است. «۲» ۳. مقصود از «ملاقات پروردگار» در این آیه چیست؟ مفسران قرآن در مورد ملاقات پروردگار چند تفسیر ارائه کرده‌اند؛ از جمله این که: مقصود شهود باطنی خدا یا ملاقات پاداش و کیفر الهی و یا ملاقات حاکمیت مطلق خدا در رستاخیز است. زاهدان در هوس طوبی و اندیشه‌ی جنت من در آن غم که چه سان قامت و رخسار تو بینم ۴. تعبیر «انسان» و «رب» در این آیه نشان می‌دهد که سیر به سوی خدا برای همه‌ی انسان‌ها میسر است و این تلاشگری جزئی از برنامه‌ی ربوبی برای تربیت و تکامل انسان است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان موجودی زحمت‌کش است. ۲. هدف نهایی سیر انسان، ملاقات خداست. ۳. در دنیا آرامش و راحتی نیست، بلکه آرامش نزد خداست. *** قرآن کریم در آیات هفتم تا پانزدهم سوره‌ی انشقاق به نامه‌ی اعمال سعادتمندان و شقاوت‌مندان اشاره کرده، فرجام آنان را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۷-۱۵. فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ * فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا * وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا * وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ * فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا * وَيَصِلي سَعِيرًا * إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا * إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ * بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِبَصِيرًا و اما هر کس نامه‌ی (عمل) او به دست راستش داده شود،* پس به زودی با حسابی آسان حساب‌رسی می‌شود،* و شادمان به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد.* و اما هر کس که نامه‌ی (عمل) او از پشت سرش (به او) داده شود،* پس در آینده (او ایلا می‌گوید و) هلاکت می‌خواهد!* و در شعله‌ی فروزان (آتش) وارد می‌شود (و می‌سوزد)،* [چرا] که او در خانواده‌اش (از گناه) شادمان بود؛* [چرا] که او یقین کرد که (به سوی خدا) باز نمی‌گردد.* آری، در واقع، پروردگارش نسبت به او بیناست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت انسان‌های نیک و بد را در برابرهم به تصویر می‌کشد تا مخاطبان قرآن بتوانند راه صحیح را تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۳ به‌خوبی تشخیص دهند. ۲. «اصحاب یمین» (یاران راست) کسانی هستند که سرمایه‌های وجود خویش را در مسیر ایمان و عمل شایسته مصرف کردند و در رستاخیز نامه‌ی اعمالشان به دست راست‌شان داده می‌شود و این نشانه‌ی پاکی کردار و فرجام نیکوی آنان است. ۳. خدا حساب اصحاب یمین را آسان می‌گیرد و با لطف و احسان از

لغزش‌های آنان می‌گذرد و بر آنان سخت نمی‌گیرد. ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: سه چیز عامل آسانی حساب و ورود به بهشت است: اول این که هر کس تو را محروم کرد به او عطا کنی؛ دوم آن که هر کس از تو برید (و قطع رابطه کرد) با او پیوند برقرار سازی؛ و سوم آن که هر کس بر تو ستم کرد او را عفو کنی. «۱» از امام باقر علیه السلام روایت شده: خدا روز رستاخیز در مورد حساب بندگان، به اندازه‌ی عقلی که در دنیا به آنان داده، سخت‌گیری و دقت می‌کند. «۲» ۵. یکی از پاداش‌های یاران راست آن است که در رستاخیز به اهل خود ملحق می‌شوند و شادی می‌کنند و مقصود از «اهل» در این مورد، خانواده یا دوستان مؤمن و یا حوریان بهشتی‌اند. البته ممکن است همه‌ی آنها مقصود باشند. چو مستور باشد زن خویروی به دیدار او در بهشت است شوی ۶. در مقابل اصحاب یمین و یاران راست، اصحاب شمال هستند؛ خلاف کارانی که نامه‌ی اعمالشان را به دست چپ‌شان می‌دهند و در آیه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۴ فوق آمده است که نامه‌ی اعمالشان را از پشت سر به آنان می‌دهند. مقصود از این تعبیر، یا آن است که نامه را از پشت سر به دست چپ آنان می‌دهند که نشانه‌ی خواری و سرافکنندگی آنان است و یا این که دستانشان را مانند اسیران پشت سر می‌بندند و نامه‌ی اعمال را در دست چپ آنها می‌گذارند «۱» که نشانه‌ی ناپاکی کردار و سرنوشت عذاب‌آلود آنان است. ۷. خلافکاران شقاوت‌مند، هنگامی که نامه‌ی اعمالشان را می‌گیرند و متوجه سرنوشت عذاب‌آلود خود می‌شوند، فریاد برمی‌آورند: «ای وای هلاک شدم!» «۲» ولی این فریادها به جایی نمی‌رسد و آنان وارد آتش می‌شوند می‌سوزند. ۸. خلاف کاران شقاوت‌مند، در دنیا و در میان خانواده و دوستان خویش شاد بودند؛ شادی همراه با غفلت و گناه و همراه بی‌خبری از رستاخیز؛ این گونه شادی‌های دنیوی، اندوه آخرت و عذاب الهی را به دنبال دارد. ۹. شادی و سرور در اصل نیکوست و سفارش شده که مؤمنان در معاشرت با دیگران بشاش باشند و شادشان کنند و در آیات قبل بیان شد که مؤمنان نیکوکار و یاران راست، در سرای آخرت نیز شادمان‌اند. ولی اگر این شادی در دنیا با غفلت، غرور و گناه آلوده شود و انسان را از یاد آخرت غافل سازد زمینه‌ساز عذاب می‌گردد. ۱۰. در این آیات به ریشه‌ی انحراف خلاف کاران اشاره شده است. آنان گمان داشتند که معاد و بازگشتی در کار نیست «۳» و از این رو دست به هر گناهی می‌زدند و از ظلم و بدکاری خویش، نه تنها ناراحت نمی‌شدند تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۵ بلکه شادمان نیز می‌گشتند. ۱۱. در این آیات بر علم پروردگار به حالات انسان‌های خلاف کار تأکید شده است. بینایی و علم خدا و ثبت اعمال انسان‌ها، شاهده‌ی برای معاد و مقدمه‌ای برای حساب و کیفر و پاداش است و گرنه بیهوده خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر حساب آسان و شادمانی رستاخیز را می‌خواهید، از یاران راست باشید. ۲. در رستاخیز، گرفتن نامه بادست راست نشانه‌ی سعادت‌مندی است. ۳. هلاکت و آتش، در انتظار معاد ناباوران است. ۴. معادناووری، زمینه‌ساز شادی غفلت‌انگیز و موجب عذاب است. ۵. خدا بیناست و کارهای شما را تحت نظر دارد. ۶. در رستاخیز، گرفتن نامه‌ی عمل از پشت سر نشانه‌ی فرجامی عذاب‌آلود است. ۷. مردم در رستاخیز به دو گروه نیک‌فرجام و بدفرجام تقسیم می‌شوند (شما از کدامین گروه‌اید؟). *** قرآن کریم در آیات شانزدهم تا بیست و پنجم سوره‌ی انشقاق با سوگندهای متعدد به حالت‌های مختلف انسان و ویژگی‌های کافران و فرجام عذاب‌آلود آنان و پاداش مؤمنان نیکو کردار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶-۲۵. فَلَمَّا أَقْسِمُ بِاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ * وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ * لَتُرَكَّبَنَّ طَبَقًا * عَنْ طَبَقٍ * فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ * وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْتَجِدُّونَ * يَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ * وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ * فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۶ و سوگند یاد می‌کنم به روشنائی سرخگون (آخر روز)!* سوگند به شب و آنچه را جمع‌آوری می‌کند!* سوگند به ماه هنگامی که جمع (و کامل) می‌شود!* که قطعاً (شما) از حالی به حالی برخوردار خواهید نشست.* پس آن (کافر) ان را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟!* و هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می‌شود سجده نمی‌کنند؟!* بلکه کسانی که کفر ورزیدند (قرآن را) تکذیب می‌کنند!* و خدا به آنچه (در ذهن) ذخیره می‌کنند داناتر است.* پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده!* مگر کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، که برای آنان پاداشی بی‌پایان است.

نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخنان خدا راست و درست است و نیازی به سوگند ندارد، اما گاهی برای تأکید بر مطلب و نشان دادن اهمیت چیزی و جلب توجه انسان به برخی پدیده‌ها سوگند یاد می‌کند. «۱» برخی مفسران برآنند که در این آیات به شفق، شب و ماه کامل سوگند یاده شده است تا انسان با مطالعه در این پدیده‌های شگفت‌انگیز، خداشناس تر شود. «۲» «۲». «شَفَق» به معنای روشنایی آخر روز است که با تاریکی شب آمیخته می‌شود و سرخی کم‌رنگی دارد و بعد به صورت سفیدی درمی‌آید. البته برخی نیز آن را به معنای «نازکی» دانسته‌اند. البته «شفق» در اصطلاح، به همان سرخی آخر روز گفته می‌شود که نشانه‌ی تحوّل و دگرگونی در جهان است؛ چون روز پایان می‌گیرد و شب شروع می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۷ ۳. در این آیات به شب اسرارآمیز سوگند یاد شده است که انسان‌ها و حیوانات را در خانه‌هایشان جمع‌آوری می‌کند و به ماه هنگامی که جمع می‌شود و به صورت بدر کامل در می‌آید. آری؛ این‌ها نشانه‌هایی از قدرت و علم خداست که قابل مطالعه برای بشر است. ۴. در این آیات به چهار موضوع و دگرگونی پشت سرهم اشاره شده است؛ یعنی به شب و تبدیل شدن آن به روز و بازگشتن به سرعت موجودات به خانه‌ها و کامل و آشکار شدن ماه. سوگند به این حالات و دگرگونی‌های چهارگانه برای تأکید بر دگرگونی‌های انسان است. ۵. مقصود از دگرگونی‌های انسان چیست؟ مفسران در این مورد تفسیرهای مختلفی ارائه کرده‌اند: الف) حالات و دگرگونی‌های انسان از دنیا به برزخ و رستاخیز که به سوی خدا می‌رود؛ ب) حالات انسان از نطفه تا مرگ؛ ج) حالات انسان از سلامت و بیماری، اندوه و سرور و صلح و جنگ؛ د) حالات و شدائدی که انسان در رستاخیز با آنها رو به‌رو می‌شود؛ ه) حالات تلخ و شیرین اقوام پیشین، که مشابه مخالفت‌های آنان، در امت اسلام نیز واقع می‌شود. «۱» البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد. ۶. تغییر و دگرگونی این پدیده‌های طبیعی و انسان‌ها، نشانه‌ی حدوث، نیازمندی و مخلوق بودن آنها، ناپایداری جهان و حرکت مستمر انسان به سوی خدا و معاد است؛ پس با این دلایل روشن چرا کافران ایمان نمی‌آورند؟! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۸ ۷. این آیات کافران را سرزنش می‌کند که چرا در برابر قرآنی که این حقایق عالی را برای شما بیان می‌کند و اعجاز آن آشکار شده است، لجاجت می‌کنید و ایمان نمی‌آورید و فروتن نمی‌شوید؟ ۸. مقصود از «سجده» در این آیات، فروتنی و تسلیم و اطاعت است؛ هر چند سجده‌ی اصطلاحی نیز، یکی از مصداق‌های آن است. حکایت شده که هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله این آیات را می‌خواندند سجده می‌کردند. از نظر فقهی نیز مشهور آن است که در هنگام خواندن این آیه، سجده مستحب است. «۱» ۹. در این آیات اشاره شده که کافران به طور مستمر آیات الهی و معاد را تکذیب می‌کنند، و همین موجب عذاب دردناک آنان می‌شود. ۱۰. تعبیر «بشارت» در مورد عذاب دردناک کافران، نوعی ریشخند آنان است؛ چون این تعبیر معمولاً در مورد نعمت‌های بهشتی و خبرهای خوب به کار می‌رود، نه عذاب الهی. ۱۱. کافران مستحق عذاب دردناک هستند، اما خدا راه بازگشت و توبه را به روی آنان نمی‌بندد و با یک استثنا می‌فرماید: هر کس ایمان آورد و کارشایسته انجام دهد، پاداشی مستمر خواهد داشت. «۲» ۱۲. پاداش مؤمنان شایسته‌کردار، پایدار و بدون منت است؛ «۳» چون پاداش‌های بهشتی نقصان‌ناپذیر و خالی از منت است، برخلاف نعمت‌های دنیوی که عوارض نامطلوبی دارد و نقصان‌پذیر و گاهی همراه با منت است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در پدیده‌های شفق، شب، جمع‌آوری موجودات در آن، و ماه بدر، دقت و تأمل کنید (و خدا شناس شوید). ۲. شما تغییرپذیر (و ناپایدار و مخلوق) هستید، پس به خالق خود ایمان بیاورید. ۳. اگر در آوای قرآن دقت کنید، فروتن می‌شوید. ۴. تکذیب‌گری عامل عذاب انسان است. ۵. خدا شما را تحت نظر دارد و حتی از (اهداف و انگیزه‌های) درون شما آگاه است. ۶. اگر پاداش مستمر الهی را می‌طلبید، با ایمان و شایسته‌کردار باشید. ۷. کافران اگر توبه کنند و ایمان آورند و شایسته‌کردار شوند، مورد لطف الهی قرار می‌گیرند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۱

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «بُروج» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۲ آیه، ۱۰۹ کلمه و ۴۵۸ حرف است. این سوره بیست و ششمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «شمس» و قبل از سوره‌ی «تین») و هشتاد و پنجمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «بُروج» (بُرج‌ها) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۲

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس این سوره را بخواند، خدا ده برابر تعداد کسانی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند و کسانی که در روز عرفه جمع می‌شوند، حسنه به او می‌دهد و خواندن این سوره، انسان را از ترس‌ها و سختی‌ها نجات می‌دهد. البته روشن است که این آثار و ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره تقویت روحیه‌ی مؤمنان در برابر آزارهای مخالفان و هشدار به آنان است. مطالب: ۱. بیان برخی از صفات خدای متعال؛ ۲. بیان جریان اصحاب اخدود، مؤمنانی که به خاطر ایمانشان آزار دیدند و کشته شدند؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت عذاب‌آلود فرعون و قوم ثمود؛ ۴. یادآوری فرجام نیکوی مؤمنان در بهشت؛ ۵. بیان جایگاه واقعی قرآن کریم. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۳

مطالب

اهداف: هدف اصلی این سوره تقویت روحیه‌ی مؤمنان در برابر آزارهای مخالفان و هشدار به آنان است. مطالب: ۱. بیان برخی از صفات خدای متعال؛ ۲. بیان جریان اصحاب اخدود، مؤمنانی که به خاطر ایمانشان آزار دیدند و کشته شدند؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت عذاب‌آلود فرعون و قوم ثمود؛ ۴. یادآوری فرجام نیکوی مؤمنان در بهشت؛ ۵. بیان جایگاه واقعی قرآن کریم. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۳

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا نهم سوره‌ی بُروج با سوگندهای متعدد به شکنجه‌گری اصحاب اخدود و سوخته شدن مؤمنان به جرم ایمانشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۹. وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ * وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ * وَشَاهِدِ وَمَشْهُودِ * قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ * النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ * إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ * وَهُمْ عَلَىٰ مَيَا يَفْعَلُونَ * بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ * وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ * الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ سوگند به آسمان که دارای برج‌هاست! * سوگند به روز (رستاخیز) وعده داده شده! * سوگند به گواهی دهنده و گواهی داده شده! * کشته باد همراهان گودال (آتش و صاحبان کوره‌های آدم‌سوزی)! * (همان) آتشی که دارای سوخت (فراوان) بود، * آن‌گاه که آنان بر (گرد) آن نشستند بودند؛ * و آنان بر آنچه با مؤمنان انجام می‌دادند گواه

بودند.* و از آنان خرده و انتقام نگرفتند، جز این که به خدای شکست‌ناپذیر ستوده ایمان آورده بودند؛* (همان) کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ و خدا بر هر چیز گواه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به ماجرای اصحاب اُخدود، یعنی شکنجه‌گران و آدم‌سوزانی اشاره می‌کند که مؤمنان را در گودال‌های آتش می‌انداختند و با خون‌سردی صحنه را تماشا می‌کردند. مفسران قرآن در مورد این قوم شکنجه‌گر و مؤمنان آزاردیده و مکان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۴ مورد نظر، دیدگاه‌های متفاوتی دارند «۱» ولی مشهور آن است که این ماجرا در زمان «ذونواس»، آخرین پادشان حِمیر، در سرزمین یمن اتفاق افتاده است. ذونواس یهودی، به سرزمین نجران در شمال یمن آمد که مردم آن جا مسیحی بودند، ذونواس تلاش کرد که آنان را به پذیرش آیین یهود وادارد، ولی آنان حاضر نشدند و از این رو دستور داد گودال بزرگی از آتش فراهم کردند و گروهی را زنده در آتش افکندند. یکی از مسیحیان فرار کرد و به روم رفت و کمک خواست. قیصر روم از طریق پادشاه حبشه به یمن لشکر کشی کرد و ذونواس کشته شد و سرزمین یمن تحت سیطره‌ی حبشه درآمد. «۲» طبق این نقل، آیات فوق به این ماجرا اشاره دارد. ۲. خدای متعال در این آیات به «بُروج» آسمان، سوگند یاد کرده است. «بُروج» در اصل به معنای چیز آشکار است و از این رو به قصرها و باروی شهر و ستارگان آسمان که آشکار هستند بروج می‌گویند؛ در این جا همین معنای ستارگان یا صورت‌های فلکی آسمان مقصود است که سوگند به آنها نشانه‌ی عظمت آنها و آفریدگارشان است. «۳» «۳». در این آیات به روز موعود رستاخیز سوگند یاد شده است؛ روزی که پیامبران الهی آن را وعده داده و صدها آیه‌ی قرآن از آن خبر می‌دهند و وعده‌گاه همه‌ی مردم است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۵ ۴. مقصود از «شاهد و مشهود» که در این آیات بدانها سوگند یاد شده است چیست؟ مفسران در این مورد احتمالات متعددی داده‌اند، از جمله این که: شاهد، پیامبر صلی الله علیه و آله یا گواهان اعمال انسان‌ها یا روز جمعه و عید قربان، و مشهود، روز قیامت و اعمال انسان‌ها و یا روز عرفه است. البته مانعی ندارد که مقصود از «شاهد»، هر گونه گواه و مقصود از «مشهود»، همه‌ی چیزهایی باشند که مورد گواهی واقع می‌شوند و موارد فوق که در آیات و روایات به آنها اشاره شده، «۱» یا مفسران دیگر گفته‌اند، «۲» همگی مصادیق این‌ها باشد. ۵. در این آیات بیان شد که شکنجه‌گران بر گودال پر از هیزم و آتش، با خون‌سردی می‌نشستند و سوختن مؤمنان را در کوره‌های آدم‌سوزی تماشا می‌کردند. این احتمال نیز هست که آیه اشاره به دو گروه شکنجه‌گر و تماشاچی راضی به کار آنان باشد. «۴» «۶». تنها ایراد مؤمنان آن بود که به خدا ایمان داشتند و به همین جرم شکنجه شدند و سوختند و از آنان انتقام گرفته شد. «۵» ایمان به خدای شکست‌ناپذیر توانا و ستوده صفات، جرم محسوب می‌شد، اما پیروی از ادیان نسخ شده و راه غلط پدران و خرافات، جرم نبود. آری؛ اگر نظام ارزشی جامعه دگرگون شود، کارها و عقاید نیکو، جرم و گناه شمرده می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۶ ۷. در این آیات، به صفات «عزیز و حمید و فرمانروایی و گواه بودن خدا» اشاره شد، که نوعی پاسخ به شکنجه‌گران است؛ یعنی ایمان به چنین خدایی چگونه جرم محسوب می‌شود؟ و در ضمن هشدار است به آنان که شما بر خدای شکست‌ناپذیر و توانا پیروز نخواهید شد؛ چرا که او فرمان‌روا و مالک هستی و گواه بر اعمال شماست و روزی به حساب شما رسیدگی خواهد کرد. ۸. سرگذشت اصحاب اُخدود و کوره‌های آدم‌سوزی آنان و مقاومت مؤمنان، از طرفی درس استقامت و نوعی دل‌داری برای همه‌ی مؤمنان در طول تاریخ است. آری؛ این پروانه‌های با ایمان، شجاعانه در آتش خشم دشمنان سوختند و دست از حق برنداشتند. در احادیث روایت شده که در این ماجرا، گاهی مادر به همراه کودک در آتش سوختند و گفتند: این در راه خدا چیز کوچکی است. «۱» و از طرف دیگر، این ماجرا، درس عبرتی برای شکنجه‌گران و ستمکاران، به ویژه صهیونیست‌هاست. آری؛ کسانی که کوره‌های آدم‌سوزی برای مؤمنان ایجاد کردند، قرن‌ها بعد، خود گرفتار شدند و در عصر ما نیز ظلم آنان به ملت فلسطین دوام نخواهد داشت و خود را گرفتار عذاب الهی خواهند کرد. ای زبردست ز بازوی مکافات بترس زیردستان جهان را دگر آزار مکن میل داری شبِ تاریک تو شود روز سپید روز سپید کسی را تو شب تاریک مکن آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد ستارگان آسمان و رستاخیز و گواهی دهندگان و موارد گواهی، دقت

و تأمل کنید. ۲. مرگ بر شکنجه گران مؤمن ستیز. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۷. ۳. دشمنان خدا، کوره‌های آدم سوزی به پا کرده و مؤمنان را به جرم عقیده می‌سوزاندند. ۴. دشمنان راه خدا، بسیار سخت دل، شکنجه‌گر و عقیده‌ستیز و آدم‌سوزند. ۵. گاهی آن‌قدر ارزش‌ها دگرگون می‌شود که ایمان به خدا هم جرم می‌شود. ۶. به صفات ستوده‌ی خدا توجه کنید و با فرمان‌روای شکست‌ناپذیر و آگاه جهان دشمنی نکنید و افراد با ایمان را آزار ندهید. ۷. از مقاومت مؤمنان در برابر کوره‌های آدم سوزی درس استقامت بگیرید. *** قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی بروج فرجام عذاب آلود مؤمن‌آزاران و فرجام نیکوی مؤمنان شایسته کردار را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ * إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ در حقیقت، کسانی که مردان مومن و زنان مومن را در بلا افکندند، سپس توبه نکرده‌اند، پس برایشان عذاب جهنم است و (نیز) برای آنان عذاب سوزان است. * در واقع، کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، برایشان بوستان‌های (بهشتی) است که نهرها از زیر [درختان]- ش روان است؛ آن کام‌یابی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت انسان‌های نیکوکار و بدکار را در برابر یک‌دیگر به تصویر می‌کشد تا مخاطب قرآن بهتر بتواند راه خود را انتخاب کند. در این جا نیز سرنوشت عذاب آلود کافران دگر آزار و سرنوشت نیکوی مؤمنان شایسته کردار در برابر هم ترسیم شده است. ۲. «فَتَنُوا» در اصل به معنای قرار دادن طلا در آتش برای معلوم شدن میزان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۸ خلوص آن است. این واژه به معنای آزمایش، عذاب، شرک و گمراهی نیز به کار می‌رود و در این جا به معنای عذاب و آزار مؤمنان توسط کافران شکنجه‌گر است. ۳. هر چند این آیات فرجام کافران شکنجه‌گر را دوزخ و عذاب سوزان معرفی کرده اما راه توبه و بازگشت را برای آنان باز گذاشته است و این نهایت لطف پروردگار نسبت به گناهکاران و هشدار به مخالفان دین است که تا دیر نشده بازگردند و توبه کنند. موی سفید مشرق صبح ندامت است «صائب» به توبه کوش که فرصت نمانده است ۴. در این آیات به دو گونه عذاب کافران شکنجه‌گر اشاره شده است: یکی عذاب دوزخ و دیگری عذاب سوزان. شاید این دو تعبیر اشاره به دو نوع عذاب آنان و یا هر کدام از عذاب‌های آنان در برابر گناهی خاص، هم‌چون کفر و شکنجه‌گری آنان باشد. ۵. در این آیات فرجام مؤمنان شایسته کردار را بهشت معرفی کرده و آن را کام‌یابی بزرگی خوانده است؛ زیرا مؤمنان به نعمت‌های پایدار می‌رسند و در جوار قرب الهی جای می‌گیرند. ۶. در این آیات بیان شده که ایمان و کارهای شایسته کلید بهشت است، البته یک کار شایسته کافی نیست، بلکه باید کارهای متعدد انجام شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان مؤمنان، فرجامی عذاب آلود دارند. ۲. فتنه‌گری زمینه‌ساز عذاب سوزان است. ۳. راه توبه حتی برای کافران شکنجه‌گر باز است. ۴. کام‌یابی بزرگ و بهشت پر نعمت در انتظار مؤمنان است. ۵. اگر بهشت می‌خواهید، ایمان بیاورید و کارهای شایسته انجام دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۹ قرآن کریم در آیات دوازدهم تا بیستم سوره‌ی بروج با اشاره به لجاجت کافران و یاد آوری سرگذشت قوم فرعون و ثمود و با بیان صفات الهی، به آنان هشدار داده، می‌فرماید: ۱۲- ۲۰. إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ * إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ * وَهُوَ الْعَظِيمُ الْوَدُودُ * ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ * فَعَالٌ لَمَّا يُرِيدُ * هَلْ أَتَاكَ خَبْرٌ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ * بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ * وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ قطعاً، سخت‌گیری پروردگارت شدید است؛ * [چرا] که او خود (آفرینش را) آغاز می‌کند و (در رستاخیز) بازمی‌گرداند؛ * و او بسیار آمرزنده [و] دوست‌دار (بندگان) است؛ * صاحب تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) و بزرگوار است؛ * آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد. * آیا خبر لشکریان به تو رسیده است؟! * (لشکریان) فرعون و ثمود؟! * بلکه کسانی که کفر ورزیدند، در تکذیب (تو و قرآن غوطه‌ور) هستند؛ * و خدا از فرا روی آنان احاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات، هم هشدار به کافران مکه و مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که از سرگذشت اقوام فرعون و ثمود عبرت بیاموزند و از عذاب سخت الهی بهراسند و هم، با بیان صفات مهربانی و آمرزش‌گری الهی، راه توبه و بازگشت را به سوی آنان می‌گشاید، تا نا امید نشوند و ایمان آورده و نجات

یابند. و هم، نوعی دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان است، که خدایتان نیرومند است و هر کاری بخواهد انجام می‌دهد. ۲. «بَطْش»، به معنای گرفتن همراه با قدرت و قهر است و از آن جا که این کار مقدمه‌ی مجازات است، به معنای کیفر نیز آمده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۰ در این آیه کیفر بسیار شدید الهی نسبت به کافران یادآوری شده است «۱» که هر گاه خدا بخواهد آن را اعمال می‌کند و چیزی یا کسی نمی‌تواند مانع اراده‌ی خدا شود؛ چون او معبودی با عظمت است که آغاز و انجام جهان و مرکز فرمان‌روایی و تدبیر هستی به دست اوست. ۴. «عرش» به معنای چیز سقف‌دار است و به تخت‌های پادشاهان که نشان قدرت و فرمان‌روایی آنهاست گفته می‌شود. این تعبیر کنایه از فرماندهی و تدبیر هستی است، که به دست خداست. ۵. واژه‌های «وَدُود» و «غفور» هر دو صیغه‌ی مبالغه‌اند؛ یعنی خدا بسیار مهربان و بسیار آمرزنده است. این صفات خدا راه بازگشت و توبه را به سوی گناهکاران مخالف اسلام می‌گشاید. ۶. «مجید» یکی از صفات خدا و به معنای گسترده‌ی کرم، شرافت و جلال است. این صفت مخصوص خداست و در مورد دیگران کم‌تر به کار می‌رود. ۷. در این آیات به سرگذشت فرعون اشاره شده است که سرکشی کرد و در نهایت گرفتار عذاب الهی شد و غرق گردید و نیز از سرگذشت قوم ثمود یاد شده که در برابر پیامبرشان صالح علیه السلام لجاجت کردند و گرفتار تندی سخت شدند و هلاک گردیدند. آری؛ خدایی که این اقوام سرکش و لشکریان نیرومند آنان را در هم می‌کوبد، می‌تواند کافران مخالف اسلام را نیز ادب و مجازات کند. ۸. راه حق روشن است، ولی کافران راه تکذیب و انکار را پیش می‌گیرند و لجاجت می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۱. ۹. خدا در همه جا هست و از همه طرف انسان‌ها را تحت نظر دارد و اگر در این آیات می‌فرماید: «خدا از پشت سر کافران به آنان احاطه دارد»، این تعبیر اشاره به احاطه‌ی کامل قدرت و علم خدا بر آنان است، به طوری که آنان را رها کرده تا زیر نظر او عمل کنند و آزمایش شوند و نوعی هشدار به کافران نیز به شمار می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خود را گرفتار عذاب خدا نکنید که عذاب او شمارا سخت گرفتار می‌کند، همان طور که قوم ثمود و فرعون را گرفتار کرد. ۲. آغاز و فرجام شما به دست خدای با عظمت و فرماندهی هستی است و چیزی مانع اراده‌ی او نیست (پس از عذاب خدا بهراسید و دست از مخالفت با اسلام بردارید). ۳. راه بازگشت به سوی خدا باز است و اگر توبه کنید، مورد لطف و آمرزش قرار می‌گیرید. ۴. از سرنوشت فرعون و قوم ثمود عبرت بیاموزید و دست از تکذیب و لجاجت بردارید. ۵. شما تحت نظر خدا هستید (پس مراقب گفتار و اعمال خود باشید). ** * خداوند متعال در آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی بروج عظمت و جایگاه قرآن را معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِیدٌ فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ بَلْکَہُ آن (قرآن) خواندنی [و] باعظمت است، * که در صفحه‌ی نگه‌داری شده‌ی (علم الهی) موجود است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مجید» به معنای گسترده‌ی شرافت و شکوه است و از آن جا که قرآن محتوایی عظیم و گسترده و معانی بلند و پرمایه‌ای در زمینه‌ی معارف، اعتقادات و اخلاق و احکام دارد، تعبیر مجید برای آن مناسب است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۲. ۲. «لوح» به معنای صفحه‌ی عریضی است که بر آن چیزی می‌نویسند و در این جا اشاره به صفحه‌ی علم الهی است که قرآن بر آن نوشته شده است. صفحه‌ای گسترده که جهان را فرا گرفته و از هر گونه تغییر و تحریف محفوظ است. «۱» مصطفی را وعده کرد الطاف حق که بمیری تو، نمیرد این سبق من کتاب و معجزات را حافظم بیش و کم کن را ز قرآن رافضم ۳. «قرآن» به معنای «خواندنی» یا «جمع شده» است؛ یعنی این کتابی است که آیات آن به یک‌دیگر ضمیمه شده، قابل خواندن و قرائت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی با عظمت و محافظت شده است. ۲. پندارها و تکذیب‌های مخالفان درباره‌ی قرآن بی‌مورد است؛ چون قرآن جایگاه والایی دارد. ۳. قرآن، کتابی خواندنی و محفوظ در علم الهی است (و دست‌خوش تحریف نمی‌گردد). ۴. به جنبه‌ی خواندنی بودن و اصالت قرآن توجه (و از آن استفاده کنید). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۳

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «بُروج» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۲ آیه، ۱۰۹ کلمه و ۴۵۸ حرف است. این سوره بیست و ششمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «شمس» و قبل از سوره‌ی «تین») و هشتاد و پنجمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «بُروج» (بُرج‌ها) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۲

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس این سوره را بخواند، خدا ده برابر تعداد کسانی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند و کسانی که در روز عرفه جمع می‌شوند، حسنه به او می‌دهد و خواندن این سوره، انسان را از ترس‌ها و سختی‌ها نجات می‌دهد. البته روشن است که این آثار و ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره تقویت روحیه‌ی مؤمنان در برابر آزارهای مخالفان و هشدار به آنان است. مطالب: ۱. بیان برخی از صفات خدای متعال؛ ۲. بیان جریان اصحاب اخدود، مؤمنانی که به خاطر ایمانشان آزار دیدند و کشته شدند؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت عذاب آلود فرعون و قوم ثمود؛ ۴. یادآوری فرجام نیکوی مؤمنان در بهشت؛ ۵. بیان جایگاه واقعی قرآن کریم. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۳

مطالب

اهداف: هدف اصلی این سوره تقویت روحیه‌ی مؤمنان در برابر آزارهای مخالفان و هشدار به آنان است. مطالب: ۱. بیان برخی از صفات خدای متعال؛ ۲. بیان جریان اصحاب اخدود، مؤمنانی که به خاطر ایمانشان آزار دیدند و کشته شدند؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت عذاب آلود فرعون و قوم ثمود؛ ۴. یادآوری فرجام نیکوی مؤمنان در بهشت؛ ۵. بیان جایگاه واقعی قرآن کریم. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۳

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا نهم سوره‌ی بُروج با سوگندهای متعدد به شکنجه‌گری اصحاب اخدود و سوخته شدن مؤمنان به جرم ایمانشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۹. وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ * وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ * وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ * قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ * النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ * إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ * وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ * وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ * الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ سوگند به آسمان که دارای برج‌هاست! * سوگند به روز (رستاخیز) وعده داده شده! * سوگند به گواهی دهنده و گواهی داده شده! * کشته باد همراهان گودال (آتش و صاحبان کوره‌های آدم‌سوزی)! * (همان) آتشی که دارای سوخت (فراوان) بود، * آن‌گاه که آنان بر (گرد) آن نشسته بودند؛ * و آنان بر آنچه با مؤمنان انجام می‌دادند گواه بودند. * و از آنان خرده و انتقام نگرفتند، جز این که به خدای شکست‌ناپذیر ستوده ایمان آورده بودند؛ * (همان) کسی که

فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ و خدا بر هر چیز گواه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به ماجرای اصحاب اخدود، یعنی شکنجه‌گران و آدم‌سوزانی اشاره می‌کند که مؤمنان را در گودال‌های آتش می‌انداختند و با خون‌سردی صحنه را تماشا می‌کردند. مفسران قرآن در مورد این قوم شکنجه‌گر و مؤمنان آزار دیده و مکان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۴ مورد نظر، دیدگاه‌های متفاوتی دارند «۱» ولی مشهور آن است که این ماجرا در زمان «ذونواس»، آخرین پادشان حمیر، در سرزمین یمن اتفاق افتاده است. ذونواس یهودی، به سرزمین نجران در شمال یمن آمد که مردم آن جا مسیحی بودند، ذونواس تلاش کرد که آنان را به پذیرش آیین یهود وادارد، ولی آنان حاضر نشدند و از این رو دستور داد گودال بزرگی از آتش فراهم کردند و گروهی را زنده در آتش افکندند. یکی از مسیحیان فرار کرد و به روم رفت و کمک خواست. قیصر روم از طریق پادشاه حبشه به یمن لشکرکشی کرد و ذونواس کشته شد و سرزمین یمن تحت سیطره‌ی حبشه درآمد. «۲» طبق این نقل، آیات فوق به این ماجرا اشاره دارد. ۲. خدای متعال در این آیات به «بُروج» آسمان، سوگند یاد کرده است. «بُروج» در اصل به معنای چیز آشکار است و از این رو به قصرها و باروی شهر و ستارگان آسمان که آشکار هستند بروج می‌گویند؛ در این جا همین معنای ستارگان یا صورت‌های فلکی آسمان مقصود است که سوگند به آنها نشانه‌ی عظمت آنها و آفریدگارشان است. «۳» «۳». در این آیات به روز موعود رستاخیز سوگند یاد شده است؛ روزی که پیامبران الهی آن را وعده داده و صدها آیه‌ی قرآن از آن خبر می‌دهند و وعده‌گاه همه‌ی مردم است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۵. مقصود از «شاهد و مشهود» که در این آیات بدانها سوگند یاد شده است چیست؟ مفسران در این مورد احتمالات متعددی داده‌اند، از جمله این که: شاهد، پیامبر صلی الله علیه و آله یا گواهان اعمال انسان‌ها یا روز جمعه و عید قربان، و مشهود، روز قیامت و اعمال انسان‌ها و یا روز عرفه است. البته مانعی ندارد که مقصود از «شاهد»، هر گونه گواه و مقصود از «مشهود»، همه‌ی چیزهایی باشند که مورد گواهی واقع می‌شوند و موارد فوق که در آیات و روایات به آنها اشاره شده، «۱» یا مفسران دیگر گفته‌اند، «۲» همگی مصادیق این‌ها باشد. ۵. در این آیات بیان شد که شکنجه‌گران بر گودال پر از هیزم و آتش، با خون‌سردی می‌نشستند و سوختن مؤمنان را در کوره‌های آدم‌سوزی تماشا می‌کردند. این احتمال نیز هست که آیه اشاره به دو گروه شکنجه‌گر و تماشاچی راضی به کار آنان باشد. «۴» «۶». تنها ایراد مؤمنان آن بود که به خدا ایمان داشتند و به همین جرم شکنجه شدند و سوختند و از آنان انتقام گرفته شد. «۵» ایمان به خدای شکست‌ناپذیر توانا و ستوده صفات، جرم محسوب می‌شد، اما پیروی از ادیان نسخ شده و راه غلط پدران و خرافات، جرم نبود. آری؛ اگر نظام ارزشی جامعه دگرگون شود، کارها و عقاید نیکو، جرم و گناه شمرده می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۶. ۷. در این آیات، به صفات «عزیز و حمید و فرمانروایی و گواه بودن خدا» اشاره شد، که نوعی پاسخ به شکنجه‌گران است؛ یعنی ایمان به چنین خدایی چگونه جرم محسوب می‌شود؟ و در ضمن هشدار است به آنان که شما بر خدای شکست‌ناپذیر و توانا پیروز نخواهید شد؛ چرا که او فرمانروا و مالک هستی و گواه بر اعمال شماست و روزی به حساب شما رسیدگی خواهد کرد. ۸. سرگذشت اصحاب اخدود و کوره‌های آدم‌سوزی آنان و مقاومت مؤمنان، از طرفی درس استقامت و نوعی دل‌داری برای همه‌ی مؤمنان در طول تاریخ است. آری؛ این پروانه‌های با ایمان، شجاعانه در آتش خشم دشمنان سوختند و دست از حق برنداشتند. در احادیث روایت شده که در این ماجرا، گاهی مادر به همراه کودک در آتش سوختند و گفتند: این در راه خدا چیز کوچکی است. «۱» و از طرف دیگر، این ماجرا، درس عبرتی برای شکنجه‌گران و ستمکاران، به ویژه صهیونیست‌هاست. آری؛ کسانی که کوره‌های آدم‌سوزی برای مؤمنان ایجاد کردند، قرن‌ها بعد، خود گرفتار شدند و در عصر ما نیز ظلم آنان به ملت فلسطین دوام نخواهد داشت و خود را گرفتار عذاب الهی خواهند کرد. ای زبردست ز بازوی مکافات بترس زیردستان جهان را دگر آزار مکن میل داری شبِ تارِ تو شود روز سپید روز سپید کسی را تو شب تار مکن آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد ستارگان آسمان و رستاخیز و گواهی دهندگان و موارد گواهی، دقت و تأمل کنید. ۲. مرگ بر شکنجه‌گران مؤمن ستیز. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۷. ۳. دشمنان خدا، کوره‌های آدم

سوزی به پاکرده و مؤمنان را به جرم عقیده می‌سوزاندند. ۴. دشمنان راه خدا، بسیار سخت دل، شکنجه‌گر و عقیده‌ستیز و آدم‌سوزند. ۵. گاهی آن‌قدر ارزش‌ها دگرگون می‌شود که ایمان به خدا هم جرم می‌شود. ۶. به صفات ستوده‌ی خدا توجه کنید و با فرمان‌روای شکست‌ناپذیر و آگاه جهان دشمنی نکنید و افراد با ایمان را آزار ندهید. ۷. از مقاومت مؤمنان در برابر کوره‌های آدم‌سوزی درس استقامت بگیرید. *** قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی بروج فرجام عذاب آلود مؤمن‌آزاران و فرجام نیکوی مؤمنان شایسته کردار را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ * إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ در حقیقت، کسانی که مردان مومن و زنان مومن را در بلا افکندند، سپس توبه نکرده‌اند، پس برایشان عذاب جهنم است و (نیز) برای آنان عذاب سوزان است. * در واقع، کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، برایشان بوستان‌های (بهشتی) است که نهرها از زیر [درختان]-ش روان است؛ آن کام‌یابی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت انسان‌های نیکوکار و بدکار را در برابر یک‌دیگر به تصویر می‌کشد تا مخاطب قرآن بهتر بتواند راه خود را انتخاب کند. در این جا نیز سرنوشت عذاب‌آلود کافران دگر آزار و سرنوشت نیکوی مؤمنان شایسته کردار در برابر هم ترسیم شده است. ۲. «فَتَنُوا» در اصل به معنای قرار دادن طلا در آتش برای معلوم شدن میزان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۸ خلوص آن است. این واژه به معنای آزمایش، عذاب، شرک و گمراهی نیز به کار می‌رود و در این جا به معنای عذاب و آزار مؤمنان توسط کافران شکنجه‌گر است. ۳. هر چند این آیات فرجام کافران شکنجه‌گر را دوزخ و عذاب سوزان معرفی کرده اما راه توبه و بازگشت را برای آنان باز گذاشته است و این نهایت لطف پروردگار نسبت به گناهکاران و هشدار به مخالفان دین است که تا دیر نشده بازگردند و توبه کنند. موی سفید مشرق صبح ندامت است «صائب» به توبه کوش که فرصت نمانده است ۴. در این آیات به دو گونه عذاب کافران شکنجه‌گر اشاره شده است: یکی عذاب دوزخ و دیگری عذاب سوزان. شاید این دو تعبیر اشاره به دو نوع عذاب آنان و یا هر کدام از عذاب‌های آنان در برابر گناهی خاص، هم‌چون کفر و شکنجه‌گری آنان باشد. ۵. در این آیات فرجام مؤمنان شایسته کردار را بهشت معرفی کرده و آن را کام‌یابی بزرگی خوانده است؛ زیرا مؤمنان به نعمت‌های پایدار می‌رسند و در جوار قرب الهی جای می‌گیرند. ۶. در این آیات بیان شده که ایمان و کارهای شایسته کلید بهشت است، البته یک کار شایسته کافی نیست، بلکه باید کارهای متعدد انجام شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان مؤمنان، فرجامی عذاب‌آلود دارند. ۲. فتنه‌گری زمینه‌ساز عذاب سوزان است. ۳. راه توبه حتی برای کافران شکنجه‌گر باز است. ۴. کام‌یابی بزرگ و بهشت پرنعمت در انتظار مؤمنان است. ۵. اگر بهشت می‌خواهید، ایمان بیاورید و کارهای شایسته انجام دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۹ قرآن کریم در آیات دوازدهم تا بیستم سوره‌ی بروج با اشاره به لجاجت کافران و یادآوری سرگذشت قوم فرعون و ثمود و با بیان صفات الهی، به آنان هشدار داده، می‌فرماید: ۱۲-۲۰. إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ * إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ * وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ * ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ * فَعَالٌ لَمَّا يُرِيدُ * هَلْ أَتَاكَ خَبْرٌ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنُ وَثَمُودُ * بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ * وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ قطعاً، سخت‌گیری پروردگارت شدید است؛ * [چرا] که او خود (آفرینش را) آغاز می‌کند و (در رستاخیز) بازمی‌گرداند؛ * و او بسیار آمرزنده [و] دوست‌دار (بندگان) است؛ * صاحب تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) و بزرگوار است؛ * آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد. * آیا خبر لشکریان به تو رسیده است؟! * (لشکریان) فرعون و ثمود؟! * بلکه کسانی که کفر ورزیدند، در تکذیب (تو و قرآن غوطه‌ور) هستند؛ * و خدا از فرا روی آنان احاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات، هم هشدار به کافران مکه و مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که از سرگذشت اقوام فرعون و ثمود عبرت بیاموزند و از عذاب سخت الهی بهراسند و هم، با بیان صفات مهربانی و آمرزش‌گری الهی، راه توبه و بازگشت را به سوی آنان می‌گشاید، تا ناامید نشوند و ایمان آورده و نجات یابند. و هم، نوعی دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان است، که خدایتان نیرومند است و هر کاری بخواهد انجام

می‌دهد. ۲. «بَطْش»، به معنای گرفتن همراه با قدرت و قهر است و از آن جا که این کار مقدمه‌ی مجازات است، به معنای کیفر نیز آمده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۰ در این آیه کیفر بسیار شدید الهی نسبت به کافران یادآوری شده است «۱» که هر گاه خدا بخواهد آن را اعمال می‌کند و چیزی یا کسی نمی‌تواند مانع اراده‌ی خدا شود؛ چون او معبودی با عظمت است که آغاز و انجام جهان و مرکز فرمان‌روایی و تدبیر هستی به دست اوست. ۴. «عرش» به معنای چیز سقف‌دار است و به تخت‌های پادشاهان که نشان قدرت و فرمان‌روایی آنهاست گفته می‌شود. این تعبیر کنایه از فرماندهی و تدبیر هستی است، که به دست خداست. ۵. واژه‌های «وَدُود» و «غفور» هر دو صیغه‌ی مبالغه‌اند؛ یعنی خدا بسیار مهربان و بسیار آمرزنده است. این صفات خدا راه بازگشت و توبه را به سوی گناهکاران مخالف اسلام می‌گشاید. ۶. «مجید» یکی از صفات خدا و به معنای گستردگی کرم، شرافت و جلال است. این صفت مخصوص خداست و در مورد دیگران کم‌تر به کار می‌رود. ۷. در این آیات به سرگذشت فرعون اشاره شده است که سرکشی کرد و در نهایت گرفتار عذاب الهی شد و غرق گردید و نیز از سرگذشت قوم ثمود یاد شده که در برابر پیامبرشان صالح علیه السلام لجاجت کردند و گرفتار تندبادی سخت شدند و هلاک گردیدند. آری؛ خدایی که این اقوام سرکش و لشکریان نیرومند آنان را در هم می‌کوبد، می‌تواند کافران مخالف اسلام را نیز ادب و مجازات کند. ۸. راه حق روشن است، ولی کافران راه تکذیب و انکار را پیش می‌گیرند و لجاجت می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۱. ۹. خدا در همه جا هست و از همه طرف انسان‌ها را تحت نظر دارد و اگر در این آیات می‌فرماید: «خدا از پشت سر کافران به آنان احاطه دارد»، این تعبیر اشاره به احاطه‌ی کامل قدرت و علم خدا بر آنان است، به طوری که آنان را رها کرده تا زیر نظر او عمل کنند و آزمایش شوند و نوعی هشدار به کافران نیز به شمار می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خود را گرفتار عذاب خدا نکنید که عذاب او شمارا سخت گرفتار می‌کند، همان طور که قوم ثمود و فرعون را گرفتار کرد. ۲. آغاز و فرجام شما به دست خدای با عظمت و فرماندهی هستی است و چیزی مانع اراده‌ی او نیست (پس از عذاب خدا بهراسید و دست از مخالفت با اسلام بردارید). ۳. راه بازگشت به سوی خدا باز است و اگر توبه کنید، مورد لطف و آمرزش قرار می‌گیرید. ۴. از سرنوشت فرعون و قوم ثمود عبرت بیاموزید و دست از تکذیب و لجاجت بردارید. ۵. شما تحت نظر خدا هستید (پس مراقب گفتار و اعمال خود باشید). *** خداوند متعال در آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی بروج عظمت و جایگاه قرآن را معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِیدٌ فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ بَلْکَہُ آن (قرآن) خواندنی [و] باعظمت است،* که در صفحه‌ی نگه‌داری شده‌ی (علم الهی) موجود است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مجید» به معنای گستردگی شرافت و شکوه است و از آن جا که قرآن محتوایی عظیم و گسترده و معانی بلند و پرمایه‌ای در زمینه‌ی معارف، اعتقادات و اخلاق و احکام دارد، تعبیر مجید برای آن مناسب است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۲. ۲. «لوح» به معنای صفحه‌ی عریضی است که بر آن چیزی می‌نویسند و در این جا اشاره به صفحه‌ی علم الهی است که قرآن بر آن نوشته شده است. صفحه‌ای گسترده که جهان را فرا گرفته و از هر گونه تغییر و تحریف محفوظ است. «۱» مصطفی را وعده کرد الطاف حق که بمیری تو، نمیرد این سبق من کتاب و معجزات را حافظم بیش و کم کن را ز قرآن رافضم ۳. «قرآن» به معنای «خواندنی» یا «جمع شده» است؛ یعنی این کتابی است که آیات آن به یک‌دیگر ضمیمه شده، قابل خواندن و قرائت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی با عظمت و محافظت شده است. ۲. پندارها و تکذیب‌های مخالفان درباره‌ی قرآن بی‌مورد است؛ چون قرآن جایگاه والایی دارد. ۳. قرآن، کتابی خواندنی و محفوظ در علم الهی است (و دست‌خوش تحریف نمی‌گردد). ۴. به جنبه‌ی خواندنی بودن و اصالت قرآن توجه (و از آن استفاده کنید). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۳

بخش دهم: سوره‌ی اعلی

کلیات

کلیات: سوره‌ی «اعلی» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۱۹ آیه، ۷۲ کلمه و ۲۷۰ حرف است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۶۴ این سوره هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «تکویر» و قبل از سوره‌ی «لیل») و هشتاد و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «اعلی» است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده و به عنوان یکی از صفات خدا آمده است.

فضیلت

فضیلت: روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله این سوره را دوست داشت. و نیز می‌فرمود: هر کس سوره‌ی اعلی را بخواند، ده برابر حروفی که بر ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله فرود آمده، حَسَنَه به او عطا می‌شود. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسی است که این سوره را بخواند و در راستای معارف بلند آن حرکت و عمل کند.

اهداف

اهداف: در این سوره دو محور اساسی پی‌گیری می‌شود: ۱. شناخت خدا و صفات او؛ ۲. معرفی پیامبر صلی الله علیه و آله و وظایف او.

مطالب

مطالب: در این سوره مطالب زیر به چشم می‌خورد: ۱. یادآوری صفات الهی و نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آفرینش و طبیعت (در آیات ۱-۵)؛ ۲. اشاره‌ای به تضمین سلامت وحی و حفظ آن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیات ۶ و ۷)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۶۵

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی اعلی، با معرفی صفات و نشانه‌های خدا، همه را به سوی تسبیح گویی نام او فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱-۵. سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى نام پروردگار والاترت را تسبیح بگویی؛* (همان) کسی که آفریده و مرتب کرد؛* و کسی که معین کرد و رهنمون ساخت؛* و کسی که گیاه را بیرون آورد؛* سپس آن را خاشاکی تیره‌گون قرار داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از اسم پروردگار، همان نام‌های نیکوی اوست؛ نام‌هایی که بر ذات خدا دلالت می‌کند و باید پاک و منزّه بماند و در ردیف بت‌ها قرار نگیرد؛ و یا منظور از اسم، خود ذات است که شایسته‌ی تسبیح و تنزیه از هرگونه عیب و نقص است. ۲. در این آیات به چند صفت و فعل الهی اشاره شده است: الف) خدا پروردگار و پرورشگر پیامبر صلی الله علیه و آله (و همه‌ی مردم) است؛ ب) خدا از هرچه تصور شود و از هرگونه وهم و خیال برتر است؛ ج) آفریننده‌ی موجودات است؛ د) موجودات را پس از آفرینش مرتب می‌کند و سامان می‌دهد، یعنی به کهکشان‌ها، منظومه‌ها و جسم و جان انسان و طبیعت نظام می‌بخشد؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۶۷ ه) خدا اندازه‌ی هر چیزی را متناسب با هدف آن مشخص و تقدیر می‌کند؛ و) موجودات را پس از آفرینش به سوی اهداف خویش راه‌نمایی می‌کند؛ ز) گیاهان را از دل زمین بیرون می‌آورد و رشد می‌دهد و غذای حیوانات و انسان‌ها را از آنها فراهم می‌سازد؛ ح) خدا همان کسی است که

می‌تواند گیاهان را خشک و تیره رنگ سازد، «۱» یعنی همان کسی که آنها را سبز و خرم می‌سازد می‌تواند آنها را نابود کند. ۳. مقصود از «هدایت» در این آیات، هدایت «تکوینی» و «تشریحی» است. هدایت تکوینی همان انگیزه‌ها و قوانین حاکم بر موجودات است که هر موجودی را به سوی هدف خویش سوق می‌دهد، همان‌طور که کودک را به طرف شیر مادر می‌کشاند و هدایت تشریحی همان معارف و راه‌نمایی‌هایی است که توسط پیامبران و امامان علیهم السلام ارائه می‌شود و مخصوص انسان است. «۲» ۴. در این آیات به گیاهان خشک و سیاه‌گون اشاره شده است که هم بازگوکننده‌ی ناپایداری و فنا‌ی دنیاست که درس عبرتی برای انسان‌هاست و هم اشاره دارد که این گیاهان سازنده‌ی نوعی کود طبیعی یا ذغال سنگ‌اند و نشانه‌ی قدرت و علم الهی است. ۵. در برخی احادیث روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام، هنگامی که آیه‌ی اول سوره‌ی اعلی را می‌خواندند، به دستور آن عمل می‌کردند و می‌گفتند: «سبحان ربی الاعلی». «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حتی نام خدا شایسته‌ی تنزیه و تسیح است. ۲. تسیح گوی کسی باشید که والاتر، آفریدگار و هدایتگر شماست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۶۸ ۳. با مطالعه در مورد آفرینش، نظام هستی و اندازه‌گیری‌های آن، خدای والا را بشناسید. ۴. با مطالعه در صحنه‌ی طبیعت (و رویش و فنا‌ی گیاهان)، خدای والا را بشناسید. *** قرآن کریم در آیات ششم تا سیزدهم سوره‌ی اعلی به محافظت وحی در حافظه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و وظایف او و برخوردهای مثبت و منفی با تذکراتش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶-۱۳. سَنُنْقِرُكَ فَلَا تَنْسَىٰ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ وَيُنِيرُكَ لِلنَّهْرِ فَاذْكُرْ إِنْ نَفَعَتِ الذُّكْرَىٰ سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَىٰ وَيَجْجِبْهَا الْأَشْقَى الَّذِي يَصِلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ به زودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم و فراموش نمی‌کنی،* مگر آنچه را خدا بخواهد؛ [چرا] که او آشکار و آنچه را پنهان می‌شود می‌داند.* و آسان‌ترین (راه) را برای تو فراهم می‌کنیم؛* پس یادآوری کن اگر یادآوری سودمند است؛* که به زودی کسی که می‌هراسد متذکر می‌شود.* و بدبخت‌ترین (افراد) از آن دوری می‌گزیند،* (همان) کسی که در آتش بزرگ‌تر وارد می‌شود (و می‌سوزد)؛* سپس در آن‌جا نه می‌میرد و نه (در خوشی) زنده می‌ماند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات سلامت قرائت و حفظ وحی در حافظه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از طرف خدا تضمین شده است؛ چون پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام نزول وحی، عجله و آن را تکرار می‌کرد «۱» تا مبادا فراموش کند، ولی خدای متعال به او اطمینان داد که ما حافظ وحی در ذهن تو هستیم و تو آن را فراموش نمی‌کنی؛ پس نگران مباش! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۶۹ ۲. برخی مفسران حفظ سوره‌های طولانی قرآن را در حافظه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از معجزات ایشان شمرده‌اند، چرا که او برخی سوره‌های طولانی را یک بار بیش‌تر از جبرئیل نشنیده بود، ولی فراموش نکرد و همیشه به خاطر داشت. «۱» ۳. در این آیات اشاره شده که اگر خدا بخواهد، می‌تواند آیات را از ذهن پیامبر صلی الله علیه و آله ببرد و او را دچار فراموشی سازد. مقصود این آیه، بیان قدرت خدا بر این کار است، نه بدین معنا که این کار واقع شده است. «۲» ۴. در این آیات اشاره شده که خدا مشکلات راه رسالت را بر پیامبر صلی الله علیه و آله آسان می‌کند و توفیق پیروزی بر دشمنان را به او عطا می‌کند. شاید این مطلب اشاره‌ای به آسان بودن محتوای رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. آری؛ اسلام دین آسان و آسان‌گیر است و احکام سخت و کمرشکن در آن وجود ندارد. گر چه راهیست پر از بیم زما تا بر دوست رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی ۵. در این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شده که «به مردم تذکر بده، اگر تذکر و یادآوری سود دارد.» منظور از این جمله چیست؟ مفسران قرآن در این مورد سه احتمال را مطرح کرده‌اند: الف) منظور آن است که اگر تذکر مفید است، تذکر دهید و اگر هیچ سود و اثری ندارد، تذکر لازم نیست. ب) به هر حال، تذکر سود دارد و اکثریت از آن بهره‌مند می‌شود و اگر تعداد اندکی از آن سود نبرند، حداقل بر آنان اتمام حجت می‌شود. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۰ ج) منظور آن است که تذکر بده چه سود داشته باشد و چه نداشته باشد. «۱» البته پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، در هر صورت (چه سود داشت و چه نداشت) به مردم تذکر می‌داد یعنی روش عملی ایشان با معنای دوم سازگارتر بود، «۲» هر چند معنای اول نیز می‌تواند صحیح باشد و مانعی برای جمع بین این سه تفسیر

وجود ندارد و هر سه می‌تواند مقصود آیه باشد؛ به عبارت دیگر، اگرچه تذکر بدون حاصل، لازم نیست، ولی انجام آن اشکالی ندارد و حتی برای اتمام حجت خوب است. ۶. در این آیات بیان شده که مردم در برابر تذکرات پیامبر صلی الله علیه و آله به دو گروه تقسیم می‌شوند: الف) کسانی که احساس مسئولیت می‌کنند و از مقام عدالت الهی و رستخیز می‌هراسند، این افراد از تذکرات پیامبر صلی الله علیه و آله بهره‌مند شده سود می‌برند. ب) گروه بدبخت‌ها، یعنی مشرکان و کافران لجوجی که با حق دشمنی می‌ورزند و از سخنان پندآموز پیامبر صلی الله علیه و آله فرار می‌کنند. چنگ در پرده همین می‌دهد پند ولی و عظمت آن‌گاه کند سود که قابل باشی ۷. در این آیات سعادت‌مندان را در برابر بدبخت‌ها قرار نداده، بلکه افراد با مسئولیت و هراسناک را در برابر بدبخت‌ها قرار داده است؛ چرا که ریشه‌ی سعادت‌مندی انسان، همان احساس مسئولیت و هراس از مقام عدالت خدا و رستخیز است. بترس از گناهان خویش این نفس که روز قیامت نترسی ز کس ۸. فرجام کافران بدبخت، آتش بزرگ‌تری است، که در آن جا بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زنند؛ این آتش، یا همان مراتب پایین جهنم است که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۱ عذاب هولناک‌تری دارد و یا آتش بزرگ دوزخ است که آتش و عذاب دنیا در برابر آن کوچک است. ۹. از امام صادق علیه السلام روایت شده که آتش دنیا یک هفتادم آتش دوزخ التهاب دارد. «۱» ۱۰. امام خمینی رحمه الله در مورد شدت عذاب دوزخ می‌نویسند: ای عزیز! در علوم عالیّه ثابت شده است که «مراتب اشتداد غیرمتناهی است.» هر چه تو تصور کنی و تمام عقول تصور کنند شدت عذاب را، از آن شدیدتر هم ممکن است. ... قدری تفکر در قرآن کن، بین چه عذابی را وعده کرده که اهل جهنم از مالک (دوزخ) می‌خواهند که آنها را بکشد، هیئات که مرگ در کار نیست. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مصونیت قرآن در ذهن پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تضمین شده است. ۲. همه چیز تحت کنترل قدرت و علم خداست. ۳. کار اسلام، آسان و راه پیش‌روی آن هموار شده است. ۴. وظیفه‌ی رهبران الهی یادآوری و بیدار کردن مردم است. ۵. انرژی خود را در موارد سودمند و مؤثر (و یا برای اتمام حجت) مصرف کنید. ۶. هر ترسی بد نیست، بلکه برخی ترس‌ها زمینه‌ساز بیداری و پندپذیری است. ۷. محرومیت از پندهای دینی، نشانه‌ی بدبختی است و فرجامی عذاب‌آلود دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۲ قرآن کریم در آیات چهاردهم تا نوزدهم سوره‌ی اعلیٰ به دنیا‌گرایان و آخرت‌گرایان و ویژگی‌های آنان در کتاب‌های پیشین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴-۱۹. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صِيْحْفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ بِهِ يَقِين، رستگار شد کسی که [پاک گردید و] رشد یافت،* و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد.* بلکه (شما) زندگی دنیا را برمی‌گزینید،* در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.* قطعاً، این (مطالب) در کتاب‌های نخستین (آمده) است؛* (همان) کتاب‌های ابراهیم و موسی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «تزکیه» در این آیات، پاک‌سازی روح از شرک و پاک کردن دل از رذایل اخلاقی است. البته برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از تزکیه در این آیه، دادن صدقه یا زکات فطره است که در روز عید فطر داده می‌شود. این مطلب از امامان معصوم علیهم السلام نیز روایت شده است. «۱» البته مانعی ندارد که معنای تزکیه در این آیه گسترده باشد و شامل پاک‌سازی و رشد روحی و نیز دادن زکات فطره بشود، که آن هم موجب پاکی و رشد است. ۲. در این آیات به سه مرحله‌ی سیر انسان اشاره شده است: الف) زدودن عقاید فاسد و پاک‌سازی درون؛ ب) حضور معرفت و صفات و اسمای الهی در دل؛ ج) اشتغال به خدمت خدا به وسیله‌ی نماز. آری؛ تا دل پاک نشود نور الهی در قلب نمی‌تابد و تا نور ذکر در دل نتابد، نماز به ثمر نمی‌نشیند؛ زیرا نمازی ارزشمند است که همراه با یاد و ذکر خدا باشد. آینه شو چهره‌ی پری طلعتان طلب نخست جاروب زن خانه را سپس میهمان طلب ۳. «فلاح» به معنای رستگاری و پیروزی و در اصل به معنای شکافتن و بیرون آمدن دانه از خاک است؛ از این رو به کشاورز فلاح می‌گویند. کسی که خود را پاک کند و رشد دهد و به یاد خدا باشد، حقایق وجودش جوانه می‌زند و رشد می‌یابد و از خاک به افلاک می‌رود و رستگاری و پیروزی بزرگی می‌یابد. طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت به در آی تا ببینی طیران آدمیت ۴. در این آیات به دو خط اساسی و

دو گروه مهم انسان‌ها اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) کسانی که راه پاکی و رشد را در پیش می‌گیرند و در راه خدا گام می‌نهند و آخرت‌طلبی را پیشه‌ی خود می‌سازند (هر چند از دنیای حلال نیز بهره‌مند می‌شوند) بر سردوراهی دنیا و آخرت، سرای جاویدان را برمی‌گزینند. ب) کسانی که دنیاطلبی را در پیش می‌گیرند و آخرت جاویدان را به دنیای زودگذر می‌فروشند و گام در راه مقام پرستی، پول پرستی و شهوت پرستی می‌گذارند؛ بفروخته دین به دنیا از بی‌خبری ۵. از پیامبر صلی الله علیه و آله، «۱» امام علی علیه السلام، «۲» امام صادق علیه السلام «۳» و امام سجاد علیه السلام «۴» روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۴ محبت دنیا، سرچشمه‌ی هر گناه و خطاست. البته این گونه احادیث، بدان معنا نیست که انسان از مواهب حلال و نعمت‌های الهی در دنیا بهره‌مند نشود، بلکه منظور آن است که دنیا پرستی، منشأ مقام پرستی، برتری جویی، تن پروری و انتقام جویی‌هاست، که موجب انحرافات زیادی در انسان می‌شود و آتش جنگ و ظلم را در بشریت شعله‌ور می‌سازد. ۶. علاقه به دنیا عامل گرفتاری و هلاکت است: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید: علایق را باید کم بکنید، علاقه‌ها باید کم بشود، طبیعتاً ما از این جا می‌رویم، علی‌ای حال، چه علاقه‌ی قلبی به چیزی داشته باشیم یا نداشته باشیم فرقی به حال ما نمی‌کند. شما فرض کنید که علاقه داشته باشید به این کتاب‌هایتان یا نداشته باشید، کتاب مال شماست از آن استفاده می‌کنید، علاقه را تا می‌توانید از بین ببرید آنچه انسان را گرفتار می‌کند آن علاقه است که انسان دارد و آن هم مبدأش همان حب نفس است؛ حب مسند، حب ریاست دردی است که انسان را به هلاکت می‌رساند ... «۱» ۷. مطالب این سوره، به ویژه دستورات اخیر در مورد تزکیه، نماز و مقدم نشمردن دنیا بر آخرت، در کتاب‌های پیامبران پیشین، به خصوص در کتاب‌های ابراهیم علیه السلام و تورات موسی علیه السلام آمده است. آری؛ برخی مطالب قرآن با کتاب‌های آسمانی اصیل (و تحریف نشده)، یکسان و همگون است؛ چون همه‌ی آنها ریشه‌ی الهی دارند و از یک منبع سرچشمه می‌گیرند و مطالب اساسی الهی در آنها تکرار و تأکید می‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۵

۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: خدا صد و چهار کتاب فرو فرستاده است، ده کتاب بر آدم علیه السلام، پنجاه کتاب بر شیث علیه السلام و سی کتاب بر ادریس علیه السلام، و ده کتاب بر ابراهیم علیه السلام، و تورات را بر موسی علیه السلام، انجیل را بر عیسی علیه السلام، زبور را بر داود علیه السلام و فرقان را بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آورد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر رستگاری می‌طلبید، خود را تزکیه و با خدا ارتباط برقرار کنید. ۲. پیروزی و رستگاری، در پاکی، رشد، نماز و یاد خداست. ۳. بر سر دو راهی‌ها آخرت را انتخاب کنید. ۴. سرای جاویدان و نیکوتر را با دنیای پست مبادله نکنید. ۵. دنیا نسبت به آخرت پست است و آخرت نسبت به دنیا نیکوتر و پایدارتر است (پس بنگرید کدام یک را می‌طلبید). ۶. قرآن و کتاب‌های آسمانی همگون‌اند (چون همگی ریشه‌ی الهی دارند). «۲» *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۷

بخش یازدهم: سوره‌ی غاشیه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «غاشیه» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۲۶ آیه، ۷۲ کلمه و ۳۳۰ حرف است. این سوره شصت و هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «ذاریات» و قبل از سوره‌ی «کهف») و هشتاد و هشتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «غاشیه» (پوشاننده) و اشاره به روز رستاخیز است که حوادث هولناک آن همه را می‌پوشاند. این نام از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۸

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس این سوره را بخواند، خدا حساب او را در رستاخیز آسان می‌گرداند. «۱» البته روشن است که این آسانی حساب برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت و عمل کنند.

اهداف

اهداف: دو محور اساسی این سوره توحید و معاد است.

مطالب

مطالب: ۱. بیان ویژگی‌های رستاخیز و حالات دوزخیان و بهشتیان در آن روز (در آیات ۱-۱۶)؛ ۲. بیان نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان و زمین و وجود حیوانات (در آیات ۱۷-۲۰)؛ ۳. یادآوری وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تذکر دادن به مردم (در آیات ۲۱ و ۲۲)؛ ۴. اشاره‌ای به فرجام عذاب آلود کافران (در آیات ۲۳-۲۶). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص:

۱۷۹

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی غاشیه با بیان یکی از نام‌های رستاخیز، به حالات و غذاهای دوزخیان در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۷. هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ * وَجُوهُ يُومِنُونَ خَاشِعَةً * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً * تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ * لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ * لَمَّا يُسْمِنُ * وَلَمَّا يُغْنِي * مِنْ جُوعٍ * أَيَا خَبِيرٍ (حوادث) فراگیر (رستاخیز) به تو رسیده است؟! * در آن روز چهره‌هایی که فروتن‌اند؛ * [و] کوشنده‌ی رنجور؛ * در آتش سوزان وارد می‌شوند (و می‌سوزند)؛ * از چشمه‌ای جوشان نوشانده می‌شوند؛ * هیچ غذایی برای آنان جز از خار تلخ، بد بو و زهردار نیست؛ * که فربه نمی‌کند و گرسنگی را دفع نمی‌گرداند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نام‌های رستاخیز «غاشیه»، به معنای فراگیر و پوشاننده است؛ یعنی حوادث هولناک رستاخیز، همه چیز را زیر پوشش خود قرار می‌دهد و یا این که عذاب آن روز، چهره‌ی کافران و مجرمان را می‌پوشاند. «۱» ۲. در این آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسد که آیا خبر روز رستاخیز پوشاننده به تو رسیده است؟ این پرسش از پیامبر صلی الله علیه و آله، برای نشان دادن عظمت آن روز و اهمیت آن است و در حقیقت می‌تواند پرسشی از همه‌ی انسان‌ها باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۰ ۳. در این آیات به چند ویژگی دوزخیان و برخوردهای متعدد با آنان در رستاخیز اشاره شده است: الف) چهره‌های آنان فروتن است؛ یعنی از ترس عذاب خوار و سرافکنده می‌شوند و سران کفر که در دنیا سرکشی می‌کردند، در آن روز آرام و فروتن می‌گردند. «۱» ب) آنان آنقدر کار کرده‌اند که خسته شده‌اند؛ یعنی تلاش‌های آنان در دنیا، جز زحمت و خستگی برایشان نداشته است و هیچ نام و کار نیکی از خود به جای نگذاشته‌اند، و از این رو خستگی آنان در رستاخیز ظاهر می‌گردد. البته برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که در رستاخیز مجرمان را به کارهای پرمشقت وادارند تا عذاب بیش‌تری ببینند. «۲» ج) آنان در رستاخیز گرفتار آتش سوزان می‌شوند. د) غذاهای نامناسب به آنان می‌دهند، که خود نوعی عذاب برای دوزخیان است. ۴. نوشیدنی دوزخیان از چشمه‌ای سوزان و غذای آنان از «ضریح» (نوعی خار خشک، سمی، بد بو و تلخ و ذلت آور) است که هرگاه دوزخیان آنان را می‌خورند به درگاه خدا زاری می‌کنند. «۳» این غذا نه موجب چاقی دوزخیان می‌شود و نه گرسنگی آنان را برطرف می‌کند، بلکه

نوعی غذای گلوگیر است که خود غذایی دیگر است. ۵. چگونگی عذاب‌های دوزخیان در تصور انسان نمی‌گنجد و این تعبیرات شبیحی از آنها در ذهن تصویر می‌کند. ۶. از این آیات استفاده می‌شود که نوشابه‌ی سوزان و غذای بی‌فایده از خوراکی‌های دوزخی است. این مطلب می‌تواند اشاره به آن باشد که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۱ نوشابه‌ی داغ خوب نیست و غذایی خوب است که یا به انسان نیرو و فربهی عطا کند و یا حداقل گرسنگی او را برطرف سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز پراهمیت رستاخیز (و اخبار آن) را مطالعه کنید (و خود را برای آن روز آماده سازید)؛ روزی که همه چیز را تحت پوشش خود می‌گیرد. ۲. رستاخیز، روز خواری (کافران و مجرمان) و فراگیر است (پس از آن روز بهر اسند). ۳. در رستاخیز، کارهای پر زحمت بی‌حاصل رخ می‌نماید. ۴. آتشی سوزان و نوشیدنی داغ و غذایی نامطبوع و بی‌فایده در انتظار دوزخیان است. *** قرآن کریم در آیات هشتم تا شانزدهم سوره‌ی غاشیه به حالات و مکان بهشتیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸-۱۶. *وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ لِّسِيٍّ عِجِبَةٍ رَاضِيَةٌ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَآغِيَةً فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ وَنَمَارِقُ مَصْفُوعَةٌ وَزَرَابِيُّ مَبْتُوثَةٌ* در آن روز چهره‌هایی که (شاداب) به نعمت‌اند؛ [و] از تلاششان خوشنودند؛* در بهشتی عالی هستند؛* در آن جا هیچ بیهوده نمی‌شنوند؛* در آن جا چشمه‌ای روان است؛* در آن جا تخت‌های بلند،* و سبوهایی نهاده شده،* و بالش‌هایی صف داده شده،* و فرش‌های فاخر گسترده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن این است که حالات دو گروه مؤمنان و کافران را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا افراد بهتر بتوانند راه خود را انتخاب کنند. در این آیات نیز ویژگی‌های بهشتیان در رستاخیز بیان شده است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۲ (الف) چهره‌های شاداب دارند و از گذشته‌ی خود راضی هستند؛ «۱» ب) مکان بهشتیان عالی و پر نعمت و آرام بخش است؛ برخلاف دوزخیان که از تلاش خود بهره‌ای جز خستگی نداشتند و مکانی عذاب‌آلود و غذاهایی نامطبوع داشتند و حالات آنان در آیات پیشین بیان شد. ۲. بهشتیان از گذشته و کار خویش و نتایج آن راضی هستند و این رضایت از خویش، یکی از نعمت‌هاست؛ برخلاف دوزخیان، که خسته و ناراحت از گذشته‌ی خویش، و گرفتار عذاب وجدان هستند. ۳. مقصود از عالی بودن بهشت، درجه‌ی عالی، یعنی برتری مقامی و یا برتری مکانی است؛ یا به عبارتی طبقات بهشت عالی است؛ البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود باشد. ۴. در بهشت آلودگی صوتی وجود ندارد؛ یعنی بهشتیان در آن جا سخنان بیهوده نمی‌شنوند و کسی سخنی منافقانه، جدال برانگیز، کینه‌توزانه، دروغ، تهمت و غیبت نمی‌گوید. آری؛ محیط بهشت آرام و آرام بخش است. بسیاری از نا آرامی‌ها، ناراحتی‌ها و اختلافات مردم در دنیا، از همین سخنان بیهوده و باطل است. ۵. در بهشت، چشمه‌های متعددی با نوشابه‌های متنوع، در کاخ‌های بهشتیان روان می‌شود و نیز در آن جا تخت‌هایی است که مجالس انس و سرور بر آنها برقرار می‌شود؛ تخت‌های گران‌بها و بلندی که بر مناظر و صحنه‌های اطراف مسلط است و بهشتیان از مشاهده‌ی آنها لذت می‌برند. «۲» ۶. در بهشت همه‌ی وسایل خوش‌گذرانی بهشتیان فراهم است؛ قدهای دسته‌دار زیبایی در کنار چشمه‌ها گذاشته شده که از آنها می‌نوشند، بالش‌هایی منظم و صف کشیده بر تخت‌ها گذاشته شده تا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۳ بهشتیان بر آنها تکیه زنند و مجالس انس تشکیل دهند و نیز فرش‌های زیبا و گران‌بها و نرم و راحت گسترانده شده است. ۷. نعمت‌های عالی بهشت، با الفاظ محدود بشری قابل وصف نیست و تعبیرات فوق‌شبیحی از آنها را به تصویر می‌کشد؛ البته بالاتر از این نعمت‌ها، رضوان الهی و لقای خداست که اگر کسی لحظه‌ای بدان دست یابد، آن را بر تمام نعمت‌های بهشتی ترجیح می‌دهد. اگر به هر دو جهان یک نفس زخم با دوست مرا از هر دو جهان حاصل آن نفس باشد باغ بهشت و سایه‌ی طوبی و قصر حور با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و چه نعمت فردوس شما را آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهشتی پر نعمت و شادان در انتظار (مؤمنان نیکوکار) است. ۲. بهشتیان از عملکرد خویش راضی و شادمان‌اند (پس اگر می‌خواهید در رستاخیز چنین باشید راه آنان را بروید). ۳. بهشتیان از مکانی عالی، بدون آلودگی صوتی، از انواع نعمت‌های زیبا و وسایل آسایش برخوردارند (پس شما هم بهشتی شوید تا به این نعمت‌ها برسید). *** قرآن کریم در آیات هفدهم تا بیستم سوره‌ی

غاشیه، به نشانه‌های خدا در کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷-۲۰. *أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ * وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ * وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ* تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۴ و آیا به شتر نظر نمی‌کنند که چگونه آفریده شد؟! * و به سوی آسمان که چگونه بر افراشته شد؟! * و به سوی کوه‌ها که چگونه نشانده شد؟! * و به سوی زمین که چگونه هموار گشت؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات، آدمی را به مطالعه در صحنه‌ی آسمان، زمین و حیوانات فرا می‌خواند و نشانه‌های علم و قدرت او را در صحنه‌ی هستی به نمایش می‌گذارد. آری؛ توجه به این نشانه‌ها، مانع انکار مبدأ و معاد می‌شود؛ چون خدایی که چنین علم و قدرتی دارد، می‌تواند انسان‌ها را دوباره زنده و در رستاخیز حاضر کند. ۲. در این آیات به «نظر کردن» انسان‌ها اشاره شده است. مقصود از نظر، نگاه تنها نیست، بلکه مقصود دقت و تفکر در دیده‌هاست؛ یعنی انسان به معلول بنگرد و پی به علت ببرد. ۳. در این آیات به نشانه‌های خدا در زیست‌شناسی و حیوان‌شناسی اشاره شده است و در میان حیوانات از شتر نام برده شده است. شتر حیوانی است که مخاطبان اولیه‌ی قرآن، به خوبی آن را می‌شناختند، و از نعمت‌ها و فواید وجودی‌اش اطلاع داشتند. شتر حیوانی نیرومند، مقاوم، اهلی و بارکش است، حیوانی که گوشت و شیرش برای تغذیه مفید است و وسیله‌ی سواری انسان‌هاست و می‌تواند مسافت زیادی را بدون غذا و آب طی کند و از این رو کشتی بیابان‌ها نامیده شده است. ۴. آسمان بلند و برافراشته، با همه‌ی ستارگان و سیارات و نظم و نظام آن، یکی از نشانه‌های خداست؛ همان طور که کوه‌های استوار، که هم‌چون میخ‌هایی بر بدن زمین کوبیده و نصب شده‌اند و هم‌چون زرهی زمین را احاطه کرده‌اند و مانع لرزش‌های شدید و طوفان‌های بزرگ می‌شوند، یکی از نشانه‌های خدایند؛ و همان گونه که مسطح بودن کره‌ی زمین، یکی از شگفتی‌های آفرینش است و انسان را به یاد آفریدگار هستی می‌اندازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از زیست‌شناسی، کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی به خداشناسی برسید. ۲. در آفرینش و حالات شتر، آسمان، کوه‌ها و زمین دقت کنید (و به علم و قدرت خدا پی ببرید). * * * قرآن کریم در آیات بیست و یکم تا بیست و ششم سوره‌ی غاشیه وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را بیدارگری معرفی می‌کند و با هشدار به کافران در مورد حساب و عذاب آنان می‌فرماید: ۲۱-۲۶. *فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ * إِلَّا مَنْ تَوَلَّى * وَكَفَرَ * فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ * إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ* پس یادآوری کن که تو فقط یادآوری کننده‌ای. * (تو) بر آنان هیچ سیطره‌ای نداری، * مگر کسی که روی برتافت و کفر ورزید؛ * پس خدا او را به عذاب بزرگ‌تر مجازات می‌کند. * در حقیقت، بازگشتشان فقط به سوی ماست، * سپس در واقع، حساب آنان فقط با ماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را، تنها یادآوری و تذکر معرفی کرده است؛ یعنی پیامبران و مبلغان دینی، مسئول کفر و مخالفت مردم نیستند و نباید آنان را مجبور به ایمان سازند. البته این انحصار وظیفه، نسبی است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به این مورد وظیفه‌ای جز یادآوری ندارد و سلطه و اجباری بر آنان ندارد، نه این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وظایف دیگری مانند رهبری، حکومت و داوری بین مردم را به عهده نداشته باشد. ۲. یکی از اصول ثابت اسلام، اصل رشد و تکامل آزادانه‌ی انسان است و پیامبر صلی الله علیه و آله وظیفه دارد که به انسان‌ها تذکر دهد و مطالب حق و آیات الهی و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۶ دلایل را یادآوری کند و زمینه‌ی تکامل را فراهم سازد، اما انتخاب راه سعادت و تکامل، با خود انسان است و حتی پیامبران الهی حق ندارند مردم را مجبور سازند؛ چون انسان آزاد و با اختیار آفریده شده و ارزش، رشد و تکامل او در گرو حفظ این آزادی است. از این رو اجبار انسان با اهداف آفرینش منافات دارد و اصولاً تکامل اجباری چیزی بی‌مفهوم و بی‌فایده و بی‌ارزش است. ۳. مقصود از جمله‌ی «مگر کسی که پشت کند و کافر شود»، چیست؟ برخی مفسران بر آن‌اند که این جمله استثنای متصل است و وظیفه‌ی یادآوری و تذکر پیامبر در این مورد استثنا می‌خورد؛ یعنی اگر کسی لجاجت کرد و از حقایق الهی روی گردان شد، لزومی ندارد که رهبر الهی وقت خود را صرف چنین فردی کند، بلکه او را رها می‌کند تا به راه غلط خود ادامه دهد و گرفتار عذاب الهی شود. «۱» کسی که هزار چراغ دارد و بی‌راهه می‌رود بگذار تا رود و بیند

سزای خویش البته برخی مفسران نیز گفته‌اند: استثنا در این جا منقطع و به معنای «بلکه» است؛ یعنی: بلکه کسانی که روی گردان شوند و کافر گردند، خدا آنان را به عذاب بزرگ‌تر گرفتار می‌کند. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. «۲» البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. «۲» ۴. منظور از «عذاب اکبر» در این آیه، عذاب آخرت است و احتمال دارد منظور قسمت شدیدتر عذاب دوزخ باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۷ ۵. حساب و بازگشت همه‌ی انسان‌ها به سوی خداست، ولی در این جا این مطلب را در مورد کافران بیان می‌کند، تا هشدار می‌دهد به آنان و نوعی دل‌داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد که از مخالفت‌های کافران ناراحت و دل‌سرد نگردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی حق ندارند مردم را به پذیرش دین مجبور کنند. ۲. رهبران و مبلغان دینی بیدارگر و یادآور (حقایق فطری) انسان هستند. ۳. کفر و روی گردانی از رهبران الهی، زمینه‌ساز عذاب بزرگی است. ۴. به فکر بازگشت نهایی به سوی خدا و حساب خود باشید (و دست از کفر و عناد بردارید). ۵. اگر کسی تذکرات رهبران الهی و مبلغان دینی را نپذیرفت (ناراحت نباشند که) حساب آنان با خداست. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۹

بخش دوازدهم: سوره‌ی فجر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «فجر» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۳۰ آیه، ۱۳۷ کلمه و ۵۷۷ حرف است. این سوره نهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «لیل» و قبل از سوره‌ی «ضحی») و هشتاد و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «فجر» (به سبب سوره‌ی «فجر» است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است).

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۰ سوره‌ی فجر را در نمازهای واجب و مستحب بخوانید که سوره‌ی حسین بن علی علیه السلام است و هر کس آن را بخواند، در قیامت، با حسین علیه السلام و در درجه‌ی او در بهشت خواهد بود. «۱» البته روشن است که این آثار و پاداش برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند. معرفی این سوره به عنوان سوره‌ی امام حسین علیه السلام، شاید به خاطر آن باشد که آن حضرت مصداق روشن نفس مطمئنه است که در آیه‌ی آخر این سوره به آن اشاره شده و یا به خاطر شب‌های دهگانه است که در آغاز این سوره آمده و یکی از تفسیرهای شب‌های دهگانه‌ی آغاز محرم است، که رابطه‌ی خاصی با امام حسین علیه السلام دارد.

اهداف

اهداف: محورهای اساسی این سوره مسئله‌ی معاد، امتحان مردم در دنیا و یادآوری سرنوشت عبرت‌آموز اقوام پیشین است.

مطالب

مطالب: ۱. سوگندهای متعددی که زمینه‌ساز تهدید جباران است (در آیات ۱-۵)؛ ۲. بیان سرنوشت عبرت‌آموز قوم عاد و ثمود و فرعونیان (در آیات ۶-۱۴)؛ ۳. اشاره‌ای به قانون امتحان مردم و واکنش‌های افراد در برابر آن (در آیات ۱۵، ۱۴)؛ ۴. یادآوری بخل

ثروت‌اندوزان مال‌دوست (در آیات ۱۷-۲۰)؛ ۵. معرفی صحنه‌ی رستاخیز و حالات فرشتگان و انسان‌ها در آن روز (در آیات ۲۱-۲۶)؛ ۶. بیان حالات نفس مطمئنه و برخورد محبت‌آمیز خدا با آن (در آیات ۲۷-۳۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص:

۱۹۱

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی فجر، با سوگندهای مکرر، اهمیت برخی امور را به خردمندان یادآوری می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. وَالْفَجْرِ * وَلَيَالٍ عَشْرٍ * وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِيرٌ * هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ * سوگند به شب‌های دهگانه! * سوگند به زوج و فرد! * سوگند به شب، هنگامی که سپری می‌شود! * آیا در این (موارد) سوگندی برای خردمند نیست؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخنان خدای متعال راست و درست است و نیاز به سوگند ندارد، اما گاهی خدا به خاطر تأکید بر مطالب یا نشان دادن اهمیت چیزهایی، به آنها قسم می‌خورد. مواردی که اهمیت آنها را خردمندان درک می‌کنند و بدان معترف‌اند. ۲. واژه‌ی «فجر» در اصل به معنای شکافتن وسیع است و از آن جا که در هنگام سپیده دم، نور صبح، دل تاریکی شب را می‌شکافد، بدان فجر می‌گویند. فجر بر دو گونه است: فجر کاذب و فجر صادق. فجر کاذب، همان سپیدی طولانی قبل از طلوع واقعی فجر است که هم‌چون مخروطی بر صحنه‌ی آسمان ظاهر می‌شود و سر مخروط به طرف افق و قاعده‌ی آن به طرف آسمان است. اما فجر صادق، همان طلوع واقعی سپیده دم است که سفیدی آن در افق گسترش می‌یابد و نورانی‌تی شفاف دارد و بعد تمام آسمان را فرا می‌گیرد. ۳. سپیده‌ی صبح اعلام پایان ظلمت شب و آغاز حاکمیت نور و نقطه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۲ عطفی در زندگی انسان‌ها و شروع جنبش موجودات زمینی و یکی از نشانه‌های عظمت خداست. ۴. برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از «فجر» در این آیات، فجر آغاز محرم یا فجر روز عید قربان یا صبحگاه ماه رمضان یا فجر صبح جمعه است، ولی آیه‌ی فوق معنای وسیعی دارد که همه‌ی این موارد را شامل می‌شود، به طوری که برخی مفسران گفته‌اند: هر نوری که در دل تاریکی می‌درخشد مقصود این آیه است. «۱» بنابراین، درخشش اسلام و نور محمدی صلی الله علیه و آله در تاریکی جاهلیت، یکی از مصادیق آن است، همان‌طور که سپیده‌دم قیام مهدی (عج) در تاریکی ظلم و ستم جهان یکی دیگر از مصادیق آن است. در احادیث نیز به این موارد اشاره شده است. «۲» ۵. مقصود از شب‌های دهگانه در این آیات چیست؟ از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که منظور شب‌های آغازین ذی الحجه است که بزرگ‌ترین اجتماع عبادی-سیاسی مسلمانان جهان برگزار می‌شود. «۳» و برخی مفسران برآن‌اند که ده شب آخر ماه رمضان است که شب قدر در آن است و یا شب‌های آغازین محرم؛ البته مانعی ندارد که همه‌ی این موارد از مصادیق آیه باشد. «۴» ۶. منظور از «زوج و فرد»، در این آیات چیست؟ در این مورد تفسیرهای گوناگونی شده است؛ از جمله این که: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۳ الف) مقصود اعداد زوج و فرد است که نظم و حساب و عدد را در زندگی انسان شکل می‌دهد؛ ب) مقصود همه‌ی مخلوقات هستند که برخی به صورت فرد و برخی به صورت زوج‌اند؛ ج) منظور از «فرد» خداست که یگانه است و منظور از «زوج» مخلوقات هستند که معمولاً دارای زوج و قرین‌اند؛ «۱» د) مقصود نمازهاست، که رکعات آنها زوج یا فرد است و یا نماز شفع و وتر است که سه رکعت آخر نماز شب است؛ ه) زوج، روز هشتم یا دهم ماه ذی الحجه و فرد همان روز نهم یعنی روز عرفه است. «۲» البته اگر معنای زوج و فرد عام باشد، همه‌ی موارد فوق را شامل می‌شود و اگر خاص باشد، سه تفسیر اخیر مناسب‌تر است که در احادیث نیز به آنها اشاره شده است. «۳» ۷. در این آیات، به شب، هنگامی که به سوی روشنایی صبح حرکت می‌کند سوگند یاد شده است. مقصود از این شب یا همه‌ی شب‌هاست که نشانه‌ای از قدرت خداست؛ یا شب عید قربان است که حاجیان از عرفات به سوی مشعر و منی می‌روند که گویا همه‌ی شب با مردم حرکت می‌کند. ۸. واژه‌ی «حجر» در اصل به معنای منع است و از آن جا که عقل، انسان را از کارهای ناپسند منع می‌کند حجر نامیده

می‌شود. آری؛ در این موارد سوگند مهمی است برای خرمندان، چرا که خردورزان، اهمیت این امور را به خوبی درک می‌کنند. ۹. جواب این سوگندها آیهی چهاردهم این سوره است؛ یعنی: سوگند به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۴ این امور که پروردگار در کمین (ستمکاران سرکش) است. و این احتمال نیز وجود دارد که جواب سوگند محذوف باشد؛ یعنی: سوگند به این امور که ما کافران سرکش را عذاب می‌کنیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در مورد سپیده دم، شب و زوج و فرد، به اهمیت آنها (و نشانه‌های خدا) پی ببرید. ۲. خردورزی زمینه‌ساز درک حقایق عالی است. *** قرآن کریم در آیات ششم تا چهاردهم سورهی فجر به اقوام سرکش و فسادگر تاریخ بشر، و فرجام عذاب آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶-۱۴. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ * إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ * وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخِرَ بِالْوَادِ * وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ * الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ * فَمَا كَثُرُوا فِيهَا الْفُسَادَ * فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ * إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِغٌ صَادٍ آيا ندیده‌ای که پروردگارت با (قوم) «عاد» چه کرد؟! * (همان مردم شهر) ارم ستون‌دار، * که همانند آن در شهرها آفریده نشده بود! * و (قوم) ثمود که صخره‌ها را در سرزمین (خود) می‌بریدند؛ * و فرعون‌ی که صاحب میخ‌ها بود؛ * (همان) کسانی که در شهرها طغیان کردند، * و در آن‌جا فساد را افزودند؛ * و پروردگارت تازیانه‌ی عذاب را بر آنان فرو ریخت! * قطعاً، پروردگارت در کمینگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات سخن از «دیدن» قوم عاد، ثمود و فرعون است و منظور از دیدن، همان علم و آگاهی یافتن از سرنوشت این اقوام است و از آن‌جا که سرنوشت این تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۵ اقوام مشهور است، گویی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (مردم) آنان را دیده بودند. ۲. مخاطب این آیات پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت هشداری به همگان است که سرنوشت عذاب آلود عاد و ثمود و فرعون را بنگرید و عبرت بیاموزید. چشم عبرت بازکن، گردید چون مویت سپید مگذران در خواب غفلت این شب مهتاب را ۳. قرآن کریم در آیات متعددی، از قوم عاد سخن گفته است. «۱» آنان مردمی بودند که احتمالاً حدود هفتصد سال قبل از میلاد مسیح علیه السلام در سرزمین احقاف یا یمن زندگی می‌کردند. «۲» افرادی نیرومند و بلندقامت و جنگ‌جو که تمدنی پیش‌رفته و شهرهایی سرسبز و کاخ‌های عظیم با ستون‌های متعدد داشتند. پیامبر آنان هود علیه السلام بود که سخنان هدایت‌آمیز او، سودی به حال مردم عاد نداشت و در نهایت آنان گرفتار تندبادی سرد و سوزان شدند و همگی هلاک گشتند. «۳» «۴» «ارم» نام شهری بی‌نظیر «۴» دارای ستون‌های زیاد بود که توسط قوم عاد ساخته شده بود. این تعبیر کنایه از قدرت قوم عاد است. آری؛ قوم عاد، شهری بی‌نظیر با کاخ‌های باشکوه و ستون‌دار ساختند، که مثل آن در شهرهای دنیا پدید نیامده بود. ۵. قرآن کریم بارها از قوم «ثمود» و فرجام عبرت‌آموز آنان سخن گفته تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۶ است. «۱» قوم ثمود در میان مدینه و شام زندگی می‌کردند و تمدنی پیشرفته و زندگی مرفه‌ی داشتند. آنان صخره‌ها را می‌شکافتند «۲» و سنگ‌ها را قطعه قطعه می‌کردند و ساختمان‌های سنگی می‌ساختند؛ و یا در دل کوه‌پایه‌ها، «۳» خانه‌های سنگی به وجود می‌آوردند. «۴» خدا پیامبری به نام «صالح» را به سوی آنان فرستاد، ولی آنان او را تکذیب کردند و در نهایت گرفتار صیحه‌ی آسمانی شدند و هلاک گشتند. «۵» تا دلِ مردِ خدا نامد به درد هیچ قومی را خدا رسوا نکرد ۶. در این آیات بیان شده که فرعون دارای «میخ‌هایی» بود. مقصود چیست؟ مفسران قرآن در این مورد چند پاسخ داده‌اند: الف) منظور میخ‌هایی است که وسیله‌ی شکنجه‌ی فرعونیان بود و بر دست و پای مخالفان می‌کوبیدند و یا دست و پای افراد را به آنها می‌بستند، همان‌طور که در احادیث نیز آمده است. ب) لشکریان فرعون در خیمه‌هایی زندگی می‌کردند که با میخ‌ها محکم بسته می‌شد. «۶» ج) این تعبیر کنایه از قدرت و استقرار حکومت است. «۷» البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. ۷. اقوام عاد، ثمود و فرعون اقوام طغیان‌گر و سرکشی بودند و در شهرها تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۷ فساد به پا می‌کردند، یعنی به ظلم و تجاوز و هوس‌رانی مشغول می‌شدند. ۸. در این آیات بیان شده که «خدا تازیانه‌ی عذاب را بر این اقوام سرکش فرو ریخت». این تعبیر کوتاه، کنایه‌ای زیباست که اشاره به مجازات شدید قوم عاد با تندباد و عذاب قوم ثمود با صیحه‌ی آسمانی و نیز غرق شدن فرعون است. آری؛ عذاب این اقوام آن‌قدر شدید و مستمر بود که

گویی تازیانه‌های عذاب بر آنان فرو ریخت. ۹. این آیات به طغیان‌گران هشدار می‌دهد که خدا در کمینگاه آنان است و گمان نکنید که می‌توانید از چنگال عذاب الهی بگریزید، بلکه او مردم را آزمایش می‌کند و به ستمکاران مهلت می‌دهد و هنگامی که غرق در گناه و ظلم شدند آنان را به دام می‌افکند و عذاب می‌کند! او به همه‌ی جباران و مجرمان احاطه دارد و می‌تواند آنها را مجازات کند. ۱۰. از امام صادق علیه السلام روایت شده: مرصاد (کمینگاه)، همان پل صراط است که از روی دوزخ می‌گذرد و هیچ بنده‌ای که حقّ مظلومی برگردد او باشد از آن جا نخواهد گذشت. «۱» البته این حدیث به یکی از مصادیق کمینگاه‌های الهی اشاره دارد و کمینگاه‌های متعددی در دنیا و آخرت وجود دارد که ستمکاران را به دام می‌اندازد. ۱۱. تعبیر «رَبِّک» (پروردگار تو) خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است. این تعبیر نوعی تسلی خاطر برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان و نوعی هشدار به مخالفان اسلام است که بدانند این سنت الهی که در مورد مجازات سرکشان ملت‌های پیشین اجرا شد، در مورد امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز جاری می‌شود و طغیان‌گران نمی‌توانند از چنگال عذاب الهی فرار کنند. ۱۲. تعبیر «رَبِّک» ممکن است اشاره به این مطلب نیز باشد که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۸ مجازات‌های الهی و کمینگاه‌های او با «پروردگار» بودن خدا ارتباط دارد و نوعی زمینه‌سازی برای تربیت بشر است؛ یعنی او انسان‌ها را به دام می‌اندازد تا تربیت و هدایت کند؛ هم‌چون پدری که فرزند خود را ادب می‌کند تا رشد نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از فرجام عذاب آلود طغیان‌گران پیشین، عبرت بگیرید. ۲. اقوام قدرتمند بی‌نظیری، هم‌چون قوم عاد، ثمود و فرعون سرکشی کردند و هلاک شدند (پس شما راه آنان را نروید). ۳. نتیجه‌ی طغیان‌گری و فسادگری در شهرها، عذاب الهی است. ۴. تازیانه‌های ظلم و فساد را بر مردم فرود نیاورید، که گرفتار تازیانه‌ی عذاب الهی می‌شوید. ۵. خدا کمینگاه‌هایی دارد! (پس خود را ایمن ندانید و فساد و سرکشی نکنید). *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا بیستم سوره‌ی فجر به غرور انسان متنعّم و ناراحتی انسان تنگ‌دست و عوامل گرفتاری انسان، هم‌چون بخل و مال‌دوستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵- ۲۰. فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ * كَلَّا بَلْ لَأَكْرَمُونَ الْيَتِيمَ * وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ * وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا * وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا * اما انسان هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و او را ارج نهد و وی را نعمت بخشد، پس می‌گوید: «پروردگارم [مرا] ارج نهاده است!» * و اما هنگامی که او را بیازماید و روزی‌اش را بر او تنگ سازد، پس می‌گوید: «پروردگارم [مرا] خوار کرده است!» * هرگز چنین نیست؛ بلکه یتیم (ها) را ارج نمی‌نهد، * و یک‌دیگر را بر غذا دادن بینوا (یان) تشویق نمی‌کنید، * و میراث را کاملاً یک‌جا می‌خورید، * و ثروت را با علاقه‌ای فراوان دوست دارید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات مواردی از کمینگاه‌های الهی و امتحانات انسان بیان شده است. خدا گاهی انسان را به وسیله‌ی نعمت دادن می‌آزماید و گاهی به وسیله‌ی تنگ‌دستی و محرومیت از نعمت، تا بنمایاند که آیا انسان سپاس‌گزار است یا مغرور و ناسپاس. ۲. آمده که انسان کم‌ظرفیت است و هنگامی که خدا به او نعمت می‌دهد مغرور گشته، خود را ارجمند و مقرب درگاه الهی می‌پندارد «۱» ولی هنگامی که خدا بر او تنگ می‌گیرد ناامید شده، می‌پندارد که خدا به وی اهانت و او را خوار کرده است. «۲» در حالی که انسان‌های مومن، پرظرفیت و دریادل هستند و در حال ثروتمندی یا تنگ‌دستی سپاس‌گزار خدایند؛ چون می‌دانند که این‌ها آزمایش‌هایی است که طبق حکمت الهی انجام می‌گیرد. چون صفا ببیند، بلا شیرین شود خوش شود دارو چو صحت بین شود ۳. ثروتمندی یا تنگ‌دستی، معیار و نشان دهنده‌ی نزدیکی و دوری انسان از خدا نیست. چه بسیار دوستان خدا که گرفتار بلا و فقر شدند و چه بسیار دشمنان خدا که ثروتمند گشتند. این هر دو وسیله‌ی آزمایش انسان‌هاست. ۴. معیار ارجمندی و تقرب انسان به خدا چند چیز است: الف) اکرام یتیمان، یعنی ارج گذاشتن و توجه کردن به آنها؛ ب) تشویق هم‌دیگر برای امداد رسانی به بینوایان؛ ج) انسان مال‌پرست نباشد و از ثروت و میراث خویش به دیگران نیز کمک کند. ۵. عوامل دوری انسان از خدا، که موجب انحراف و گرفتاری او نیز می‌شود، عبارت‌اند از: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۰. ۱. احترام نگذاشتن به کودکان بی‌سرپرست؛

۲. تشویق نکردن افراد به امداد رسانی برای بینوایان؛ ۳. ثروت دوستی و مال‌اندوزی (همراه با بخل). ۶. غذا دادن به بینوایان و اکرام یتیمان امری ضروری است؛ یعنی در مورد افراد یتیم نه تنها اطعام و حفظ اموال، بلکه اکرام و احترام نیز لازم است به طوری که بر اثر محبت دیگران جای خالی پدرشان را احساس نکنند. چو بینی یتیمی سرافکننده پیش مده بوسه بر روی فرزند خویش اگر سایه‌ای خود برفت از برش تو در سایه‌ی خویشتن پرورش ۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده که هیچ بنده‌ای دست مرحمت بر سر یتیمی نمی‌کشد، مگر این که خدا به تعداد موهایی که از زیر دست او می‌گذرد، نوری در رستاخیز به او می‌بخشد. «۱» ۸. تنها غذادادن به بینوایان کافی نیست، بلکه تشویق به این کار نیز لازم است؛ «۲» یعنی انسان خود بخل نرزد و دیگران را نیز از بخل و مال پرستی دور سازد و به غذا رسانی تشویق کند و این جاست که تشکیل انجمن‌های خیریه و امدادرسانی و تبلیغات مثبت در این راه معنا پیدا می‌کند. ۹. در این آیات بیان شده که انسان‌های تربیت نیافته در مکتب وحی، مال‌دوست و زراندوز هستند و مال حلال و حرام را جمع می‌کنند و میراث و اموالی را که بدون زحمت به دست می‌آورند یک جا می‌خورند؛ ولی به فقیران کمک نمی‌کنند و بخل می‌ورزند و حتی میراث یتیمان و فقرا را با تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۱ زور می‌گیرند و مصرف می‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌ها (ی تربیت نیافته)، کم ظرفیت هستند و از نعمت، مغرور، و از فقر، نا امید می‌شوند. ۲. انسان گاهی با ثروت و گاهی با تنگ‌دستی امتحان می‌شود. ۳. معیار ارجمندی شما در پیشگاه الهی، بهره‌مندی یا تنگ‌دستی شما نیست. ۴. بی‌توجهی نسبت به کودکان بی‌سرپرست و تشویق نکردن مردم برای غذارسانی به بینوایان و مال دوستی و زراندوزی بخیلانه، از عوامل دوری از خداست. ۵. اکرام یتیمان، تشویق مردم برای غذارسانی به بینوایان و دوری از زراندوزی بخیلانه، از عوامل نزدیکی در پیشگاه الهی است. ۶. همه‌ی میراث و ثروت را برای خود نخواهید (به دیگران هم بدهید). ۷. هم خود به بینوایان کمک کنید، و هم دیگران را به این کار تشویق نمایید. ۸. اگر اکرام خدا را می‌خواهید یتیمان را اکرام کنید. *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم تا بیست و ششم سوره‌ی فجر، به حوادث سخت رستاخیز و حالات فرشتگان و بیداری و آرزو اندیشی انسان‌ها در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱-۲۶. کَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا * وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا * وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي * فَيَوْمَئِذٍ لَأَيْعَذَّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ * وَلَا يُوثِقُ وَاثِقَهُ أَحَدٌ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۲ هرگز چنین نیست؛ هنگامی که زمین (با ضربه‌ای)، کاملاً خرد (و هموار) می‌شود،* و (فرمان) پروردگارت و فرشتگان صف به صف فرا می‌رسند،* و در آن روز جهنم آورده شود؛ در آن روز انسان متذکر می‌شود؛ و [لی تذکر کجا برای او (سود) دارد؟!]* می‌گوید: «ای (مردم) کاش من برای زندگی‌ام (در رستاخیز، چیزی) از پیش فرستاده بودم!»* و در آن روز هیچ کس [همانند] عذاب او عذاب نمی‌کند؛* و هیچ کس [همانند] به بند کشیدن او به بند نمی‌کشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات، یکی از حوادث تکان دهنده‌ی پایان دنیا و آغاز رستاخیز بیان شده است؛ در آن روز زمین سخت می‌لرزد و کوه‌ها متلاشی می‌شوند و زمین درهم کوبیده، خرد و صاف می‌گردد. آری؛ حوادث «۱» سخت رستاخیز، آرامش زراندوزان بخیل را به هم می‌زند و آنان را از خواب غفلت بیدار می‌سازد. ۲. با توجه به این که خدا جسم نیست و انتقال مکانی او معنا ندارد، مقصود از «آمدن پروردگار» در روز رستاخیز چیست؟ مفسران در این مورد چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) فرمان پروردگار برای رسیدگی به حساب مردم؛ ب) ظهور نشانه‌های عظمت پروردگار؛ ج) ظهور معرفت پروردگار در رستاخیز، به طوری که جای انکار نخواهد داشت. البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد، ولی معنای اول در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده «۲» و با آیات دیگر قرآن سازگارتر است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۳. مقصود از صف کشیدن فرشتگان در رستاخیز آن است که آنها در صفوف مختلف وارد صحنه‌ی رستاخیز و آماده‌ی اجرای فرمان حق می‌شوند؛ آنان گرداگرد مردم را می‌گیرند، به طوری که هیچ کس راه‌گریزی از عدالت نخواهد داشت. ۴. از تعبیرات این آیات استفاده می‌شود که «جهنم» قابل حرکت دادن است و آن را نزد مردم حاضر می‌سازند، همان طور که بهشت به پارسایان نزدیک می‌شود. «۱» البته حقایق جهان

رستاخیز برای ما دقیقاً روشن نیست، و شرایط حاکم بر آن جا با دنیا تفاوت دارد. ۵. حکایت شده که وقتی آیه‌ی فوق فرود آمد رنگ چهره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله دگرگون شد و اصحاب به علی علیه السلام خبر دادند. علی علیه السلام آمد و از حادثه پرسید و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیه‌ی فوق را جبرئیل بر من تلاوت کرد، سپس توضیح دادند که هفتاد هزار فرشته دوزخ را می‌آورند و اگر او را رها کنند همه را آتش می‌زند! ولی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌گوید: گوشت تو بر من حرام است. اما پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: پروردگارا! امتم، امتم! «۲» ۶. انسان با دیدن صحنه‌ی هولناک دوزخ و رستاخیز بیدار می‌شود و از کردار گذشته‌ی خویش پشیمان می‌گردد. او می‌خواهد توبه کند، اما زمان توبه سپری شده است؛ او می‌خواهد کارهای بد خود را جبران کند، ولی دیگر دیر شده است. و در این جاست که فریاد می‌زند: ای کاش برای زندگی اخروی خود کار نیکی کرده بودم و از پیش فرستاده بودم! به شهر قیامت مرو تنگ‌دست که وجهی ندارد به حسرت نشست آری؛ این همان انسانی است که در دنیا به زران‌دوزی و میراث‌خواری مشغول بود و به یتیمان و بینوایان توجهی نمی‌کرد. ۷. در این آیه از سرای آخرت با عنوان «زندگی‌ام» یاد شده است. گویا زندگی واقعی فقط آخرت است و زندگی دنیا، شایسته‌ی نام حیات نیست. آری؛ حیات حقیقی و جاودانی همان زندگی اخروی است. «۱» ۸. خدا چنان خلافکاران را به بند می‌کشد و گرفتار عذاب می‌کند که هیچ کس نمی‌تواند همانند او به بند بکشد و عذاب کند. آری؛ مجازات الهی در مورد این افراد بی‌نظیر است؛ چون آنان مردم مظلوم را در بند کشیده، با گرسنگی و فقر عذاب می‌کردند و شکنجه می‌دادند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حوادث سخت رستاخیز، انسان‌های غافل را بیدار خواهد کرد. ۲. بیداری دیر هنگام انسان در رستاخیز، به حال انسان سودی ندارد. ۳. در هم کوبیده شدن زمین، ظهور فرمان پروردگار، صفوف فرشتگان و آماده‌سازی دوزخ در رستاخیز، شما را از خواب غفلت بیدار می‌سازد. ۴. آرزومندی و حسرت خوردن در رستاخیز، سودی ندارد (تا دیر نشده برای آن روز توشه بردارید). ۵. گرفتاری و عذاب الهی بی‌نظیر است (پس مراقب کردار خود باشید و برای آخرت فکری کنید). *** قرآن کریم در آیات بیست و هفتم تا سی‌ام سوره‌ی فجر به حالات بندگان خاص خدا و لطف الهی نسبت به آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷-۳۰. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۵ ای جان آرام یافته! * به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که (تو از او) خشنودی [و] مورد رضایت (او) هستی؛ * پس در (سلک) بندگان (ویژه‌ی) من در آی، * و در بهشت (ویژه) من وارد شو. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات دارای تعبیرات جالب، دل‌انگیز و روح پرور و نشان دهنده‌ی لطف ویژه‌ی خدا نسبت به بندگان خاص خویش است؛ خدا آنان را به طور مستقیم به مهمانی خویش دعوت می‌کند و رضایت خود را از آنان اعلام می‌دارد. ۲. در این آیات ویژگی‌های بندگان خاص خدا را بر شمرده است که عبارت‌اند از: الف) آنان دارای نفس مطمئن و جان آرامی هستند؛ ب) به سوی خدا باز می‌گردند و به ثواب و رحمت الهی می‌رسند؛ ج) در سلک بندگان خاص، مورد لطف قرار می‌گیرند؛ د) در بهشت الهی وارد می‌شوند؛ ه) از پاداش‌ها و الطاف الهی راضی‌اند؛ و) اعمال و عقاید آنان مورد رضایت و پسند خداست. ۳. نفس انسان همان روح آدمی است که می‌تواند حالات و مراتب مختلفی داشته باشد که در این آیات به سه حالت آن اشاره شده است: الف) نفس «مطمئن»؛ یعنی روحی که در پرتو ایمان و یاد خدا آرامش یافته و به مرحله‌ی اطمینان رسیده است و به وعده‌های الهی اطمینان دارد و در برابر طوفان حوادث اضطراب ندارد. ب) نفس «راضیه»؛ یعنی از خدا راضی و خشنود است؛ چون می‌بیند که به تمام وعده‌هایش عمل کرد و پاداش‌ها و نعمت‌های زیادتری به او ارزانی داشت؛ بندگان خاص خدا به مقام تسلیم و رضا رسیده‌اند و هر چه را دوست بخواهد می‌پسندند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۶ ج) نفس «مرضیه»؛ یعنی خدا از کردار و عقاید این شخص راضی و خشنود است و او را می‌پسندد. البته در آیات دیگر قرآن از نفس «اماره»، «لؤامه»، «ملهمة» و «تسویه شده» نیز یاد شده است. «۱» ۴. مقصود از بازگشت به سوی خدا، بازگشت در هنگام مرگ یا بازگشت در رستاخیز یا هر دو است که انسان به سوی ثواب و رحمت الهی باز می‌گردد. ۵. خشنودی انسان از خدا و خشنودی خدا از انسان در

حقیقت علت‌های سعادت‌مندی انسان و وارد شدن او در سلک بندگان خاص و بهشت الهی‌اند. ۶. در برخی از تفاسیر، این آیات بر «حمزه سید الشهداء» تطبیق شده است و نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده: این سوره، سوره‌ی حسین علیه السلام است و هر کس آن را بخواند در قیامت در درجه‌ی او در بهشت خواهد بود. «۲» و نیز روایت شده که مخاطب «ای جان آرام» در این آیات، امام حسین علیه السلام است. «۳» البته روشن است که این سوره مکی است در حالی که حمزه و امام حسین علیه السلام بعد از هجرت شهید شدند؛ پس نسبت دادن آن به حمزه یا امام حسین علیه السلام از باب تطبیق بر مصداق‌های روشن و کامل است. ۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده: هنگام مرگ مؤمن، فرشته‌ی مرگ او را دل‌داری می‌دهد که من نسبت به تو مهربانم، چشم‌هایت را بگشای! و او پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و امامان دیگر علیهم السلام را می‌بیند و فرشته تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۷ می‌گوید: این‌ها دوستان تو هستند و ناگهان گوینده‌ای از سوی پروردگار ندا می‌دهد: ای جان آرام یافته که به محمد و اهل بیت او اطمینان داشتی، بازگرد به سوی پروردگارت، در حالی که تو به ولایت او راضی هستی و او با ثوابش از تو خوشنود است؛ داخل بندگان من یعنی محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او شو و در بهشت در آی! «۱» هر کجا تو با منی من دل‌خوشم و روبرو در قعر گوری منزلم خوش‌تر از هر دو جهان آن جا بود که مرا با تو سیر و سودا بود آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر بهشت الهی می‌خواهید، کاری کنید که مورد پسند خدا شوید. ۲. بندگان خاص خدا به مقام رضا رسیده‌اند و آن پسندند که دوست پسندد. ۳. با رسیدن به مرحله‌ی نفس مطمئن و جان آرام یافته (با یاد خدا)، آماده‌ی بازگشت به سوی او شوید. ۴. خدا کسانی را در میان بندگان خاص خود و در بهشت خویش وارد می‌کند که (کردار و عقاید) آنها را پسندد. ۵. بندگان خاص خدا مورد لطف ویژه‌ی او هستند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۹

بخش سیزدهم: سوره‌ی بلد

اول

کلیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز کلیات: سوره‌ی «بلد» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۰ آیه، ۸۲ کلمه و ۳۳۰ حرف است. این سوره سی و چهارمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «ق») و قبل از سوره‌ی «طارق» و نودمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «بلد» (سرزمین یا شهر مکه) است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی بلد را بخواند، خدا او را از خشم خود در روز قیامت در امان می‌دارد. «۱» روشن است که این آثار برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، بیان دو راه اساسی در مسیر زندگی انسان و مشکلات و فرجام آنهاست.

مطالب

مطالب: ۱. سوگندهای متعدد به شهر مکه و پدر و فرزند (در آیات ۱-۳)؛ ۲. یادآوری مشکلات زندگی بشر (در آیه ۴)؛ ۳. اشاره‌ای به ثروتمندان سرکش (در آیات ۵ و ۶)؛ ۴. یادآوری نعمت‌های الهی برای انسان (در آیات ۸-۱۰)؛ ۵. معرفی کارهای نیک، مثل آزاد کردن اسیران و غذا دادن به یتیمان و بینوایان (در آیات ۱۱-۱۶)؛ ۶. بیان فرجام نیک مؤمنان شایسته‌کردار (در آیات ۱۷ و ۱۸)؛ ۷. اشاره‌ای به فرجام عذاب‌آلود کافران (در آیات ۱۹ و ۲۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۱

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی بلد با سوگندهای مکرر، به زندگی پرنج انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۴. لَأُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ * لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ * به این سرزمین (مکه) سوگند یاد می‌کنم! * در حالی که تو در این سرزمین فرود آمده‌ای! * سوگند به پدر و آنچه زاد! * که به یقین، انسان را در رنج و مشقت آفریدیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال سخن راست و درست می‌گوید، اما گاهی برای تأکید بر مطلبی و نشان دادن اهمیت آن، سوگند یاد می‌کند. این سوگندها نشان دهنده‌ی عظمت آن چیزهاست و توجه انسان را به آنها جلب می‌کند. ۲. در این آیات به سرزمین مکه سوگند یاد شده است؛ زیرا آن جا نخستین مرکز توحید و عبادت پروردگار است و پیامبران بزرگی هم چون ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله در آن جا طواف کرده‌اند. ۳. شرافت مکه به خاطر وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آن جا است و در حالی که آن شهر سوگند یاد می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جا باشد. از این رو هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه هجرت می‌کند، با عنوان «قریه» یعنی روستا و آبادی از آن یاد می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۲ آری؛ ارزش سرزمین‌ها به ارزش انسان‌هایی است که در آنها زندگی می‌کنند. اگر در سرزمینی عالمان و رهبران الهی زندگی کنند، آن جا شهر و تمدن است و حتی می‌توان بدان سوگند یاد کرد، و گرنه سزاوار نام شهر نیست. گفت معشوقی به عاشق کای فتی توبه غربت دیده‌ای بس شهرها گو کدامین شهر از آنها خوش‌تر است گفت آن شهری که در وی دلبر است ۴. برخی مفسران برای این آیات تفسیر دیگری ذکر کرده‌اند: خدا می‌فرماید: به شهر مکه سوگند یاد نمی‌کنم؛ «۱» زیرا مردم مکه با تو بسیار بد رفتاری می‌کنند. شهری که هر کس داخل آن شود امنیت دارد، چرا برای تو امنیتی ندارد و مشرکان حرمت تو را نگاه نمی‌دارند. این تفسیر که در برخی احادیث نیز آمده است» به نوعی سرزنش مشرکان مکه است. ۵. در این آیات از «پدر و فرزند» یاد شده است. مقصود از این پدر و فرزند، یا ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام هستند که کعبه و مکه را بنیاد نهادند یا آدم و فرزندان او و پیامبران از نسل او و یا هر پدر و فرزندی هستند. البته مانعی ندارد که آیه به هر چهار معنا اشاره داشته باشد، هر چند معنای اول مناسب‌تر است. «۳» ۶. انسان از آغاز زندگی تا هنگام مرگ گرفتار مشکلات و رنج و مشقت است؛ «۴» گاهی رنج‌های روحی و روانی و گاهی مشقت‌های جسمانی را تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۳ تحمل می‌کند تا به پیری می‌رسد و حتی پیامبران الهی نیز از این قانون استثنا نبوده‌اند و جوامع به ظاهر آرام و سرخوش نیز در دل خود رنج‌های زیادی دارند که با مطالعه و دقت معلوم می‌گردد. آری؛ انسان در همین رنج و مشکلات ساخته می‌شود و تکامل می‌یابد، آرامش بی‌رنج در زندگی مادی ممکن نیست؛ تنها سرای آخرت و بهشت جای راحتی و آرامش نهایی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرنوشت انسان با رنج و مشقت رقم خورده است (پس منتظر آرامش و راحتی مطلق در دنیا نباشید). ۲. ارزش شهرها، به ارزش مردان الهی است که در آن جا ساکن می‌شوند. ۳. شهر مکه همراه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام آن‌قدر ارزشمند است که می‌توان به آن سوگند یاد کرد (پس در مورد آنها دقت کنید). *** قرآن کریم در آیات پنجم تا دهم سوره‌ی بلد با یادآوری نعمت‌های الهی، به ثروتمندان سرکش هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۵-۱۰. أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدَرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ * يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبِدًا * أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ * أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ * وَلَسَانًا وَشَفَتَيْنِ * وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ آيا (انسان) می‌پندارد که هیچ کس بر او

توانایی (دست یابی) ندارد؟! می‌گوید: «ثروت انبوهی را نابود کردم.» آیا می‌پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟! آیا برای او دو چشم قرار نداده‌ایم؟! و زبان و دو لب؟! و او را به دو راه (خیر و شر) رهنمون کردیم؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به ثروتمندان سرکشی اشاره شده که می‌پنداشتند هیچ کس نمی‌تواند بر آنان دست یابد و بازخواست و مجازاتشان کند؛ آنها می‌پنداشتند که کسی اعمال و خلاف کاری آنها را ندیده است و از این رو به گناه و سرکشی ادامه می‌دادند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۴ در حالی که خدا آنها را تحت نظر دارد و از درون و برون آنان آگاه است و هرگاه بخواهد آنها را مجازات می‌کند و اگر مدتی به آنان مهلت می‌دهد به خاطر آن است که در گناه غرق شوند و مستحق مجازات سنگین تری گردند. ۲. ثروتمندان سرکش می‌گفتند: «ما اموال خویش را نابود کردیم.» این مطلب اشاره به افرادی هم‌چون عمرو بن عبدود است که در راه مبارزه با اسلام اموال زیادی مصرف کرد و هنگامی که علی علیه السلام به او پیش‌نهاد کرد که اسلام را بپذیرد، گفت: پس آن همه اموالی که بر ضد شما مصرف کردم چه می‌شود؟ یا فردی هم‌چون حارث بن عامر، وقتی مرتکب گناهی شد و پیامبر صلی الله علیه و آله به او دستور کفاره داد، او گفت: از روزی که من مسلمان شده‌ام، اموالم در راه کفاره و انفاق نابود شده است. و یا آیه اشاره به افرادی دارد که اموال خود را ریاکارانه برای اسلام مصرف کرده بودند و این کار را نوعی نابودی اموال خود می‌دانستند. البته آیه‌ی فوق مفهوم گسترده‌ای دارد که همه‌ی این موارد را شامل می‌شود. «۱» ۳. در این آیات تلاش شده که نعمت‌های الهی به یاد انسان آورده شود تا حس سپاس‌گزاری در او زنده گردد و از سرکشی دست بردارد؛ نعمت‌هایی چون: الف) نعمت چشم، که مهم‌ترین وسیله‌ی ارتباط انسان با جهان خارج است و هم‌چون دوربینی بسیار دقیق، عکاسی و فیلم برداری می‌کند؛ ب) نعمت زبان، که مهم‌ترین وسیله‌ی ارتباط انسان با دیگران، برای مبادله‌ی اطلاعات است و نقش به‌سزایی در پیش‌رفت علوم بشری دارد؛ ج) نعمت لب‌های انسان که برای سخن گفتن و غذا خوردن مفید است و زیبایی خاصی به چهره‌ی انسان می‌دهد؛ د) نعمت هدایت، یعنی خدا به وسیله‌ی عقل، از درون و به وسیله‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۵ پیامبران، از بیرون، انسان را به دو راه نیک و بد راه‌نمایی می‌کند «۱» تا آزادانه راه صحیح را انتخاب کند. ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: ای فرزند آدم! اگر زبانت خواست تو را وادار به حرام کند، من دو لب را، برای جلوگیری از آن، در اختیار تو قرار دادم، پس لب فروبند. «۲» ۵. از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: شگفتا از این انسان که با یک قطعه پیه می‌بیند و با قطعه گوشتی سخن می‌گوید، و با استخوانی می‌شنود و از شکافی نفس می‌کشد! «۳» این سخن اعجاز گونه‌ی امام علی علیه السلام به عجایب آفرینش در چشم، گوش، زبان و تنفس اشاره دارد. ۶. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: ای مردم! منظور از دو راه و سرزمین مرتفع، همان راه خیر و راه شرّ است و راه شرّ در نزد شما محبوب‌تر از راه خیر قرار داده نشده است. «۴» ۷. خدای متعال راه خیر و شرّ را به انسان شناسانده است؛ یعنی از سه راه «عقل و استدلال» و از طریق «فطرت و وجدان» و از طریق «وحی و پیامبران»، مسیر تکامل انسان را باز نموده و آنها را هم‌چون سرزمین مرتفعی آشکار کرده است تا هر کس آزادانه به سوی راهی برود که انتخاب کرده است. دست را مسپار جز در دست پیر حق شده است آن دست او را دست گیر عقل کامل را قرین کن با خرد تا که باز آید خرد زان خوی بد آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ثروتمندان سرکش، خود را در زیانکاری می‌بینند. ۲. انسان خود را رها شده نپندارد (چون تحت نظر و قدرت خداست). ۳. نعمت مادی و معنوی خدا را بشناسید (و سپاس گزار باشید). ۴. خدا وسیله‌ی هدایت شما را به سوی خیر و شرّ فراهم کرده است (تا خودتان کدامین راه را انتخاب کنید). *** قرآن کریم در آیات یازدهم تا هجدهم سوره‌ی بلد به گردنه‌های نیکوکاری و فرجام سعادت‌مندان‌هی مؤمنان شایسته کار اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱-۱۸. فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَةً * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْئَلَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَقْرَبَةٍ * ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ * أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * [و] با مشقت وارد گردنه نشد. * و چه چیز تو را آگاه کرد که گردنه چیست؟! * (آن) آزاد کردن برده‌ای، * یا غذا دادن در روز گرسنگی، * به یتیم خویشاوند، * یا به بینوای خاک‌نشین است، * سپس از

کسانی باشد که ایمان آوردند و یک‌دیگر را به شکیبایی سفارش کردند و هم‌دیگر را به مهرورزی سفارش نمودند.* آنان یاران خجسته (دست راست) اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات مجموعه‌ای از عقاید صحیح و کارهای نیک، هم‌چون آزاد کردن بندگان و غذادادن به یتیمان و بینوایان را گردنه معرفی کرده است؛ زیرا انسان‌ها معمولاً به مال و ثروت علاقه دارند و نمی‌توانند آنها را به راحتی برای آزادی دیگران یا سیر کردن آنها مصرف کنند. به ویژه اگر این تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۷ غذا دادن در قحطسالی و گرسنگی باشد، که بخشش اموال در آن شرایط مشکل‌تر است و هم‌چون گردنه‌ای صعب‌العبور است که فقط مؤمنان اهل عمل می‌توانند از آن عبور کنند. ۲. ثروتمندان سرکش و ناسپاس نمی‌توانند از گردنه‌ی نیکوکاری بگذرند؛ زیرا آنان علاقه‌ی شدیدتری به اموال خود دارند و مصرف آنها را در راه خیر، نابودی اموال می‌دانند و از این رو خود را به مشقت نمی‌اندازند و وارد کارهای خیر نمی‌شوند. یکی زهره‌ی خرج کردن نداشت زرش بود و یارای خوردن نداشت نه خوردی، که خاطر برآسایشش نه دادی که فردا به کار آیدش ۳. در حدیثی روایت شده که مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: به من عملی آموزش بده که مرا وارد بهشت کند! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر چه سخن کوتاهی گفتمی اما مطلب بزرگی خواستی (و مطلب خود را به خوبی بیان کردی. آن گاه حضرت فرمود): بردگان را آزاد نما و گردن‌ها را بگشا. «۱» (سپس توضیح دادند: منظور آن است که یا مستقلاً برده‌ی آزاد کنی یا در پرداخت قیمت آن کمک کنی). ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که: هر کس گرسنه‌ای را در روزگار قحطی سیر کند، خدا او را در قیامت از دری از درهای بهشت وارد می‌سازد که هیچ شخص دیگری از آن وارد نمی‌شود، جز کسی که عملی همانند او انجام داده باشد. «۲» اگر این جا گشایی عقده‌ای از کار محتاجان در جنت به رویت باز گردد بی‌کلید آن جا ۵. در این آیات بر رسیدگی به «یتیمان خویشاوند» تأکید شده است. این مطلب اشاره به آن است که یتیمان خویشاوند هر کس، اولویت دارند و انسان برای غذا دادن به آنها مسئولیت بیش‌تری دارد. ۶. غذا دادن به «بینوایان خاک‌نشین» اهمیت بیش‌تری دارد؛ یعنی کسانی که شدیداً فقیر هستند در اولویت قرار دارند؛ هر چند غذادادن به همه‌ی بینوایان مطلوب است. ۷. در حدیثی آمده است: امام رضا علیه السلام هنگام غذا خوردن دستور می‌داد سینی بزرگی کنار سفره می‌گذاشتند و از هر غذایی که در سفره بود بهترین آنها را برمی‌داشت و در سینی می‌گذاشت و آنها را برای نیازمندان می‌فرستاد و بعد آیه‌ی فوق را تلاوت می‌کرد (فلا اقتحم العقبة...) و می‌فرمود: خدا می‌داندست که همگان توانایی آزاد کردن بنده را ندارند، راه دیگری به سوی بهشت قرارداد. «۱» ندهد فرصت گفتار به محتاج، کریم گوش این طایفه آواز گدا نشنیده است. ۸. در این آیات برای عبور از گردنه‌ی نیکوکاری شرایطی بر شمرده است: «۲» الف) ایمان؛ ب) سفارش هم‌دیگر به صبر در مشکلات؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۹ ج) سفارش به یک‌دیگر در مورد مهرورزی و عواطف انسانی. آری؛ کسانی می‌توانند از گردنه‌های صعب‌العبور زندگی بگذرند که در سه میدان: ایمان، اخلاق و عمل گام نهند و پیروز شوند. ۹. مسائلی هم‌چون شکیبایی و مهرورزی، نباید فردی باشد؛ لازم است که همه‌ی مؤمنان یک‌دیگر را به صبر و عواطف انسانی سفارش کنند تا فضای جامعه‌ی اسلامی پر استقامت و مهر آگین شود و این کار به صورت جریانی درآید و پیوندهای جامعه را استوارتر گرداند. بیا تا مونس هم، یار هم، غم‌خوار هم باشیم انیس جان غم فرسوده‌ی بیمار هم باشیم یکی گردیم در گفتار و در کردار و در رفتار زبان و دست و پا یک کرده، خدمتکار هم باشیم ۱۰. نیکوکاران شایسته کردار در رستاخیز نامه‌ی اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود که این نشانه‌ی سعادت‌مندی آنهاست. آنان افراد خجسته‌ای هستند که وجودشان برای خودشان و دیگران مایه‌ی برکت است. «۱» ۱۱. «صبر» دارای اقسامی است؛ هم‌چون صبر در راه اطاعت از دستورات الهی و شکیبایی در برابر گناه و پرهیز از آن و صبر در مشکلات و سختی‌های زندگی، که آیه‌ی فوق می‌تواند به همه‌ی این‌ها اشاره داشته باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گردنه‌های نیکوکاری را بشناسید (و آنها را بپیمایید). ۲. نیکوکاری، هم‌چون عبور از گردنه‌های پر زحمت است که ثروتمندان سرکش نمی‌توانند از عهده‌ی آن برآیند. ۳. آزادی بردگان، در اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. ۴. در روزگار قحطی به داد یتیمان و بینوایان

برسید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۰. ۵. رسیدگی به یتیمانِ خویشاوند اولویت دارد. ۶. در رسیدگی به فقیران اولویت‌ها را در نظر بگیرید. ۷. ایمان، شکیبایی و مهرورزی، کلید عبور از گردنه‌های سخت زندگی است. ۸. فضای جامعه‌ی اسلامی را پراستقامت و پرعظوفت سازید. ۹. اگر فرجامی خجسته می‌خواهید، ایمان آورید و جامعه را به شکیبایی و مهرورزی سفارش کنید. ۱۰. اگر فرجام نیکی در رستاخیز می‌خواهید، به بردگان، یتیمان و فقیران امداد رسانی کنید. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیستم سوره‌ی بلد به کافران شوم و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ و تنها کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، یاران شوم (دست چپ) اند؛ * که بر آنان آتشی فرو بسته شده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران افرادی شوم و نامیمون و عامل بدبختی خود و جامعه هستند و در رستاخیز نشانه‌ی این افراد شوم آن است که نامه‌ی اعمالشان را به دست چپ آنها می‌دهند، تا متوجه بدکرداری و سرنوشت عذاب‌آلود خود بشوند. «۱» ۲. در این آیات اشاره شده که کافران شوم صفت، فرجامی عذاب‌آلود دارند و در آتشی گرفتار می‌شوند که راه فراری از آن نیست و هم‌چون کوره‌ی پرحرارتی است که دره‌ایش بسته و آتش آن را احاطه کرده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران، شوم و نامیمون هستند. ۲. فرجامی عذاب‌آلود در انتظار کافران است. ۳. از فرجام عذاب‌آلود کافران عبرت بگیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۳

بخش چهاردهم: سوره‌ی شمس

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «الشمس» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۵ آیه، ۵۴ کلمه و ۲۴۷ حرف است. این سوره بیست و پنجمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «قدر» و قبل از سوره‌ی «بروج») و نود و یکمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «شمس» (خورشید) که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است و نیز «الناقۀ» (شتر) و «صالح» (نام پیامبر قوم ثمود) که این تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۴ دو نام نیز از آیه‌ی سیزدهم این سوره گرفته شده‌اند که داستان قوم ثمود و شتر معجزه‌آسا و صالح پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده: هر کس سوره‌ی «شمس» را بخواند، گویی به تعداد تمام چیزهایی که خورشید و ماه بر آنها می‌تابد در راه خدا صدقه داده است. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: دو هدف اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) بیان اهمیت تزکیه‌ی نفس و رشد و پاکی روح انسان؛ ب) بیان سرگذشت قوم ثمود، برای عبرت‌آموزی از آن؛

مطالب

مطالب: ۱. سوگندهای متعدد به خورشید و ماه، شب و روز و نفس انسان (در آیات ۱-۷)؛ ۲. الهام پذیری نفس انسان از خدای متعال در مورد کارهای نیک و بد (در آیه‌ی ۸)؛ ۳. تذکر در مورد پیروزی و رستگاری افرادی که خود را پاک کردند و تزکیه نمودند (در آیه‌ی ۹)؛ ۴. یادآوری سرگذشت قوم ثمود و مخالفت آنها با صالح پیامبر علیه السلام و فرجام عذاب آلود و عبرت آموز آنان (در آیات ۱۱-۱۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۵

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا دهم سوره‌ی شمس با سوگندهای متعدد به دو بعد نفس انسان و فرجام پاک کنندگان و آلوده کنندگان آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۱۰. وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا* وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا* وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا* وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا* وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا* وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا* وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا* قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا سوگند به خورشید و (تابش) نیم‌روزش! * سوگند به ماه، هنگامی که در پی آن درآید! * سوگند به روز، هنگامی که آن را آشکار سازد! * سوگند به شب، هنگامی که آن را فراگیرد! * سوگند به آسمان و آن که آن را بنا کرد! * سوگند به زمین و آن که آن را گستراند! * سوگند به نفس و آن که آن را مرتب ساخت، * و بد کاری‌اش و پارسایی‌اش را به او الهام کرد! * که به یقین، کسی که آن را [پاک کرد و] رشد داد، رستگار (و پیروز) شد؛ * و به یقین، کسی که آن (نفس را با گناه آلوده کرد و) پوشاند، نومید شد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در سوره‌ی شمس یازده سوگند یاد شده و این بیش‌ترین تعداد سوگند است که در یک سوره‌ی قرآن آمده است و نشان دهنده‌ی اهمیت موضوع نفس است که برای آن سوگند یاد شده است. در ضمن، این سوگندها انسان را متوجه صحنه‌ی آسمان و زمین و نفس می‌کند تا در آنها تأمل و تفکر کند و نشانه‌های خدا را ببیند. ۲. در این آیات به خورشید و تابش نیم‌روز آن سوگند یاد شده است؛ زیرا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۶ خورشید منبع نور و حرارت و عامل حرکت و رشد موجودات است. آری؛ انسان در پرتو نور خورشید همه چیز را می‌بیند و از منابع انرژی مستقیم و غیر مستقیم آن، به ویژه در نیم‌روز استفاده می‌کند. این مطالب، قابل دقت و تأمل و نشانه‌ای از لطف الهی است. ۳. در این آیات به «ماه که در پی خورشید، در می‌آید» سوگند یاد شده است. مقصود از این جمله تبعیت دائمی ماه از خورشید و کسب نور از آن منبع «۱» و یا بدر کامل و شب چهاردهم ماه است که در هنگام غروب، ماه به دنبال خورشید، سر از مشرق برمی‌آورد و از هر زمان دیگر پرشکوه‌تر است. «۲» ۴. در این آیات، به روز، در آن هنگام که خورشید را آشکار می‌کند و صفحه‌ی زمین را روشن می‌سازد سوگند یاد شده است. «۳» این سوگند به اهمیت روز و تأثیر فوق‌العاده‌ی آن در زندگی بشر اشاره دارد که عامل حرکت و جنب و جوش و شروع زندگی روزمره است. ۵. در این آیات به شب سوگند یاد شده که صفحه‌ی زمین و خورشید را می‌پوشاند و مایه‌ی استراحت و آرامش انسان است و از شدت حرارت خورشید جلوگیری می‌کند و از این رو یکی از نعمت‌های الهی است. ۶. در این آیات به آسمان و بنای آن، یا بناکننده‌ی آن سوگند یاد شده است. «۴» آسمان در قرآن گاهی به معنای جو زمین و گاهی به معنای کرات آسمانی و گاهی به معنای آسمان معنویت، یعنی مراحل عالی وجود آمده است، که بناکننده‌ی همه‌ی این‌ها خداست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۷. ۷. منظور از «گسترش زمین» در این آیات چیست؟ مفسران در این مورد چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) زمین در آغاز، زیر آب دریاها بود و سپس خشکی‌ها از آن سر برآورد و گسترش یافت. ب) زمین در ابتدا دارای پستی و بلندی‌های غیر قابل سکونت بود، که با بارش باران‌ها به تدریج مسطح و قابل سکونت شد. «۱» ۸. برخی مفسران قرآن برآن‌اند که یکی از معانی واژه‌ی «طحاها» راندن است؛ یعنی سوگند به زمین و کسی که آن را به حرکت درآورد؛ بنابراین، آیه‌ی فوق به حرکت انتقالی و وضعی زمین اشاره دارد. «۲» ۹. مقصود از «نفس» انسان در آیات فوق، همان «روح» یا «جسم و روح» است؛ یعنی خدا به روح انسان و تعدیل و تنظیم قوای آن و یا به روح و جسم انسان و مرتب کردن اعضا و جوارح جسمی و تنظیم قوای روحی‌اش سوگند یاد کرده است تا انسان در این

امور تفکر کند و به اهمیت آنها پی ببرد و خالق آنها را بشناسد. «۳» تو مرد صحبت دل نیستی چه می‌دانی که سر به جیب کشیدن چه عالمی دارد ۱۰. نفس انسان دارای ابعاد مختلفی است که شامل حواس ظاهری (هم‌چون شنوایی، بینایی و چشایی) و حواس باطنی (هم‌چون ادراک، تخیل و ..) می‌شود. نفس انسان قدرت درک خیر و شر را دارد؛ چون خدای متعال کارهای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۸ نیک و بد را به او الهام کرده و بایدها و نبایدها را به او آموزش داده است و از این رو نفس انسان دو بعدی است و می‌تواند به طرف هر یک از کارهای نیک یا بد میل کند و این اراده‌ی انسان است که آن را جهت می‌دهد و به طرف کمال می‌برد تا از فرشتگان برتر شود یا به طرف شر و گمراهی می‌برد تا از حیوانات پست‌تر گردد. ۱۱. «الهام»، در اصل به معنای بلعیدن یا نوشیدن چیزی است؛ سپس به معنای القای مطلب از سوی خدا به روح و جان انسان آمده است. تفاوت الهام با وحی آن است که انسان در حال الهام متوجه نمی‌شود که مطلب از کجا به او القا می‌شود، اما پیامبران در حال وحی شهود می‌کنند و می‌دانند که از کجا و به وسیله‌ی چه کسی مطالب به آنها رسیده است. ۱۲. «فجور» در اصل به معنای شکافتن وسیع است و به کسی که خلافکاری کند فاجر می‌گویند؛ چون با ارتکاب گناه پرده‌ها را می‌شکافد؛ و در آیه‌ی فوق مقصود آن است که خدا اسباب، عوامل و راه‌های خلافکاری را به انسان الهام می‌کند و انسان از این راه‌ها آگاه است. ۱۳. «تقوی» در اصل به معنای حفظ خود از زیان است «۱» و در این جا به معنای آن است که خدا به انسان آموزش داده که چگونه به راه تقوا برود و خود را از آلودگی‌ها حفظ کند و این آموزش‌ها از طریق عقل و وجدان فطرت بوده است. ۱۴. «زکی» در اصل به معنای رشد دادن و نیز به معنای پاک کردن آمده است و در این جا هر دو معنا مقصود است؛ یعنی اگر انسان نفس خود را از آلودگی‌ها پاک کند، زمینه‌ساز رشد آن می‌شود و به رستگاری می‌رسد. ۱۵. لزوم کنترل و تربیت نفس به ویژه در جوانی: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۹ ... انسان یک موجود است که اگر چنانچه مهار نشود و سرخود بار بیاید و یک علف هرزه‌ای باشد و تحت تربیت واقع نشود، هر چه بزرگ‌تر بشود به حسب سال و بلند پایه‌تر بشود به حسب مقام، آن جهات روحی تنزل می‌کند و آن معنویات، تحت سلطه‌ی شیطان، شیطان بزرگ که همان شیطان نفس است واقع می‌شود ... «۱» هر چه فرصت جوانی از دست برود، ریشه‌های اخلاق فاسد در انسان زیادتر می‌شود و جهاد مشکل‌تر. جوان زود می‌تواند در این جهاد پیروز بشود؛ پیر به این زودی نمی‌تواند. نگذارید اصلاح حال خودتان را از زمان جوانی به زمان پیری بيفتند. «۲» ۱۶. «فلح» به معنای شکافتن زمین و بیرون آمدن دانه است و از این رو به کشاورز فلّاح می‌گویند؛ و در این جا اشاره دارد که کسی که نفس خود را پاک کند و رشد دهد، بالنده می‌شود و سر از خاک برمی‌آورد و به سوی ملکوت پر می‌کشد و رستگار و پیروز می‌شود. تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد ۱۷. واژه‌ی «دساها» به معنای پوشاندن و داخل کردن چیزی همراه با کراهت است. این تعبیر در این آیه به معنای آلوده کردن و پوشاندن نفس با گناهان است و اشاره‌ای ظریف به این مطلب دارد که در اصل نفس انسان طالب نیکی و پاکی است و اگر کسی به دنبال گناه برود، آن را با کراهت بر نفس خود تحمیل می‌کند، ولی در نهایت به مطلوب نمی‌رسد و محروم و زیانکار می‌شود. «۳» ۱۸. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که دو راه نیک و بد و فرجام رهروان آنها را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا انسان بهتر بتواند راه خویش تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۰ را انتخاب کند. در این آیات نیز راه پاک کنندگان نفس و فرجام پیروزمندان و راه آلوده کنندگان نفس و فرجام زیانکارانه‌ی آنان به تصویر کشیده شد تا هر کس آگاهانه راه خود را انتخاب کند. ۱۹. از امام باقر و صادق علیهما السلام روایت شده که در تفسیر این آیات فرمودند: هر کس (خدا را) اطاعت کرد، رستگار شد و هر کس نافرمانی کرد نومید و محروم گشت. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد خورشید و ماه، روز و شب و آسمان و زمین بیندیشید و به نظام شگرف آنان توجه کنید که آنها در نزد خدا با اهمیت‌اند. ۲. قوای نفس انسان در حالت تعادل مرتب شده‌اند. ۳. نفس انسان دو بُعدی است و نیکی و بدی را می‌شناسد (و می‌تواند به هر طرف برود). ۴. اگر رستگاری می‌خواهید، خودتان را پاک کنید و رشد دهید. ۵. اگر می‌خواهید از

نومیدی و زیان کاری رهایی یابید خودتان را به گناه آلوده نسازید.*** قرآن کریم در آیات یازدهم تا پانزدهم سوره‌ی شمس سرگذشت عبرت آموز قوم ثمود را یادآوری می‌کند و می‌فرماید: ۱۱- ۱۵. كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا* إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا* فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا* فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا* وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (قوم) ثمود به خاطر طغيانش (پیامبرش را) تکذیب کرد،* آن گاه که بدبخت‌ترین‌شان برانگیخته شد؛* و فرستاده‌ی خدا به آنان گفت: «ماده شتر (معجزه آسای) خدا و آبشخور آن را (واگذارید.)»* و او را تکذیب کردند و آن را پی کردند؛ پس پروردگارشان به سبب پیامد [گناه‌شان آنان را] هلاک ساخت و آنها را (با خاک) یکسان کرد؛* در حالی که از فرجام آنها نمی‌ترسد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرگذشت عبرت آموز قوم ثمود در سوره‌های مختلف قرآن کریم آمده است. «۱» آنان گروهی بودند که در منطقه‌ای بین شام و حجاز زندگی می‌کردند و سرزمینی آباد و زندگی مرفهی داشتند. خدا پیامبری به نام «صالح»، به سوی آنان فرستاد و او معجزه‌ای برای آنان آورد، ولی قوم ثمود با لجاجت و سرکشی، صالح پیامبر علیه السلام را تکذیب نمودند و در نهایت گرفتار صاعقه‌ی آسمانی و هلاک گشتند. ۲. معجزه‌ی صالح علیه السلام ماده شتری بود که به طور معجزه‌آسا از دل صخره‌ای از کوه برآمده بود تا سند راست گویی و نبوت صالح باشد. حضرت صالح علیه السلام به قوم ثمود خبر داد که باید آب آشامیدنی روستا، بین مردم و شتر تقسیم شود و هر کدام در نوبت خود از آن آب استفاده کنند؛ «۲» و سفارش کرد که مزاحم شتر نشوند و آبشخور او را رها سازند که در غیر این صورت به عذاب الهی گرفتار می‌شوند! «۳» «۳». از این آیات استفاده می‌شود که یکی از شقی‌ترین و سنگدل‌ترین افراد قوم ثمود به پاخاست و شتر معجزه‌آسا را پی کرد و هلاک نمود. «۴» مورخان و مفسران نام این شخص را «قدار بن سالف» «۵» گفته‌اند. او با هلاک کردن شتر، به پیامبر خدا اعلان جنگ کرد و زمینه‌ساز عذاب قوم خویش شد. ۴. هر چند شتر معجزه‌آسا را یک نفر هلاک کرد اما این آیات این عمل را به تمام قوم ثمود نسبت می‌دهد و عذاب نیز بر همه‌ی آنان فرود آمد؛ چون تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۲ اولاً افراد دیگری از قوم ثمود در طراحی این توطئه دست داشتند و اجرای نقشه با یک نفر بود. ثانیاً، این کار با رضایت همه‌ی قوم انجام شد و کسانی که از کاری راضی باشند، در آن شریک هستند. در احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. «بی‌ادب، تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش بر همه آفاق زد ۵. عذاب قوم ثمود به وسیله‌ی صاعقه‌ای آسمانی بود، «۲» که با خانه‌های آنان برخورد کرد و همه چیز را به لرزه درآورد و آنها را با خاک یکسان نمود و کارشان را یکسره کرد، به طوری که هیچ کس از آنان زنده نماند و همگی ریشه کن شدند و به مجازات کامل و مساوی رسیدند. «۳» ۶. مجازات قوم ثمود به خاطر گناه و سرکشی آنان بود و این تناسب عین عدالت و حکمت است، همان‌طور که نجات هود و یاران مؤمن او از این عذاب نیز عین عدالت بود. «۴» ۷. خدا از پیامدهای عذاب قوم ثمود نمی‌ترسید؛ چرا که خدا قدرتمندترین و داناترین است و کسی نمی‌تواند در برابر قدرت خدا مقاومت کند. اگر حاکمان معمولی از عواقب مجازات مخالفان می‌هراسند، به خاطر ضعف قدرت یا جهل به پیامدهای آن است، ولی خدا این‌گونه نیست. ۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که به علی علیه السلام فرمودند: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۳ ای علی! شقی‌ترین پیشینیان کسی بود که شتر صالح را پی کرد؛ و شقی‌ترین افراد از آخرین، قاتل توست. «۱» ابن ملجم مرادی با قدار بن سالف شبیه هم بودند چون هر دو می‌خواستند نور حق را خاموش سازند، یکی معجزه‌ی صالح را هلاک کرد و یکی معجزه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را شهید کرد؛ چرا که علی علیه السلام معجزه‌ی تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، همان‌طور که قرآن معجزه‌ی دیگر او بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرکشی، عامل مخالفت با راه خداست. ۲. افراد شقی و بدبخت، در برابر راه خدا به پا می‌خیزند. ۳. نافرمانی در برابر رهبران الهی، موجب عذاب است. ۴. گناهکاری، عامل عذاب اقوام است. ۵. برای نابودی معجزات پیامبران تلاش نکنید، که خودتان را به هلاکت می‌اندازید. ۶. پیامدهای نابودی شما به خدا زیان نمی‌رساند و او هراسی از آنها ندارد. ۷. از مطالعه‌ی سرنوشت و فرجام عذاب آلود قوم ثمود درس عبرت بگیرید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۵

بخش پانزدهم: سوره لیل

اول

کلیات

کلیات: سوره «لیل» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۱ آیه، ۷۱ کلمه و ۳۰۲ حرف است. این سوره هشتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره «اعلی» و قبل از سوره «فجر») و نود و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «لیل» (شب) است که از اولین آیه‌ی آن گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۶ هر کس سوره لیل را بخواند (و پیروی کند) خدا آن قدر به او می‌بخشد که راضی شود و او را از سختی‌ها نجات می‌دهد و مسیر زندگی را برای او آسان می‌سازد. «۱» البته این نتایج با توجه به محتوای سوره معنا پیدا می‌کند؛ زیرا این سوره به بخشش و رعایت تقوا فرا می‌خواند و پاداش آن را آسان شدن سختی‌ها و راضی شدن به بخشش الهی معرفی می‌کند؛ پس اگر کسی این سوره را بخواند و به محتوای آن عمل کند به این نتایج می‌رسد.

اهداف

اهداف: محورهای اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. تشویق مردم به بخشش و تقوا؛ ۲. هشدار به مردم در مورد بخل و کفر.

مطالب

مطالب: ۱. سوگند به شب و روز و نر و ماده، و جلب توجه انسان به این مخلوقات (در آیات ۱-۳)؛ ۲. تقسیم انسان‌ها به دو گروه مؤمنان با تقوا و بخشنده و کافران بخیل (در آیات ۵-۱۱)؛ ۳. تأثیر بخشش و تقوا در آسانی کارها (در آیه ۸)؛ ۴. تأثیر کفر و بخل در مشکل شدن کارها (در آیه ۱۰)؛ ۵. هدایت به دست خداست (در آیه ۱۲)؛ ۶. هشدار به تکذیب‌گران در مورد آتش دوزخ (در آیات ۱۴-۱۶)؛ ۷. تذکری در مورد نجات افراد با تقوا، خالص و بخشنده و پاداش آنها (در آیات ۱۷-۲۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۷

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره لیل با سوگند به شب و روز، بر تفاوت تلاش‌های انسان‌ها تأکید می‌کند و می‌فرماید: ۱- وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى «۳» إِنَّ سَيِّئِكُمْ لَشَتَّى سوگند به شب، هنگامی که فرا گیرد! * سوگند به روز، هنگامی که آشکار شود! * سوگند به آن (خدایی) که نر و ماده را آفرید! * که قطعاً، تلاش شما گوناگون است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که شخصی فقیر در همسایگی درخت خرمایی زندگی می‌کرد که شاخه‌ای از آن درخت به خانه‌ی او آمده بود و گاهی فرزندانش از خرماهای آن می‌خوردند، اما صاحب درخت بخل می‌ورزید و خرماها را از دست و دهان کودکان می‌گرفت. مرد فقیر به پیامبر صلی الله علیه و آله شکوه کرد و پیامبر به صاحب درخت پیشنهاد کرد که درخت خرما را در عوض درختی

بهشتی واگذار کند، ولی او قبول نکرد. یکی از مسلمانان که این ماجرا را شنید، از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه گرفت و نزد صاحب درخت رفت و آن را به چهل برابر قیمت خرید و آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه داد و حضرت آن را به مرد فقیر بخشید. «۱» در این هنگام سوره‌ی لیل فرود آمد (و صفات افراد بخشنده و بخیل و فرجام آنان را به تصویر کشید). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سه نعمت اساسی خدا اشاره شده است: الف) نعمت شب، که جهان و خورشید و روز را فرا می‌گیرد و می‌پوشاند و حرارت آفتاب را تعدیل و زمینه‌ی استراحت انسان را فراهم می‌سازد. ب) نعمت روز، که جهان را روشن و خورشید را جلوه‌گر می‌کند و تاریکی‌ها را عقب می‌زند و مایه‌ی رشد و حرکت موجودات می‌شود. ج) نعمت نر و ماده بودن موجودات، که جفت بودن انسان‌ها، حیوانات و گیاهان موجب تولید نسل و دانه می‌شود. «۱» آری؛ خدای متعال به این امور سوگند یاد می‌کند تا هم اهمیت این امور را نشان دهد و توجه انسان را به آنها جلب کند تا در مورد آنها تفکر نماید و نشانه‌های خدا را بشناسد و هم اهمیت چیزی را نشان دهد که برای آن سوگند یاد شده است. ۲. در این آیات پس از سوگندهای مکرر، می‌فرماید: «تلاش شما گوناگون است.» آری؛ انسان در زندگی آرام ندارد و کوشش‌های متفاوتی می‌کند و اهداف مختلفی دارد؛ پس بهتر است انسان بنگرد که تلاش او در کدام مسیر است و استعداد و تلاش خود را به بهای اندک نفروشد و آنها را در یک جهت و با هدفی مشخص سامان دهد تا به نتیجه‌ی بهتری برسد. آری؛ هر چه در راه خدا می‌دهی آن می‌ماند آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شب و روز و نر و مادگی موجودات، مهم است (در مورد آنها تفکر کنید). ۲. تلاش‌های شما متفرق است (آنها را در یک جهت سامان دهید، تا بهتر به نتیجه برسید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۹ قرآن کریم در آیات پنجم تا یازدهم سوره‌ی لیل به دو گروه متفاوت، یعنی مؤمنان بخشنده و آسانی کارشان و کافران بخیل و دشواری کارشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵- ۱۱. فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى إِذَا تَرَدَّى و اما کسی که عطا کند و خود ننگه‌داری (و پارسایی) نماید،* و (وعده‌ی) نیکوی (پاداش رستاخیز) را تصدیق کند،* پس به زودی (راه) آسان را برای او فراهم خواهیم کرد؛* و اما کسی که بخل ورزد و توانگری نماید،* و (وعده‌ی) نیک (پاداش رستاخیز) را تکذیب کند،* پس به زودی (راه) دشوار را برای او فراهم می‌کنیم؛* و هنگامی که هلاک شود، ثروتش (عذاب را) از او دفع نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو گروه متقابل، یعنی مؤمنان بخشنده و کافران بخیل اشاره شده و فرجام کار آنان به تصویر کشیده شده است. این روش تربیتی قرآن است که سرنوشت گروه‌ها را در برابر یک‌دیگر به نمایش می‌گذارد تا مخاطبان قرآن بتوانند آگاهانه راه خود را انتخاب کنند. ۲. در این آیات به تأثیر بخشش، تقوا و معادباوری در آسان شدن مشکلات زندگی انسان اشاره شده است؛ افرادی که به مردم کمک و مشکلات آنان را حل نمایند، در تعامل با جامعه مشکلاتشان حل می‌شود و چنان چه خود نگه‌دار و پارسا باشند، زمینه‌ی بروز برخی مشکلات و انحرافات از بین می‌رود و ایمان به معاد نیز تحمّل مشکلات را بر آنان آسان می‌کند. ۳. مقصود از عطا کردن در این آیات، همان بخشش‌های مالی و کمک به نیازمندان است و منظور از تقوا، نگه‌داری و حفظ خویش از ضرر، و انجام واجبات و ترک کارهای حرام است، به طوری که اموال خود را از راه حرام جمع آوری نکند و بخشش خالصانه و به دور از ریا داشته باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۰. ۴. مقصود از امور نیکو، همان باور داشتن پاداش نیکوی رستاخیز یا ایمان به بهترین آیین، یعنی اسلام است. البته معنای اول با سیاق آیات و شأن نزول سازگارتر است. «۱» ۵. مقصود از آسان کردن مشکلات «۲» برای مؤمنان بخشنده چیست؟ مفسران قرآن در این جا چند پاسخ ارائه کرده و نوشته‌اند: این مطلب یا اشاره به توفیق الهی و آسان کردن راه اطاعت خدا و یا گشودن راه بهشت و استقبال فرشتگان از این افراد است. و یا مقصود این است که مشکل بودن بخشش بر نفس انسان کم کم حلّ و آسان می‌شود، به طوری که از بخشش لذت می‌برد و چون معاد باور است با شوق بهشت به بخشش اقدام می‌کند. ۶. بر کافران بخیل کار مشکل خواهد شد؛ چون خدا به آنان توفیق نمی‌دهد و انجام کار نیک و بخشش برای افراد بخیل سخت دشوار

است؛ زیرا به معاد باور ندارند و بخشش را نوعی نابودی اموال خود می‌پندارند. ۷. کافران بخیل، معاد و پادشاه‌های آن را باور ندارند و توانگری خود را وسیله‌ای برای ثروت اندوختن و بخل‌ورزیدن قرار می‌دهند یا این که خود را از اطاعت خدا و پادشاه‌های او بی‌نیاز می‌پندارند. «۳» ۸. هر گاه کافران بخیل بمیرند و در قبر و یا دوزخ سقوط کنند اموالشان به همراه آنان نیست تا مانع آتش شود و اگر هم آنها را به همراه خود ببرند، به حال آنان سودی نخواهد داشت و مانع آتش دوزخ نخواهد شد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۱ از سیم و زر مگو که سزاوار خنده است زندانی‌ای که فخر به بند گران کند آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بخشش، تقوا و معادباوری، موجب آسانی کارها در زندگی شما می‌شود. ۲. بخشش به همراه تقوا و معادباوری ارزشمند است. ۳. خدا به پارسایان بخشنده، توفیق روزافزون می‌دهد. ۴. بخل‌ورزی، زراندوزی و انکار معاد، زندگی انسان را سخت می‌سازد. ۵. خدا از کفرپیشگانِ بخیل سلب توفیق می‌کند. ۶. ثروت افراد بخیل، در رستاخیز، که به آن نیازمندند، به حالشان سودی نمی‌بخشد. ۷. دو راه پارسایی همراه با بخشش و کفر همراه با بخل، فرا روی شماست (هر کدام را انتخاب کنید نتیجه‌اش را می‌بینید). *** قرآن کریم در آیات دوازدهم تا بیست و یکم سوره‌ی لیل با هشدار در مورد آتش دوزخ، به فرجام تکذیب‌گران بدبخت و پارسایان بخشنده اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲- ۲۱. إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ لَا يَصِيْلُهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ قطعاً، راه‌نمایی فقط بر [عهده‌ی ماست؛* و مسلماً، (سرای) آخرت و (سرای) نخستین فقط برای ماست.* پس شما را به آتشی که شعله‌ور می‌شود هشدار می‌دهم!]* که جز بدبخت‌ترین (افراد) وارد آن نمی‌شود (و نمی‌سوزد)؛* (همان) کسی که تکذیب کرد و روی برتافت؛* و به زودی خودنگه‌دارترین (مردم) از آن دور نگه داشته می‌شود؛* (همان) کسی که ثروتش را می‌دهد تا [پاک شود] و رشد یابد.* و برای هیچ کس نزد او نعمتی نیست که پاداش داده شود؛* جز آن که به خاطر طلب (رضایت) ذات پروردگارش که والاتر است (انجام می‌دهد)؛* و حتماً در آینده خشنود می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وظیفه‌ی خدا هدایت و راه‌نمایی مردم است، نه اجبار و الزام آنان به راه نیک. از این رو خدا مردم را به وسیله‌ی عقل و فطرت از درون و به وسیله‌ی پیامبران و رهبران الهی و کتاب‌های آسمانی از بیرون هدایت می‌کند، ولی این خود انسان است که در نهایت راه نیک و بد را انتخاب می‌کند. ۲. دنیا و آخرت از آن خداست؛ پس خدا نیازی به چیزی یا کسی ندارد و اگر شما را هدایت می‌کند و بر پیمودن راه نیک اصرار می‌کند، سود آن به خود شما خواهد رسید. «۱» ۳. در این آیات به مردم هشدار داده شده که از شعله‌ی خالص آتش دوزخ بهراسید. آری؛ شعله‌ی خالص آتش، حرارت بیش‌تری دارد و بیش‌تر می‌سوزاند و آتش دوزخ چنین است. «۲» ۴. در این آیات بیان شده که دوزخ مخصوص کافران تکذیب‌گر و بدبخت است، پس چرا برخی از آیات و روایات اشاره می‌کنند که مؤمنان گناهکار نیز سهمی از آتش دوزخ دارند؟ پاسخ: انحصار این آیات نسبی است؛ یعنی حال دو گروه با تقوا و بدبخت را بیان می‌کند که یک گروه فقط به دوزخ می‌روند و گروه دیگر از آن نجات می‌یابند؛ پس انحصار حقیقی نیست و آیه نسبت به حال مؤمنان گناهکار، ساکت است. و این احتمال نیز وجود دارد که مقصود از آتشی که فقط کافران بدبخت در آن وارد می‌شوند، دوزخ موقت نیست که کسانی که در این عذاب می‌شوند پس از مدتی از آن نجات می‌یابند. ۵. در این آیات چهار ویژگی برای نجات یافتگان از آتش بیان شده است: الف) آنان افرادی باتقوا هستند؛ ب) آنان بخشنده‌اند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۳ ج) هدف آنان رشد و پاکی است و اموال خویش را برای رشد و پاکی خود در راه خدا به مردم می‌بخشند؛ د) آنان وام‌دار کسی نیستند تا بخواهند پاداش نعمت او را بدهند، بلکه برای جلب رضایت الهی بخشش می‌کنند. ۶. از این آیات استفاده می‌شود که بخششی انسان را از دوزخ نجات می‌دهد که همراه با تقوا و با هدف پاکی و رشد روحی و با معرفت نسبت به خدا و با قصد خالص برای او باشد، به طوری که فرد بخشنده، پروردگارش را «الاتر» از هر چیز بداند و قصد او جلب رضایت خدا باشد. ۷. قصد قربت و اخلاص برای خدا، با هدف قرار دادن رشد و پاکی معنوی خویش، منافات ندارد، بلکه پاکی و رشد اخلاقی و

نفسانی، مقدمه نزدیکی به خداست. ۸. این آیه می‌تواند شامل کافران بخیل و پارسایان بخشنده شود و مخصوص یک فرد خاص نیست. اگر چه شأن نزول آن در مورد دو نفر بود، ولی این موجب انحصار معنای آیه نمی‌شود؛ پس مقصود از «اتقی»، افراد با تقوا و منظور از «اشقی»، افراد بدبخت است. ۹. پاداش پارسایان بخشنده آن است که خدا در رستاخیز پاداش عظیمی به آنان می‌دهد تا راضی شوند. آری؛ کسی که برای رضای الهی کار کرده است خدا نیز از او راضی است و او را راضی می‌سازد؛ «۱» رضایتی نامحدود که تصور آن برای ما مشکل است. ۱۰. در احادیث اسلامی بر بخشش در راه خدا تأکید فراوان شده است؛ از جمله: حکایت شده: فردی مهار مرکب پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت و گفت: ای رسول خدا! چه عملی از همه‌ی کارها برتر است؟ حضرت فرمود: «غذا دادن (به مردم) و خوش‌زبان بودن.» «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۴ و از آن حضرت روایت شده: هر کس یک شبانه‌روز از خانواده‌ی مسلمانی پذیرایی کند، خدا گناهانش را می‌بخشد. «۱» و از امام باقر علیه السلام روایت شده: محبوب‌ترین اعمال نزد خدا، شاد کردن دل مؤمن، سیر کردن مسلمان یا ادای بدهی اوست. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه‌نمایی بشر را خدا بر خود لازم کرده است (پس از راه‌نمایان درونی و برونی او استفاده کنید). ۲. (خدا نیازی به شما ندارد، چون دنیا و آخرت شما از خداست (و شما نیازمند او هستید)). ۳. تکذیب‌گران از دین برگشته، افراد بدبختی هستند. ۴. دوزخ جای افراد بدبخت و شقاوت‌مند است. ۵. پارسایی و بخشش خالصانه موجب نجات از دوزخ است. ۶. بخشش خالصانه موجب رشد و پاکی انسان می‌شود. ۷. بخشش اگر خالصانه و برای رضایت الهی باشد (نه برای جبران زحمات دیگران) رشد بیش‌تری می‌آورد. ۸. هر کس برای رضایت الهی گام بردارد، خدا (از او راضی می‌شود و او را با پاداش بزرگی) راضی می‌کند. ۹. با تقوا و بخشش، خود را از آتش دوزخ دور سازید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۵

بخش شانزدهم: سوره‌ی ضحی

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «ضُحی» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۱ آیه و ۴۰ کلمه و ۱۹۲ حرف است. این سوره‌ی دهمین سوره قرآن در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «فجر» و قبل از سوره‌ی «انشراح») و نود و سومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «ضُحی» («نیمروز» و تابش خورشید در آن) است که از اولین آیه‌ی این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۶

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس آن (سوره‌ی ضُحی) را بخواند خدا از او بخشنود می‌شود و شایسته است پیامبر اسلام از او شفاعت کند و برای او ده حسنه (و نیکی) به تعداد هر یتیم و بینوا خواهد بود. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که سوره‌ی ضحی را بخوانند و به محتوای آن عمل کنند؛ یعنی نسبت به یتیمان و بینوایان مهربانی و امداد رسانی کنند.

ویژگی

ویژگی: ویژگی این سوره آن است که با سوره‌ی انشراح یک سوره‌ی کامل شمرده می‌شود؛ یعنی اگر کسی در نماز سوره‌ی ضُحی

را بخواند، باید حتماً سوره‌ی انشراح را نیز بخواند. این مطلب هم در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده «۲» و هم با دقت در محتوای دو سوره و پیوند معنایی آنها به دست می‌آید.

اهداف

اهداف: دو محور اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) یادآوری نعمت‌های الهی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دل‌داری به او؛ ب) سفارش در مورد مهربانی و امدادسانی به یتیمان و بینوایان.

مطالب

مطالب: ۱. سوگند به روز و شب، که نشان دهنده‌ی اهمیت آنهاست (در آیات ۱-۲)؛ ۲. اشاره‌ای به مسئله‌ی شفاعت (در آیه‌ی ۵)؛ ۳. لزوم یادآوری نعمت‌های الهی (در آیه‌ی ۱۱). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی ضحی قرآن کریم در آیات اول تا هشتم سوره‌ی ضحی با سوگند و تأکید به گذشته‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و الطاف الهی نسبت به او و نعمت‌هایی که در آخرت به وی عطا می‌شود اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۸. وَالضُّحَى وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ سوگند به نیمروز! * سوگند به شب، هنگامی که آرام گیرد! * که پروردگارت تو را رها نکرده و (با تو) به سختی دشمنی نوزیده است؛ * و مسلماً، (سرای) آخرت برای تو از (سرای) نخستین بهتر است؛ * و حتماً در آینده پروردگارت به تو عطا می‌کند و خشنود می‌شوی. * آیا تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! * و تو را گم گشته یافت و راه‌نمایی کرد؛ * و تو را فقیر یافت و توانگر ساخت؛ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که مدتی (بین سه تا پانزده روز) وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود نیامد؛ مشرکان بر پیامبر ایراد گرفتند که پروردگارش او را رها کرده و با او دشمنی ورزیده است و اگر او راست می‌گوید پس چرا وحی مرتب بر او نازل نمی‌شود. در این هنگام سوره‌ی فوق فرود آمد (و به سخنان آنان پاسخ داد). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به نیمروز و شب سوگند یاد شده است تا هم اهمیت مطلب بعد را مورد تأکید قرار دهد و هم توجه انسان‌ها را به روز و شب جلب کند تا در مورد این دو پدیده مطالعه و دقت بیش‌تری بنمایند. نیمروز، هنگامی که آفتاب بر می‌آید و نور و گرما همه جا را فرا می‌گیرد، جهانیان جان تازه‌ای می‌گیرند و شب، هنگامی که تاریک و آرام می‌شود، زمینه‌ی استراحت و آرامش همه‌ی موجودات را فراهم می‌سازد. ۲. همان‌طور که در نظام هستی شب و روز وجود دارد، در نظام نزول وحی نیز گاهی هم‌چون روز است و نور وحی بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله می‌تابد و گاهی هم‌چون شب است و برای مدتی نور وحی قطع می‌شود. آری؛ گاهی وحی الهی قطع می‌شد تا روشن شود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خود اختیاری ندارد و همه چیز به دست خداست. ۳. در این آیات به سرگذشت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دوران کودکی ایشان و مشکلات این دوران اشاره شده است. آن حضرت هنگامی که در شکم مادرش بود، پدرش عبدالله و در شش سالگی مادرش و در هشت سالگی جدش عبدالمطلب را از دست داد و تنها ماند، ولی خدا محبت او را به قلب عمویش ابوطالب «۱» انداخت و او تا آخر عمرش از پیامبر صلی الله علیه و آله و دین اسلام حمایت کرد. آری؛ خدا در دوران کودکی و یتیمی که پیامبر صلی الله علیه و آله نیازمند بود به او لطف کرد و او را تنها نگذاشت و به او خشم نمود. ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فقیر بود، ولی خدا همسری هم‌چون خدیجه «۲» را بر سر راه او قرار داد تا ثروت سرشار خود را در راه محمد صلی الله علیه و آله و دین او مصرف کرد

و بعد از پیروزی اسلام نیز غنایم زیادی نصیب مسلمانان و پیامبر صلی الله علیه و آله شد که برای پیش رفت اسلام مورد استفاده قرار گرفت. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۹. ۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که در مورد آیات فوق فرمودند: آیا تو را یتیم یعنی فردی بی نظیر در میان مخلوقات نیافت (۱) سپس مردم را در پناه تو قرار داد؟ و تو را در میان مردم ناشناخته کرد و تو را فردی عیال‌وار یافت که سرپرست اقوامی در علم و دانش است و آنها را به وسیله‌ی تو بی‌نیاز ساخت. (۲) البته این گونه احادیث به برخی از بطون آیه اشاره دارند؛ یعنی مفهوم یتیمی و گم‌گشتگی و عیال‌مندی را توسعه داده‌اند به طوری که شامل موارد فوق بشود. ۶. «ضالّ» معانی متعددی دارد: الف) به معنای گمراه، یعنی کسی که از ایمان به دور است، که مسلماً این معنا در این جا مقصود نیست؛ ب) به معنای ناآگاه، (۳) یعنی کسی که از نبوت آگاه نبود و خدا او را آگاه ساخت؛ ج) به معنای گم‌گشته، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در کودکی چند بار در دره‌ها و در راه مکه و نیز در راه خود را گم کرد ولی خدا او را راه‌نمایی کرد و به محل خود بازگرداند. د) به معنای پنهان، (۴) یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم پنهان و بی‌نام و نشان بود و خدا او را به همه‌ی مردم معرفی و آنان را به سوی او راه‌نمایی کرد (همان طور که در حدیث امام رضا علیه السلام بدان اشاره شده است). البته مانعی ندارد که این آیه به سه معنای اخیر اشاره داشته باشد، هر چند معنای گم‌گشته با سیاق آیات سازگارتر است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۰. ۷. آخرت برای پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا بهتر است؛ یعنی پیامبر در دنیا مورد الطاف الهی قرار می‌گیرد اما در آخرت این لطف بیش‌تر می‌شود و به تفسیر دیگر، هر چه زمان بیش‌تر می‌گذرد لطف الهی نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله بیش‌تر می‌شود و در اواخر عمر ایشان بهتر می‌شود و اسلام گسترش می‌یابد و نهال توحید بارورتر می‌گردد. ۸. یکی از الطاف اخروی خدا نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که خدا در آخرت آن‌قدر به ایشان لطف می‌کند و می‌بخشد تا راضی شود؛ البته خشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر شخص خودش نیست بلکه ایشان هنگامی راضی و خشنود می‌شود که امتش مورد شفاعت قرار گیرند؛ از این رو از اهل بیت علیه السلام روایت شده که این آیه امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن است. (۱) ۹. مقام شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر مقامات الهی و زحمات ایشان برای مردم است؛ بنابراین مقام شفاعت مخصوص ایشان نیست بلکه هر کس صفات رهبر الهی هم‌چون پیامبر صلی الله علیه و آله را داشته باشد می‌تواند برای مردم شفاعت کند، یعنی هر کس در دنیا برای خشنودی خدا تلاش کند، در آخرت به وسیله‌ی عطایای الهی (از جمله شفاعت) خشنود می‌شود. ۱۰. از امام علی علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: روز رستاخیز من در ایستگاه شفاعت می‌ایستم و آن‌قدر گناهکاران را شفاعت می‌کنم که خدا می‌گوید: آیا راضی شدی یا محمد؟! و من می‌گویم: راضی شدم! راضی شدم! (۲) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نیم‌روز و آرامش شب اهمیت ویژه‌ای دارد که خدا به آنها سوگند یاد می‌کند (پس شما در مورد آنها تأمل و تفکر کنید). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۱. ۲. خدا رهبران الهی را تنها نمی‌گذارد و مورد خشم قرار نمی‌دهد (پس دشمنان دین از ایرادگیری دست بردارند). ۳. فرجام کار رهبران الهی بهتر از حال آنان است. ۴. رهبران الهی در رستاخیز مقام شفاعت دارند. ۵. هر کس در دنیا برای خشنودی خدا گام بردارد، خدا در آخرت او را خشنود می‌سازد. ۶. خدا پیامبر صلی الله علیه و آله را از کودکی تحت لطف و حمایت خویش قرارداد (تا رهبری لایق برای اسلام تربیت شود و به حمایت یتیمان و فقرا برخیزد). ۷. در هنگام یتیمی، گم‌گشتگی و فقر به کمک دیگران بشتابید. ۸. خدا پناهگاه، هدایتگر و بی‌نیاز کننده‌ی شماست (پس به او تکیه کنید و از او استمداد بطلبید). *** قرآن کریم در آیات نهم تا یازدهم سوره‌ی ضحی، در مورد رسیدگی به کودکان بی‌سرپرست و بینوایان سفارش می‌کند و با تأکید بر یادمان نعمت‌ها می‌فرماید: ۹-۱۱. فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ * وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ * وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ * و اما یتیم را، پس، (خوارش مساز و بر او) چیرگی م‌ورز؛ * و اما گدا را، پس، با پرخاش مران؛ * و اما نعمت پروردگارت را، پس خبر بده. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات در مورد برخوردها و ملاقات‌های اجتماعی سه دستور اساسی به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دهد که در حقیقت سرمشق و الگوی همه‌ی مردم است. به او دستور می‌دهد که با یتیمان و

بینوایان مهربان باشد و به آنها کمک کند و نعمت‌های الهی را به یاد آورد (و سپاس‌گزاری کند) تا ما نیز از آن پیامبر رحمت آموزش بینیم و او را الگوی خویش قرار دهیم. ۲. قرآن و پیشوایان اسلام نسبت به یتیمان مکرر سفارش کرده‌اند؛ زیرا آنها قشر آسیب‌پذیر جامعه‌اند و به خاطر از دست دادن پدر یا مادر نیازمند تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۲ محبت بیش‌تری هستند؛ از این رو در این آیه سفارش شده که با قهر و غلبه و تحقیر با یتیمان برخورد مکن (بلکه با محبت و نوازش با آنان رفتار کن) تا کمبودهای عاطفی‌شان جبران شود. به عبارت دیگر، وظیفه‌ی شما محبت و کمک به یتیمان است اما اگر این کار را نمی‌کنید، حداقل به آنها ضربه‌ی روحی و عاطفی نزنید و آنها را آزرده‌خاطر نسازید. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس دست نوازشگر بر سر یتیمی بکشد، به تعداد هر مویی که دست او از آنها می‌گذرد، در روز رستاخیز نوری خواهد داشت. «۱» و در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده که من و سرپرست یتیم، مثل این دو انگشت دست در بهشت در کنار هم‌دیگر هستیم، به شرط آن که خودنگه‌دار و باتقوا باشد. «۲» اگر سایه‌ای خود برفت از سرش تو در سایه‌ی خویش پرورش ۳. در این آیات سفارش شده که بینوایانی را که از شدت فقر به گدایی و درخواست از مردم می‌پردازند از خود نرانید و بر آنان پرخاش نکنید یعنی وظیفه‌ی شما کمک به فقراست ولی اگر به آنها کمک نمی‌کنید، حداقل به آنها ضربه‌ی روحی و عاطفی نزنید و بدرفتاری نکنید. چو بینی یتیمی سرافکنده پیش مده بوسه بر روی فرزند خویش یتیم ار بگرید که نازش خرد؟ و گر خشم گیرد که بارش برد؟ ۴. برخی مفسران گفته‌اند مقصود از «سائل» در این آیه کسی است که در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۳ مورد مسائل علمی و اعتقادی پرسش می‌کند، «۱» که باید رهبران الهی و افراد دانشمند به سؤالات آنها پاسخ دهند. البته بعید نیست که «سائل» در این جا شامل فقیر مادی و علمی هر دو بشود. ۵. در این آیات سفارش شده که نعمت‌های الهی را بازگو کنید؛ و بازگو کردن نعمت‌های الهی به دو صورت ممکن است: الف) آنها را با زبان بگوییم؛ البته گفتاری که از به دور غرور و برتری‌طلبی و حاکی از نهایت سپاس‌گزاری به درگاه الهی باشد. ب) با عمل از نعمت‌های الهی یاد کنیم؛ یعنی در راه خدا از اموال و نعمت‌هایی که خدا به ما داده است ببخشیم، بخششی که نشان دهنده‌ی نعمت فراوان الهی برای ما باشد. ۶. بیان کردن نعمت و سپاس‌گزاری، روش افراد کریم و سخاوتمند است ولی افراد بخیل، ثروت و نعمت‌ها را می‌پوشانند و چهره‌ای فقیرانه به خود می‌گیرند تا مبادا دیگران از آنان درخواست کمک کنند. بیا تا خوریم آنچه داریم شاد درم بر درم چند باید نهاد جهان آن کسی راست کو در جهان خورد توشه راه با هم‌رهان ۷. نعمت در این آیه می‌تواند شامل نعمت‌های مادی و نیز نعمت‌های معنوی هم‌چون نبوت و قرآن بشود که همه را باید آشکار و بازگو کرد. ۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که خدا، دوست دارد که آثار نعمت‌های خود را بر بندگانش ببیند. «۲» و در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۴ هر کس نیکی به او برسد و آثارش بر او دیده نشود، دشمن خدا و مخالف نعمت‌های او شمرده می‌شود. «۱» و از امام علی علیه السلام روایت شده که خدا زیبایی را دوست دارد و (نیز) دوست دارد که آثار نعمت را بر بنده‌ی خود ببیند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کودکان بی‌سرپرست و بینوایان را آزرده‌نسازید و به عواطف آنان ضربه نزنید. ۲. اگر به یتیمان و بینوایان کمک نمی‌کنید دست کم با آنان بدرفتاری نکنید. ۳. به یاد نعمت‌های الهی باشید (و سپاس آنها را به جا آورید). ۴. آشکار کردن و اظهار نمودن نعمت‌های الهی نیکوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۵

بخش هفدهم: سوره‌ی انشراح

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «انشراح» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۸ آیه، ۲۷ کلمه و ۱۰۳ حرف است. این سوره یازدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «ضُحی» و قبل از سوره‌ی «عصر») و نود و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «انشراح» (وسعت دادن)، «الم نَشْرَح» و «شرح» که همگی از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۶

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «انشراح» را بخواند، پاداش کسی را دارد که محمد صلی الله علیه و آله را غمگین دیده و اندوه را از قلب او زدوده است. «۱»

ویژگی

ویژگی: طبق احادیث، این سوره با سوره‌ی «الضُّحی»، یک سوره شمرده می‌شود؛ یعنی اگر کسی در نماز، سوره‌ی «الضُّحی» را خواند، باید سوره‌ی «انشراح» را نیز بخواند. البته این مطلب با دقت در دو سوره و پیوند معنایی آنها نیز آشکار می‌شود. «۲»

اهداف

اهداف: هدف اساسی سوره‌ی «انشراح»، تسلی دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ البته با این تذکر که در پس مشکلات، آسانی است.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری نعمت‌های الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله، از جمله شرح صدر ایشان (در آیات ۱-۴)؛ ۲. یادآوری این نکته که پس از انجام هر تلاشی استراحت کن و به سوی عبادت پروردگارت روی آور (در آیات ۷-۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۷

دوم

قرآن کریم در سوره‌ی انشراح، با یادآوری نعمت‌های الهی نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و تذکر به این که در پس مشکلات، آسانی است، به ایشان دل‌داری داده، با سفارش در مورد تلاش مضاعف می‌فرماید: ۱- ۸. أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ* وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ* الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ* وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ* فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ* وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ آیا سینه‌ات را برایت گشاده نساختم،* و بار سنگین (مشکلات) تو را از تو فرونهادیم؟!* (همان باری) که پشتت را بشکست.* و یادمان تو را برایت بلند (آوازه) کردیم.* پس، در حقیقت، با (هر) دشواری، آسانی است؛* در واقع با (هر) دشواری، آسانی است؛* و هنگامی که (از کار مهمی) فارغ شدی، پس بنشین،* و فقط به سوی پروردگارت متمایل شو. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات، با بررسی گذشته‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از سه نعمت اساسی خدا بر ایشان نام برده شده است: الف) شرح صدر؛ یعنی خدا روحی وسیع به پیامبر داده تا بتواند مشکلات را تحمل کند و به ایشان فکری بلند، علمی وحیانی و قدرت استقامت در برابر لجاجت‌ها و کارشکنی‌های دشمنان را عطا فرموده است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۸ آری؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با شرح صدر با گروه‌های مختلف و مسائل اجتماعی برخورد می‌کرد و زود عصبانی نمی‌شد

و مردم را طرد نمی‌کرد؛ هر رهبر الهی باید چنین باشد. ب) خداوند بار سنگین و کمرشکنی را که بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله بود (یعنی مشکلاتی چون: لجاجت و مخالفت مشرکان و مخالفان اسلام، مشکل آزارهای مردم و گمراهی آنان، مشکل و اندوهی که پس از فوت ابوطالب و خدیجه پیش آمد و ...) از دوش ایشان برداشت. ج) خدا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را بلندآوازه کرد و نام او را به سراسر گیتی رساند. در عظمت او همین بس که هر صبح و شام نام او در کنار نام خدا در اذان گفته می‌شود و به گوش جهانیان می‌رسد. آری؛ بسیاری از دشمنان اسلام تلاش کردند که اسلام و نام پیامبر صلی الله علیه و آله را از صحنه‌ی گیتی حذف کنند، امّا بر خلاف نظر آنها، اسلام و نام پیامبر صلی الله علیه و آله در جهان گسترش یافت. اذان از اواخر دوره‌ی سکونت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه شروع شد و تاکنون ادامه دارد. ۲. این یک قانون در مورد رابطه‌ی مشکلات با آسانی‌ها اشاره شده که در پس هر مشکل و سختی، آسانی و پیروزی است. آری؛ کسی که مشکلات را تحمّل کند و با سختی‌ها مبارزه نماید، شیرینی موفقیت و بهروزی را می‌چشد و میوه پیروزی را می‌چیند. این مشکلات می‌تواند از نوع مشکلات اقتصادی، مخالفت‌ها و جنگ‌های دشمنان و یا هر مشکل دیگری باشد، که در پس آنها پیروزی، بهروزی و رفاه و آسانی است. یادآوری این قانون در قرآن و تأکید دوباره بر آن، نویدی به همگان است که نور امید را در دل‌ها زنده می‌کند. ای بسا کاری که اول صعب گشت بعد از آن بگشاده شد سختی گذشت بعد نویدی بسی امیدهاست از پس ظلمت بسی خورشیدهاست تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۹. ۳. نکته‌ی جالب آن است که قرآن نمی‌فرماید: بعد از هر مشکلی آسانی است بلکه می‌فرماید: «با هر مشکلی آسانی است». یعنی آسانی‌ها و پیروزی‌ها در دل مشکلات و همراه آنهاست و آسانی، بدون رنج به دست نمی‌آید. نکته‌ی جالب دیگر، نکره بودن «یُسْر» است، که به معنای «آسانی بزرگ» است؛ «۱» یعنی با هر مشکلی، آسانی و پیروزی با عظمتی است. ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که بدان با هر سختی، آسانی و با هر صبر و استقامتی، پیروزی و با هر غم و اندوهی، خوشحالی و گشایی است! «۲» ۵. در این آیات با بیان یک اصل کلی در مورد تلاش مستمر، به پیامبر صلی الله علیه و آله یادآور می‌شود که هر گاه از هر کار مهمی فارغ شدی به کار مهم دیگری بپرداز! (و هرگز بیکار نمان) و به سوی پروردگارت توجه نما (و خشنودی او را بطلب). این سفارش مهم و اصل کلی دارای مصادیق و موارد متعددی است که مفسران قرآن بدان اشاره کرده‌اند، از جمله این که: الف) هنگامی که از نماز واجب فارغ شدی، به دعا و مستحبات بپرداز؛ ب) هنگامی که از دنیا فراغت یافتی، به آخرت مشغول شو؛ ج) هنگامی که از جهاد با دشمن فارغ شدی، به جهاد با نفس روی آور؛ د) هنگامی که فراغت یافتی، علی را به ولایت نصب کن. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به رهبران الهی یاری می‌رساند و در مشکلات آنها را کمک می‌کند. ۲. یکی از صفات رهبران الهی شرح صدر است تا با روحی وسیع و فکری گسترده، مشکلات و مخالفت‌ها را تحمّل کنند. ۳. مشکلات رهبری جامعه کمرشکن است (مگر آن که خدا کمک کند). ۴. شهرت رهبر اسلام، نیکوست (پس برای بلندآوازه کردن نام رهبران اسلامی تلاش کنید که به سود اسلام است). ۵. آسانی و پیروزی از دل مشکلات پدید می‌آید. ۶. پایان شب سیاه سپید است. ۷. هر گاه از کار مهمی فراغت یافتی (بی‌کار مباش، و) به کار مهم دیگری مشغول شو. ۸. پس از هر کار مهمی به سوی خدا روی آور، (و سپاس گزار او باش که چنین توفیقی به تو داده است). «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۱

بخش هجدهم: سوره‌ی تین

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «تین» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۸ آیه، ۳۵ کلمه و ۱۵۰ حرف است. این سوره بیست و هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «بروج» و قبل از سوره‌ی «قریش») و نود و پنجمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «تین» (انجیر) است که از نخستین آیه‌ی آن گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: در مورد این سوره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۲ هر کس این سوره را بخواند خدا دو ویژگی در دنیا به او عطا می‌کند: عافیت و یقین؛ و هنگامی که از دنیا رفت، به تعداد کسانی که این سوره را خوانده‌اند، ثواب یک روزه، به عنوان پاداش، به او می‌بخشد. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و از محتوای آن پند بگیرند و در راستای آن در راه خدا گام بردارند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره، ترسیم دو راه سقوط و صعود، فرا روی انسان است (تا هر کس بتواند با آگاهی راه خویش را انتخاب کند).

مطالب

مطالب: ۱. در این سوره به دو میوه‌ی انجیر و زیتون، و نیز کوه سینا و شهر مکه، سوگند یاد شده است (در آیات ۱-۳)؛ ۲. اشاره‌ای به آفرینش استوار و نظام‌مند انسان (در آیه‌ی ۴)؛ ۳. راه مؤمنان شایسته‌کردار و پاداش دایمی آنان (در آیه‌ی ۶)؛ ۴. هشدار به منکران معاد در مورد داوری خدا (در آیات ۷-۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۳

دوم

قرآن کریم در سوره‌ی تین با سوگندهای متعدد، دو راه سقوط و صعود را فرا روی انسان ترسیم می‌کند و با هشدار به منکران معاد می‌فرماید: ۱- ۸. وَالْتِّينِ وَالزَّيْتُونِ * وَطُورِ سَيْنِينَ * وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ * لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ * فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ * أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ سوگند به زیتون! * سوگند به کوه پربرکت (: طور سینا)! * سوگند به این سرزمین امن (مکه)! * به یقین، انسان را در بهترین (نظام معتدل و) استوار آفریدیم؛ * سپس او را به فروترین (و خوارترین مرحله‌ی) فروتران باز گرداندیم، * مگر کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند؛ پس برای آنان پاداشی بی‌پایان است. * پس، بعد (از این دلایل)، چه چیزی تو را به تکذیب کردن (روز) جزا واداشت؟! * آیا خدا داورترین داوران نیست؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چهار چیز سوگند یاد شده است تا بر اهمیت مطلب بعدی، یعنی آفرینش استوار و نظام‌مند انسان تأکید کند و نیز توجه انسان را به اهمیت این چهار چیز (انجیر، زیتون، کوه سینا و شهر مکه) جلب کند. ۲. در این آیات به دو میوه‌ی نیکو، یعنی انجیر و زیتون اشاره شده است که خواص غذایی زیادی دارند. انجیر غذایی پرانرژی است که قند طبیعی و ویتامین‌های لازم بدن را تأمین می‌کند. زیتون و روغن آن نیز برای سلامتی بدن و رفع برخی عوارض و بیماری‌ها مفید و سرشار از ویتامین و مواد لازم تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۴ بدن است؛ از این رو در قرآن از آن به عنوان «درخت مبارک» یاد شده است. «۱» در احادیث اسلامی نیز به خوردن این دو میوه سفارش شده است «۲» و از نظر کارشناسان تغذیه نیز این دو میوه از اهمیت خاصی برخوردارند. «۳» «۳». «طور سینین» به معنای کوه پربرکت است و منظور

همان کوه سیناست که در صحرای سینا بین مصر و فلسطین واقع شده و دارای درختان پر بار زیتون است. این کوه محل مناجات موسی علیه السلام بود و از این رو مکان مقدس به شمار می‌آید. «۴» «۴». منظور از «سرزمین امن» در این سوره، همان شهر مکه و اطراف آن است که حرم امن الهی شمرده می‌شود و در آن جا کسی حق تعرض به دیگری را ندارد و حتی افراد قاتل، حیوانات، درختان و پرندگان در آن جا در امنیت هستند. ۵. آفرینش انسان نظام‌مند و استوار است؛ یعنی خدا انسان را از نظر جسمی، روحی و عقلی موزون و معتدل آفرید، به طوری که شایستگی پیمودن راه صعود و کمال را دارد. ۶. دو راه فرا روی انسان تصویر شده است: الف) راه سقوط به پایین‌ترین و خوارترین مراحل زندگی؛ ب) راه صعود به قله‌ی کمال و سعادت زندگی. یعنی انسان هم می‌تواند با استفاده از استعدادهایش راه ایمان و عمل صالح را در پیش گیرد و از فرشتگان برتر گردد و هم می‌تواند راه ظلم و کفر و ناسپاسی را در پیش گیرد و از حیوانات، گمراه‌تر و پست‌تر گردد و از مقام تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۵ انسانیت خود سقوط کند. آری؛ انسان آزاد است و اختیار دارد که از حیوانات پست‌تر گردد و یا فراتر از فرشتگان پرواز کند. ۷. منظور از «پایین‌ترین مراحل» که انسان در آن قرار گرفت، چیست؟ انسان وقتی آفریده شد در بهشت برین بود ولی بر اثر فریب شیطان به مرحله‌ی پست دنیا سقوط و هبوط کرد. خدا او را بر اثر کردارش پایین آورد ولی او استعداد و زمینه‌ی صعود به قله‌های کمال را دارد. برخی صاحب‌نظران در این زمینه می‌فرمایند: توجه به غیر خدا انسان را به حجاب‌های ظلمانی و نورانی محجوب می‌نماید ... کسی که تمام توجه او به عالم طبیعت است ... و اصولاً از ماورای دنیا و عالم روحانیت بی‌خبر بوده منکوس الی الطبیعه (: واژگون به سوی طبیعت) است و هیچ‌گاه در مقام برنیامده که خود را تهذیب کند، حرکت و نیروی روحانی و معنوی در خویشتن ایجاد نماید و پرده‌های سیاهی را که روی قلب او سایه افکننده کنار زند، در «اسفل سافلین» که آخرین حجب ظلمانی است قرار دارد. «۱» ۸. افراد کمال‌طلب که راه ایمان را در پیش می‌گیرند و کردار شایسته انجام می‌دهند، پاداشی دایمی و غیر منقطع و بدون نقص و منت خواهند داشت. «۲» «۱۰». «دین»، گاهی به معنای آیین و گاهی به معنای «جزا» می‌آید؛ از این رو به رستاخیز، یوم الدین (روز جزا) گفته شده است. این آیه اشاره دارد که چگونه با این همه نشانه در آفرینش نظام‌مند و هدفمند انسان که هدف نهایی رستاخیز را ثابت می‌کنند را انکار می‌کنید؟! آیا نمی‌دانید که خدا بهترین داور است و در رستاخیز در مورد کارها و گفتارهای شما داوری می‌کند؟! گویا باور نمی‌دارند روز داوری کاین همه کار دغل در کار داور می‌کنند ۱۰. قلمرو پرواز انسان را بشناس، به مقامات پایین راضی مشو و طالب بی‌نهایت شو. امام خمینی رحمه الله در این باره می‌نویسند: قانع نشو به وصول لذت‌های بهیمی (: حیوانی) و شهوت‌های حیوانی و برتری‌های دنیایی ظاهری، و به عبادات و طاعات، خود را راضی مگردان و به حسن صورت و نیکویی خلقت بسنده مکن و به حکمت رسمی و شبهات کلامی (: عقیدتی) خود را خرسند مساز و به نیکویی و آراستگی گفتار ارباب تصوف و عرفان خشنود مشو و قناعت مکن و به دعوی و علم‌داری اهل فقه راه مپوی، چه صرف همت در این‌ها که یاد کردیم و ماندن بر آن به تحقیق که هلاکت است و زیان ... وجهه هم و همت تو خدای یگانه باشد که اوست آفریدگار و آورنده و بازگرداننده‌ی تو. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شهر مکه، کوه سینا و مواد غذایی انجیر و زیتون دارای اهمیت ویژه‌ای است (در آنها تأمل کنید). ۲. در مورد آفرینش نظام‌مند و استوار انسان دقت کنید و خدانشناس شوید. ۳. دو راه «سقوط» و «صعود» فراروی انسان است (تا کدام را انتخاب کنید). ۴. مؤمنان شایسته‌کردار از سقوط نجات یافته و پاداشی دایمی خواهند داشت (پس تلاش کنید در زمره‌ی آنان باشید). ۵. از داوری خدا بهراسید و معاد را انکار نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۷

بخش نوزدهم: سوره‌ی علق

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «علق» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۹ آیه، ۹۲ کلمه و ۲۸۰ حرف است. این سوره اولین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «قلم») و نود و ششمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «علق» (خون بسته‌ی آویزان) و «اقرء» (بخوان)، که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده‌اند و «عنوان القرآن».

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۸ هر کس سوره‌ی علق را بخواند و در همان شبانه روز بمیرد شهید از دنیا رفته است و خدا او را به صورت شهید برمی‌انگیزد. «۱» البته روشن است که این ثواب و مقام شهید، برای کسی است که این سوره را بخواند و در راستای محتوای آن حرکت و عمل کند.

ویژگی

ویژگی‌ها: طبق نظر مشهور مفسران، سوره‌ی علق نخستین سوره‌ای است که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده است. «۲» آخرین آیه‌ی این سوره سجده‌ی واجب دارد و در هنگام قرائت یا شنیدن آن باید یک سجده به جا آورد.

اهداف

اهداف: محورهای اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) یادآوری توحید و آفریدگار هستی؛ ب) آگاهی‌بخشی نسبت به راه‌های نیک و بدی که فرا روی انسان است.

مطالب

مطالب: ۱. دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خواندن (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. تکریم مقام علم و قلم (در آیات ۴-۵)؛ ۳. بیان رابطه‌ی سرمایه‌داری با سرکشی (در آیات ۶-۷)؛ ۴. بیان راه‌های گوناگونی که انسان می‌تواند انتخاب کند (در آیات ۹-۱۳)؛ ۵. یادآوری این نکته که همه چیز تحت نظر خداست (در آیه‌ی ۱۴)؛ ۶. تهدید و هشدار نسبت به افراد سرکش تکذیب‌گر (در آیات ۱۵-۱۸)؛ ۷. دعوت به سجده و نزدیکی به خدا (در آیه‌ی ۱۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۹

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی علق به آفرینش انسان و آغاز وحی با خواندن و قلم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۵. أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ بخوان به نام پروردگارت که (همه چیز را) آفرید؛ * انسان را از خون بسته‌ی آویزان آفرید. * بخوان در حالی که پروردگارت ارجمندتر است؛ * (همان) کسی که با قلم بیاموخت؛ * به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت. شأن نزول: حکایت کرده‌اند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آغاز رسالتش در کوه «حرا» بود که جبرئیل آمد و گفت: ای محمد! بخوان! و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من نمی‌توانم قرائت کنم. جبرئیل او را در آغوش گرفت و سه بار فشرده و پنج آیه‌ی آغازین این سوره به زبان پیامبر صلی الله علیه و آله جاری شد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن برآن‌اند که پنج آیه‌ی اول سوره در آغاز وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۲» و جالب آن است که با آن که اسلام در محیط جاهلیت جزیره‌ی العرب پدید آمده و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درس

ناخوانده بود، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۰ ولی آغاز وحی در اسلام همراه با یک حرکت علمی بود و با «خواندن»، «قلم» و «آموزش» شروع شد. همین تأکیدهای اسلام بر قلم و علم بود که طی دو قرن، از جامعه‌ی جاهلیت عرب، پیشرفته‌ترین تمدن آن عصر را پدید آورد و این روح علم‌دوستی همراه در مسلمانان وجود دارد. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو بار به خواندن دعوت می‌شود، که بار دوم تأکید بر خواندن اول و یا خواندن بر مردم است. در این آیات پیامبر صلی الله علیه و آله را به خواندن قرآن کریم با نام خدا و یا خواندن اسم پروردگار دعوت کرده است. «۱» آری؛ رهبران الهی باید همیشه به یاد خدا باشند و از او مدد بجویند. ۳. در این آیات بر دو نام «رب» و «خالق» تأکید شده است. واژه‌ی «رب» به معنای مالک اصلاح‌گر و تربیت‌کننده است و خالقیت خدا دلیلی بر ربوبیت و پرورش‌دهندگی اوست؛ یعنی کسی که جهان را آفریده است آن را تدبیر می‌کند و پرورش می‌دهد. این مطلب پاسخی است به مشرکان عرب که خالق بودن خدا را پذیرفته بودند، امّا بت‌ها را تدبیرگر و ربّ جهان می‌دانستند. ۴. مقصود از آفرینش انسان از علق چیست؟ «علق»، در اصل به معنای چسبیدن به چیزی و آویزان شدن است؛ از این رو به زالو و خون بسته که به بدن می‌چسبند و نیز به تخمک که از اوول زن و اسپرم مرد تشکیل یافته و به دیواره‌ی رحم می‌چسبد و هم‌چون دانه‌ی توتی آویزان می‌شود و از خون آن تغذیه می‌کند، علق می‌گویند. برخی مفسران معتقدند «علق» به معنای صاحب علاقه است - اشاره به روح اجتماعی بشر است که پایه‌ی تمدن اوست - یا اشاره به اسپرم‌های مردان که هم‌چون زالوهای کوچکی شناور و در حرکت‌اند و یا اشاره به گل حضرت آدم که حالت چسبندگی داشت. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۱ البته مانعی ندارد که آیه به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد. «۱» ۵. مقصود از این جمله که خدا با «قلم» به انسان آموزش داد یا آن است که خدا علومی را به وسیله‌ی قلم به انسان آموخت و یا این که خدا نوشتن به وسیله‌ی قلم را به انسان آموخت که تمدن‌ها و علوم و فنون از همین نوشتن با قلم شروع شد. به هر حال این تعبیر قرآن به عظمت قلم و نوشتن اشاره دارد، همان‌طور که در آیات دیگر نیز، خدا به «قلم» سوگند یاد کرده است. «۲» ۶. خدا بزرگوار و ارجمند است و انسان را به وسیله‌ی قلم آموزش می‌دهد و جهل او را برطرف می‌کند. انسان علومی را از طریق وحی، فطرت، عقل و حسّ می‌آموزد و با عنایت الهی، به وسیله‌ی قلم به دیگران منتقل می‌کند و به نسل‌های آینده می‌رسد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام با دانش، قلم و خواندن آغاز می‌شود. ۲. با مطالعه در آفرینش انسان، خداشناس شوید. ۳. با مطالعه‌ی نقش قلم در آموزش بشر، خداشناس شوید. ۴. در بزرگواری خدا همین بس که جهل‌ستیز است. *** قرآن کریم در آیات ششم تا چهاردهم سوره‌ی علق به رابطه‌ی سرمایه‌داری با سرکشی و اکنش‌های متفاوت انسان‌ها در برابر وحی و نبوت اشاره می‌کند و با یادآوری احاطه‌ی علمی خدا می‌فرماید: ۶-۱۴. كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ أَسْتَعْتَبَ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعَىٰ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۲ هرگز چنین نیست؛ قطعاً انسان طغیان می‌کند؛* به خاطر این که خود را توانگر دید.* در واقع بازگشت (همگان) فقط به سوی پروردگار توست.* آیا دیدی کسی را که منع می‌کند،* بنده‌ای را هنگامی که نماز می‌گزارد؟!* آیا ملاحظه کردی اگر (او) بر (راه) هدایت باشد،* یا به خودنگه‌داری فرمان دهد (منع کردن او سزاوار است)؟!* آیا ملاحظه کردی اگر (او) تکذیب کند و روی برتابد (مستحق مجازات الهی نیست)؟!* آیا ندانسته که خدا (او) را می‌بیند؟ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که ابوجهل قصد داشت در حال سجده‌ی نماز به پیامبر صلی الله علیه و آله جسارت کند، ولی وقتی نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله شد بین خود و پیامبر خندقی از آتش دید و عقب‌نشینی کرد. در این هنگام آیات فوق فرود آمد و حالات این فرد سرکش را تصویر کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌هایی هم‌چون ابوجهل که در پرتو مکتب وحی پرورش نیافته‌اند، هنگامی که خود را ثروتمند و بی‌نیاز ببینند و از دستورات الهی و قوانین سرپیچی می‌کنند، در حالی که هیچ موجودی از نعمت‌ها و امدادهای خداوند بی‌نیاز نیست؛ فقط آنان می‌پندارند و تصور می‌کنند که از خدا بی‌نیاز هستند. ۲. طبیعت ثروت و قدرت آن است که موجب سرکشی و طغیان و ستمکاری می‌شود، مگر آن که به وسیله‌ی ایمان به خدا و معاد، کنترل شود

و در مسیر صحیح و در خدمت جامعه قرار گیرد. ۳. انسان‌های سرکش باید بدانند: اولاً، بازگشت آنان فقط به سوی خداست و او در رستاخیز به حساب تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۳ آنان رسیدگی کرده، کیفر سرکشی آنان را می‌دهد. ثانیاً، خدا سرکشان تکذیب‌گر را تحت نظر دارد و همه‌ی کارهایشان را می‌بیند و ثبت می‌کند و در نهایت به حساب آنان رسیدگی می‌کند. آری؛ اگر انسان توجه کند که همه جا محضر خداست و خدا او را می‌بیند و در نهایت بازگشت او فقط به سوی خداست که داور حق است، شرم می‌کند و دست به گناه نمی‌آلاید و سرکشی نمی‌کند. آری، گیرم که تو از سرگناه درگذری زان شرم که دیدی که چه کردم چه کنم؟! ۴. آیا بنده‌ای که در حال نماز است و راه هدایت و تقوا می‌پوید، سزاوار منع کردن است؟ آیا بهتر نیست که این سرکشان، راه هدایت و تقوا در پیش بگیرند تا رستگار شوند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرمایه‌داری زمینه‌ساز سرکشی است. ۲. در واقع، انسان‌ها از خدا بی‌نیاز نیستند بلکه گاهی این‌گونه تصور می‌کنند. ۳. انسان‌های سرکش به معاد توجه کنند و دست از طغیان‌گری بردارند. ۴. متعرض افراد نمازگزار هدایت یافته و تقوایی نشوید. ۵. تکذیب‌گران از حق روی برتافته، تحت نظر خدا هستند (و به حساب آنان رسیدگی می‌کنند). ۶. جهان محضر خداست (پس در محضر خدا گناه و سرکشی نکنید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۴ سرکشی، عوامل و خطرهای آن ۱. طغیان موجب خشم الهی می‌شود (طه، ۸۱)؛ ۲. طغیان‌گری کار فرعون است (طه، ۲۴ و ۴۳ و نازعات، ۱۷)؛ ۳. سرکشی منتهی به دوزخ می‌شود (نبا، ۲۲ و نازعات، ۳۷)؛ ۴. غنی دیدن خود، زمینه‌ی سرکشی انسان است (علق، ۶)؛ ۵. قوم نوح سرکش‌ترین اقوام بودند (نجم، ۵۲)؛ ۶. طغیان عامل تکذیب (آیات الهی) است (شمس، ۱۱)؛ ۷. رها کردن انسان در حال سرکشی، یکی از عذاب‌های الهی است (بقره، ۱۵ و انعام، ۱۱۰). راه کارهای مبارزه با سرکشی ۱. پیامبران الهی مأمور مبارزه با طغیان‌گران هستند (طه، ۲۴ و ۴۳ و نازعات، ۱۷)؛ ۲. ترکیه، پاک‌سازی و رشد نفس راه بازگشت از طغیان است (نازعات، ۱۷)؛ ۳. از طغیان‌گران دوری گزینید (نحل، ۳۶). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۵ قرآن کریم در آیات پانزدهم تا نوزدهم سوره‌ی علق با یادآوری عذاب‌های رستاخیز، به سرکشان تکذیب‌گر هشدار داده، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به پرهیز از آنان و نزدیکی به خدا سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۱۵-۱۹. كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لِنَشْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ * نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ * فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ * سَيَدْعُ الزَّبَانِيَةَ * كَلَّا لَأَتُطَعُهُ وَاسِيْجُدُ وَاقْتَرِبُ هَرَّكَزٍ چنين نيست؛ اگر پایان ندهد، حتماً زمام (او را) می‌گیریم و می‌کشیم؛* (همان) زمام (شخص) دروغ‌گوی خطا کار را؛* پس باید محفلش را فراخواند (تا یاری‌اش کنند)؛* که (ما هم) به زودی مأموران (دوزخ) را فرا می‌خوانیم.* هرگز چنین نیست؛ او را اطاعت مکن و سجده نما و (به خدا) نزدیک شو. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یادآوری عذاب‌های رستاخیز و ناتوانی افراد در آن روز، هشدار شدیدی است به سرکشان تکذیب‌گر، تا از آزار رهبر اسلام دست بردارند و مانع نماز و سجده‌ی او نشوند. ۲. در رستاخیز زمام و موی سرکشان دروغ‌گو و خطا کار را می‌گیرند و آنان را به سوی آتش می‌کشند؛ همان‌طور که در جنگ بدر پس از کشته شدن ابوجهل، سر او را جدا کردند و با موی پیشانی او را بر زمین کشیدند. «۱» آری؛ سرکشان تکذیب‌گر در دنیا و آخرت گرفتار این‌گونه عذاب‌ها می‌شوند. ۳. دروغ‌گویی و خطاکاری زمینه‌ساز عذاب سخت الهی است و افرادی که هم‌چون ابوجهل زندگی خود را با دروغ، تکذیب و گناه و خطا آلوده‌اند، در رستاخیز گرفتار عذاب می‌شوند. ۴. حکایت شده که روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مسجد الحرام مشغول نماز بود، ابوجهل صدا زد: مگر من تو را از این کار منع نکردم! اما پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۶ بر او بانگ زد و او را از خود راند. ابوجهل گفت: ای محمد! بر من بانگ می‌زنی و مرا می‌رانی؟ آیا تو نمی‌دانی که خویشاوندان و عشیره‌ی من در این سرزمین از همه بیش‌ترند؟! «۱» در این جا بود که آیات فوق فرود آمد و به او هشدار داد: در رستاخیز هرچه می‌خواهی بانگ بزنی و خویشاوندان و دوستان هم‌محفل خود را فراخوان تا تو را یاری کنند، ما هم مأموران دوزخ «۲» را فرا می‌خوانیم تا تو را به سوی آتش ببرند؛ و روشن شود که کاری از دست تو و دوستان ساخته نیست. ۵. سرکشان تکذیب‌گر، هم‌چون ابوجهل، می‌خواستند مانع سجده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله شوند ولی خدا در این آیات به پیامبر صلی الله

علیه و آله دستور می‌دهد برخلاف میل آنان سجده کن و به خدا تقرّب بجوی و نزدیک شو (که آنان نخواهند توانست مانع تو شوند). ۶. در این آیات یک امر و نهی خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده است: الف) از مخالفان سرکش پیروی مکن! (بلکه فقط از خدا اطاعت کن). ب) با عبادت و سجده به خدا نزدیکی و تقرّب جوی! ۷. «سجده» باعث نزدیکی انسان به خدا می‌شود. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که نزدیک‌ترین حالت بنده به خدا هنگامی است که در سجده باشد. ۸. «۳» در روایات اهل بیت علیهم السلام روایت شده که چهار سوره‌ی قرآن سجده‌ی واجب دارد: «فصلت»، «نجم»، «سجده» و «علق»؛ یعنی هنگامی که آیه‌ی آخر سوره‌ی علق خوانده شد، لازم است خواننده و شنونده سجده کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرکشان ضد دین، منتظر عذاب خوارکننده‌ای باشند. ۲. دروغ‌گویی و خطاکاری زمینه‌ساز عذاب الهی است. ۳. سرکشان تکذیبگر، در رستاخیز تنها می‌مانند و کسی به فریاد آنان نمی‌رسد. ۴. نباید از طغیانگران اطاعت کنید (بلکه فقط از خدا اطاعت کنید). ۵. با سجده (و عبادت) به خدا نزدیک شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۹

بخش بیستم: سوره‌ی قدر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «قدر» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۵ آیه، ۳۰ کلمه و ۱۱۲ حرف است. این سوره بیست و چهارمین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «شمس» و بعد از سوره‌ی «عبس») و نود و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «قَدْر» (اندازه‌گیری) و «أنا انزلناه» (ما آن را نازل کردیم) که هر دو نام از آیه‌ی اول سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۰

فضیلت

فضیلت: در مورد ثواب قرائت سوره‌ی «قدر» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس آن (سوره‌ی قدر) را بخواند، مانند کسی است که ماه رمضان را روزه گرفته و شب قدر را احیا داشته است. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسی است که سوره‌ی «قدر» را بخواند و در قرآن تفکر و در راستای محتوای آن حرکت کند؛ یعنی به عظمت قرآن پی ببرد و آن را قانون زندگی خویش قرار دهد.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، نزول قرآن در شب قدر و بیان اهمیت آن شبِ اندازه‌زنی است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به تعیین سرنوشت انسان در شب قدر (در آیه‌ی ۴)؛ ۲. بیان نزول فرشتگان و روح در شب قدر (در آیه‌ی ۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۱

دوم

خداوند در سوره‌ی قدر به نزول قرآن در شب قدر و اهمیت آن شب و نزول فرشتگان و اندازه‌زنی امور در آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۵. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ در حقیقت، ما آن (قرآن) را در شب قدر (: اندازه زدن) فرو فرستادیم.* و چه چیز تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟! * شب قدر بهتر از هزار ماه است! * فرشتگان و روح در آن (شب)، به رخصت پروردگارشان، از برای (اندازه زدن) هر کاری فرود می‌آیند.* آن (شب) تا طلوع سپیده‌دم، سلامت است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعددی از نزول قرآن سخن گفته شده است؛ مثلاً در سوره‌ی «بقره» به نزول قرآن در ماه رمضان؛ «۱» در سوره‌ی «دخان» به نزول قرآن در شب با برکتی که در آن شب، هر امری طبق حکمت الهی تنظیم و جدا می‌شود؛ «۲» و در این سوره به نزول قرآن در شب قدر اشاره شده که فرشتگان و روح در آن شب فرود می‌آیند و امور بندگان را تنظیم می‌کنند. از مجموع این آیات استفاده می‌شود: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۲ الف) قرآن در شب نازل شده است؛ ب) آن شب در ماه رمضان است؛ ج) شب نزول قرآن، شبی با برکت است؛ د) در آن شب، تقدیرات امور مردم تعیین می‌شود. ۲. چرا به شب نزول قرآن، شب قدر می‌گویند؟ مفسران در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) واژه‌ی «قدر» یا به معنای «اندازه زنی» است و به این شب از آن رو قدر گویند که در آن شب، امور مردم اندازه زده می‌شود و تعیین می‌گردد؛ ب) قدر به معنای شرافت و عظمت است و از آن جهت به آن شب قدر گفته می‌شود که شبی با عظمت و عظیم‌القدر است؛ ج) آن شب را بدن جهت قدر نامند که قرآن با تمام قدر و منزلتش در آن شب نازل شده، یا مقدر شده که قرآن در آن شب نازل شود؛ د) شب قدر از آن جهت قدر است که هر کس آن شب را بیدار بماند صاحب قدر و منزلت معنوی می‌شود؛ ه) شب قدر شبی است که عرصه‌ی زمین به خاطر نزول فرشتگان زیادی بر آن، تنگ می‌شود. البته مانعی ندارد که آیات فوق به همگی این معانی اشاره داشته باشد؛ هر چند تفسیر اول مشهورتر است. «۱» ۳. در این آیات از چند جهت به عظمت شب قدر اشاره شده است: الف) شب قدر ظرف نزول قرآن است؛ ب) به پیامبر می‌فرماید: چه چیزی تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟! ج) شب قدر از هزار ماه برتر است؛ د) شب قدر شب نزول فرشتگان و روح است؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۳ ه) شب قدر شب سلامت، رحمت و برکت است. ۴. آیا به طور دقیق مشخص شده که شب قدر چه شبی از ماه مبارک رمضان است؟ در احادیث اسلامی روایت شده که بارها از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام «۱» در این مورد سؤال شده است؛ اما آنان با این که از زمان آن شب اطلاع داشتند ولی مصلحت ندیدند که آن شب را دقیقاً مشخص سازند، تا مردم در شب‌های متعدد، به بیداری و دعا و عبادت پردازند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همه‌ی شب‌ها دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان را بیدار می‌ماند و عبادت می‌کرد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که تقدیر کارها در شب نوزدهم، و استوار شدن آنها در شب بیست و یکم، و امضای آنها در شب بیست و سوم است. «۲» و در حدیث دیگری از ایشان روایت شده که شب قدر، شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است. و در برابر اصرار راوی در مورد تعیین آن شب، فرمود: چه آسان است دو شب برای آنچه می‌خواهی! «۳» از احادیث دیگر نیز استفاده می‌شود که اهل بیت علیه السلام برای شب بیست و سوم اهمیت ویژه‌ای قایل بودند و حتی با حال بیمار به مسجد می‌رفتند و کودکان خود را بیدار نگاه می‌داشتند. در روایت جُهنی روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۴ پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردی که نمی‌توانست به مدینه بیاید شب بیست و سوم را مشخص کردند. «۱» ۵. این آیات یادآور عظمت قرآن نیز هست، بدین صورت که اولاً، قرآن در ظرف زمانی بزرگی هم چون شب قدر نازل شده است. ثانیاً، خدا قرآن را نازل کرده، از این رو با تعبیر «ما»، که دلالت بر عظمت دارد از آن یاد کرده است. ۶. تعبیر «انا انزلناه» که جمع است، ممکن است اشاره به عظمت باشد، همان‌طور که بزرگان می‌گویند: «ما این کار را می‌کنیم.» و یا اشاره به آن باشد که به وسیله‌ی فرشتگان قرآن را نازل کرده است؛ یعنی خدا همراه با فرشتگان، نازل کننده‌ی قرآن است. ۷. در این جا این پرسش مطرح است که مقصود از نزول قرآن در شب قدر چیست؟ مفسران قرآن به این پرسش دو گونه پاسخ داده‌اند:

الف) با توجه به نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله، آغاز نزول قرآن در شب قدر بوده، و در طول عمر پیامبر صلی الله علیه و آله، این نزول ادامه داشته است. «۲» ب) قرآن دو نزول، دفعی و تدریجی، داشته است. نزول دفعی در شب قدر به یکباره بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله یا جای دیگر نازل شده است و نزول تدریجی در طول ۲۳ سال. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۵ البته مانعی ندارد که سوره‌ی «فوق»، اشاره به هر دو مطلب باشد؛ یعنی نزول دفعی و آغاز نزول تدریجی، هر دو در شب قدر باشد، ولی تفسیر اول مناسب‌تر است. «۱» ۸. نزول قرآن و فرشتگان، به معنای نزول مکانی نیست، بلکه نزول مقامی و وجودی است؛ یعنی آنها از مقام و مراتب عالی وجود، از نزد خدا به مراتب پایین‌تر می‌آیند تا به انسان نزدیک شوند و قرآن برای انسان قابل فهم شود. ۹. فرشتگان و روح، در شب قدر فرود می‌آیند «۲» و مقدرات امور را مشخص می‌سازند. البته این بدان معنا نیست که بر سرنوشت انسان جبر حاکم است و انسان آزادی اراده ندارد، بلکه از طرفی تقدیر الهی بر اساس شایستگی و لیاقت افراد است، یعنی زمینه‌سازی این مقدرات، به دست خود انسان است و از طرف دیگر، برخی از این مقدرات، غیر حتمی و قابل تغییر است و انسان می‌تواند در مقام تحقق امور، با انتخاب خود، سرنوشت دیگری برای خود رقم زند؛ «۳» هر شب، قدر است اگر قدر بدانی. ۱۰. مقصود از «روح» در این سوره کیست؟ مفسران در این مورد اختلاف نظر دارند: برخی روح را همان «جبرئیل» دانسته‌اند و برخی نیز آن را به «وحی» الهی تفسیر کرده‌اند؛ و در برخی احادیث نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که روح، مخلوقی است بزرگ‌تر از فرشتگان. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۶ ۱۱. شب قدر، شبی آکنده از سلام است و تا طلوع سپیده دم این سلام ادامه دارد. مقصود از «سلام»، همان سلامتی و خیر و برکت است که در شب قدر با نزول فرشتگان بر مردم فرو می‌بارد و یا سلام فرشتگان به هم‌دیگر و به مؤمنان و یا سلام فرشتگان بر پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم آن حضرت است. البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد، و اطلاق «سلام» به جای «سالم»، نوعی تأکید است؛ یعنی آن شب عین سلام، سلامتی و برکت است. ۱۲. در داستان ابراهیم علیه السلام آمده است که فرشتگان بر او سلام کردند (هود، ۶۹) می‌گویند: از این سلام فرشتگان، لذتی به ابراهیم علیه السلام رسید که از تمام دنیا برتر بود و نیز از سلام فرشتگان بر او، آتش برایش گلستان شد. حال اگر در شب قدر فرشتگان بر مردم سلام کنند و حقیقت آن درک شود، چه لذت و برکتی خواهد داشت؟! «۱» شب قدری چنین عزیز و شریف با تو تا روز خفتم هوس است حافظ ۱۳. شب قدر از هزار ماه (حدود هشتاد سال) برتر است؛ یعنی اگر کسی یک شب قدر بیدار بماند و عبادت کند، رحمت الهی و برکاتی بر او نازل می‌شود که از یک عمر او بلکه از هزاران ماه برتر است. «۲» آری؛ در آن شب مقدرات انسان مشخص می‌شود، یعنی هر گونه توبه، خودسازی و دعا در سرنوشت و مقدرات آینده‌ی انسان مؤثر است، همان‌طور که قرآن که تعیین‌کننده‌ی خط سعادت انسان است، باید در شب قدر نازل شود که سرنوشت انسان را تعیین کند و شاید همین راز ارتباط شب قدر با نزول قرآن در آن شب باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۷ به عبارت دیگر، شب قدر به جهت نزول قرآن و اندازه‌زنی مقدرات در آن شب، فضیلتی مضاعف دارد که برای آن شب واقع شده است، همان‌طور که شهادت مولی علی علیه السلام به شب بیست و یکم، فضیلتی دیگر بخشیده است. چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند حافظ ۱۴. در این جا پرسشی که مطرح است این که با توجه به اختلاف طلوع و غروب خورشید و تفاوت شب و روز در مناطق مختلف کره‌ی زمین، شب قدر آنها چگونه است؟ پاسخ آن است که، شب کره‌ی زمین در حقیقت ۲۴ ساعت است که سایه‌ی زمین یک دور می‌چرخد و نیم کره‌ی آن را تاریک می‌سازد. بنابراین، شب قدر ۲۴ ساعت است «۱» و از این رو حکایت شده که عظمت روز قدر کم‌تر از شب قدر نیست. ۱۵. شب قدر، اوج مهمانی الهی و قرآن سفره‌ی اوست. امام خمینی رحمه الله می‌فرمایند: میهمانی خدا، مهمانی‌ای که در آن جا سفره‌ای که پهن کرده است، قرآن مجید است و محلی که در آن جا ضیافت می‌کند مهمش «لیلة القدر» است ... نفوس را از روز اول ماه مبارک رمضان به روزه، به مجاهده، به ادعیه مهیا می‌کند تا برسند به آن سفره‌ای که از آن باید استفاده کنند و آن لیلة القدر است که قرآن در آن نازل شده

است. این ضیافت الهی انسان را منقلب باید بکند از این جهت حیوانی به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۸ آن جهت واقعی انسانی؛ از ظلمت‌هایی که اطلاع به آن داریم منقلب کنند انسان را، به آن نورهایی و آن نورها و نور مطلق که همه‌ی عالم تبع اوست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن با عظمت در شبی عظیم القدر نازل شده است (آن را بشناسید و پاس دارید). ۲. درک عظمت شب قدر، برای هر کس میسر نیست. ۳. شب قدر، شب تعیین مقدرات امور است (پس با شب زنده داری، توبه و دعا زمینه‌ساز مقدرات نیکویی برای خود باشید). ۴. فرشتگان و روح، در شب قدر نازل می‌شوند و آن شب آکنده از سلامتی، خیر و برکت می‌گردد (پس بیدار باشید و از این برکات استفاده کنید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۹

بخش بیست و یک: سوره‌ی بینه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «قدر» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۵ آیه، ۳۰ کلمه و ۱۱۲ حرف است. این سوره بیست و چهارمین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «شمس» و بعد از سوره‌ی «عبس») و نود و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «قَدْر» (اندازه‌گیری) و «انّا انزلناه» (ما آن را نازل کردیم) که هر دو نام از آیه‌ی اول سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۰

فضیلت

فضیلت: در مورد ثواب قرائت سوره‌ی «قدر» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس آن (سوره‌ی قدر) را بخواند، مانند کسی است که ماه رمضان را روزه گرفته و شب قدر را احیا داشته است. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسی است که سوره‌ی «قدر» را بخواند و در قرآن تفکر و در راستای محتوای آن حرکت کند؛ یعنی به عظمت قرآن پی ببرد و آن را قانون زندگی خویش قرار دهد.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، نزول قرآن در شب قدر و بیان اهمیت آن شب اندازه‌زنی است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به تعیین سرنوشت انسان در شب قدر (در آیه‌ی ۴)؛ ۲. بیان نزول فرشتگان و روح در شب قدر (در آیه‌ی ۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۱

دوم

خداوند در سوره‌ی قدر به نزول قرآن در شب قدر و اهمیت آن شب و نزول فرشتگان و اندازه‌زنی امور در آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ در حقیقت، ما آن (قرآن) را در شب قدر (: اندازه زدن) فرو فرستادیم. * و چه چیز تو

را آگاه کرد که شب قدر چیست؟! * شب قدر بهتر از هزار ماه است! * فرشتگان و روح در آن (شب)، به رخصت پروردگارشان، از برای (اندازه زدن) هر کاری فرود می‌آیند. * آن (شب) تا طلوع سپیده‌دم، سلامت است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعددی از نزول قرآن سخن گفته شده است؛ مثلاً در سوره‌ی «بقره» به نزول قرآن در ماه رمضان؛ «۱» در سوره‌ی «دخان» به نزول قرآن در شب با برکتی که در آن شب، هر امری طبق حکمت الهی تنظیم و جدا می‌شود؛ «۲» و در این سوره به نزول قرآن در شب قدر اشاره شده که فرشتگان و روح در آن شب فرود می‌آیند و امور بندگان را تنظیم می‌کنند. از مجموع این آیات استفاده می‌شود: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۲ (الف) قرآن در شب نازل شده است؛ ب) آن شب در ماه رمضان است؛ ج) شب نزول قرآن، شبی با برکت است؛ د) در آن شب، تقدیرات امور مردم تعیین می‌شود. ۲. چرا به شب نزول قرآن، شب قدر می‌گویند؟ مفسران در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) واژه‌ی «قدر» یا به معنای «اندازه زنی» است و به این شب از آن رو قدر گویند که در آن شب، امور مردم اندازه زده می‌شود و تعیین می‌گردد؛ ب) قدر به معنای شرافت و عظمت است و از آن جهت به آن شب قدر گفته می‌شود که شبی با عظمت و عظیم‌القدر است؛ ج) آن شب را بدن جهت قدر نامند که قرآن با تمام قدر و منزلتش در آن شب نازل شده، یا مقدر شده که قرآن در آن شب نازل شود؛ د) شب قدر از آن جهت قدر است که هر کس آن شب را بیدار بماند صاحب قدر و منزلت معنوی می‌شود؛ ه) شب قدر شبی است که عرصه‌ی زمین به خاطر نزول فرشتگان زیادی بر آن، تنگ می‌شود. البته مانعی ندارد که آیات فوق به همگی این معانی اشاره داشته باشد؛ هر چند تفسیر اول مشهورتر است. «۱» ۳. در این آیات از چند جهت به عظمت شب قدر اشاره شده است: الف) شب قدر ظرف نزول قرآن است؛ ب) به پیامبر می‌فرماید: چه چیزی تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟! ج) شب قدر از هزار ماه برتر است؛ د) شب قدر شب نزول فرشتگان و روح است؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۳ ه) شب قدر شب سلامت، رحمت و برکت است. ۴. آیا به طور دقیق مشخص شده که شب قدر چه شبی از ماه مبارک رمضان است؟ در احادیث اسلامی روایت شده که بارها از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام «۱» در این مورد سؤال شده است؛ اما آنان با این که از زمان آن شب اطلاع داشتند ولی مصلحت ندیدند که آن شب را دقیقاً مشخص سازند، تا مردم در شب‌های متعدد، به بیداری و دعا و عبادت پردازند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همه‌ی شب‌ها دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان را بیدار می‌ماند و عبادت می‌کرد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که تقدیر کارها در شب نوزدهم، و استوار شدن آنها در شب بیست و یکم، و امضای آنها در شب بیست و سوم است. «۲» و در حدیث دیگری از ایشان روایت شده که شب قدر، شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است. و در برابر اصرار راوی در مورد تعیین آن شب، فرمود: چه آسان است دو شب برای آنچه می‌خواهی! «۳» از احادیث دیگر نیز استفاده می‌شود که اهل بیت علیه السلام برای شب بیست و سوم اهمیت ویژه‌ای قایل بودند و حتی با حال بیمار به مسجد می‌رفتند و کودکان خود را بیدار نگاه می‌داشتند. در روایت جُهنی روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۴ پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردی که نمی‌توانست به مدینه بیاید شب بیست و سوم را مشخص کردند. «۱» ۵. این آیات یادآور عظمت قرآن نیز هست، بدین صورت که اولاً، قرآن در ظرف زمانی بزرگی هم‌چون شب قدر نازل شده است. ثانیاً، خدا قرآن را نازل کرده، از این رو با تعبیر «ما»، که دلالت بر عظمت دارد از آن یاد کرده است. ۶. تعبیر «انا انزلناه» که جمع است، ممکن است اشاره به عظمت باشد، همان‌طور که بزرگان می‌گویند: «ما این کار را می‌کنیم». و یا اشاره به آن باشد که به وسیله‌ی فرشتگان قرآن را نازل کرده است؛ یعنی خدا همراه با فرشتگان، نازل کننده‌ی قرآن است. ۷. در این جا این پرسش مطرح است که مقصود از نزول قرآن در شب قدر چیست؟ مفسران قرآن به این پرسش دو گونه پاسخ داده‌اند: الف) با توجه به نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله، آغاز نزول قرآن در شب قدر بوده، و در طول عمر پیامبر صلی الله علیه و آله، این نزول ادامه داشته است. «۲» ب) قرآن دو نزول، دفعی و تدریجی، داشته است. نزول دفعی در شب قدر به یکباره بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله یا جای دیگر نازل شده است و نزول تدریجی در طول ۲۳ سال. «۳» تفسیر قرآن

مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۵ البته مانعی ندارد که سوره‌ی «فوق»، اشاره به هر دو مطلب باشد؛ یعنی نزول دفعی و آغاز نزول تدریجی، هر دو در شب قدر باشد، ولی تفسیر اول مناسب‌تر است. «۱» ۸. نزول قرآن و فرشتگان، به معنای نزول مکانی نیست، بلکه نزول مقامی و وجودی است؛ یعنی آنها از مقام و مراتب عالی وجود، از نزد خدا به مراتب پایین‌تر می‌آیند تا به انسان نزدیک شوند و قرآن برای انسان قابل فهم شود. ۹. فرشتگان و روح، در شب قدر فرود می‌آیند «۲» و مقدرات امور را مشخص می‌سازند. البته این بدان معنا نیست که بر سرنوشت انسان جبر حاکم است و انسان آزادی اراده ندارد، بلکه از طرفی تقدیر الهی بر اساس شایستگی و لیاقت افراد است، یعنی زمینه‌سازی این مقدرات، به دست خود انسان است و از طرف دیگر، برخی از این مقدرات، غیر حتمی و قابل تغییر است و انسان می‌تواند در مقام تحقق امور، با انتخاب خود، سرنوشت دیگری برای خود رقم زند؛ «۳» هر شب، قدر است اگر قدر بدانی. ۱۰. مقصود از «روح» در این سوره چیست؟ مفسران در این مورد اختلاف نظر دارند: برخی روح را همان «جبرئیل» دانسته‌اند و برخی نیز آن را به «وحی» الهی تفسیر کرده‌اند؛ و در برخی احادیث نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که روح، مخلوقی است بزرگ‌تر از فرشتگان. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۶ ۱۱. شب قدر، شبی آکنده از سلام است و تا طلوع سپیده دم این سلام ادامه دارد. مقصود از «سلام»، همان سلامتی و خیر و برکت است که در شب قدر با نزول فرشتگان بر مردم فرو می‌بارد و یا سلام فرشتگان به هم‌دیگر و به مؤمنان و یا سلام فرشتگان بر پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم آن حضرت است. البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد، و اطلاق «سلام» به جای «سالم»، نوعی تأکید است؛ یعنی آن شب عین سلام، سلامتی و برکت است. ۱۲. در داستان ابراهیم علیه السلام آمده است که فرشتگان بر او سلام کردند (هود، ۶۹) می‌گویند: از این سلام فرشتگان، لذتی به ابراهیم علیه السلام رسید که از تمام دنیا برتر بود و نیز از سلام فرشتگان بر او، آتش برایش گلستان شد. حال اگر در شب قدر فرشتگان بر مردم سلام کنند و حقیقت آن درک شود، چه لذت و برکتی خواهد داشت؟! «۱» شب قدری چنین عزیز و شریف با تو تا روز خفتم هوس است حافظ ۱۳. شب قدر از هزار ماه (حدود هشتاد سال) برتر است؛ یعنی اگر کسی یک شب قدر بیدار بماند و عبادت کند، رحمت الهی و برکاتی بر او نازل می‌شود که از یک عمر او بلکه از هزاران ماه برتر است. «۲» آری؛ در آن شب مقدرات انسان مشخص می‌شود، یعنی هر گونه توبه، خودسازی و دعا در سرنوشت و مقدرات آینده‌ی انسان مؤثر است، همان‌طور که قرآن که تعیین‌کننده‌ی خط سعادت انسان است، باید در شب قدر نازل شود که سرنوشت انسان را تعیین کند و شاید همین راز ارتباط شب قدر با نزول قرآن در آن شب باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۷ به عبارت دیگر، شب قدر به جهت نزول قرآن و انداز زنی مقدرات در آن شب، فضیلتی مضاعف دارد که برای آن شب واقع شده است، همان‌طور که شهادت مولی علی علیه السلام به شب بیست و یکم، فضیلتی دیگر بخشیده است. چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند حافظ ۱۴. در این جا پرسشی که مطرح است این که با توجه به اختلاف طلوع و غروب خورشید و تفاوت شب و روز در مناطق مختلف کره‌ی زمین، شب قدر آنها چگونه است؟ پاسخ آن است که، شب کره‌ی زمین در حقیقت ۲۴ ساعت است که سایه‌ی زمین یک دور می‌چرخد و نیم کره‌ی آن را تاریک می‌سازد. بنابراین، شب قدر ۲۴ ساعت است «۱» و از این رو حکایت شده که عظمت روز قدر کم‌تر از شب قدر نیست. ۱۵. شب قدر، اوج مهمانی الهی و قرآن سفره‌ی اوست. امام خمینی رحمه الله می‌فرمایند: مهمانی خدا، مهمانی‌ای که در آن جا سفره‌ای که پهن کرده است، قرآن مجید است و محلی که در آن جا ضیافت می‌کند مهمش «لیله‌ القدر» است ... نفوس را از روز اول ماه مبارک رمضان به روزه، به مجاهده، به ادعیه مهیا می‌کند تا برسند به آن سفره‌ای که از آن باید استفاده کنند و آن لیله‌ القدر است که قرآن در آن نازل شده است. این ضیافت الهی انسان را منقلب باید بکند از این جهت حیوانی به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۸ آن جهت واقعی انسانی؛ از ظلمت‌هایی که اطلاع به آن داریم منقلب کنند انسان را، به آن نورهایی و آن نورها و نور مطلق که همه‌ی عالم تبع اوست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن با عظمت در شبی عظیم القدر نازل شده است (آن را بشناسید و پاس دارید). ۲. درک

عظمت شب قدر، برای هر کس میسر نیست. ۳. شب قدر، شب تعیین مقدرات امور است (پس با شب زنده داری، توبه و دعا زمینه‌ساز مقدرات نیکویی برای خود باشید). ۴. فرشتگان و روح، در شب قدر نازل می‌شوند و آن شب آکنده از سلامتی، خیر و برکت می‌گردد (پس بیدار باشید و از این برکات استفاده کنید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۹

بخش بیست و دوم: سوره‌ی زلزال

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «زلزال» در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۸ آیه، ۳۵ کلمه و ۱۴۹ حرف است. این سوره نود و دومین سوره در ترتیب نزول و نود و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «زلزال» و «زلزله» (لرزش) که هر دو نام از آیه‌ی اول سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «زلزال» را بخواند همانند آن است که سوره‌ی «بقره» را خوانده، و پاداش کسی را دارد که یک چهارم قرآن را قرائت کرده باشد. «۱» البته روشن است که این پاداش‌ها برای کسانی است که سوره را بخوانند و در آن تفکر و در راستای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین هدف این سوره یادآوری رستاخیز است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به حوادث آستانه‌ی رستاخیز (در آیات ۱-۳)؛ ۲. اشاره‌ای به گواهی زمین (در آیه‌ی ۴)؛ ۳. بیان تجسم اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۴)؛ ۴. بیان رسیدگی دقیق به اعمال نیک و بد (در آیات ۷ و ۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی زلزال قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی زلزال به حوادث وحشتناک آستانه‌ی رستاخیز و گواهی زمین در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا * وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا * وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا * يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا * بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا هَنَگامی که زمین با لرزشش به لرزه درآورده شود، * و زمین (بار) گرانبارش را بیرون آورد، * و انسان می‌گوید: «آن (زمین) را چه شده؟!»، * در آن روز، آن (زمین) خبرهایش را می‌گوید؛ * به خاطر این که پروردگارت بدان وحی (: الهام) کرده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به رستاخیز و حوادث وحشتناک آستانه‌ی آن، مثل لرزیدن زمین، متلاشی شدن کوه‌ها و در هم ریختن نظام فعلی جهان به نفخ صور اول، یعنی حوادث پایانی جهان کنونی اشاره شده است؛ «۱» و در آیات پایانی، به نفخه‌ی دوم، یعنی آغاز روز رستاخیز و حضور مردم در آن صحنه برای حسابرسی اشاره می‌شود. ۲. مقصود از

زلزله‌ی رستاخیز، لرزش همه‌ی زمین است که مثل برخی زمین لرزه‌های معمولی مقطعی و موضعی نیست. ۳. منظور از بیرون ریختن بارهای سنگین زمین چیست؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۲ مفسران قرآن در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) منظور بیرون آمدن مواد مذاب درون زمین است که در هنگام آتشفشان مقداری از آن‌ها و در آستانه‌ی رستاخیز همه‌ی آنها به بیرون پرتاب می‌شوند. ب) مقصود بیرون ریختن گنج‌های درون زمین است که مایه‌ی حسرت دنیاپرستان می‌شود؛ ج) منظور مردگانی هستند که با زلزله‌ی رستاخیز، از درون قبرها به خارج پرتاب می‌شوند. البته مانعی ندارد که آیه به هر سه معنا اشاره داشته باشد. ۴. هنگام حوادث آستانه‌ی رستاخیز، انسان‌های (مؤمن و کافر) به سخن می‌آیند و با تعجب می‌گویند: زمین را چه شده که این گونه می‌لرزد و مواد خود را بیرون می‌ریزد. آری؛ این زمین که تا دیروز آرام بود، در رستاخیز به نهادِ ناآرامی تبدیل می‌شود که همه را به وحشت می‌اندازد. چون برآید آفتاب رستاخیز برجهند از خاک خوب و زشت، تیز ۵. مقصود از سخن گفتن زمین و بیان اخبار آن چیست؟ الف) زمین به فرمان الهی زبان می‌گشاید و سخن می‌گوید و اسرار اعمال نیک و بد انسان‌ها را آشکار می‌سازد. ب) آثار اعمال انسان‌ها بر صفحه‌ی زمین ظاهر می‌شود. اگرچه این آثار امروز برای ما محسوس نیست، ولی همانند اثر انگشت انسان که باقی می‌ماند، آثار صوتی، تصویری و مانند آنها نیز در زمین باقی می‌مانند و در رستاخیز نمایان می‌شوند. ۶. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که زمین در مورد تمام کارهای نیک و بد انسان‌ها گواهی می‌دهد و حتی روز آن را دقیقاً مشخص می‌سازد! «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۳ و در برخی احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که در قسمت‌های مختلف زمین نماز گزارید، زیرا در رستاخیز هر قطعه‌ی زمین برای کسی که روی آن نماز خوانده گواهی می‌دهد. «۱» ۷. در این آیات بیان شده که خدا به زمین وحی می‌کند که اسرار را آشکار کند و یا بارهای گرانبار خود را بیرون ریزد. مقصود از این وحی، همان الهام تکوینی به زمین است؛ یعنی خدا به زمین اشاره می‌کند و فرمان می‌دهد که این کارها را انجام دهد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز با حوادث دهشتناکی آغاز می‌شود که انسان‌ها را به شگفت می‌آورد! (پس برای آن روز آماده شوید). ۲. یکی از گواهان رستاخیز زمین است، که اسرار را آشکار می‌کند (و از اعمال شما خبر می‌دهد، پس مراقب اعمال خود باشید). ۳. زمین گوش به فرمان وحی خداست. *** قرآن کریم در آیات ششم تا هشتم سوره‌ی زلزالت تجسم اعمال و حساب‌رسی دقیق اعمال انسان‌ها را یادآور می‌شود و می‌فرماید: ۶-۸. *يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ* در آن روز، مردم (از قبرها به صورت گروه‌های) جداگانه بازمی‌آیند تا اعمالشان به آنان نشان داده شود. * پس کسی که هم وزن ذره‌ای (کار) نیک انجام دهد، آن را می‌بیند. * و کسی که هم وزن ذره‌ای (کار) بد انجام دهد، آن را می‌بیند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در روز رستاخیز مردم جداگانه و گروه گروه جهت رسیدگی به اعمالشان وارد صحنه‌ی محشر می‌شوند؛ یعنی مؤمنان، کافران و و اهل هر مذهب جداگانه وارد صحنه می‌شوند؛ یا این که گروهی سعادتمند و شاد، و گروهی شقاوتمند و ناراحت، به محشر گام می‌نهند؛ و یا این که هر امتی به همراه رهبر خویش می‌آید. «۱» ۲. مردم هنگام ورود به صحنه‌ی محشر، به صورت انبوه و هیجان زده‌اند؛ یعنی هنگام برخاستن از قبرها، و یا هنگام حرکت به سوی بهشت و دوزخ به صورت گروه‌هایی هیجان زده‌اند. «۲» ۳. مقصود از مشاهده‌ی اعمال در رستاخیز چیست؟ مفسران قرآن به این پرسش پاسخ‌های متعددی داده‌اند، از جمله این که: منظور مشاهده‌ی خود اعمال یعنی تجسم اعمال است؛ و یا این که منظور مشاهده‌ی نامه‌ی اعمال، یا جزای اعمال و یا مشاهده‌ی باطنی و شناخت چگونگی اعمال است. البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد، اما تجسم اعمال با ظاهر آیه سازگارتر است، «۳» و آیات بعدی نیز شاهد همین مطلب است. در کفش بنهند نامه‌ی نجل وجود فسق و تقوا آنچه او خود کرده بود مولوی ۴. اعمال نیک و بد انسان‌ها اگر به اندازه‌ی ذره‌ای هم چون اتم هم باشد، «۴» در رستاخیز تجسم می‌یابد و مشاهده می‌شود و کیفر و آثارش به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۵ صاحبش می‌رسد. آری؛ در حساب‌رسی خدا، و ترازوی سنجش اعمال در رستاخیز، همه چیز به حساب می‌آید و

کوچک و بزرگ ندارد. ۵. برخی مفسران نوشته‌اند: در زمانی که برخی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به بخشش اموال اندک، بی‌اعتنا بودند و می‌گفتند: پاداش به چیزهایی داده می‌شود که ما دوست داریم و چیزهای کوچک مورد علاقه‌ی ما نیست (پس پاداش ندارد). و نیز به گناهان کوچک بی‌اعتنا بودند، آیات فوق فرود آمد و در مورد کارهای بد کوچک هشدار داد و نسبت به کارهای نیک کوچک تشویق کرد. ۶. روایت شده: «مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و آموزش علوم الهی درخواست کرد، پیامبر از یکی از یارانش خواست که به وی قرآن تعلیم دهد، و او سوره‌ی زلزال را به وی آموزش داد. بعد از آن، مرد از جا برخاست و گفت: همین برای من کافی است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «او فقیه شد و بازگشت». (۱) بلی، کسی که سوره‌ی زلزال و حساب‌رسی دقیق اعمال را به طور عمیق درک کند و بداند که کوچک‌ترین اعمال نیک و بد او محاسبه خواهد شد، فهم عمیقی از دین پیدا کرده است؛ از این رو مراقب اعمال خویش می‌شود و دستورات الهی را رعایت می‌کند و سعادت‌مند می‌شود. ای خرد برکش تو پَر و بالها سوره برخوان زلزلت زلزالها در قیامت این زمین بر نیک و بد کی ز نادیده گواهی‌ها دهد. ۷. مقصود از دیدن اعمال در رستاخیز آن است که انسان نتیجه‌ی نهایی اعمال را می‌بیند؛ یعنی اگر کارهای نیک کرده و گناهی نیز انجام داده که کارهای نیکش را از بین برده است، باقیمانده‌ی اعمالش را می‌بیند؛ همان طور که اگر گناهی کرده و توبه نموده است، نتیجه‌ی توبه‌اش را می‌بیند؛ و کسی که نتیجه‌ی چیزی را ببیند گویا همه‌ی عمل را دیده است. (۲) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۶. ۸. در این آیات رسیدگی به اعمال نیک را، قبل از دیدن و رسیدگی به اعمال بد ذکر کرده است. شاید بدین جهت که دید حساب‌رسان الهی نسبت به انسان مثبت است؛ به طور طبیعی انسان باید کارهای نیک داشته باشد و وارد بهشت شود، و گناه و انحراف و کارهای بد خلاف طبیعت و مسیر آفرینش انسان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز تجسم اعمال و ملاقات آنهاست. ۲. رستاخیز روز جدایی‌ها و هیجان‌هاست! (پس برای آن روز آماده شوید). ۳. ذره‌ای از اعمال شما گم نمی‌شود، بلکه همه‌ی اعمالتان در رستاخیز مجسم می‌شود و آنها را می‌بینید. ۴. حساب‌رسی خدا، دقیق است (پس برای آن روز آماده شوید). ۵. همان طور که در مورد اعمال نیک شما دقت می‌شود، در مورد اعمال بد شما نیز دقت می‌شود. ۶. اول به حساب اعمال نیک انسان‌ها رسیدگی می‌شود و بعد به اعمال بد (یعنی حساب‌رسان با دید مثبت به انسان‌ها نگاه می‌کنند). ۷. برای روزی آماده شوید که اعمال نیک و بد خود را می‌بینید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۷

بخش بیست و سوم: سوره‌ی عادیات

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «عادیات» در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۱۱ آیه، ۴۰ کلمه و ۱۶۳ حرف است. این سوره صدمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «عادیات» (اسب‌های دوندۀ نفس زن) است که از آیه‌ی اول سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۸

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «عادیات» را بخواند و بر آن مداومت ورزد، خدا در روز قیامت او را با امیرالمؤمنین علی علیه السلام محشور می‌کند و در جمع او و دوستانش خواهد بود. «۱» با توجه به شأن نزول این سوره که در مورد امام علی علیه السلام و شجاعت و جهاد ایشان در جنگ ذات السلاسل است، هر کس این سوره را بخواند و در

راستای مضمون آن حرکت کند و در راه علی علیه السلام گام نهد، در رستاخیز با او خواهد بود.

اهداف

اهداف: محورهای اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) یادآوری نقاط ضعف انسان‌های تربیت نیافته؛ ب) بیان عظمت رزمندگان اسلام؛ ج) یادآوری احاطه‌ی معاد.

مطالب

مطالب: ۱. سوگندهای مکرر و بیدار کننده (در آیات ۱-۵)؛ ۲. اشاره‌ای به ناسپاسی انسان (در آیات ۶ و ۷)؛ ۳. اشاره‌ای به مال دوستی انسان (در آیه ۸)؛ ۴. بیان زنده شدن انسان از قبر (در آیه ۹)؛ ۵. اشاره‌ای به آشکار شدن امور و اسرار در رستاخیز (در آیه ۱۰)؛ ۶. یادآوری احاطه‌ی علمی خدا بر انسان در رستاخیز (در آیه ۱۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۹

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی عادیات قرآن کریم در آیات اول تا هشتم سوره‌ی عادیات با سوگندهای مکرر بر عظمت رزمندگان اسلام، به ناسپاسی و مال دوستی انسان‌های تربیت نیافته اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۸. وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا* فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا* فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا* فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا* فَوَسَّطْنَ بِهِ جُمُعًا* إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ* وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكِ لَشَهِيدٌ* وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ سوگند به [اسبان دونده‌ی نفس‌زن* و افروزندگان جرقه‌ی آتش* و شیبخون زندگان در صبح* و (اسبانی که) به وسیله‌ی آن (دویدن) غبار را برانگیختند* و به وسیله‌ی آن (دویدن) در میان جمع (دشمن، ظاهر) شدند! قطعاً انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است* و مسلماً او بر آن (مطلب) گواه است* و قطعاً او سخت، دوست‌دار (مال) نیک است. شأن نزول: حکایت شده: در سال هشتم هجری به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر رسید که دوازده هزار نفر در سرزمین «یابس» جمع شده و عهد بسته‌اند که جماعت مسلمانان را متلاشی کنند و پیامبر و علی علیه السلام را به قتل برسانند. پیامبر صلی الله علیه و آله سپاهی را به سرکردگی برخی صحابه به جنگ آنان فرستاد، ولی بدون نتیجه بازگشتند؛ سرانجام علی علیه السلام را به فرماندهی سپاه منصوب کرد و او با سرعت به دشمن شیبخون زد و صبحگاهان آنان را محاصره نمود، ابتدا اسلام را بر آنان عرضه کرد، وقتی آنان لجاجت کردند آنها را شکست داد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۰ و با اسیران و غنایم زیادی بازگشتند. از آن جایی که در این جنگ اسیران را با طناب محکم بستند، به جنگ «ذات السلاسل» مشهور شد. این سوره در همان شب بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، و خبر پیروزی علی علیه السلام و سپاه اسلام را بشارت داد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در نماز صبح خواند و خبر پیروزی را به مردم رساند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این سوره به اسبان تیزتک سوگند یاد شده است که در میدان جنگ به سرعت حرکت می‌کنند و با برخورد سُم آنها با سنگ‌ها، جرقه‌های آتش بیرون می‌جهد و صبحگاهان دشمن را محاصره می‌کنند؛ و این شیبخون آن‌قدر سریع است که گرد و غباری در هوا پخش می‌شود و ناگهان دشمن، رزمندگان اسلام را در وسط اردوگاه خود می‌بیند. «۲» و از آن جا که این حرکت، جهادی مقدس است خدا به آن رزمندگان و اسب‌هایشان و جرقه‌های سم ستوران‌شان سوگند یاد می‌کند. آری؛ انسان تربیت یافته در پرتو وحی تا آن جا اوج می‌گیرد که خدا به اسب او نیز سوگند یاد می‌کند. «۳» ۲. این آیات نوعی آموزش نظامی نیز هست، یعنی اشاره دارد که در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۱ هنگام حمله به دشمن، با مرکب‌هایی تیزتک و تندرو حرکت کنید و صبحگاهان که دشمنان در خوابند آنان را غافلگیر و محاصره کنید و با حرکت خود چنان گرد و غباری به پا کنید که دشمن هراسان و سرگردان شود و جایی را نبیند و چاره‌ای جز تسلیم نداشته باشد. ۳. هر چند که

این سوگندها در مورد اسبها، جرقه‌ی شُم ستوران و رزمندگان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ ولی اینها نشان دهنده‌ی اهمیت و عظمت رزمندگان اسلام و وسایل رزمی آنهاست؛ یعنی توجه مسلمانان را به مقام والای جهادگران تربیت یافته در پرتو وحی جلب می‌کند که در هر زمان مصداق‌هایی دارد و در عصر ما شامل خلبانان، ملوانان، رزم آوران تانک سوار و دیگر رزمندگان اسلام می‌شود. تیغ در دست گرفتن هنر مردان است خاک میدان بلا تاج سرمردان است ترک سر کردن و جان در ره جانان دادن هنر هر که نباشد، هنر مردان است از قفس بال گشودن به سوی حضرت دوست شوق دیدار خدا، بال و پر مردان است (خسرو نژاد) ۴. قرآن کریم انسان را موجودی ارجمند معرفی می‌کند که اگر در پرتو وحی تربیت یابد می‌تواند جانشین خدا در زمین شود؛ ولی اگر به حال خود رها شود و کژ راه رود پست‌تر از حیوانات می‌شود. صفات انسان‌های تربیت نیافته در پرتو وحی عبارت است از: الف) ناسپاس و بخیل‌اند؛ «۱» ب) مال دوست‌اند؛ و همین مال دوستی و مال پرستی عامل ناسپاسی و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۲ بخل آنهاست. پس برخی تسلیم هوا و هوس خود می‌شوند و به ثروت اندوزی و مال پرستی می‌پردازند و در مشکلات به دوستان خود کمک نمی‌کنند و شکرگزار خدا نیستند و نعمت‌های او را انکار می‌کنند. همین حالات آنها گواهی می‌دهد که این صفات در وجود آنها ریشه دوانده است. «۱» آری؛ رنگ رخساره خبر می‌دهد از سردرون. ۵. «خیر» به معنای هر گونه نیکی، هم‌چون علم، بهشت، سعادت و ثروت است و در این جا مقصود ثروت دوستی است. «۲» البته دوست داشتن اموال در اصل بد نیست ولی هنگامی که به حد مال پرستی برسد و انسان را به بخل و ناسپاسی بکشاند، نکوهیده خواهد بود. چون انسان را از هدف اصلی و کمال و سعادت باز می‌دارد. هر سر موی تو را با زندگی پیوندهاست با چنین دل‌بستگی از خود بریدن مشکل است (صائب) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رزمندگان اسلام و وسایل رزمی آنان، آن قدر مقدس‌اند که می‌توان به آنها سوگند یاد کرد. ۲. در هنگام جهاد، به دشمن شیخون بزیند و صبحگاهان او را غافلگیر کنید. ۳. انسان (های تربیت نیافته) را، از ناسپاسی، بخل و مال دوستی بشناسید. ۴. مال دوستی شدید (که به مرحله‌ی مال پرستی برسد)، مطلوب نیست. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۳ قرآن کریم در آیات نهم تا یازدهم سوره‌ی عادیات با یادآوری رستاخیز و آشکار شدن اسرار در آن روز و احاطه‌ی علمی خدا، به انسان‌ها هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۹- ۱۱. أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ* إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ و آیا نمی‌داند در زمان (رستاخیز) آنچه در قبرهاست برانگیخته می‌شود؟* و آنچه در سینه‌هاست به‌دست آورده (و آشکار) شود؟* قطعاً در آن روز پروردگارشان به (حال) آنان آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات رستاخیز، زنده شدن مردگان، استخراج آنان از قبر و آشکار شدن اسرار درونی آنها یادآوری شده است تا هشدار باشد برای انسان‌های ناسپاس، بخیل و مال پرست که از کردار و نیت‌های خود مراقبت کنند. ۲. اکثر افراد از قبرها زنده بیرون می‌آیند ولی کسانی که قبر ندارند، مثل کسی که غرق شده یا سوخته، در حقیقت قبر آنها همان محلی است که ذرات وجودشان در آن جا پراکنده شده است، و از آن جا برانگیخته می‌شوند. ۳. خدا همیشه از اعمال انسان با خبر است، و این که تأکید شده خدا در رستاخیز بر انسان احاطه‌ی علمی دارد و از اعمال و نیت‌های او با خبر است، بدان جهت است که آن روز، روز جزاست و نتایج اعمال در آن روز ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر، این یادآوری برای تهدید به آن روز است که اگر انسان به این احاطه‌ی علمی خدا توجه داشته باشد، کم‌تر به گناه و ناسپاسی اقدام می‌کند. ۴. در رستاخیز اسرار و نیت‌های انسان را از درون دل و روح او استخراج می‌کنند و هر خیر و شری را جدا می‌سازند. «۱» کفر و ایمان، نیت‌های خوب و بد و صفات نیک و ناپسند را از روح انسان جدا کرده و آشکار می‌سازند و بر طبق آنها کیفر می‌دهند. هر خیالی که در دل و وطن روز محشر صورتی خواهد شد (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌ها به یاد معاد باشند (و از مال پرستی و ناسپاسی دست بردارند). ۲. رستاخیز، روز آشکار شدن اسرار درونی انسان و جدا سازی نیک و بد آنهاست، (پس مراقب اعمال و نیت‌های خود باشید). ۳. خدا بر شما احاطه‌ی علمی دارد (و در رستاخیز بر اساس علم خود پاداش و کیفر می‌دهد، پس مراقب کردار خود باشید). «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۵

بخش بیست و چهارم: سوره‌ی قارعه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «قارعه» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۱ آیه، ۳۶ کلمه و ۱۵۰ حرف است. این سوره بیست و نهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «قریش» و قبل از سوره‌ی «قیامت») و صد و یکمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «قارعه» (کوبنده) است که یکی از نام‌های رستاخیز بوده و از آیه‌ی اول سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۶

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «قارعه» را بخواند، خدای متعال او را از فتنه‌ی ایمان آوردن به دجال حفظ می‌کند و او را در قیامت از چرک جهنم دور می‌دارد. ان شاء الله! «۱» البته روشن است که این آثار برای کسی است که آن سوره را بخواند و در راستای محتوای آن حرکت کند و اعمال نیک خویش را افزایش دهد.

اهداف

اهداف: محور اساسی این سوره معاد و هشدار در مورد آن است.

مطالب

مطالب: ۱. بیان یکی از نام‌های رستاخیز و اشاره‌ای به عظمت آن (در آیات ۱-۳)؛ ۲. اشاره‌ای به حوادث هولناک آستانه‌ی رستاخیز (در آیات ۴ و ۵)؛ ۳. یادآوری فرجام نیک پرکاران نیکوکار (در آیات ۶ و ۷)؛ ۴. یادآوری فرجام عذاب آلود کم کاران گناهکار (در آیات ۸ و ۹)؛ ۵. بیان یکی از نام‌های دوزخ، یعنی هاویه (در آیات ۹-۱۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی قارعه قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی قارعه به حوادث کوبنده‌ی آستانه‌ی رستاخیز و وضع مردم و کوه‌ها در آن زمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. الْقَارِعَةُ * مَيَا الْقَارِعَةُ * وَمَا أَدْرَاكَ مَيَا الْقَارِعَةُ * يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ * وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (رستاخیز) کوبنده! * (رستاخیز) کوبنده چیست؟! * و چه چیز تو را آگاه کرد که (رستاخیز) کوبنده چیست؟! * روزی که مردم هم‌چون پروانه‌ی پراکنده‌اند؛ * و کوه‌ها هم‌چون پشم رنگین زده شده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قارعه» در اصل به معنای کوبیدن چیزی بر چیز دیگر است که صدای شدیدی از آن برخیزد. هم چنین به هر حادثه‌ی مهم و سختی نیز قارعه گویند. این واژه یکی از نام‌های رستاخیز است که اشاره به حوادث هولناک کوبنده و پُر سر و صدای رستاخیز دارد؛ حادثه‌ای عظیم که ابعادش به فکر هیچ کس نمی‌رسد. از این رو خطاب به پیامبر می‌فرماید: «چه چیز تو را آگاه کرد که کوبنده چیست؟!». ۲. در این آیات حوادث هولناک قبل از برپایی روز قیامت یادآوری شده است. حوادثی که موجب در هم

ریختن و تخریب نظام هستی و حیرت و سرگردانی مردم می‌شود، به طوری که هم‌چون پروانه به گرد خود می‌چرخند. ۳. در آستانه‌ی رستاخیز کوه‌ها از هم متلاشی شده و هم‌چون پشم‌های رنگین زده شده، سبک‌بال در فضا حرکت می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حوادث رستاخیز عظیم و کوبنده‌اند! (پس برای آن روز آماده شوید). ۲. حوادث هولناک و کوبنده‌ی رستاخیز، ما فوق درک بشری است. ۳. در آستانه‌ی رستاخیز، نظام جهان درهم می‌ریزد. ۴. سرگردانی رستاخیز را به یاد آورید (و برای آن روز آماده شوید). *** قرآن کریم در آیات ششم تا یازدهم سوره‌ی قارعه به دو گروه انسان‌های پرکار و کم‌کار و فرجام آنان اشاره می‌کند و با هشدار در مورد سوزندگی آتش دوزخ می‌فرماید: ۶- ۱۱. فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ * وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ * فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ * نَارًا حَامِيَةً * و اما کسی که (در آن روز) ترازوهای (اعمال) او سنگین است، * پس او در زندگی رضایت‌بخش است؛ * و اما کسی که ترازوهای (اعمال) او سبک است، * پس باز گشتگاه او ساقط شدن (در دوزخ) است. * و چه چیز تو را آگاه کرد که آن (دوزخ) چیست؟! * (آن) آتشی سوزان است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت انسان‌های نیکوکار و بدکار را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مخاطبان قرآن بتوانند آگاهانه راه خود را انتخاب کنند. در این آیات نیز سرنوشت نیکوی انسان‌های «پرکار نیکوکار» و سرنوشت عذاب‌آلود انسان‌های «کم‌کار گناهکار» ترسیم شده است تا شما یکی از آنها را انتخاب کنید. ۲. «موازن» جمع مؤنث، به معنای چیزی که وزن می‌شود، یا به معنای ترازوهای معمولی دنیوی نیست؛ بلکه منظور میزان و معیار سنجش اعمال انسان‌هاست. همان ۳۱۹ البته مقصود از ترازو در این جا ترازوهای معمولی دنیوی نیست؛ بلکه منظور میزان و معیار سنجش اعمال انسان‌هاست. همان طور که مقصود از وزن اعمال، سنجش اعمال انسان‌ها با الگوهای کامل است. «۱» برخیز که آویخت ترازوی قیامت برسنج بین که سبکی یا که گرانی (مولوی) ۳. در برخی از احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده: (مقصود از) ترازو، عدل است. «۲» و در برخی دیگر از احادیث آمده: امیر المؤمنین علیه السلام و امامان از دودمان ایشان علیهم السلام، وسایل سنجش هستند. «۳» یعنی در رستاخیز اعمال مردم را با اعمال رهبران الهی مقایسه می‌کنند و میزان ارزش آنها را مشخص می‌سازند؛ زیرا اعمال ائمه علیهم السلام کامل‌ترین اعمال و میزان و معیار و الگوی دیگران است؛ از این رو ترازوی عدل است. ۴. کسانی که در دنیا کارهای نیک زیاد، یا کارهای با کیفیت و همراه با اخلاص انجام داده‌اند، اعمالشان در رستاخیز سنگین است؛ یعنی هنگام سنجش، اعمال نیکشان بیش از اعمال بدشان است؛ از این رو آنان زندگی رضایت‌بخشی خواهند داشت. ۵. مقصود از زندگی رضایت‌بخش و خشنود، همان بهشت جاویدان است؛ زیرا به قدری رضایت‌بخش است که گویی خودش خشنودی و رضایت است. «۴» آری؛ زندگی دنیا هر اندازه مرفه باشد باز هم از عوامل ناخشنود خالی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۰ نیست؛ اما زندگی آخرت از همه جهت آرام و مایه‌ی خشنودی است. ۶. روایت شده که ذکر کلمه‌ی «لا اله الا الله» و «صلوات» بر محمد و آل محمد و نیز «نیکویی باطن»، میزان اعمال انسان را در رستاخیز سنگین می‌کند. «۱» ۷. هر کس اعمال نیکش در رستاخیز سبک و کم باشد، باز گشتگاه او دوزخ است و از مغز به دوزخ سقوط می‌کند. «۲» ۸. «هاویه»، در اصل به معنای سقوط کردن و یکی از نام‌های دوزخ است؛ چرا که دوزخ عمیق است و گناهکاران در آن سقوط می‌کنند و یا مردم با مغز در آن سقوط می‌کنند. «۳» همان دوزخی که دارای آتش سوزان و حرارت شدید است و گناهکاران را می‌سوزاند و درک عظمت و عذاب آن برای هر کس مقدور نیست! آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردم در رستاخیز، به دو گروه «سنگین بار» و «سبک بار» تقسیم می‌شوند. ۲. فرجام نیک و بد شما در رستاخیز، در گرو اعمال شماست. ۳. رستاخیز روز سنجش اعمال شماست (پس برای آن روز آماده شوید). ۴. (تلاش کنید) اعمال نیک شما، سنگین‌تر از اعمال بد شما باشد تا فرجام رضایت‌بخشی پیدا کنید. ۵. فرجام بدکاران، سقوط در دوزخی سوزان است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۱

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «تکواثر» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۸ آیه، ۲۸ کلمه و ۱۲۰ حرف است. این سوره پانزدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «کوثر» و قبل از سوره‌ی «ماعون») و صد و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۲ تنها نام این سوره «تکواثر» (فزون‌طلبی) است که از آیه‌ی اول سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «تکواثر» را بخواند خدا از نعمت‌هایی که در دنیا به او داده است حساب‌رسی نمی‌کند و پاداش قرائت هزار آیه را به او می‌دهد. «۱»

اهداف

اهداف: محورهای اصلی این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری معاد و هشدار در این زمینه؛ ۲. سرزنش فخر فروشان زیاده طلب.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری زیارت قبور و شمارش آنها برای فخر فروشی (در آیه‌ی ۲)؛ ۲. بیان دو مرحله از علم، یعنی علم الیقین و عین الیقین (در آیات ۵-۷)؛ ۳. بیان بازپرسی از نعمت‌ها در رستاخیز (در آیه‌ی ۸)؛ ۴. اشاره‌ای به مشاهده‌ی عینی دوزخ (در آیات ۶ و ۷). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی تکواثر قرآن کریم در سوره‌ی تکواثر با سرزنش فخر فروشان افزون طلب، به مراحل یقین و مشاهده‌ی رستاخیز و باز پرسی از نعمت‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۸. *أَلَهَّاكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ * كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ * ثُمَّ لَسَأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ* افزون‌طلبی و فخر فروشی شما را سرگرم ساخت،* تا این که به دیدار قبرها رفتید.* هرگز چنین نیست، در آینده خواهید دانست!* سپس هرگز چنین نیست، در آینده خواهید دانست!* هرگز چنین نیست، اگر (بر فرض) با علم یقینی می‌دانستید،* حتماً دوزخ را می‌دیدید؛* سپس مسلماً با دیده‌ی یقین آن را می‌دیدید؛* سپس در آن روز قطعاً از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد. شأن نزول: حکایت شده: برخی قبایل عرب در مورد کثرت افراد و اموال خود بر یکدیگر مباحثات و فخر فروشی می‌کردند، تا جایی که به گورستان رفتند و شمار قبرهای مردگان قبیله‌شان را به رخ دیگران کشیدند. سوره‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و این کارها و فخر فروشی‌ها را سرزنش کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کسانی که به کارهای کوچک مشغول و سرگرم‌اند و از کارها و اهداف تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۴ بزرگ باز مانده‌اند مورد سرزنش قرار می‌گیرند «۱»؛ زیرا آنها از یاد خدا و معاد باز می‌مانند و از راه سعادت و تکامل بشری دور می‌افتند. ۲. برخی افراد چنان گرفتار فخر فروشی می‌شوند که حتی به قبرستان‌ها می‌روند و با شمارش مردگان خویش

مباهات می‌کنند، و تا لحظه‌ی مرگ و رسیدن به قبر دست از فخر فروشی برنمی‌دارند. (۲) «۳». «تکاثر»، در اصل به معنای تفاخر و مباهات است، ولی در برخی احادیث به معنای افزون طلبی و ثروت اندوزی نیز آمده است. چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید: تکاثر، جمع آوری اموال از راه غیر حق، و ندادن حق (دیگران) و جمع آوری در انبان است. (۳) «۴». در این آیات، دو بار بیان شده که افزون طلبان فخر فروش به زودی خواهند دانست. تکرار این تعبیر ممکن است برای تأکید مطلب و هشدار باشد و یا این که جمله‌ی اول اشاره به عذاب قبر و برزخ، و جمله‌ی دوم اشاره به عذاب رستاخیز و هشدار در مورد آنها باشد. همان طور که در برخی احادیث به این مطلب اشاره شده است. (۴) «۵». یکی از عوامل معرفت شناختی تفاخر و افزون طلبی «جهل» است. جهل تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۵ نسبت به رستاخیز، عذاب‌های آن روز و ضعف‌ها و آسیب پذیری‌های انسان. اگر انسان بداند که با ورزش تندبادی، یا صاعقه و زمین لرزه‌ای، یا بارش بارانی نابود می‌شود؛ و اگر بداند در برزخ و رستاخیز چه عذاب‌هایی در انتظار سرکشان مغرور است، هرگز سرگرم تفاخر نمی‌شود و از یاد خدا و معاد غافل نمی‌گردد. من گرفتم که قمار از همه عالم بردی دست آخر همه را باخته می‌باید رفت (صائب) ۶. در احادیث اسلامی به عوامل روان‌شناختی تفاخر نیز اشاره شده است؛ از جمله در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده: هیچ کس تکبر یا فخر فروشی نمی‌کند، مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می‌یابد. (۱) «۷». «یقین» به معنای وضوح و ثبوت چیزی است و در برابر «شک» قرار می‌گیرد؛ همان طور که علم در برابر جهل قرار می‌گیرد. طبق احادیث، یقین از مراحل عالی ایمان است. (۲) «۸». در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده: ایمان یک درجه از اسلام برتر است؛ و تقوا یک درجه از ایمان بالاتر و یقین یک درجه از تقوا برتر در میان مردم چیزی کم‌تر از یقین تقسیم نشده است. شخصی از آن حضرت پرسید: یقین چیست؟ ایشان فرمودند: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۶ حقیقت یقین، توکل بر خدا، تسلیم در برابر ذات پاک او، رضا به تقدیر الهی، و واگذاری کارهای خویش به خداست. (۱) «تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایش (حافظ) ۹. یقین دارای مراتبی است: الف) علم یقین؛ یعنی انسان با دلایل مختلف، به چیزی باور پیدا کند؛ مثل کسی که از دیدن دود به وجود آتش پی می‌برد؛ ب) عین یقین؛ یعنی انسان حقیقتی را با چشم ببیند و باور نماید؛ مثل کسی که آتش را مشاهده کند؛ ج) حق یقین؛ یعنی کسی خود حقیقت خارجی را درک کند؛ مانند کسی که داخل آتش شود و آن را شهود نماید. اگر کسی به مرحله‌ی علم یقین برسد دوزخ را می‌بیند و اگر به مرحله‌ی عین یقین برسد آن را مشاهده می‌کند. البته این مشاهدات ممکن است در قیامت باشد، یا در همین دنیا به وسیله‌ی شهود قلبی باشد؛ چون بهشت و دوزخ آفریده شده، و موجود است. ۱۰. در رستاخیز از نعمت‌ها سؤال می‌شود. واژه‌ی «نعمت» معنای وسیعی دارد که شامل نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود. از این رو در برخی احادیث روایت شده که مقصود آب و غذاست (۲) «و در برخی دیگر از احادیث روایت شده که مقصود نعمت اهل بیت علیه السلام است (۳) «چون نعمت تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۷ ولایت و رهبری و هدایت از بزرگ‌ترین نعمت‌ها و سرمایه‌های خدا دادی است! بلکه همه‌ی این‌ها از مصادیق نعمت‌های الهی‌اند که در قیامت از آنها پرسش می‌شود که در مورد آنها چه کردید. آیا از آنها به طور صحیح استفاده کردید و شکر آنها را به جا آوردید؟ حق همی گوید چه آوردی مرا اندرین مهلت که دادم مر تو را عمر خود را در چه پایان برده‌ای؟ قوت و قوت در چه فانی کرده‌ای؟ گوش و چشم و هوش و گوهرهای عرش خرج کردی چه خریدی تو ز فرش؟ (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افزون طلبی و فخر فروشی شما را سرگرم نسازد (و از اهداف بلندی هم چون خدا و معاد غافل نسازد). ۲. افزون طلبی و فخر فروشی (مرز ندارد و) ممکن است، به مرده شماری برسد. ۳. ریشه‌ی افزون طلبی و فخر فروشی، جهل است. ۴. اگر انسان به مرحله‌ی علم یقینی و عینی برسد، دوزخ را مشاهده می‌کند (و از فخر فروشی دست برمی‌دارد). ۵. رستاخیز، روز بازپرسی از نعمت‌هاست، (پس مراقب باشید نعمت‌ها را به جا مصرف کنید و سپاس آنها را به جا آورید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۹

سیمای سوره‌ی عصر بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز کلیات: سوره‌ی «عصر» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۳ آیه، ۱۴ کلمه و ۶۸ حرف است. این سوره دوازدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «انشراح» و قبل از سوره‌ی «عادیات») و صد و سومین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «عصر» (فشرده، بعد از ظهر و یا مطلق زمان) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۰ فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی عصر را در نمازهای مستحبی بخواند، خدا او را در رستخیز بر می‌انگیزد در حالی که صورتش نورانی، چهره‌اش خندان و چشمش روشن (به نعمت‌های الهی) است تا این که داخل بهشت شود. «۱» البته روشن است که این پاداش‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند. اهداف: محورها و اهداف اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) بیدارگری انسان با یادآوری سرگذشت رو به افول و فروکاهشی او؛ ب) بیان عوامل نجات و سعادت انسان. مطالب: ۱. سوگند به عصر (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. بیان نقش ایمان، عمل صالح، حق‌گرایی و شکیبایی در سعادت انسان (در آیه‌ی ۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۱ دوم: محتوای سوره‌ی عصر قرآن کریم در سوره‌ی عصر زنگ بیداری انسان‌ها را به صدا درمی‌آورد و سرنوشت خسارت بار انسان و عوامل چهارگانه‌ی نجات و سعادت او را یادآوری می‌کند و می‌فرماید: ۱-۳. وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ سَوَّغْنَا لَهُمُ الْعَصْرَ! * قطعاً [هر] انسان در زیانکاری است، * مگر کسانی که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند و یک‌دیگر را به حق سفارش کرده و هم‌دیگر را به شکیبایی سفارش نموده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال راستگوست و نیازی به سوگند ندارد، ولی گاهی برای تأکید بر مطلبی و یا نشان دادن اهمیت چیزی بدان سوگند یاد می‌کند؛ از این رو در این سوره به «عصر» قسم یاد می‌کند تا توجه انسان را به اهمیت زمان و عصر جلب کند، و او را به تأمل بیش‌تر در عوامل زیانکاری و سعادت خود فرا خواند. ۲. «عصر» در اصل به معنای «فشردن» است. به بعد از ظهر نیز عصر گویند؛ چون کارها در آن موقع فشرده‌تر می‌شود. مفسران قرآن در این که مقصود از «عصر» چیست چند احتمال داده‌اند: الف) منظور همان معنای لغوی عصر، یعنی فشارها و مشکلات زندگی انسان است که غفلت زداست و انسان را به یاد خدا می‌اندازد؛ ب) منظور همان زمان عصر (بعد از ظهر) است. زمانی که زندگی روزانه تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۲ دگرگون می‌شود و همه‌ی موجودات، خسته و کوفته به سوی خانه‌ها می‌روند. این دگرگونی نظام هستی نشانه‌ای از نشانه‌های خداست؛ ج) مقصود سراسر زمان و تاریخ بشریت است که مملو از حوادث تکان دهنده و درس‌های عبرت‌آموز و بیدارگر است؛ د) منظور، عصر نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله یا عصر قیام مهدی (عج) است که عظمت خاصی در تاریخ بشریت دارد. در روایات به این مورد اشاره شده است. «۱» ه) مقصود، انسان کامل است که فشرده و عصاره‌ی عالم است؛ و) منظور، نماز عصر است که اهمیت ویژه‌ای دارد و گاهی از آن با عنوان «صلاة وسطی» یاد می‌شود. «۲» البته این تفسیرها با هم منافاتی ندارند و مانعی ندارد که «عصر» به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد، ولی با توجه به آیات بعد، معنای زمان و تاریخ بشر از همه مناسب‌تر است. ۳. سرمایه‌های وجودی انسان هر روز کاهش می‌یابد و او همواره زیان می‌بیند، «۳» چون سرمایه‌ی عمر، استعداد، نیروهای جسمانی و روحانی‌اش، رو به تحلیل و تقلیل است و سیر فروکاهشی دارد. سحر که به راهی یکی پیر دیدم سوی خاک خَم گشته از ناتوانی بگفتم: چه گم کرده‌ای اندرین ره؟ بگفتا جوانی جوانی جوانی (ملک الشعراء بهار)

۴. از نظر جهان بینی اسلامی، جهان، بازار و تجارت‌خانه‌ای است که گروهی در آن سود می‌برند و گروهی زیان می‌بینند. «۴» بنابراین طبق این آیات تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۳ همه‌ی انسان‌ها در حال زیانکاری‌اند، مگر کسانی که سرمایه‌های وجودی خود را در راه ایمان و عمل شایسته صرف کرده و زندگی معنوی پرسودی داشته‌اند. ۵. چهار عامل سعادت و نجات انسان از زیانکاری عبارت‌اند از: الف) ایمان، که زیر بنای فعالیت‌های فکری و اعتقادی انسان است؛ مانند ایمان به خدا، معاد،

نبوت و امامت؛ ب) کارهای شایسته، که نوعی خدمت به خویش و مردم است؛ مانند عبادت، علم آموزی، پرورش اخلاقی، کمک مادی و معنوی به مردم و انجام خدمات عمومی و خصوصی؛ سود دنیا و دین اگر خواهی مایه‌ی هر دو شان نکوکار است گر در خلد را کلیدی هست بیش بخشیدن و کم آزاری است (ابن یمین) ج) فراخوان عمومی به حق (یعنی مطالبی که مطابق واقع باشد هم چون توحید، قرآن، عدالت، راستی و ...) و فراخوانی به وسیله‌ی ارشاد، تشویق، تعلیم، آگاهی بخشی و امر به معروف و نهی از منکر؛ د) فراخوان عمومی به صبر و شکیبایی، یعنی دعوت به مقاومت در برابر مشکلات، صبر در برابر گناهان و شکیبایی در انجام وظایف و عبادات. ای دل صبور باش و غم مخور که عاقبت این شام صبح گردد و این شب سحر شود (حافظ) ۶. در روایات تاریخی آمده است: یاران پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که با یکدیگر ملاقات می کردند پیش از آن که از هم جدا شوند، سوره‌ی «عصر» را می خواندند و محتوای عالی آن را یاد آوری می کردند. «۱» ۷. حق گرای و صبر پیشگی باید دو طرفه باشد؛ یعنی نباید فقط به فکر تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۴ نجات خویش بود بلکه باید افراد جامعه را نیز به حق گرای و استقامت در این راه فراخواند. ۸. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که برای وجود شما قیمتی جز بهشت نیست، پس خودتان را به کم تر از آن نفروشید. «۱» ۹. انسان سرمایه‌ی وجودی خود را لحظه به لحظه از دست می دهد، و هر گامی که برمی دارد به طرف مرگ است! ولی در عوض چه چیزی به دست می آورد؟ برخی انسان‌ها عمر و زندگی خویش را برای به دست آوردن مال و مقام ناپایدار و یا لذتی زودگذر مصرف می کنند در حالی که این‌ها برای زندگی بشر لازم است اما هیچ کدام بهای عمر و سرمایه‌ی وجود انسان نیست. انسان باید در برابر سرمایه‌ی عظیمی که مصرف می کند چیزی بزرگ هم چون کمال، سعادت، خشنودی خدا و بهشت را به دست آورد. و به دست آوردن چنین کالایی جز از مسیر ایمان، عمل شایسته، سفارش مستمر به حق گرای و شکیبایی و استقامت در آن راه میسر نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ای انسان‌ها بیدار شوید که هر لحظه سرمایه از کف می دهید و زیان می بینید. ۲. ایمان، شایسته کرداری، حق گرای و استقامت ورزی از عوامل نجات و سعادت است. ۳. تنها به فکر نجات خویش نباشید، بلکه دیگران را نیز به حق گرای و استقامت فراخوانید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۵ عوامل زیانکاری انسان ۱. انسان (هر لحظه) در حال زیانکاری است؛ چون سرمایه‌های خود را از دست می دهد (عصر، ۲)؛ ۲. هر کس شیطان را به عنوان دوست و سرپرست خود برگزیند، زیانی آشکار می بیند (نساء، ۱۱۹)؛ ۳. کسانی که ملاقات الهی را تکذیب می کنند، زیانکارند (انعام، ۳۱ و یونس، ۴۵)؛ ۴. فرزندکشی عامل زیانکاری است (انعام، ۱۴۰)؛ ۵. کسانی که در برابر آزمایش‌ها و مشکلات طاقت نیاورند و مرتجع شوند، زیانکارند (حج، ۱۱)؛ ۶. باطل گرایان زیانکارند (غافر، ۷۸)؛ ۷. کفر و شرک عامل زیانکاری است (غافر، ۸۵ و زمر، ۶۵)؛ ۸. اهل کتاب که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را می شناسند و به او ایمان نمی آورند، زیانکارند (انعام، ۲۰)؛ ۹. هر کس در رستاخیز کفّی اعمالش سبک باشد، زیانکار است (اعراف، ۹)؛ ۱۰. کسی که مانع راه خدا شود زیانکارترین افراد است (هود، ۱۹-۲۲)؛ ۱۱. زیانکار واقعی کسی است که به جان و خانواده‌اش زیان وارد شود (زمر، ۱۵ و شوری، ۴۵)؛ ۱۲. قطع رحم و فسادگری عامل زیانکاری است (بقره، ۲۷)؛ ۱۳. گمراهی عامل زیانکاری است (اعراف، ۱۷۸)؛ ۱۴. کسانی که خود را از مکر و نقشه الهی ایمن بدانند، زیان کارند (اعراف، ۹۹)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۶ ۱۵. کسانی که اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شود، زیانکارند (توبه، ۶۹)؛ ۱۶. حزب شیطان، زیانکارند (مجادله، ۱۹)؛ ۱۷. کسی که اموال و فرزندانش او را از یاد خدا باز دارد، زیانکار است (منافقون، ۹)؛ ۱۸. هر کس راهی غیر از اسلام بیوید، زیانکار است (آل عمران، ۸۵)؛ ۱۹. اطاعت از کافران به زیانکاری منتهی می شود (آل عمران، ۱۴۹)؛ ۲۰. تکذیب گران پیامبران و آیات الهی، زیانکارند (اعراف، ۹۲ و ۹۵)؛ ۲۱. ستمکاران، از قرآن جز زیانکاری برداشت نمی کنند (اسراء، ۸۲)؛ ۲۲. کسانی که فکر می کنند نیکوکارند ولی کارهایشان نابود شده است، زیانکارترین مردم هستند (کهف، ۱۰۳ و ۱۰۴). راهکارهای نجات از زیانکاری ۱. ایمان، عمل شایسته و سفارش به حق و صبر (عصر، ۳)؛ ۲. فضل و رحمت الهی (بقره، ۶۴)؛ ۳. آمرزش و رحمت الهی (اعراف، ۲۳

و (۴۹)؛ ۴. ترک ظلم، کفر، شرک و چیزهایی که زمینه‌ساز و عامل زیانکاری‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۷

بخش بیست و ششم: سوره‌ی همزه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «همزه» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۹ آیه، ۳۳ کلمه و ۱۳۰ حرف است. این سوره سی و یکمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «قیامت» و قبل از سوره‌ی «مُرسلات») و صد و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «هُمَزَه» و «لُمَزَه» (بسیار بدگو و طعنه زن و عیب‌جو) که از آیه‌ی اول سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۸

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی همزه را بخواند، ده برابر تعداد کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام را ریشخند می‌کردند، به او نیکی و حسنه داده می‌شود. «۱»

اهداف

اهداف: محورهای اصلی این سوره عبارت‌اند از: الف) سرزنش ثروت اندوزان عیب‌جو؛ ب) یادآوری معاد.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری این نکته که ثروت، انسان را جاویدان نمی‌کند (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. اشاره به یکی از نام‌های دوزخ یعنی حُطَمَه (درهم شکننده) (در آیه‌ی ۴)؛ ۳. بیان اوصاف آتش دوزخ، و این که آن آتش از درون می‌سوزاند (در آیات ۶-۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۹

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی همزه قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی همزه به نکوهش زراندوزان و عیب‌جویان می‌پردازد و با بیان فرجام عذاب‌آلود آنان می‌فرماید: ۱-۴. **وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ* يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ* كَلَّا لَيُبَدَنَّ فِي الْأُخْتَمَةِ وَايَ بِرِ هَرِّ بَسِيَّارٍ بَدَّغُو [و] بَسِيَّارٍ عَيْبِ جَوِي (طعنه زن)!*** (همان) کسی که ثروت را جمع‌آوری کرد و آن را شمارش نمود.* می‌پندارد که ثروتش او را ماندگار کرده است.* هرگز چنین نیست؛ قطعاً در (دوزخ) درهم شکننده افکنده می‌شود. شأن نزول: حکایت شده که برخی از سران مشرکان مکه (هم‌چون ولید بن مُغیره)، پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله بدگویی می‌کردند و پیش‌رو، به آن حضرت طعنه و ریشخند می‌زدند. این سوره درباره‌ی آنها نازل شد و اعمال آنان را نکوهش کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند این سوره درباره‌ی افراد خاصی از سران مشرکان و دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله که نسبت به ایشان عیب‌جویی و بدگویی می‌کردند فرود آمده است، اما معنای سوره، شامل تمام عیب‌جویان زراندوز در طول تاریخ می‌شود و همه‌ی آنان را نکوهش می‌کند. منه عیب خلق ای فرومایه پیش که چشمت فرو دوزد از عیب خویش (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد بیست

و دوم، ص: ۳۴۰. در این آیات کسانی نکوهش شده‌اند که با غیبت، بدگویی، عیب جویی، ریشخند کردن، طعنه زنی و اشاره‌ی دست، چشم و آبرو، دیگران را تحت فشار روانی قرار می‌دهند. وای به حال چنین کسانی که عذاب دردناکی در انتظار آنهاست! ما نگوئیم بد و میل به ناحق نکنیم جامه‌ی کس سیاه و دلق خود ازرق نکنیم عیب درویش و توانگر به کم و بیش یدست کار بد مصلحت آنست که مطلق نکنیم (حافظ) ۳. «همزه» در اصل به معنای «فشار دادن» است «۱» و به غیبت کننده نیز گفته شده، چون با سخنان خود دیگران را تحت فشار قرار می‌دهد؛ و «لمزه» به کسی گویند که (با غیبت و طعنه‌زنی) در پی عیب‌جویی از دیگران است. «۲» البته برخی مفسران معانی دیگری نیز برای این دو واژه آورده‌اند. برخی نیز این دو را هم معنا دانسته‌اند. «۳» «۴» «وئیل» برای تهدید به کار می‌رود، یعنی وای به حال عیب جویان زراندوز! این تعبیر در قرآن، در مورد منافقان و کافران به کار رفته، که خدا موضع‌گیری سختی در برابر آنان دارد. ۵. در احادیث اسلامی بر حفظ آبروی مردم سفارش شده، و از آزار، عیب جویی و توهین به دیگران منع شده است. از جمله در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۱ خوارترین مردم کسی است که به دیگران توهین کند. «۱» و در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده که به برخی اصحاب فرمود: آیا شما را به بدترین مردم خبردهم؟ گفتند: آری ای فرستاده‌ی خدا. حضرت فرمود: کسانی که بسیار سخن چین‌اند و در میان دوستان جدایی می‌افکنند و از افراد پاک و بی‌گناه، عیب جویی می‌کنند. «۲» یکی گفت با صوفی در صفا ندانی فلانت چه گفت از قفا؟ بگفتا خموش ای برادر بخت ندانسته بهتر که دشمن چه گفت کسانی که پیغام دشمن برند ز دشمن همانا که دشمن ترند (سعدی) ۶. زراندوزان، که ثروت‌های زیاد را از راه حلال و حرام گردآوری می‌کنند و آنها را می‌شمارند و ذخیره می‌سازند، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. «۳» آنان می‌پندارند که ثروتشان آنها را جاویدان می‌سازد و مرگ و بیماری و حوادث را از آنان دفع می‌کند، در حالی که ثروت بی‌هدف و حرام، نه تنها مشکل‌گشا نیست بلکه مشکل‌ساز است؛ همان‌طور که قارون‌ها و فرعون‌ها را هلاک ساخت. ۷. در حدیثی از امام رضا علیه السلام روایت شده: مال، جز با پنج خصلت جمع نمی‌شود: بُخل شدید، آرزوهای دور و دراز، آزمندی، قطع رابطه با خویشاوندان و مقدم داشتن دنیا بر آخرت. «۴» ۸. در فرهنگ اسلامی، زراندوزی و تنگدستی هر دو نکوهش شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۲ انسان مسلمان باید با کار و تلاش زندگی مرفه و آبرومندی برای خود و خانواده‌اش فراهم سازد، ولی نباید گرفتار ثروت اندوزی بخیلانه و آزمندانه شود؛ به عبارت دیگر، ثروت برای فرد مسلمان نیک است، در صورتی که: الف) ثروت وسیله باشد نه هدف؛ ب) ثروتمند امیر بر مال باشد نه اسیر آن؛ ج) ثروت از راه قانونی و حلال به دست آید، نه از راه حرام و غیر قانونی؛ د) ثروت در راه حلال مصرف شود نه در کژ راه‌ها. ۹. «حُطْمَةٌ» (در هم شکستن) یکی از نام‌های دوزخ، یا بخش فوق العاده سوزان آن است. این نام اشاره به آن است که دوزخ، غرور زراندوزان عیب جو را درهم می‌شکند؛ همان‌طور که جسم آنان را می‌سوزاند و درهم می‌شکند. آری؛ همان‌گونه که آنان در دنیا بر مردم فشار روانی وارد می‌کنند، در آخرت گرفتار فشار شکننده‌ی دوزخ می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با بدگویی و عیب جویی، بر مردم فشار روانی وارد مسازید. ۲. ثروت اندوزی شما را جاویدان نمی‌سازد، (پس آزمند و بخیل نباشید). ۳. فرجام زراندوزان عیب جو، عذاب‌آلود است. ۴. هر کس به مردم فشار روانی وارد کند تحت فشار دوزخ، درهم شکسته می‌شود. *** قرآن کریم در آیات پنجم تا نهم سوره‌ی همزه با هشدار به زراندوزان عیب جو، به بیان اوصاف آتش دوزخ می‌پردازد و می‌فرماید: ۵- ۹. وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ * نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ * الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ * إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ * فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ * وَبِهِمْ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (آتش برافروخته‌ی خدایی است؛ * همان آتشی) که از دل‌ها (ی سوزان) سر می‌زند. * در حقیقت آن (آتش) بر آنان فرو بسته شده است، * در ستون‌هایی کشیده (و طولانی)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات، هشدار است به زراندوزان عیب‌جو؛ همان کسانی که با بدگویی و عیب‌جویی بر مردم فشار روانی وارد می‌کردند و سخنانشان هم‌چون عمودهایی بر قلب مردان خدا فرو می‌رفت و دل آنان را آتش می‌زد و اموال مردم را جمع کرده و

زندانی می‌کردند. اکنون در رستاخیز، این زراندوزان عیب جو، گرفتار آتشی می‌شوند که هم‌چون آتش مواد منفجره بر آنان فشار می‌آورد، غرور روانی و اعضای بدنشان را درهم می‌شکند و راه گریزی از آن ندارند؛ آتشی که هم‌چون میله‌های آهنی در اعماق وجود آنان نفوذ می‌کند و دلشان را آتش می‌زند و می‌سوزاند. آری؛ آتش دوزخ عکس العمل و تجسم اعمال افراد در دنیاست. چون هر چه می‌رسد به تو از کرده‌های توست جرم فلک کدام و گناه زمانه چیست؟ (صائب) ۲. در این آیات، تعبیراتی به کار رفته است که ذلت و خواری زراندوزان عیب جو را نشان می‌دهد. از طرفی بیان شده که آنان را به دوزخ پرتاب می‌کنند همان‌طور که چیزهای بی‌ارزش را دور می‌اندازند. «۱» و از طرف دیگر اشاره شده که آتش دوزخ آنان را درهم می‌شکند و غرور روحی و قدرت جسمانی آنها درهم فرو می‌ریزد «۲» و آنان حق بیرون آمدن از دوزخ را ندارند. «۳» آری؛ کسانی که با زبان و اشاره‌ی چشم و ابرو و با عیب‌جویی‌ها و طعنه‌های خود، دیگران را ریشخند و خوار می‌ساختند، اکنون در رستاخیز خوار و ذلیل می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۴. ۳. تعبیر «آتش الهی» اشاره به عظمت آتش دوزخ است. آتشی که به دل می‌رسد و آن را آتش می‌زند و می‌سوزاند، بر خلاف آتش‌های دنیوی که به پوست می‌رسند. ۴. مقصود از جمله‌ی «آتش دوزخ در ستون‌هایی است.» چیست؟ مفسران در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) منظور آن است که آتش دوزخ در ستون‌های طولانی است؛ ب) این تعبیر تأکیدی است بر بسته بودن درهای دوزخ که گویا با میخ‌های محکم بسته شده‌اند؛ ج) منظور نوعی از وسائل عذاب دوزخیان، همانند گند و زنجیر است؛ د) مقصود آن است که شعله‌های آتش دوزخ، هم‌چون اشعه‌ی ایکس، به صورت عمودی حرکت می‌کند و تا اعماق وجود انسان فرو می‌رود. «۱» البته مانعی ندارد که آیه‌ی به هم‌هی این معانی اشاره داشته باشد. معنای اول و چهارم نیز قابل جمع است، ولی معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذابی خرد کننده و دل‌سوز، در انتظار زراندوزان عیب‌جوست. ۲. از دوزخی به‌راسید که بر دل آتش می‌زند، (و دست از عیب‌جویی و زراندوزی بردارید). ۳. زراندوزی و عیب‌جویی، باعث زندانی شدن انسان در دوزخ می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۵

بخش بیست و هفتم: سوره‌ی فیل

اول

کلیات

فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «فیل» را در نماز واجب بخواند، در رستاخیز هر کوه و زمین هموار و کلوخی، برای او گواهی می‌دهد که او از نمازگزاران است. «۱»

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «تکواثر» را بخواند خدا از نعمت‌هایی که در دنیا به او داده است حساب‌رسی نمی‌کند و پاداش قرائت هزار آیه را به او می‌دهد. «۱»

ویژگی

ویژگی: خصوصیت سوره‌ی «فیل» آن است که با سوره‌ی «ایلاف» در حکم یک سوره‌اند. اگر کسی یکی از آنها را در نماز بخواند، باید دیگری را نیز بخواند تا یک سوره‌ی کامل به شمار آید. «۲»

اهداف

اهداف: هدف اصلی سوره هشدار به مخالفان اسلام و سرکشان قدرتمند است که از سرنوشت عذاب آلود فیل سواران عبرت آموزند.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری قدرت خدا در برابر دشمنان حق، که با پرنده‌گانی کوچک، لشکری عظیم را از پای در می‌آورد (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. اشاره‌ای به استفاده از فیل، در جنگ‌های ما قبل اسلام (در آیه‌ی ۱)؛ ۳. بیان این که خدا نقشه‌های دشمنان را نابود می‌کند (در آیه‌ی ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی فیل قرآن کریم در سوره‌ی فیل به ماجرای حمله‌ی فیل سواران به کعبه و فرجام هلاکت بار و عبرت آموز آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ * أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ * وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ * فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مِأْكُولٍ آیا نظر نکرده‌ای که پروردگارت با همراهان فیل چه کرد؟! آیا نیرنگ آنان را گم گشته فرار نداد؟! * و پرندگان دسته دسته بر آنان فرستاد، * که سنگ [هایی از جنس گل بر آنان افکندند؛ * و (سرانجام) آنان را هم چون برگ خورده شده قرار داد. شأن نزول: حکایت کرده‌اند: ابوطالب روزی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرسید: آیا تو پیامبر قوم خود هستی یا به سوی جهانیان برانگیخته شده‌ای؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: من به سوی تمام انسان‌های سیاه، سفید، عرب و عجم برانگیخته شده‌ام ... و تمام فارس و روم را به سوی این آیین فرا می‌خوانم. این سخن به گوش قریش رسید و آنها با اعتراض به ابوطالب گفتند: اگر این سخنان به گوش مردم فارس و روم برسد، ما را از سرزمین مان می‌ربایند و سنگ‌های خانه‌ی کعبه را قطعه قطعه جدا می‌کنند. در همین هنگام آیه‌ی ۵۷ سوره‌ی قصص و سوره‌ی فیل فرود آمد «۱» (و با تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۸ یادآوری سرگذشت هلاکت بار فیل سواران، گوش زد نمود که هیچ کس قادر نیست به کعبه حمله کند). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این سوره به ماجرای حمله‌ی ابرهه و سپاه فیل سوار او به کعبه اشاره دارد. «۱» ابرهه یکی از فرماندهان سپاه مسیحیان در فتح یمن بود. او که مردی قدرت طلب بود با کودتا در یمن به حکومت رسید و دستور ساخت کلیسایی زیبا را داد و از مردم عرب خواست که در آن عبادت کنند و از کعبه دست بردارند ولی آنها نپذیرفتند و حتی برخی از آنها به کلیسای ابرهه جسارت کردند و آن را آتش زدند؛ از این رو ابرهه تصمیم به تخریب کعبه گرفت تا هم از آنها انتقام گرفته باشد و هم مردم را متوجه کلیسای خود سازد. ابرهه با سپاهی فیل سوار «۲» به سوی مکه حرکت کرد و به غارت اموال مردم پرداخت که در این میان دویست شتر از عبدالمطلب به یغما رفت. سپس فرستاده‌ای به سوی بزرگ مردم مکه (عبدالمطلب) فرستاد تا به آنان خبر دهد که او فقط برای تخریب کعبه آمده و قصد جنگ ندارد. عبدالمطلب نزد او رفت و ضمن درخواست برگرداندن شترانش، به او گفت: من صاحب شتران هستم و خانه‌ی کعبه نیز صاحب دارد، که به زودی از آن دفاع می‌کند. با سرازیر شدن سپاه ابرهه به سوی کعبه، مردم مکه به دره‌ها و کوه‌ها پناه بردند ولی دیری نپایید که ابر سپاهی از پرندگان که شبیه پرستو بودند نمایان شد و هر کدام از آنها با سه سنگ ریزه‌ای که با منقار و پاها حمل می‌کردند بر لشکریان ابرهه حمله کردند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۹ و این سنگ ریزه‌ها به هر کس اصابت می‌کرد هلاک می‌شد. افرادی هم که جان سالم به در بردند فرار کردند. ۲. در همان سالی که سپاه فیل سوار به مکه حمله کرد (یعنی پنجاه و دو سال قبل از هجرت) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دنیا

آمد و آن سال به عام الفیل مشهور گشت که مبدأ تاریخی برای عرب‌ها شد. برخی مفسران برآن‌اند که این واقعه زمینه‌ساز ظهور پیامبر بود؛ یعنی از نوع معجزاتی است که قبل از قیام پیامبران واقع می‌شود، و در اصطلاح به این نوع وقایع، «ارهاص» گفته می‌شود. «۱» ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله واقعه‌ی حمله‌ی سپاهیان ابرهه به کعبه را ندیده بود، امّا در این آیات به ایشان خطاب می‌شود: «آیا نظر نکرده‌ای؟! این تعبیر به خاطر آن است که آن واقعه به عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار نزدیک بود به طوری که گویا پیامبر صلی الله علیه و آله با چشم خود دیده است؛ و یا این که مقصود از «نظر»، تأمل در این حادثه‌ی عبرت‌آموز است. ۴. لشکریان بی‌شمار ابرهه برای ایجاد رعب و وحشت از فیل‌هایی که پیشرفته‌ترین وسیله‌ی جنگی آن زمان به شمار می‌آمد، استفاده می‌کردند. اما خدا آنان را به وسیله‌ی موجوداتی کوچک، هم‌چون پرستو و توسط سنگ گل‌ها نابود ساخت تا درس عبرتی برای همه‌ی سرکشان زورمند باشد و بدانند که قدرت آنها در برابر قدرت الهی حقیر و ناچیز است! ۵. نیرنگ و نقشه‌ی ابرهه از این حمله، تخریب کعبه و فراخواندن مردم به عبادت در کلیسای خود بود، اما خدا این نقشه و نقشه‌کشان را نابود ساخت تا درس عبرتی برای دیگران شوند. آنان نه تنها به مقصود خود نرسیدند، بلکه شکست آنان بر عظمت مکه و کعبه افزود و امنیت آن جا را صد چندان کرد، و دل‌های مشتاقان را بیش‌تر جذب کعبه نمود. ۶. «أباییل» به معنای دسته‌دسته است، یعنی این پرندگان که شبیه پرستو بودند به صورت گروهی حرکت می‌کردند، و با سنگ گل‌های کوچکی که با خود حمل می‌کردند سپاه ابرهه را بمباران و هم‌چون برگ خردی بر تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۰ زمین ریختند و هلاک ساختند. ۷. در این جا پرسشی که مطرح است این است که چگونه سپاهی عظیم به وسیله‌ی سنگ گل‌های کوچک از پای درآمد؟ در پاسخ این پرسش باید گفت: قرآن اشاره کرده که این سنگ گل‌ها به نحوی معجزه‌آسا سپاه ابرهه را از پای درآورد، اما روشن نساخته است که این سنگ‌ریزه‌ها حامل میکرب‌هایی هم‌چون وبا، حصه و آبله بوده است؛ «۱» یا اتم‌های فشرده‌ای بوده که بسیار سنگین شده و به هر کجا اصابت می‌کرده آن را سوراخ می‌نموده است و یا به نوع دیگری بوده است. به هر حال خدایی که در درون هر ذره، نیروی اتمی قرار داده است می‌تواند به وسیله‌ی سنگ‌ریزه‌ها، سپاهی عظیم را نابود سازد. ۸. سپاهیان هلاک شده‌ی ابرهه، به برگ خورده شده، یا گاه جویده شده تشبیه شده‌اند. این مطلب اشاره به خواری و ناتوانی آن گروه سرکش، و متلاشی شدن کامل آنهاست. ۹. سوره‌ی فیل و ماجرای هلاکت بار و عبرت‌آموز آن، هشدار بود برای مشرکان مکه که با پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفت می‌کردند و درس آموزنده و هشدار دهنده‌ای است برای همه‌ی سرکشان تاریخ. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به سرنوشت عذاب‌آلود فیل سواران بنگرید و عبرت آموزید. ۲. خدا می‌تواند قدرتمندان و موجودات بزرگ را با کوچک‌ترین چیزها هلاک سازد. ۳. اگر خدا بخواهد، پرندگان و سنگ‌ریزه‌ها باعث نابودی دشمنان او می‌شوند. ۴. اگر کسی به مقدسات حمله کند خدا او را خرد و هلاک می‌سازد. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۱

بخش بیست و هشتم: سوره‌ی قریش

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «قریش» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۴ آیه، ۱۷ کلمه و ۹۳ حرف است. این سوره بیست و هشتمین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «قارعه») «۱» و صد و ششمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «قریش» (نام قبیله‌ای مشهور در مکه) و «لایلاف» (برای الفت گرفتن)، که هر دو نام از اولین آیه‌ی این سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۲

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی قریش را بخواند، ده برابر تعداد کسانی که گرد خانه‌ی کعبه طواف کرده یا اعتکاف می‌کنند، نیکی و حسنه به او می‌دهند. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن، یعنی دوستی با دیگران و پرستش خدای کعبه، حرکت کنند.

ویژگی

ویژگی: سوره‌ی «قریش» با سوره‌ی «فیل» یک سوره‌ی کامل به شمار می‌آید و اگر کسی یکی از آنها را در نماز بخواند، باید دیگری را نیز بخواند. «۲» البته ارتباط محتوای سوره‌ی قریش با سوره‌ی فیل شاهد این یگانگی است.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره بیان نعمت‌های الهی برای انگیزش حس سپاس‌گزاری و پرستش است.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری این نکته که الفت و دوستی یکی از نعمت‌های الهی است (در آیات ۱ و ۲)؛ ۲. بیان این مطلب که امنیت و غذا از نعمت‌های الهی است که باید در برابر آن از خدا سپاس‌گزاری نمود و او را پرستش کرد (در آیات ۳ و ۴)؛ ۳. یادآوری نعمت‌های الهی به قریش، و فراخوان آنان به سوی توحید (در آیات ۱-۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی قریش قرآن کریم در سوره‌ی قریش به اهمیت الفت و فلسفه‌ی پرستش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴-۱. لایلافِ قُریشٍ * ایلافِهِمْ رَحْمَةً الشَّائِ وَالصَّيْفِ * فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ برای الفت گرفتن قریش، * الفت آنان در سفر زمستانه و تابستانه، * پس باید پروردگار این خانه (: کعبه) را پرستند؛ * (همان) کسی که آنان را در گرسنگی غذا داد و آنان را از ترس ایمن ساخت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی «قریش» در حقیقت دنباله‌ی سوره‌ی «فیل» و یادآور نعمت‌های الهی بر مردم مکه است: خدا سپاه فیل سوار را نابود و حمله‌ی آنان به کعبه را دفع کرد، تا اجتماع قریش متلاشی نشود و الفت بیش‌تری یابد و به یاری خدا دلگرم شود. «۱» ۲. سرزمین مکه که بین شام و یمن قرار داشت سرزمینی خشک و کم‌آب بود و کشاورزی و دامداری در آن رونق چندانی نداشت، از این رو مردم مکه بیش‌تر به تجارت می‌پرداختند. آنان در تابستان به سوی سرزمین شام (یعنی فلسطین و سوریه) و در زمستان به سوی یمن که هوا در آن جا گرم‌تر بود، مسافرت می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۴ آنان در این سفرها نیازمند دوستی، امنیت و غذا بودند، و خدا به وسیله‌ی حفظ کعبه این امور را برای آنان به ارمغان آورد. یعنی پس از واقعه‌ی عام الفیل، قریش در میان مردم از احترام خاصی برخوردار شدند و کم‌تر متعرض آنان می‌شدند؛ کعبه نیز نقطه‌ی امید آنان بود و همگی به سوی آن باز می‌گشتند و با تجارت آنها و سفرهای زیارتی دیگران به مکه، اقتصاد مکه رونق می‌گرفت و غذای قریش تأمین می‌شد. ۳. در این آیات به سه نعمت دوستی، غذا و امنیت اشاره شده است. سه نعمتی که در زندگی بشر نقش اساسی دارد و لازم است انسان سپاس‌گزار این نعمت‌ها باشد و خدا را پرستد. ۴. «قریش» نام قبیله‌ی اصلی مردم مکه و در اصل به معنای اکتساب است؛ چون قریش زندگی خود را با تجارت می‌گذراندند؛ و یا به معنای بازرسی و

خبرگیری است که قریش از حاجیان اخبار اطراف را کسب می کردند؛ و یا به معنای اجتماع است؛ و یا نام نوعی حیوان قدرتمند دریایی است که حیوانات کوچک را می بلعد. «۱» به هر حال قریش که اولین مخاطبان اسلام بودند سابقه‌ی خوبی از خود برجای نگذاشتند؛ چون اکثر آنان در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستادند و او را آزار دادند و سپاس نعمت‌های الهی را به جا نیاوردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با یاد نعمت‌های الهی (مثل دوستی، امنیت و غذا) سپاس گزار و پرستشگر او باشید. ۲. منشأ امنیت، غذا و دوستی‌ها پروردگار شماست. ۳. قریش (و مردم مکه) قدر نعمت‌های الهی خود را بدانند و از پرستش خدا غافل نشوند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۵

بخش بیست و نهم: سوره‌ی ماعون

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «ماعون» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۷ آیه، ۲۵ کلمه و ۱۲۵ حرف است. این سوره شانزدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «تکواثر» و قبل از سوره‌ی «کافرون») و صد و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «ماعون» (وسایل ضروری و کوچک زندگی)، «الدین» (روز جزا و آیین) و «ارأیت» (آیا دیدی؟) که نام اول، از آیه‌ی هفتم، و دو نام دیگر از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۶

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده که هر کس این سوره را در نمازهای واجب و مستحب بخواند، خدا نماز و روزه‌ی او را قبول و از حساب دنیا معاف می‌کند. «۱» البته روشن است که این آثار برای کسانی است که این سوره را بخوانند و طبق محتوای آن عمل کنند؛ یعنی به دیگران کمک و به یتیمان و بینوایان رسیدگی کنند، و به نماز اهمیت دهند.

اهداف

اهداف: ۱. یادآوری معاد؛ ۲. بیان آثار انکار معاد و نکوهش منکران.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری لزوم رسیدگی به یتیمان و بینوایان (در آیات ۲ و ۳)؛ ۲. نکوهش غفلت کنندگان از نماز و ریاکاران (در آیات ۴-۶)؛ ۳. سرزنش کسانی که چیزهای کوچک و ضروری زندگی را به همسایگان نمی‌دهند (در آیه‌ی ۷). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی ماعون قرآن کریم در سوره‌ی ماعون به آثار انکار معاد در زندگی اجتماعی اشاره می‌کند و با هشدار به ریاکاران و سهل‌انگاران در نماز می‌فرماید: ۱-۷. أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ * وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ

الْمَسْكِينِ * فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرْءُونَ * وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ آيا دیدی کسی را که (روز) جزا را دروغ می‌انگارد؟! * پس آن کسی است که یتیم را به سختی می‌راند؛ * و بر غذا دادن به یتیم (یا) تشویق نمی‌کند. * و وای بر نمازگزاران؛ * (همان) کسانی که آنان از نمازشان غافل‌اند؛ * (همان) کسانی که ایشان ریاکاری می‌کنند؛ * و چیزهای اندک (وسایل زندگی را از دیگران) دریغ می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از تکذیب گرانی یاد شده که روز جزا و قیامت را انکار و یا دین اسلام را دروغ می‌شمارند. «۱» این بی‌ایمانی و دوری از دین، موجب می‌شود که دست به هر خلافکاری بزنند «۲» و نماز و عبادت را به فراموشی بسپارند و به انسان‌های نیازمند کمک نکنند؛ زیرا مهم‌ترین انگیزه‌ی انسان از انجام کارهای نیک و عبادت خالصانه، ایمان است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۸. ۲. در این آیات پنج اثر برای منکران دین و معاد بیان شده است: «۱ الف) به کودکان بی سرپرست توجه نمی‌کنند و برخورد خشونت آمیز با آنان دارند؛ ب) مردم را برای کمک به یتیمان تشویق نمی‌کنند؛ ج) نماز و عبادت را به فراموشی می‌سپارند، و در مورد آن سهل‌انگاری می‌کنند؛ د) افرادی ریاکارند که کارها را برای خدا و ثواب‌های اخروی انجام نمی‌دهند بلکه برای خشنودی مردم کار می‌کنند؛ ه) به همسایگان و دوستان کمک نمی‌کنند و حتی از عاریه دادن وسایل اندک و کوچک زندگی به آنان دریغ می‌کنند. ۳. در این آیات به دو نکته‌ی متفاوت در مورد یتیمان و یتیم‌ها اشاره شده است: الف) برخورد خشونت آمیز بی‌دینان با یتیمان و تأکید بر راندن آنها؛ ب) تأکید بر غذا ندادن به یتیمان. یعنی یتیمان بیش از هر چیز نیازمند محبت‌اند، تا کمبود عاطفی فقدان پدر و مادر آنها تأمین شود، ولی یتیمان بیش‌تر نیازمند غذا و کمک‌های مالی‌اند. ۴. مردم نه تنها وظیفه دارند به یتیمان کمک مالی کنند، بلکه باید دیگران را نیز در این کار تشویق کنند. آری؛ ما باید با تشکیل انجمن‌های خیریه و تبلیغات، مردم را برای کمک رسانی به نیازمندان تشویق کنیم. خواهی ز لطف بر تو گشاید خدا دری هر گز به قهر، خسته دلان را مران ز در (قاسم رسا) ۵. «ساهون» از ماده‌ی «سهو»، به معنای خطایی است که از روی غفلت سر می‌زند، که گاهی همراه با تقصیر در مقدمات یا بدون تقصیر است؛ که در این جا سهو و سهل‌انگاری همراه با تقصیر در انجام نماز است؛ یعنی افرادی که در مورد اصل نماز سهل‌انگاری و غفلت می‌کنند تا ترک شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۹ و یا این که در مورد وقت نماز سهل‌انگاری می‌کنند و آن را به تأخیر می‌اندازند. در احادیث اسلامی هر دو مورد از مصادیق آیه شمرده شده است «۱». آری؛ کسانی که اعتقاد قوی به دین و معاد ندارند، در نماز سهل‌انگاری می‌کنند؛ پس اگر می‌خواهید کسی به عبادت و نماز خود اهمیت دهد و آن را ترک نکند، اعتقادات او را قوی سازید. ۶. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که منظور از آیه، ترک نماز و سستی در انجام آن است. «۲» و در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده: هیچ عملی نزد خدا محبوب‌تر از نماز نیست، پس چیزی از امور دنیا شما را سرگرم نکند که از وقت خاص نمازها غافل سازد (سپس به آیه‌ی فوق اشاره کردند و آن را به معنای سهل‌انگاری در وقت نماز دانستند). «۳» ۷. در این آیات ریاکاران سرزنش شده‌اند، چراکه ارزش هر کاری به نیت آن است. اگر کاری برای خدا باشد ارزشمند است ولی اگر به قصد نشان دادن به مردم باشد نزد خدا پاداشی ندارد و تکامل معنوی و روحی برای انسان به بار نمی‌آورد. خدایا عطا کن نمازی که باشد منزّه ز خودبینی و خودنمایی در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس برای مردم عمل کند ثواب او بر مردم است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۰ سپس خطاب به یکی از اصحابش به نام زراره فرمود: ای زراره هر ریایی شرک است. «۱» کلید در دوزخ است آن نماز که در چشم مردم گراری دراز اگر جز به حق می‌رود جاده‌ات در آتش فشانند سجاده‌ات (سعدی) آری؛ ریاکاری شرک خفی است، چون فرد، غیر خدا را شریک در عبادت می‌کند. چو بر دل نشیند غبار ریا نتابد بر آن دل دگر روشنی (قاسم رسا) ۸. «ماعون» به معنای چیز اندک است و بسیاری از مفسران گفته‌اند: مقصود وسایل جزئی مورد نیاز و ضروری زندگی است، و غالباً همسایگان آنها را از هم‌دیگر عاریه می‌گیرند؛ مثل آب، نمک، کبریت و ظروف. «۲» کسانی که این وسایل را از دیگران دریغ کنند مورد سرزنش قرار گرفته‌اند، چرا که این نشانه‌ی بخل آنان و موجب به زحمت انداختن دیگران است. در

حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده: ماعون همان وامی است که انسان به دیگری می‌دهد و یا وسایل زندگی است که عاریه می‌دهد و یا کارنیکی است که انجام می‌دهد. «۳» ۹. در حدیث دیگری روایت شده که شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «ما همسایگانی داریم که وقتی وسایل را به عاریه می‌گیرند آنها را می‌شکنند و خراب می‌کنند، اگر وسایل را به آنها ندهیم گناه کرده‌ایم؟» حضرت فرمود: «در این صورت مانعی ندارد». «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دین ناباوری، انکار معاد و آثار آنها را بنگرید (و عبرت بیاموزید). ۲. برخورد خشونت آمیز با کودکان بی‌سرپرست، تشویق نکردن مردم به غذا رسانی به بینوایان، سهل انگاری در نماز، ریاکاری و بُخل در عاریه دادن وسایل زندگی از آثار معاد ناباوری است. ۳. انکار دین و معاد آثار زیانبار اجتماعی و فردی دارد. ۴. اگر می‌خواهید افراد را نماز خوان کنید، اعتقادات دینی و معاد باوری آنان را تقویت نمایید. ۵. سهل انگاری در نماز عواقب شومی به دنبال دارد (پس شما این گونه نباشید). ۶. مجازات الهی در انتظار ریاکاران است (پس شما ریاکاری نکنید). ۷. هر کس در وسایل کوچک زندگی بُخل ورزد، (و مردم را به زحمت اندازد) آینده‌ی شومی در انتظار اوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۳

بخش سی ام: سوره‌ی کوثر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «کوثر» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۳ آیه، ۱۰ کلمه و ۴۲ حرف است. این سوره چهاردهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «عادیات» و قبل از سوره‌ی «تکواثر») و صد و هشتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۴

فضیلت

تنها نام این سوره «کوثر» (خیر فراوان) است که از آیه‌ی اول سوره گرفته شده است. فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی کوثر را در نماز واجب و مستحب بخواند، خدا در رستخیز او را از نهر کوثر سیراب می‌کند. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسی است که سوره را بخواند و در آن تفکر و در راستای آن به سوی کوثر حرکت کند و نماز گزارد.

ویژگی

ویژگی‌ها: سوره‌ی کوثر با سه آیه، کوچک‌ترین سوره‌ی قرآن است. برخی کلمات آن مثل «کوثر»، «ابتر» و «نحر» یک بار در قرآن به کار رفته است.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، بیان نعمت‌های الهی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دل‌داری به ایشان است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره به نعمت‌های فراوانی که به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شد؛ از جمله حضرت فاطمه علیها السلام (در آیه ۱)؛
 ۲. اشاره‌ای به تداوم نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و منقطع شدن نسل دشمنان او (در آیه ۳)؛ ۳. معرفی نماز و قربانی، به عنوان
 دو راه سپاس‌گزاری از نعمت‌های الهی (در آیه ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی کوثر قرآن کریم در سوره‌ی کوثر با بیان اعطای نعمت فراوان به پیامبر صلی الله علیه و آله، به ایشان دل‌داری داده، و با اشاره به منقطع شدن دشمنان او می‌فرماید: ۱- ۳. *إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ* در حقیقت ما به تو (نیک‌ی) فراوان عطا کردیم.* پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن.* [چرا] که فقط (دشمن) کینه‌توز تو بریده‌نسل است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند: شخصی به نام «عاص بن وائل» که از سران مشرکان مکه بود، هنگام خارج شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از مسجد الحرام با ایشان ملاقات و صحبت کرد، سپس وارد مسجد الحرام شد و مشرکان از او پرسیدند باچه کسی صحبت می‌کردی؟ گفت: با این مرد ابتر! (یعنی کسی که پسر ندارد و نسل او منقطع است). سوره‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت کوثر داد و دشمنان او را منقطع خواند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو پسر به نام قاسم و طاهر (: عبدالله) از خدیجه داشت که هر دو در مکه از دنیا رفتند و ایشان بدون پسر باقی ماند. «۲» این تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۶ موضوع باعث شد تا دشمنان زبان بگشایند و آن حضرت را «ابتر» یعنی «بریده نسل» بخوانند، چراکه آنان می‌پنداشتند پسر اهمیت زیادی دارد و تداوم بخش برنامه‌ی پدر است؛ از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که پسر نداشت برنامه‌هایش تعطیل می‌شد. ۲. سوره‌ی کوثر چند خبر اساسی را اعلام کرده است که برخی، آنها را پیش‌گویی‌های اعجاز آمیز قرآن دانسته‌اند: «۱» الف) خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله خیر فراوانی هم‌چون پیروزی اسلام بر کفر، «۲» و موهبتی هم‌چون فاطمه علیها السلام می‌دهد که برنامه‌ها و نسل او را تداوم می‌بخشد. ب) دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله بریده نسل خواهند شد و برنامه‌ها و عظمت دودمان آنها باقی نخواهند ماند؛ همان‌طور که مشرکان مکه و عاص بن وائل و مانند او منقرض شدند و هیچ نامی از آنان و دودمانشان باقی نیست. ۳. «کوثر»، از ریشه‌ی «کثرت» به معنای خیر و برکت فراوان است، و به افراد سخاوتمند نیز کوثر گفته می‌شود. مفسران قرآن در مورد معنای کوثر چند احتمال داده‌اند؛ از جمله: کثرت فرزندان فاطمه علیها السلام، نه‌ری در بهشت، «۳» حوض کوثر «۴» (که مؤمنان در هنگام ورود به بهشت از آن سیراب می‌شوند). قرآن، نبوت، کثرت اصحاب و یاران، شفاعت «۵»، پیروزی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها و نیز علمای امت او «۶» که فرزندان معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام هستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۷ البته معنای کوثر وسیع است و مانعی ندارد که شامل همه‌ی این مصادیق و موارد بشود؛ هر چند با توجه به قرینه‌ی ذیل سوره (یعنی بریده نسل خواندن دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله) و شأن نزول آن، احتمال اول مناسب‌تر است. آری؛ این فاطمه علیها السلام است که خود شفاعت‌کننده‌ی امت است و فرزندان هم‌چون نه‌ری بهشتی در بین بشریت جاری شده و همگان را از حوض کوثر علوم آل محمد صلی الله علیه و آله سیراب می‌کنند و تداوم بخش نبوت و پاس‌داران قرآن‌اند و با رهبری‌شان پیروزی‌های بزرگ علمی و معنوی برای مسلمانان به وجود آورده‌اند. جنت طلبان گریب شیرین تو بینند در کام همه تلخ شود کوثر و تسنیم (جامی) ۴. در این سوره بیان شده که به شکرانه‌ی نعمت کوثر، پیامبر صلی الله علیه و آله باید نماز بگزارد و قربانی کند. البته برخی مفسران معتقدند که مقصود نماز و قربانی روز عید قربان است، ولی معنای آیه گسترده است و شامل هر گونه نماز و قربانی می‌شود. این سوره در حقیقت، آموزشی است برای همه‌ی رهبران الهی و مسلمانان تا برای ادای شکر نعمت‌های بزرگ الهی به نماز و قربانی رو آورند و پیوند خود را با خدا و خلق محکم‌تر و نیاز معنوی خویش و نیاز مادی غذایی بینوایان را برطرف سازند. ۵. «نحر» در اصل به معنای گلوگاه و نیز

«کشتن شتر» است و از آن جا که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، شتر اهمیت ویژه‌ای داشت، به مصداق کامل قربانی، یعنی کشتن شتر اشاره شده است. اما مفسران قرآن معانی دیگری نیز برای آن بیان کرده‌اند: - مقصود از «نخر» ایستادن رو به قبله در هنگام نماز است، چون یکی از معانی این واژه، روبه‌رو شدن است. - مقصود بلند کردن دست‌ها در هنگام تکبیر گفتن در نماز است؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۸ - و یا این که در هنگام رکوع، کمر انسان کاملاً صاف باشد. دو مورد اخیر در احادیث اسلامی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده است. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود و مصداق آیه باشد، ولی معنای اول با ظاهر آیه و معنای سوم با ذکر نماز قبل از نخر سازگارتر است. ۶. «ابتر» به معنای «حیوان دم بریده» است و به انسان‌هایی که نسلشان قطع شده نیز گفته شده است. به کاربردن این تعبیر در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله نوعی توهین به ایشان بود؛ از این رو خدا در مورد دشمنان او نیز از همان تعبیر استفاده کرد و آنان را دشمن کینه توزی خواند که دشمنی آنها همراه با قساوت، رذالت و بی ادبی است. ۷. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جز یک دختر باقی نماند و تمام نسل ایشان از فاطمه علیها السلام ادامه یافت و این در حالی است که آمار فرزندان فاطمه علیها السلام در آستانه‌ی قرن پانزدهم هجری قمری و قرن بیستم میلادی در جهان، بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. «۲» اما از نسل دشمنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هیچ نام و رسمی باقی نمانده است. ۸. در این سوره از دادن کوثر با لفظ «عطا» یاد شده که عظمت آن را می‌رساند و نیز از ضمیر جمع (اَنَا) و از تأکید (انَّ) عظمت نعمت کوثر استفاده می‌شود که تاکنون گوشه‌ای از آن برای ما روشن شده است. آری؛ خدا زحمات رهبران الهی را ارج می‌نهد و در عوض به آنان خیر فراوان عطا می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مستدام و خط دشمنان او منقطع است. ۲. خدا زحمات رهبران الهی را جبران می‌نماید و به آنان خیر فراوان عطا می‌کند. ۳. هر گاه خدا به شما نعمتی بزرگ داد با نماز و قربانی از او سپاس‌گزاری کنید. ۴. مخالفان اسلام، به «کوثر پیامبر» و «انقطاع دشمنانش» بنگرند (و عبرت آموزند). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۱

بخش سی و یکم: سوره‌ی کافرون

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «کافرون» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۶ آیه، ۲۶ کلمه و ۹۴ حرف است. این سوره هفدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «ماعون» و قبل از سوره‌ی «فیل») و صد و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «کافرون»، «عبادت» و «جَحْد» (انکار)، که نام اول از آیه‌ی اول سوره و نام‌های دیگر از مضمون سوره، که انکار، کفر و عبادت خداست، گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۲

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «کافرون» را بخواند گویی یک چهارم قرآن را خوانده است. «۱» شاید این بدان جهت است که حدود یک چهارم قرآن مربوط به مبارزه با شرک است و البته این ثواب برای کسی است که این سوره را بخواند و در راستای آن حرکت کند و دست ردّ بر سینه‌ی مشرکان و کافران بزند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره، اعلام توحید عبادی است.

مطالب

مطالب: ۱. اعلام بیزاری از کفر و شرک در عبادت؛ ۲. اعلام جدایی راه مسلمانان از کافران، و مأیوس کردن کافران. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی کافرون قرآن کریم در سوره‌ی کافرون با اعلام توحید عبادی اسلام، به نفی کفر و شرک می‌پردازد و می‌فرماید: ۱- ۶. قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ بگو: «ای کافران! آنچه را (شما) می‌پرستید (من) نمی‌پرستم،* و آنچه را (من) می‌پرستم شما نمی‌پرستید،* و آنچه را (شما) پرستیدید من نمی‌پرستم،* و آنچه را (من) می‌پرستم شما نمی‌پرستید؛* دین شما فقط برای شماست، و دین [من فقط برای من است.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از سران مشرکان مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: یک سال تو از آیین ما پیروی کن و بت‌های ما را پرست، و یک سال نیز ما خدای تورا می‌پرستیم، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله نپذیرفت؛ و باز اصرار کردند که حداقل برخی از بت‌های ما را لمس کن و به آنها تبرک جوی تا ما نیز تو را تأیید کنیم و خدای تو را پرستیم، ولی باز هم پیامبر صلی الله علیه و آله قبول نکرد و فرمود: «من منتظر فرمان خدا هستم.» در این هنگام سوره‌ی «کافرون» فرود آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در مسجد الحرام برای سران قریش خواند و آنان از شنیدن پیام این سوره کاملاً مأیوس شدند و به آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش پرداختند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این سوره بر توحید عبادی تأکید شده است؛ یعنی در اسلام، عبادت مخصوص خداست و انسان مسلمان باید فقط خدا را پرستد و نباید در برابر غیر خدا، کرنش و عبادت کند و معبودان دروغین هم چون بت‌ها و موجودات دیگر را پرستد، و کسی را شریک خدا در عبادت قرار دهد، که گرفتار شرک عبادی می‌شود. ۲. این آیات خبر می‌دهند که نه پیامبر صلی الله علیه و آله غیر خدا را می‌پرستد و نه مشرکان دست از بت‌ها بر می‌دارند و خدا پرست می‌شوند. آری؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دست از حق و توحید بر نمی‌دارد چون آن را با دلیل پذیرفته و حقیقت آن را دریافته است. ولی مشرکان با تقلید کورکورانه از نیاکان خود، به پرستش بت‌ها روی آورده‌اند و منافع خود را در آن می‌بینند؛ از این رو حاضر نمی‌شوند که دست از شرک بردارند و تسلیم توحید شوند. ۳. مقصود از کافرانی که هرگز مسلمان نمی‌شوند، سران مشرکان مکه هم چون عاص، امیه و مانند آنهاست که در نهایت با حالت کفر و شرک از دنیا رفتند؛ و گرنه برخی از کافران و مشرکان قریش پس از فتح مکه مسلمان شدند. «۱» ۴. کافران و مشرکان مکه، منکر خدا به عنوان آفریننده‌ی جهان نبودند، «۲» اما شرک در پرستش داشتند و معتقد بودند که باید بت‌ها را پرستید. با این اعتقاد غلط باید مبارزه می‌شد. ۵. در این جا پرسشی مطرح می‌شود که چرا سوره‌ی «کافرون» و برخی دیگر از سوره‌های قرآن با واژه‌ی «قُلْ» (بگو) آغاز می‌شود؟ درحالی که این آیات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده که برای مردم بگوید، و به طور طبیعی نباید این واژه را برای مردم حکایت کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۵ پاسخ این پرسش آن است که واژه‌ی «قُلْ» جزئی از وحی بوده، و نقل آن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله نشانه‌ی حفظ و اصالت وحی الهی است که ایشان عین کلام خدا و جبرئیل را بازگو می‌کند و حتی واژه‌ی «بگو» را هم تکرار می‌کند؛ یعنی هیچ تعبیر و تغییری در وحی رخ نمی‌دهد. البته در مورد سوره‌ی

«کافرون» نکته‌ی دیگری نیز وجود دارد و آن این که اگر واژه‌ی «قل» از اول آن حذف شود آیات بعد از نظر معنا مشکل پیدا می‌کنند؛ چون پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: من بت‌های شما را نمی‌پرستم، نه این که خدا بگوید من بت نمی‌پرستم. ۶. و پرسش دیگر این که تکرار جملات در سوره‌ی «کافرون» برای چیست؟ مفسران قرآن در این مورد چند پاسخ داده‌اند: الف) تکرار جملات برای تأکید بر نفی شرک عبادی و مأیوس کردن کامل مشرکان است، تا دیگر برای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله به شرک، اصرار نکنند و بدانند راه آنان از اسلام جداست؛ ب) هر کدام از جملات سوره‌ی «کافرون» در برابر جمله‌ای از مشرکان است که در شأن نزول بدان اشاره شد. آنان پیشنهاد کردند که یک سال تو معبودان ما را پرست، و سال بعد، ما خدای تورا می‌پرستیم؛ باز سال سوم تو معبودان ما را پرست، و سال چهارم ما خدای تورا می‌پرستیم. از این رو قرآن نیز تمام این پیشهادات را جداگانه نفی کرد. «۱» البته مانعی ندارد که این سوره اشاره به هر دو تفسیر باشد؛ زیرا هر دو معنا با هم قابل جمع است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۶. ۷. از آیین بت پرستی با عنوان «دین» یاد شده است، «دین شما ارزانی خودتان و دین ما نیز برای خودمان». مفهوم این سخن، جواز بت پرستی و تسامح و تساهل با کافران نیست بلکه نوعی تهدید و تحقیر بت پرستی است، و شاهد این مطلب آن است که قرآن با شرک و کفر در تمام ابعاد آن مبارزه می‌کند. «۱» ۸. این آیات، مرز اسلام و کفر را روشن می‌سازد و راه مسلمان را برای همیشه از کافران و مشرکان برای همیشه جدا می‌سازد. آری؛ توحید، رمز تکامل و پیوند با حق و شرک، و رمز سقوط و جدایی از حق است؛ پس این دو قابل جمع و سازش نیستند، و هر انسانی باید یکی از این دو خط را بییماید. موحد چه در پای ریزی زرش چه شمشیر هندی نهی بر سرش امید و هراسش نباشد زکس بر اینست بنیاد توحید و بس (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خط اصیل اسلامی، توحید عبادی است. ۲. راه اسلام، از شرک و کفر جداست. ۳. امیدی به مشرکان و کافران لجوج نداشته باشید که آنان توحیدگرا نخواهند شد. ۴. توحید عبادی خود را به همگان اعلام کنید و از شرک و کفر بیزاری جویند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۷

بخش سی و دوم: سوره‌ی نصر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «نَصْر» در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۳ آیه، ۱۹ کلمه و ۷۷ حرف است. این سوره صد و یکمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «حشر» و قبل از سوره‌ی «نور») و صد و دهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «نَصْر» (یاری) و «تَوْدِيع» (خدا حافظی)؛ چرا که گفته‌اند: این سوره به وفات پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۸

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «نصر» را بخواند همانند کسی است که همراه پیامبر در فتح مکه شرکت کرده است. «۱» و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده: هر کس سوره‌ی «فتح» را در نماز مستحبی یا واجب بخواند، خدا او را بر تمام دشمنانش پیروز می‌گرداند. «۲»

اهداف

اهداف: ۱. مژده‌ی پیروزی اسلام؛ ۲. یادآوری لزوم سپاس‌گزاری بعد از پیروزی.

مطالب

مطالب: ۱. اعلام این که در آینده‌ی نزدیک، مردم گروه گروه به اسلام می‌گروند (در آیه‌ی ۲)؛ ۲. فراخوان به تسبیح، حمد و استغفار، به شکرانه‌ی پیروزی (در آیه‌ی ۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۹

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی نصر قرآن کریم در سوره‌ی نصر پیروزی اسلام را بشارت می‌دهد و با دعوت به سپاس‌گزاری، در این مورد می‌فرماید: ۱-۳. إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَعِذْ بِرَبِّكَ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا می‌رسد،* و مردم را می‌بینی، در حالی که گروه گروه در دین خدا وارد می‌شوند،* پس با ستایش پروردگارت تسبیح بگویی و از او طلب آموزش کن؛ [چرا] که او بسیار توبه‌پذیر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این سوره به فتح و پیروزی بزرگی برای اسلام اشاره می‌کند، پیروزی که بعد از آن مردم گروه گروه به سوی اسلام می‌شتابند. برخی مفسران بر آن‌اند که منظور از این پیروزی، همان فتح مکه در سال هشتم هجری است که موجب تثبیت اسلام و گسترش آن در جزیره‌العرب، برچیده شدن بساط بت پرستی از مکه، ناامید شدن بت پرستان و مشرکان، گشوده شدن فصل نوینی در تاریخ اسلام و بر طرف شدن موانع گسترش اسلام و گرویدن گروه گروه کافران به اسلام شد. البته برخی مفسران نیز این فتح را اشاره به «صلح حُدیبیه» در سال ششم هجری می‌دانند؛ و برخی نیز گفته‌اند: سوره‌ی «فتح» در حج آخر پیامبر صلی الله علیه و آله در سال دهم هجری نازل شد؛ ولی با توجه به این که این سوره خبر از پیروزی مسلمانان در آینده می‌دهد، این احتمال بعید است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۰. ۲. «نَصْرُ اللَّهِ» (یاری خدا) در قرآن با مضامین مختلف تکرار شده است؛ «۱» و اشاره به آن است که یاری و پیروزی با اراده‌ی خداست، یعنی مقدمات و تأمین نیرو و امکانات جنگی، وظیفه‌ی مجاهدان است؛ اما پیروزی از ناحیه‌ی خداست و او را باید سپاس‌گزاری کرد. ۳. در این سوره به پنج مرحله‌ی اساسی اشاره شده است: الف) مرحله‌ی یاری و امداد الهی نسبت به رزمندگان اسلام؛ ب) مرحله‌ی پیروزی بر دشمن، که نتیجه‌ی یاری الهی است؛ ج) گسترش اسلام و ورود مردم به اسلام، که نتیجه‌ی پیروزی رزمندگان و بر طرف شدن موانع است؛ د) مرحله‌ی سپاس‌گزاری نعمت یاری، پیروزی و گسترش اسلام که آن با تسبیح و ستایش پروردگار حاصل می‌شود؛ ه) جلوگیری از غرور و رفع نقایص، که با توبه و طلب آموزش محقق می‌شود. ۴. مقصود از «تسبیح»، منزّه شمردن خدا از هر گونه عیب و نقص و منظور از «حمد»، ستایش پروردگار برای صفات کمال اوست، که هر چه عیب و نقص است از انسان و محدودیت‌های اوست، و هر چه نعمت و نیکی است از خداست. آری؛ از دست و زبان که برآید کز عهده‌ی شکرش به در آید (سعدی) ۵. بعد از هر پیروزی ممکن است رزمندگان دچار غفلت و غرور شوند یا حس انتقام‌جویی بر آنان غلبه کند؛ از این رو پس از پیروزی، باید طلب آموزش و استغفار کنند، یعنی حرکت و پیروزی خود را آسیب‌شناسی و اشکالات خود را یادآوری و توبه و استغفار کنند تا خدا آنها را بیامزد و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۱ گرفتار غفلت و غرور و انتقام‌جویی نشوند. ۶. این جا این پرسش مطرح می‌شود با این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معصوم بود، چرا خدا به او دستور استغفار می‌دهد؟ مفسران به این پرسش چند پاسخ داده‌اند: الف) انسان هر اندازه شکر و تسبیح و ستایش خدا را به جا آورد باز هم باید به درگاه خدا رو آورد و عذر تقصیر بخواهد، چون نمی‌تواند حق شکر او را به جا آورد؛ و این طلب آموزش پیامبر صلی الله علیه و آله بدین جهت بود. ب) بعد از هر پیروزی ممکن است برخی افراد، تندروری و انتقام‌جویی کنند؛ از این رو آنها برای جلوگیری از چنین حالتی باید به یاد خدا باشند و استغفار کنند. ج) این سوره، به نوعی اعلام پیروزی

اسلام، پایان مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله و اشاره‌ای به فوت ایشان است؛ از این رو مناسب بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان عمر به تسبیح، حمد و استغفار روی آورد. (د) خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور استغفار می‌دهد تا مسلمانان بیاموزند؛ یعنی برخی مسلمانان ممکن است در سال‌های مبارزه، گاهی گرفتار لغزش و گمان‌های بد شده باشند و اکنون بعد از پیروزی لازم است که با توجه، خود را پاک کنند. ۷. در احادیث روایت شده: پس از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله سوره‌ی «فتح» را بر مردم خواند، همه خوشحال شدند جز عباس عموی پیامبر که گریه کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله از او علت گریه‌اش را پرسید. او گفت: گمان می‌کنم خبر رحلت شما در این سوره است! پیامبر فرمود: «همان‌گونه است که تو می‌گویی.» «۱» آری؛ این سوره اعلام پیروزی اسلام و پایان مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ بنابراین در پایان کار و قبل از مرگ باید به تسبیح و حمد و استغفار روی آورد. از این رو روایت شده: «بعد از نزول این سوره، پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار تسبیح، حمد و طلب آمرزش می‌کرد.» «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز پیروزی بزرگ اسلام و روی کرد عظیم مردم به دین فرا خواهد رسید. ۲. پیروزی شما در گرو امداد الهی است. ۳. هرگاه به پیروزی بزرگی رسیدید، سپاس گزار خدا باشید (که یاری و پیروزی شما از اوست). ۴. تسبیح و حمد، سپاس‌گزاری نعمت بزرگ پیروزی اسلام است. ۵. پس از پیروزی (غافل و مغرور نشوید، بلکه با آسیب‌شناسی گذشته‌ی خویش) طلب آمرزش کنید. ۶. خطا بخشی خدا بسیار است (پس ناامید نشوید و از او طلب آمرزش کنید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۳

بخش سی و سوم: سوره‌ی مسد

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مَسَد» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۵ آیه، ۲۰ کلمه و ۷۷ حرف است. این سوره پنجمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «مدثر» و قبل از سوره‌ی «تکویر») و صد و یازدهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «مَسَد» (ریسمانی از لیف خرما)، «تَبَّت» (زیانکار و هلاکت بار)، «لَهَب» (شعله‌ی آتش) و «ابو لهب» که نام یکی از مشرکان و دشمنان سر سخت پیامبر صلی الله علیه و آله است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۴

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «مَسَد» را بخواند، من امیدوارم که خدا او را با ابولهب در یک خانه جمع نکند (و در دوزخ هم‌نشین او نشود). «۱» البته این گونه نتایج برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند؛ یعنی از خط ابولهب‌ها و دشمنان اسلام فاصله بگیرند.

اهداف

اهداف سوره: هدف اصلی این سوره هشدار به دشمنان اسلام است که فرجام عذاب آلودی دارند.

ویژگی

ویژگی: خصوصیت سوره‌ی مَسَد آن است که برخلاف روش معمول قرآن، که از دشمنان اسلام نام نمی‌برد، در این سوره از

ابولهب به طور صریح نام برده و به او نفرین شده است؛ زیرا او از دشمنان لجوج اسلام بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را بسیار آزار می‌داد.

مطالب

مطالب: ۱. حمله‌ی شدید و نفرین به یکی از دشمنان سرسخت اسلام، یعنی ابو لهب (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. پیش‌گویی فرجام عذاب آلود و کفرآمیز ابولهب و همسرش (در آیات ۳-۵)؛ ۳. اعلام این که مال و ثروت در آخرت مایه‌ی نجات کافران نخواهد بود (در آیه‌ی ۲)؛ ۴. اشاره‌ای به سرگذشت همسر ابو لهب (در آیات ۴ و ۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مسد قرآن کریم در سوره‌ی مسد با نفرین به ابولهب، به فرجام عذاب آلود دشمنان خاص پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ابو لهب و همسرش اشاره کرده، می‌فرماید: ۱-۵. تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ * سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ * وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ * فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ زِيَانَكَارٍ وَهَلَاكُ بَارِ بَادٍ دُونَ دُونَ * وَزِيَانٌ دُونَ دُونَ * هَلَاكٌ شَدِيدٌ * ثروتش و آنچه کسب کرده بود، (عذاب را) از او دفع نکرد. * به زودی در آتشی شعله‌ور وارد می‌شود (و می‌سوزد). * و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم‌کش (دوزخ) است؛ * در گردنش ریسمانی از لیف خرما می‌تافته است. شأن نزول: حکایت شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مأموریت یافت که مردم را به طور علنی به سوی اسلام فراخواند و از این رو به بالای کوه صفا رفت و مردم را صدا زد. وقتی همگان حاضر شدند، گفت: اگر به شما خبر دهم که دشمنان از پشت این کوه قصد حمله به شما را دارند، آیا گفته‌ی مرا تأیید می‌کنید؟ همگان گفتند: (آری) ما هرگز از تو دروغی نشنیده‌ایم. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به عذاب شدید الهی هشدار داد. ابولهب که در میان آن جمع بود صدا زد: زیانکاری و هلاکت بر تو باد! آیا ما را فقط برای شنیدن همین سخن جمع کردی؟! در این هنگام سوره‌ی مسد فرود آمد و با همان تعبیری که ابولهب به کار برده بود، به او نفرین کرد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۶ و فرجام عذاب آلود ابو لهب و همسرش را بیان نمود. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. روش معمول قرآن کریم آن است که از دشمنان اسلام نام نمی‌برد، بلکه با عناوین کلی، هم‌چون کافران و منافقان از آنان یاد می‌کند. اما در این سوره نام ابو لهب برده شده و به همسرش نیز اشاره شده است. این مطلب از یک طرف به خاطر آن است که ابو لهب و همسرش بی‌ادبی و جسارت را از حد گذاراندند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را بسیار آزرده و از این رو لازم بود نام او برده شود و نفرین گردد تا درس عبرتی برای دیگران باشد. و از طرف دیگر این سوره هشدار است به همه‌ی زنان و مردانی که هم‌چون ابو لهب و همسرش هستند؛ یعنی فرجام ابو لهب صفتان را بیان می‌کند و در حقیقت صفات و روش آنها را نکوهش و نفرین می‌کند که ممکن است در هر زمان مصادیق و نمونه‌های جدیدی داشته باشد. و از سویی، نوعی آموزش به مسلمانان نیز به شمار می‌آید که به دشمنان لجوج و بددهن اسلام مرگ بگویند و هر شعاری علیه رهبران اسلام دادند شما مقابله به مثل کنید. ۲. «ابولهب» کنیه‌ی عموی پیامبر صلی الله علیه و آله است. نام او «عبدالعزی» (بنده‌ی بت عزی) است. «ابولهب» به معنای صاحب شعله‌ی آتش است و از آن جا که ابولهب تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۷ دارای صورتی سرخ و برافروخته بود، این کنیه را برای او برگزیدند. ابولهب از دشمنان سرسخت و لجوج پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام بود. او پیامبر صلی الله علیه و آله را دنبال می‌کرد و تبلیغات او را خنثی می‌نمود و به آزار جسمی و روحی او می‌پرداخت. هر جا پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به توحید فرا می‌خواند، ابولهب حاضر می‌شد و او را دیوانه می‌خواند و مردم را به شرک و بت پرستی دعوت می‌کرد و حتی به اعرابی که از خارج مکه برای دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند می‌گفت: او دیوانه‌ای است که مشغول مداوای او هستیم و از آن جا که

عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله بود سخنان او تأثیر می‌کرد و برخی بدون ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه بازمی‌گشتند. او پیمان بنی‌هاشم، برای حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله را امضا نکرد و به صف دشمنان آن حضرت پیوست. ابولهب سخنان رکیک و زنده‌ای به کار می‌برد و در آخرین سخنش به پیامبر «تبت» (۱) «: زیان و هلاکت بر او باد) گفت که قرآن نیز همین تعبیر را در مورد او به کار برد. (۲) «سنگ بد گوهر اگر کاسه‌ی زرین بشکست قیمت سنگ نینفازد و زر کم نشود (سعدی) ۳. ابولهب مرد ثروتمندی بود که در کوشش‌های ضد اسلامی خود، بر ثروتش تکیه می‌کرد، ولی قرآن به او هشدار داد که این اموال در رستاخیز نمی‌تواند عذاب الهی را از او دفع کند. ۴. ابولهب که صورتی برافروخته و آتش‌گون داشت، در رستاخیز (۳) گرفتار شعله‌های بزرگ آتش می‌شود و می‌سوزد تا عبرتی برای سرکشان و مخالفان لجوج اسلام باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۸. ۵. ابولهب پس از جنگ بدر، در اثر ضربه‌ی چوبی که یک زن به او زد بیمار شد و بدنش عفونتی هم‌چون طاعون پیدا کرد و بیرون از مکه با پرتاب سنگ در دل زمین پنهان شد. (۱) «۶. «ام جمیل» همسر ابولهب و خواهر ابوسفیان و عمه‌ی معاویه بود. او با شوهرش در ضدیت با پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام همکاری می‌کرد و گاهی خارها را به دوش می‌کشید و در راه عبور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ریخت تا او را بیازارد. احمد که سرآمد عرب بود هم خسته‌ی خار بولهب بود (نظامی) ۷. قرآن کریم همسر ابولهب را هیزم کش آتش دوزخ معرفی کرده است. این تعبیر یا به خاطر آن است که او خارها را به دوش می‌کشید و بر سر راه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ریخت، یا به خاطر آن که با سخن‌چینی، پیامبر صلی الله علیه و آله را آزار می‌داد، یا به خاطر بخل به هیزم کش فقیری تشبیه شده است، یا به دلیل آن است که او در رستاخیز بارگناهان زیادی را به دوش می‌کشد، و یا به جهت آن است که او با شوهرش در راه دشمنی با اسلام همکاری می‌کرد و بار این کار را به دوش می‌کشید. البته مانعی ندارد که آیات فوق اشاره به همه‌ی این معانی باشد، ولی معنای اول مناسب‌تر است. ۸. در این سوره بیان شده است که در رستاخیز برگردن همسر ابولهب ریسمانی از لیف خرماس است. این تعبیر کنایه از خواری او در قیامت است که طنابی خشن در جهنم برگردن او می‌نهند و یا به خاطر آن که ام‌جمیل گردبندی قیمتی داشت که سوگند یاد کرده بود آن را در راه دشمنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هزینه کند و اصولاً زنان اشرافی با گردن‌بند خود ابراز شخصیت می‌کنند؛ از این رو در رستاخیز گردن‌بندی از لیف خرما به او می‌دهند تا تحقیر شود! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۹. ۹. بسیاری از کافران پس از پیروزی اسلام، مسلمان شدند؛ ولی ابولهب و همسرش، طبق پیش‌گویی قرآن، توفیق ایمان آوردن پیدا نکردند و این مطلب را برخی از مفسران از خبرهای غیبی و اعجاز‌آمیز قرآن دانسته‌اند. (۱) «۱۰. ابولهب عمومی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود، ولی از نظر فکری و عقیدتی از او فاصله گرفت و گرفتار عذاب شد، در حالی که افرادی هم‌چون سلمان فارسی که از نظر فکری و ایمانی به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک بودند اهل آن حضرت شدند. آری؛ معیار اساسی در نزدیکی و دوری افراد به رهبران الهی، عقیده و فکر آنان است، نه خویشاوندی و نسب آنان و چه بسا نزدیکان جسمی که از پیامبر و رهبران الهی دورند! آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دشمنان اسلام مرگ بگویید و با شعارهای آنان مقابله به مثل کنید. ۲. ابولهب‌صفتان، فرجامی عذاب‌آلود دارند. ۳. در رستاخیز (که روز تنهایی و نیاز است)، ثروت کافران سودی به حالشان ندارد. ۴. زنان با دشمنان اسلام همکاری نکنید، اگر چه شوهر شما باشند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۱

بخش سی و چهارم: سوره‌ی اخلاص

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «توحید» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۴ آیه، ۱۵ کلمه و ۴۷ حرف است. این سوره، بیست و یکمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «ناس» و قبل از سوره‌ی «نجم») و صد و دوازدهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «اخلاص»، «توحید»، «الأساس»، «نسبَةُ الرَّبِّ» (شناسنامه‌ی پروردگار)، «نور»، «نجات»، «قل هو الله»، و «الصمد»، که این دو نام اخیر از آیات اول و دوم سوره گرفته شده‌اند، و نام‌های دیگر از مضامین و لوازم و صفات سوره است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۲

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که آیا کسی از شما ناتوان است که در یک شب ثلث قرآن را بخواند؟ برخی یاران پرسیدند: چه کسی می‌تواند چنین کند؟ حضرت فرمود: سوره‌ی توحید را بخوانید. (۱) از امام سجاد علیه السلام روایت شده که خدای متعال می‌دانست که در آخر الزمان اقوامی ژرف‌نگر می‌آیند، از این رو سوره‌ی «توحید» و آیات آغاز سوره‌ی «حدید» را نازل کرده و هر کس و رای آن را طلب کند هلاک می‌شود. (۲) البته روشن است که این ثواب‌ها، برای خواندن همراه با ژرف‌نگری و تفکر و حرکت در راستای توحید است.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره روشن ساختن ابعاد توحید است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به توحید ذات و صفات (در آیه‌ی ۱ و ۴)؛ ۲. بیان این که خدا مطلوب و مقصود نهایی موجودات است (در آیه‌ی ۲)؛ ۳. نفی عقاید مسیحیان و یهودیان در مورد فرزند داشتن خدا (در آیه‌ی ۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی اخلاص قرآن کریم در سوره‌ی توحید با اشاره به توحید ذات و صفات خدا می‌فرماید: ۱- ۴. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ بگو: «خدا یکتاست،* خدای همواره مقصود،* نه زائیده و نه زاده شده است؛* و هیچ کس برای او هم‌تا نبوده است.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از کافران «۱» از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند که خدا را برای آنان وصف کند و پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز سکوت کرد تا سوره‌ی اخلاص فرود آمد و خدا و صفات او را معرفی کرد. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی توحید را شناسنامه‌ی خدا دانسته‌اند؛ یعنی در این سوره خدا را با نام معرفی می‌کند و نسب او را مشخص می‌سازد که پدر و مادر و فرزندی ندارد و در جملاتی کوتاه، خدا را نسبتاً به صورت کامل معرفی می‌کند. ۲. در جهان‌بینی اسلامی خدا یکی است (توحید ذاتی) و تنها او تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۴ سرچشمه‌ی همه‌ی قدرت‌ها و خوبی‌هاست و فقط او شایسته‌ی پرستش است؛ یعنی روح توحیدی در تمام عقاید و اعمال مسلمانان جاری است و محور اصلی دین اسلام توحید است که هم‌چون روحی در کالبد دین دمیده شده است. ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که تو ام راه‌نمایی همه در گاه تو جویم، همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی (سنایی غزنوی) ۳. توحید دارای تقسیمات متعددی است: الف) براساس یک تقسیم، توحید به چهارشاخه تقسیم می‌شود: ۱.

توحید ذاتی: یعنی خدا یکی است و هیچ شریک و همتایی ندارد. ۲. توحید صفاتی: صفات خدا از ذاتش جدا نیست - همان‌طور که این صفات از هم‌دیگر جدا نیستند - بلکه همگی عین ذات‌اند. ۳. توحید افعالی: یعنی او سبب و علت اصلی هر وجود و حرکتی در جهان است. ۴. توحید عبادی: یعنی مردم باید تنها او را پرستند و غیر او شایسته‌ی پرستش نیست. البته در قرآن کریم به همه‌ی این شاخه‌ها و مراتب توحید اشاره شده «۱» اما در سوره‌ی فوق توحید ذاتی و صفاتی یادآوری شده است. ب) در تقسیم دیگری توحید به چند شاخه‌ی توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت، توحید در قانون‌گذاری، توحید در مالکیت، توحید در حاکمیت و توحید در اطاعت تقسیم می‌شود و در قرآن کریم به این شاخه‌ها و مراتب اشاره شده است. «۲» ۴. فلاسفه و متکلمان و مفسران قرآن برای توحید دلایل متعددی ارائه کرده‌اند که در این جا فقط آنها را یادآوری می‌کنیم: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۵ (الف) برهان صِرف الوجود: یعنی خدا وجود مطلق است که هیچ قید و شرط و حدّی ندارد و اگر محدودیتی پیدا کند، عدم در او راه می‌یابد و چیزی غیر از او نیست که محدودیت و عدم را بر او تحمیل کند. و دو هستی نامحدود هم تصور نمی‌شود؛ چون حتماً یکی فاقد کمالات دیگری می‌شود و محدود می‌گردد، پس فقط یک خدای نامحدود وجود دارد. ب) برهان وحدت نظام و انسجام جهان: یعنی وحدت نظام هستی و قوانین حاکم بر آن و انسجام اجزای آن، نشان می‌دهد که «یک خالق» و «یک اراده» بر آن حاکم است، پس جز خدای یکتا وجود ندارد. این برهان با پیشرفت علوم بشری هر روز روشن‌تر می‌شود. همه آفریننده‌ات بالا و پست تویی آفریننده‌ی هر چه هست جهان را بدین خوبی آراستی برون زان که یاریگری خواستی (نظامی گنجوی) ج) برهان تمناع: که ذیل آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی انبیاء بیان شد که اگر بیش از یک خدا باشد، جهان به فساد و تباهی کشیده می‌شود. د) دلیل دیگر، دعوت عمومی پیامبران الهی به سوی یک خداست؛ یعنی اگر خدای دیگری بود، پیامبری می‌فرستاد و ما را از وجود خویش آگاه می‌ساخت. ۵. سوره‌ی توحید با واژه‌ی «قُل» (بگو) شروع می‌شود. این مطلب از طرفی به وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد که اظهار مطالب توحیدی و بیان مطالب مخفی برای مردم است و از طرف دیگر به حفظ وحی و دقت در بیان آن؛ زیرا پیامبر حتی واژه‌ی «بگو» را برای ما نقل کرده است؛ یعنی هیچ‌گونه تغییر و تصرفی در وحی ننموده است. ۶. «هُوَ»، ضمیر مفرد غایب است که اشاره به ذات مقدس الهی دارد که در نهایت خفا است، و او از دسترس افکار محدود و از دید چشم‌ها و حواس بشر بیرون است، هر چند آثار او در جهان آشکار است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۶ ای برتر از خیال و قیاس و گمان و هم و ز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما هم چنان در اول وصف تو مانده‌ایم (سعدی) ۷. «اللَّهُ» اسم خاص خداست که به ذات دارای تمام کمالات اشاره می‌کند و معنای اصلی آن معبود، معشوق یا کسی است که عقل‌ها در مورد او حیران است. «۱» نام «اللَّهُ» بیش از همه‌ی نام‌های خدا و بیش از هزار بار در قرآن تکرار شده است. ۸. «اِخْد» در اصل به معنای وحدت و یکتا بودن است و اشاره به ذاتی دارد که از هر جهت بی‌نظیر و منفرد است؛ ذات، علم و قدرت او یگانه است و مانندی ندارد؛ ذات یکتایی که در ذهن و در خارج از ذهن قبول کثرت نمی‌کند. «۲» ۹. در حدیثی آمده است که در روز جنگ جَمَل، مردی از امام علی علیه السلام پرسید: آیا می‌گویی خدا واحد است؟ واحد به چه معناست؟ برخی از یاران به آن مرد حمله کردند که چرا در هنگامه‌ی جنگ چنین پرسشی می‌کنی، اما امام علی علیه السلام فرمود: او را به حال خود بگذارید؛ آنچه را او می‌خواهد، همان چیزی است که ما از این گروه دشمن می‌خواهیم! (و ما برای توحید می‌جنگیم). سپس توضیح دادند که دو معنای «واحد»، در مورد خدا صحیح نیست: یکی این که وحدت عددی باشد (یعنی خدا یکی باشد که دو داشته باشد) و دوم آن که وحدت نوعی باشد (چون خدا نوع ندارد). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۷ و دو معنای واحد در مورد خدا صحیح است: اول به معنای این که خدا در جهان شبیه ندارد و دوم آن که ذات خدا در خارج و عقل تقسیم‌پذیر نیست. «۱» ۱۰. «صَمَد» در اصل به معنای قصد است و خدا را صَمَد می‌گویند، از آن رو که مردم قصد در گاه او می‌کنند. البته برای «صمد» معانی دیگری نیز نقل شده است مانند صلابت و نیز به معنای آقا و بزرگی که دیگران برای انجام کارهای خود به سوی او می‌روند و یا به معنای

چیزی که توخالی نیست. «۲» از این رو در کلمات مفسران و احادیث معانی متعددی برای صمد بیان شده است، که معمولاً با معانی لغوی همخوان است. ۱۱. صَمَد در لغت به «چیزی که توخالی نباشد» نیز معنا شده و در حدیثی از امام حسین علیه السلام نیز همین معنا روایت شده است. در علم فیزیک نیز بیان شده که همه‌ی موجودات از اتم ساخته شده‌اند که توخالی است؛ یعنی فضای خالی بسیاری بین الکترون‌ها و هسته‌ی مرکزی اتم وجود دارد، به طوری که اگر این فاصله‌ها برداشته شود حجم اجسام بسیار کوچک می‌شود. از این رو برخی افراد نوشته‌اند که این آیه اشاره به نفی جسمانیت از خداست؛ یعنی همه‌ی موجودات از اتم‌های توخالی تشکیل شده‌اند اما خدا هم چون اتم، جسم توخالی نیست. «۳» ۱۲. برخی یهودیان معتقد بودند که عزیر پسر خداست و غالب مسیحیان نیز معتقدند که عیسی پسر خداست و مشرکان عرب نیز فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند، ولی قرآن کریم در این سوره، همه‌ی این عقاید خرافی را نفی می‌کند و اعلام می‌کند که خدا نه زاییده شده و نه تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۸ می‌زاید و فرزندی ندارد. ۱۳. از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمودند: مقصود از «لم یلد ولم یولد» آن است که خدا برتر از آن است که چیز لطیف، مانند نفس و عوارض گوناگون آن، مانند خواب و خیال و اندوه و خوشحالی و خنده و گریه و گرسنگی و سیری، از او خارج شود و نیز برتر از آن است که از چیز مادی و لطیف متولد گردد. «۱» البته این حدیث اشاره به بطن آیه دارد؛ یعنی معنای «تولد» را گسترش داده، تا هرگونه خروج و نتیجه‌گیری چیزی از چیز دیگر را شامل شود. ۱۴. «کُفُو» به معنای هم‌تراز در مقام و منزلت است و به هرگونه چیز شبیه و همانندی گفته می‌شود؛ یعنی خدا همانندی ندارد تا با او هم‌تراز گردد و شبیهی ندارد تا با او مساوی باشد. این آیه تمام عوارض و صفات مخلوقات و هرگونه نقص و محدودیت را از او نفی می‌کند و این همان توحید ذاتی و صفاتی است. نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (سنایی غزنوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیام توحیدی اسلام را اعلام کنید. ۲. هستی، آهنگ خدا کرده است. ۳. دنبال حسب و نسب خدا نگردید که او تنهاست. ۴. خدا را به یکتایی و بی‌همانندی بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۹

بخش سی و پنجم: سوره‌ی فلق

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «فلق» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۵ آیه، ۲۳ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۰ کلمه و ۷۴ حرف است. این سوره نوزدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «فیل» و قبل از سوره‌ی «ناس») و صد و سیزدهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «فلق» (شکافتن سپیده دم) است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که همانند سوره‌ی فلق و ناس بر ایشان نازل نشده است. «۱» و نیز از آن حضرت روایت شده که به برخی یاران خود فرمودند: هرگاه بر می‌خیزی و می‌خوابی این دو سوره (فلق و ناس) را بخوان. «۲»

اهداف

اهداف: هدف اصلی سوره، آموزش پناهندگی به خدا، از شر موجودات شرور است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به عظمت سپیده دم و آفرینش آن (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. بیان منابع شرّ و فساد در جهان (در آیات ۲-۵)؛ ۳. یادآوری خطر مهاجمین شب (در آیه‌ی ۳)؛ ۴. بیان خطر وسوسه‌گران (در آیه‌ی ۴)؛ ۵. یادآوری خطر حسد و رشک‌ورزی (در آیه‌ی ۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی فلق قرآن کریم در سوره‌ی فلق با آموزش پناهندگی به خدا، به منابع شرّ و فساد جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ بگو: «پناه می‌برم به پروردگار بامداد،* از بدی آنچه آفریده است،* و از بدی نهایت تاریکی (شب)، هنگامی که فرارسد،* و از بدی (زنان افسونگر) دمنده در گره‌ها (و پیوندها و قرارها)،* و از بدی حسود هنگامی که رشک ورزد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این سوره نیز با «قل» شروع می‌شود و از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواهد که این مطالب را برای مردم بازگو کند. این بیان از طرفی اشاره به حفظ کامل وحی و عدم دخالت پیامبر صلی الله علیه و آله در کلمات دارد و از طرف دیگر آموزشی به مردم است که از شرّ موجودات شرور به خدا پناه ببرید و این جملات را بگویید. ۲. «فَلَقَ» به معنای شکافتن چیزی است و از آن جا که در هنگام سپیده دم، دل تاریکی شب شکافته می‌شود و نور بامداد می‌دمد، به آن فَلَقَ گفته می‌شود و نیز به موجودات زنده و یا همه‌ی موجودات فَلَقَ گفته می‌شود؛ چرا که گویا با شکافتن پرده‌ی عدم به وجود می‌آیند. آری؛ پروردگار سپیده دم یا پروردگار موجودات، مدبّر جهان است که باید در هنگام خطرها به او پناه ببریم. ۳. چرا خدا موجودات را شرّ آفریده است که باید از آنها به خدا پناه برد؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۲ آفرینش ایجاد است و ایجاد موجودات خیر است، پس اگر شرّی به وجود می‌آید لازمه‌ی محدودیت‌ها، نقص‌ها و انحراف موجودات از قوانین آفرینش است. یعنی چاقوی برنده اگر در جای مناسب مصرف شود نیکوست، اما اگر در جای نامناسب و برای کشتن مردم استفاده شود شرّ است. ۴. مقصود از شرّ فرارسیدن نهایت تاریکی شب آن است «۱» که موجودات مزاحم یا افراد مهاجم بیش‌تر در شب وجود دارند و از تاریکی آن برای حمله استفاده می‌کنند و شب را هم‌چون حفره‌ای زیانبار، کمینگاه خود قرار می‌دهند. البته این آیه می‌تواند اشاره به ظلمت‌های جهل و کفر و فریب نیز باشد، که هرگاه جهان را فراگیرد خطری عظیم برای بشریت است. ۵. مقصود از کسانی که در گره‌ها می‌دمنند، چه کسانی هستند؟ مفسران در این مورد چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) منظور زنان وسوسه‌گری هستند که پی‌درپی در گوش مردان مطالبی را می‌خوانند تا عزم آنها را سست کنند و از کارهای مثبت بازشان دارند، همان‌طور که در طول تاریخ، این زنان وسوسه‌گر، با سحر بیان خود حوادث مرگباری را آفریده و آتش برخی جنگ‌ها را شعله‌ور ساخته‌اند. «۲» ب) منظور، افراد شروری هستند که با وسوسه‌ها و تبلیغات خود تصمیم‌ها را سست می‌سازند. ج) مقصود آیه، زنان جادوگری هستند که در گره‌ها می‌دمنند و سحر می‌کنند. «۳» البته بعید نیست که آیه‌ی فوق، معنای وسیعی داشته باشد که همه‌ی این موارد از مصادیق آن باشد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۳. ۶. در این سوره یکی از منابع شرّ را رشک حسودان معرفی می‌کند که آن‌قدر خطرناک است که انسان باید از آنها به خدا پناه برد. عوامل «حسد»، ضعف ایمان، تنگ نظری و بخل انسان است. و حسد سرچشمه‌ی برخی گناهان کبیره می‌شود و حتی ریشه‌ی اولین قتل در تاریخ بشر و سرچشمه‌ی کشته شدن هابیل، حسد بود و همین حسد مانع رشد و کمال بشر و مانع راه پیامبران بود. یوسفان از رشک زشتان مخفی‌اند کز عدو خوبان در آتش می‌زیند یوسفان از مکر اخوان در چه‌اند کز حسد یوسف به گرگان می‌دهند (مولوی) ۷. از امام باقر علیه السلام روایت شده که آفت دین، رشک‌ورزی، خود بزرگ بینی و

فخر فروشی است. «۱» ۸. «حسد» به معنای آن است که انسان آرزو کند که نعمت‌های دیگران نابود شود، ولی «غیظه» آن است که انسان آرزو کند نعمتی هم‌چون نعمت دیگران داشته باشد، بدون آن که آرزوی نابودی نعمت دیگران را بکند؛ از این رو گفته شده که غبطه خوب است اما حسد ناپسند است. ۹. اگر حسد در درون کسی موجود باشد، ولی آن را آشکار نسازد و به صحنه‌ی زندگی وارد نکند و تأثیری در رفتار و موضع‌گیری‌های او نداشته باشد، این گونه حسد، خطری برای دیگران ندارد هر چند صفای دل را از بین می‌برد. اما اگر حسد به مرحله‌ی عمل و زندگی وارد شود، خطرناک است و باید از آن به خدا پناه برد و آیه‌ی فوق به این مرحله اشاره دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام خطر، پناهگاه شما خداست. ۲. موجودات، دارای دو بعد خیر و شر هستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۴. ۳. ظلمت، وسوسه‌گری و رشک‌ورزی از مظاهر و منابع شرور هستند. ۴. مواظب خطر ظلمت جهانی و تبلیغات سو و رشک‌ورزی‌ها باشید. ۵. رهبران الهی خود را در معرض خطرهای شبانه و وسوسه‌گران و حسودان قرار ندهند. ۶. مراقب زنان افسونگر باشید. ۷. حسادت خود را ابراز نکنید که خطرآفرین است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۵

بخش سی و ششم: سوره‌ی ناس

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «ناس» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۶ آیه، ۲۰ کلمه و ۷۹ حرف است. این سوره بیستمین سوره در ترتیب نزول (پس از سوره‌ی «فلق» و قبل از سوره‌ی «اخلاص») و صد و چهاردهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «ناس» (مردم) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. این واژه سه مرتبه در این سوره تکرار شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۶

فضیلت

فضیلت: از امام باقر صلی الله علیه و آله روایت شده است که هر کس سوره‌های «فلق»، «ناس» و «اخلاص» را در رکعت آخر نماز شب بخواند، به او بشارت داده می‌شود که خدا نماز تو را قبول کرده است. «۱» البته روشن است که این آثار برای کسانی است که این سوره‌ها را بخوانند و در آنها تفکر و در راستای محتوای آنها حرکت کنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره، آموزش پناهندگی به خدا از شر شیطان‌صفتان است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره به سه صفت ربوبیت، حاکمیت و معبود بودن خدا (در آیات ۱-۳)؛ ۲. هشدار در مورد وسوسه‌گری شیطان‌ها (در آیات ۴-۶)؛ ۳. یادآوری این که شیطان‌صفت‌ها ممکن است از جنس جن یا انسان باشند (در آیه‌ی ۶). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی ناس قرآن کریم در سوره‌ی ناس با اشاره به صفات خدا، به خطر شیطان‌صفتان و سوسه‌گر و لزوم پناهندگی به خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۱- ۶. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ بگو: «پناه می‌برم به پروردگار مردم،* (همان) فرمانروای مردم،* (همان) معبود مردم،* از بدی و سوسه‌گر بسیار پنهان شونده،* که در سینه‌های مردم و سوسه می‌کند،* در حالی که از جن و (یا از) مردم است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این سوره نیز با «قُلْ» (بگو) شروع شده که از طرفی اشاره به آن دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله وحی الهی را به طور کامل به دست بشر رسانده و هیچ دخالتی در کلمات آن نداشته است و از طرف دیگر آموزشی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم است که از شر شیطان‌صفتان و سوسه‌گر به خدا پناه ببرند. ۲. در این سوره به سه صفت خدا اشاره شده است: الف) رُبُوبیت و پروردگاری خدا، یعنی خدا مردم را آفریده و تحت تربیت خود قرار داده است؛ ب) حاکمیت و مالکیت خدا، یعنی خدا مالک حقیقی همه‌ی انسان‌هاست و مالکیت و حکومت دیگران اعتباری و قرار دادی است؛ ج) معبود بودن خدا، یعنی همه‌ی انسان‌ها او را می‌پرستند؛ زیرا غیر از او شایسته‌ی پرستش نیست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۸. ۳. پناه بردن به خدا گاهی با کلمات و زبان، گاهی در مرحله‌ی فکر و عقیده و گاهی در مرحله‌ی عمل و زندگی است؛ یعنی انسان از راه‌های شیطانی و سوسه‌ها دوری گزیند و خود را تحت تربیت الهی قرار دهد و از عبادت غیر او بپرهیزد و با پرستش خدا به کمال برسد و فقط خدا را حاکم و مالک حقیقی جهان بداند و از او فرمان برد. آری؛ پناهندگی به خدا در همه‌ی مراتب زبانی، فکری و عملی مطلوب است؛ و اشاره به این سه صفت خدا، سه درس مهم تربیتی و سه وسیله‌ی نجات از سوسه‌گران است. ۴. «وسواس»، در اصل به معنای صدای آهسته‌ای است که از به هم خوردن زینت‌آلات برمی‌خیزد «۱» و به هر صدای آهسته‌ی و سوسه‌گری گفته می‌شود که آثار نامطلوبی در جان و فکر بشر می‌گذارد و در این جا مقصود و سوسه‌گرانی هستند که خود را پنهان کرده‌اند «۲» و برنامه‌های خود را با مخفی‌کاری می‌آمیزند و در گوش انسان‌ها و سوسه می‌کنند. ۵. این سوره نوعی هشدار و اعلام خطر به انسان‌هاست که شیطان‌صفتان مخفی‌کار و سوسه‌گرند؛ و باطل را حق جلوه می‌دهند و نیرنگ‌کاری و ظاهرسازی می‌کنند؛ پس منتظر نباشید که شیطان‌صفتان را در چهره‌ی اصلی ببینید؛ آنان گاهی به صورت انسان‌ها و گاهی به صورت جنیان هستند. ۶. مقصود از سوسه کردن در سینه‌ها چیست؟ این تعبیر اشاره دارد که شیطان‌ها و شیطان‌صفتان افکار پلید خود را به ذهن انسان‌ها القا می‌کنند و کم‌کم آنان را منحرف می‌سازند و به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۹ سوی گناه می‌کشانند. امام خمینی رحمه الله در مورد و سوسه‌های شیطان می‌گوید: همان شیطانی که اغوا می‌کند (: فریب می‌دهد) آدم را، اکثر اغوائتاش این است که انسان را بازی می‌دهد، و سوسه می‌کند در انسان، و سوسه‌های دامنه‌دار، از همه طرف و سوسه می‌کند که تو حالا- صاحب قدرت هستی، تو صاحب کذا هستی، دیگران چه کاره‌اند؟ ... «۱» ۷. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هیچ مؤمنی نیست مگر آن که برای دل او دو گوش است: گوش‌ی که فرشته در آن می‌دمد (و الهام می‌کند)؛ و گوش‌ی که (شیطان‌صفتان) و سوسه‌گر پنهان‌کار در آن می‌دمند (و مطالب خود را القا می‌کنند) و خدا مؤمن را به وسیله‌ی فرشته تأیید می‌کند؛ و این است معنای آیه‌ای که می‌فرماید: خدا با روح خود او را تأیید کرد. «۲» ۸. از سوره‌ی ناس و حدیث فوق استفاده می‌شود که انسان در معرض الهامات رحمانی فرشتگان و القانات شیطانی است و این انسان است که می‌تواند به هر کدام از این دو ندا گوش دهد و راه خیر یا شر را انتخاب کند. ۹. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رهبر امت اسلام و معصوم بود و احتمال نداشت که از شیطان فریب بخورد و منحرف گردد، ولی خدا به او دستور می‌دهد که از شر انسان‌ها و جنیان و سوسه‌گر پنهان‌کار، به خدا پناه ببرد. این مطلب اشاره به آن است که رهبران بیش‌تر در معرض خطرند؛ و آموزه‌ای برای همه‌ی مردم است که از خطر شیطان‌صفتان مصون نیستند، پس باید به خدا پناه ببرند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا، پناهگاه شما در برابر خطر شیطان‌صفتان است. ۲. در هنگام و سوسه‌های

شیطان صفتان، به یاد پرورشگر، حاکم و معبود خود باشید. ۳. شیطان صفتان، افرادی وسوسه گر و پنهان کارند (پس خطر آنها دو چندان است). ۴. راه ورود شیطان صفتان، دل و ذهن شماسست، پس مراقب افکار خود باشید. ۵. شیطان صفتان را فقط در میان جنیان جست‌وجو نکنید، چه بسا از جنس خود شما باشند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۱ خطرهای شیطان ۱. شیطان دشمن آشکار شماسست (یوسف، ۵ و اعراف، ۲۲)؛ ۲. شیطان دوست بدی است (نساء، ۳۸)؛ ۳. شیطان آدم و حوا را فریب داد و از بهشت خارج ساخت (بقره، ۳۶ و اعراف، ۲۷)؛ ۴. او شما را به سوی کارهای زشت و ناپسند فرا می‌خواند (بقره، ۲۶۸ و نور، ۲۱)؛ ۵. رباخواری کاری شیطانی است (بقره، ۲۷۵)؛ ۶. برخی کارهای ما زمینه‌ساز لغزش‌های شیطانی است (آل عمران، ۱۵۵)؛ ۷. شیطان دوستان خود را می‌ترساند (آل عمران، ۱۷۵)؛ ۸. شیطان می‌خواهد شما را گمراه سازد (نساء، ۶۰)؛ ۹. دوستان شیطان گرفتار زیانکاری می‌شوند (نساء، ۱۱۹)؛ ۱۰. شیطان فریبکارانه وعده می‌دهد و آرزواندیشی انسان را تقویت می‌کند (نساء، ۱۲۰)؛ ۱۱. شراب‌خواری و قماربازی از وسایل شیطانی است که با آنها بین مردم بذر کینه و دشمنی می‌پاشند (مائده، ۹۰ و ۹۱)؛ ۱۲. شیطان برخی چیزها را برای انسان زینت می‌دهد (انعام، ۴۳ و انفال، ۴۸)؛ ۱۳. شیطان یکی از عوامل فراموشی انسان و یاد خداست (یوسف، ۴۲ و مجادله، ۱۹)؛ ۱۴. شیطان وسوسه گر است (طه، ۱۲۰ و ناس، ۱۵)؛ ۱۵. شیطان مایه‌ی خواری انسان می‌شود (فرقان، ۲۹)؛ ۱۶. شیطان مانع راه خدا می‌شود (نمل، ۲۴)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۲ ۱۷. شیطان انسان را به سوی آتش فرا می‌خواند (لقمان، ۲۱)؛ ۱۸. سخن درگوشی و نجوی عملی شیطانی است (مجادله، ۱۰)؛ ۱۹. شیطان، انسان را به سوی کفر فرامی‌خواند (حشر، ۱۶)؛ ۲۰. اسرافکاران برادران شیطانند (اسراء، ۲۷). راهکارهای مقابله با شیطان ۱. از گام‌های شیطان پیروی نکنید (بقره، ۲۰۸)؛ ۲. از شر شیطان به خدا پناه ببرید (آل عمران، ۳۶؛ اعراف، ۲۰۰ و ناس، ۳)؛ ۳. دوستان شیطان را بکشید (نساء، ۷۶)؛ ۴. در هنگام قرائت قرآن از شر شیطان به خدا پناه ببرید (نحل، ۹۸)؛ ۵. شیطان پرستی نکنید (یس، ۶۰ و مریم، ۴۴)؛ ۶. دشمن شیطان باشید (فاطر، ۶)

«۱». تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۳ بسمه تعالی با توفیق الهی این تفسیر و ترجمه در فروردین ۱۳۷۸ ش مطابق با ۱۸ ذی الحجه ۱۴۲۰ روز عید غدیر شروع شد و در تاریخ ۸ / ۹ / ۱۳۸۱ مطابق ۲۳ رمضان ۱۴۲۳ ترجمه‌ی آن پایان یافت. و نگارش اول تفسیر در تاریخ ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۸۱ در آستانه‌ی تولد امام رضا علیه السلام با یاری اساتید ارجمند حوزه و دانشگاه آقایان: محسن اسماعیلی، محمد امینی، حسین شیرافکن، محسن ملا- کاظمی، شهید غلامعلی همائی و نیک‌زاد و با همکاری آقایان: نعمت‌الله صباغی و نصرالله سلیمانی و ویرایش آقای محمد جواد شریفی و سرکار حمیده خانم انصاری و تایپ و صفحه آرایی آقایان: رحمتی، اکبر جعفری و محمد رضایی و با حمایت و تشویق حجج اسلام دکتر حسن علی اکبری، دکتر قمی، دکتر ابراهیم کلانتری و آقای شریف زاده به پایان رسید. الهی تو را سپاس می‌گویم که توفیق بزرگی به ما عنایت کردی و از شروع تا پایان کار همیشه همراه، امدادگر و هدایتگر ما بودی! الهی در این ترجمه و تفسیر، ما تلاش نمودیم تا از حق منحرف نشویم ولی ممکن است لغزش‌های ناخواسته داشته باشیم، آنها را بر ما ببخشای و توفیق اصلاح آنها را در بازنگری عنایت فرما! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۴ الهی ما را از خادمان قرآن و اهل بیت علیهم السلام قرارده و به این ترجمه و تفسیر، برکت عنایت فرما! الهی به همه‌ی همکاران ما و کسانی که در مراحل مختلف شکل‌گیری و چاپ و نشر این اثر یاور ما بودند پاداش بزرگی از نزد خودت عنایت فرما! الهی خانواده‌ی ما را که با بردباری یاری‌گر ما شدند، از خادمان قرآن قرار بده! الهی ثواب این ترجمه و تفسیر را به روح پدرم که مشوق و حمایت‌گر من در تحصیل علم بودند و به روح شهید همائی و همه‌ی شهدای اسلام و انقلاب اسلامی برسان! «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا بِحَسَنِ قَبُولٍ» و «وَأَخِرُ دَعْوَانَا الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» «وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» محمد علی رضایی اصفهانی ۲۳ / ۱ / ۱۳۸۸ ش - قم تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۵

- منابع «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲.
- آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبه‌الدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا. ۸. الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود، دارالکتب، العلمیة، بیروت، الاولی، ۱۴۱۵ ه. ق. ۹. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیة، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۱۰. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۶. ۱۲. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۳. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۴. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۵. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۶. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۷. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۸. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۰. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۱. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیة (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۲. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۳. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۴. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۴ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۷. ۲۵. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۶. تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۷. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، موسسه التمهید، قم، الطبعة الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۸. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسه الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۹. تفسیر المنیر، وهبة بن مصطفى زحیلی، دارالفکر المعاصر، بیروت، دمشق، اول، ۱۴۱۸ ه. ق. ۳۰. التفسیر لکتاب الله المنیر، محمد الکریمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۳۱. التفسیر والمفسرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۳۲. التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۳. تفسیر الوسیط، وهبة بن مصطفى زحیلی، دارالفکر المعاصر، بیروت، دمشق، اول، ۱۴۲۲ ه. ق. ۳۴. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۵. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۶. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۷. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانہ، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی تا. ۳۸. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مكتبة النینوی الحدیثه، تهران، بی نو، بی تا. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۸. ۳۹. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۴۰. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۴۱. الدر المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۴۲. الرسالة الذهیبیة (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۴۳. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، دار المعرفه، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۴. الصحیفه السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۵. الصراط المستقیم الی ستحقى التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۶. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۷. الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۸. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۹. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۳۰ هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۵۰. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۵۱. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبه الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۵۲. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، تهران، کتابفروشی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۹ اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۵۳. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۴. اهل البيت فی الكتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۵. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۶. بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۷. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۸. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۶۰. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۶۱. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۶۲. تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۳. تحریر الوسیله، روح الله موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، چاپ دوم. ۶۴. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۰ ۶۵. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۶. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۷. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۸. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۹. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۷۰. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۷۱. تفسیر الثبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۷۲. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۷۳. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبه الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۴. تفسیر الجواهر فی

تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۵. تفسیر الحبري، ابو عبدالله الكوفي الحسين بن الحكم بن مسلم الحبري، (م ۲۸۶) بیروت، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۶. تفسیر العياشي، محمد بن مسعود ابن عياش السلمی قندی المعروف بالعياشي، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۷. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۱ تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۸. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعه و النشر و التوزيع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۹. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۸۰. تفسیر القرآن الکریم، صدر المتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدين شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۱. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۸۲. تفسیر المعین، مولی نورالدين محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، بی تا، ۳ جلدی. ۸۳. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه، الطبعة الثانية. ۸۴. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم. ۸۵. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسين بن ابی جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۶. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۷. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۸. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنازیدی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۹. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۲ سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۹۰. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۹۱. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۹۲. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۹۳. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۴. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۵. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۶. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجّه بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۷. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامی، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۸. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۹. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد تقی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، ۵ جلدی. ۱۰۰. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۱۰۱. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۳ ۱۰۲. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۱۰۳. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدين محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۴. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۵. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه ای امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۶. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸

جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۷. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می‌باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۸. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۹. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۱۰. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۱۱. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۱۳. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفة، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۴ ۱۱۴. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۵. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۶. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۷. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۸. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی) - م ۱۴۰۴ ق (تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۹. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۲۰. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۲۱. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۲۲. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۲۳. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۴. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۵. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۵ ۱۲۶. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۷. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۸. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرة المعارف اسلامی، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۹. تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف (مجموعه ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۳۰. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی‌نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۳۱. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۳۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۳۳. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۴. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، مرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۵. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح الله خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۶. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۷. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۸. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۹. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبه الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۴۰. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۶

مؤسسه علوم القرآن، دمشق، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفطی بی تا، تهران. ۱۴۱. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۴۲. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود آلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۴۳. روح عرفانی روح الله، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۴. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۵. روش شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۶. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۷. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤذّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۸. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید الله، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۹. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۵۰. سیره ابن هشام (السیره النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المكتبة العربیة، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۱. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۵۲. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۵۳. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عیدالله قضی، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۷ تحقیق: محمداقرا محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۴. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۵. صحیفه نور، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۶. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمة للطباعة و النشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۷. عدّه الداعی، ابن فهد حلّی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلّی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۸. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبه الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۹. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۶۰. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۶۱. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۶۲. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۶۳. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسن) سعید، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۵. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۶. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۵۲ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۸. ۱۶۷. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۸. قرآن ناطق، بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۹. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، بی‌تا. ۱۷۰. قرب الاسناد، حمیری عبدالله بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۷۱. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسن) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۷۲. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۷۳. کشف الغمّة فی معرفه الائمه علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۴. کفایه الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۵. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۶. کنزالفوائد، کراچکی،

ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۷. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۸. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۹. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۸۰. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۸۱. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۸۲. مشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشیدالدین تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۹ محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۸۳. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل‌البیت، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۵. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه‌الله علی، بی‌تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۶. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۷. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۸. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۹. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۹۰. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی‌الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۹۱. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۹۲. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۹۳. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۴. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۵. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۳۰ تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۶. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۷. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۸. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۹. جهان دانش، فرهنگ دانستیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۲۰۰. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۷۷ ش. ۲۰۱. دانش عصر فضا، نوری، آیه‌الله حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۲۰۲. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجره، قم (نسخه صبحی صالح). ۲۰۳. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۴. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۵. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر

اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاء الله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که

لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی، بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

